



امیر آزادی  
دانشگاه  
ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان

صاحب امتیاز: دکтор محمدجواد زارعان

دبیر اجرایی: امیر عرفانی نژاد

سردییر: دکtor محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۳۹

پست الکترونیکی: [pajooohesh.ueae@gmail.com](mailto:pajooohesh.ueae@gmail.com)

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: [journals.ueae.ir](http://journals.ueae.ir)

کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

## اعضای هیأت تحریریه

حجۃ الاسلام و المسلمین دکتور محمد رضا احمدی  
دکتر هادی بهرامی احسان

دانشگاه تهران

حجۃ الاسلام و المسلمین دکتور محمد جواد زارعان  
آیت الله سید محمد غروی راد

دانشگاه بقیة الله

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجۃ الاسلام و المسلمین دکتور محمد کاویانی آرانی

دانشگاه بقیة الله

حجۃ الاسلام و المسلمین دکتور رحیم نارویی نصرتی

دانشگاه حوزه و دانشگاه

حجۃ الاسلام و المسلمین دکتور محمود نوذری

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۲۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹ درجه علمی دوفصلنامه  
از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع‌رسانی SID Noormags Magiran و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.



## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

### مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شنختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شنختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

### نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردي؛

### ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر / پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اشاره از نقطه (.) استفاده شود.

**نکته:** تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نامخانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، عنوان کتاب، شماره جلد، نام و نامخانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نامخانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نامخانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان پایان‌نامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «نام گزارش».

۵. اینترنت: نامخانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

## نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلًا در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق سامانه مجله به نشانی <http://journals.ueae.ir> ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

## ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.
- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

## فهرست مطالب

موضع روان‌شناسی اسلامی، چالش‌ها و افق‌های پیش رو..... ۷.....	رحیم ناروئی نصرتی
مدل مفهومی خطاهاي شناختي در آموزه‌های قرآن کریم..... ۳۳.....	میلاد شماخته، محمدرضا احمدی محمدآبادی
اثربخشی آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی..... ۵۳.....	محمد رضا حاتمی
ساخت، اعتباریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی..... ۶۵.....	احمد امیدی
طراحی بسته آموزشی روان‌شناختی در تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان و بررسی روایی آن ..... ۸۵.....	محسن مطلبی کربکنندی، نجیب‌الله نوری
تدوین مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی..... ۱۱۱.....	نوید خاکبازان، علی ابوترابی، حمید رفیعی هنر
طراحی بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی و امکان‌سنجی در افزایش بهزیستی روانی... ۱۴۳.....	محمد قبری، محمدرضا جهانگیرزاده، محمد فرهوش
اثربخشی برنامه مشاوره معنویت درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپندازه تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تک والد..... ۱۶۳.....	رضا شیبانی‌فر، سهیل هاشمی، سجاد قاسمی، زینب امیدواری
شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با تأکید بر منابع اسلامی..... ۱۸۱.....	فائزه سادات موسوی، هادی حسین‌خانی، عبدالاحد اسلامی
پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب‌آوری ..... ۲۰۵.....	سعید عبادی، حسن تقیان، زهرا قمری دوزنده
پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی ..... ۲۱۷.....	فاطمه شیرچی، جعفر هوشیاری
پیش‌بینی جهت‌گیری دینی چرخشی بر پایه الگوی ارتباطات خانواده با نقش میانجیگر کمال‌گرایی ... ۲۳۹.....	مجید هزاری، ناصر آقابابائی، امیرعلی مازندرانی



## موضوع روان‌شناسی اسلامی، چالش‌ها و افق‌های پیش رو

### The Subject Matter of Islamic Psychology, Its Challenges and Its Future Horizons

رحیم ناروئی نصرتی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

Rahim Naroui Nosrati / Associate Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran  
rnarooei@yahoo.com

#### Abstract

The aim of this research is to investigate and introduce the subject matter of Islamic psychology, its challenges and its future horizons. For this purpose, using a descriptive-analytical method, it was referred to the original and first-class psychological sources that have addressed the subject of psychology in each approach. The subject matter was extracted from the approaches or owners of the schools of psychology. Then, they were examined and briefly criticized according to four criteria: psychological orientation, comprehensiveness, having a cohesive element, and alignment with goals of psychology. In the second step, the activities carried out in the field of Islamic psychology, were referred to and suggested subject matters for Islamic psychology were discovered and examined and criticized based on the four previous criteria. Finally, by referring to first-hand Islamic sources such as the works of Mulla Sadra, Shifa'a Bu Ali, the works of Allamah Misbah Yazdi, and books written about the foundations of Islamic psychology from a psychological perspective, the subject matter of Islamic psychology

#### چکیده

هدف این پژوهش بررسی و معرفی موضوع روان‌شناسی اسلامی، چالش‌ها و افق‌های پیش رو است. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا به منابع اصیل و دسته‌اول روان‌شناسی که به موضوع روان‌شناسی در هر رویکرد پرداخته‌اند، مراجعه شد. موضوع از رویکردها یا صاحبان مکاتب روان‌شناسی استخراج گردید؛ سپس طبق چهار معیار جهت‌گیری روان‌شناسی، جامعیت، برخورداری از عنصر انسجام‌بخش و همسویی با اهداف بررسی و به اختصار نقد گردید. در گام دوم به فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی اسلامی مراجعه و موضوعات پیشنهادی برای روان‌شناسی اسلامی کشف و بر اساس چهار معیار پیشین بررسی و نقد گردید. در نهایت با رجوع به منابع دست اول اندیشمندان مسلمان مانند اسفرار ملاصدرا، شفای عولى، آثار علامه مصباح بیزدی و کتاب‌های نوشته شده درباره مبانی روان‌شناسی اسلامی با نگاهی روان‌شناسی، موضوع روان‌شناسی اسلامی استخراج و با عنوان «سازمان یافتنگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها، کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها» به عنوان موضوع منتخب برای روان‌شناسی اسلامی معرفی گردید.

was extracted and introduced under the title "Organizations, Developments, States, and Actions of the Mind and Their Underlying Processes." as the selected subject matter for Islamic psychology.

**Key words:** subject matter, subject of Islamic Psychology, organization, developments, States, action, underlying process, mind.

**کلیدواژه‌ها:** موضوع، موضوع روان‌شناسی اسلامی، سازمان یافتنگی، دیگرگونی، حالت، کنش، فرایند زیرین.

## مقدمه

آدمی از سپیدهدم تمدن نوشه شده به دنبال چیستی و علل فرایندهای ذهن و رفتار بوده و به دنبال آن بوده است که دانسته‌هایش را در زندگی عملی خود بیازماید. در قرن هفده قبل از میلاد پادشاه مصر، پسامتیک اول،<sup>۱</sup> تصور می‌کرد کودکانی که فرصت یادگیری زبانی خاص از دیگر افراد را ندارند، به صورت خودکار به زبان جهانی و عمومی انسان‌ها رو می‌آورند و آن را فرا می‌گیرند که همان زبان مصری است (هانت،<sup>۲</sup> ۱۹۹۴، به نقل از: گرین وود،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹، ص ۱). وی از یکی از پیروانش خواست تعدادی کودک را از هرگونه فضای زبان آموزی جدا کند و ببیند کودکان در نهایت به چه زبانی سخن می‌گویند؛ البته از اینکه مشاهده کرد آنان به زبان مصری سخن نگفتند سرخورده و دل‌آزرده گشت. قرن‌ها گذشت و اندیشمندان نقاد به حدس و گمان‌های خود درباره چیستی ذهن و رفتار ادامه دادند و تلاش کردند اندیشه‌های خود را به صورت عملی بیازمایند. تا اینکه این روند، بر اثر پدیدآیی انقلاب علمی در اروپا در قرن شانزده و هفده و به میدان آمدن روان‌شناسی آزمایشگاهی و نظریه تکامل در قرن نوزده، سرعت بیشتری یافت و درنتیجه داشش نهادی روان‌شناسی در اواخر قرن نوزده و طول قرن بیستم حرکت تکاملی خود را آغاز کرد.

از همان آغاز و دوران باستان و همچنین ادیان توحیدی به ویژه دین اسلام، فلاسفه و اندیشمندان مسلمان انسان را صرفاً ترکیبی از فرایندهای پیچیده جسمی یا روان‌شناسخی نمی‌دانستند. به باور آنان انسان علاوه بر بدن مادی دارای عنصری به نام روح بود که خدا را آفرینشده آن می‌دانستند. به نظر آنان روح و بدن همانند یک واحد روانی جسمی با هم ارتباط دارند. همه قوای روح با بدن پیچیده درهم تبیه‌اند. همه «عواطف و هیجان‌های روح» نظیر خشم، محبت، نفرت، شادمانی و جرئت به کمک بدن ابراز می‌شوند

1. Psamtk, I.

2. Hunt

3. Greenwood, J. D.

(چیونگ چانگ<sup>۱</sup> و هایلند<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲، ص ۱۴). گفت‌و‌گو از نفس و روح در میان فلاسفه بزرگی مانند سقراط، افلاطون، ارسطو تا قرون وسطی ادامه داشته است (هنلی، ۲۰۲۴). از این دغدغه‌مندی‌ها روشن می‌شود که این اندیشمندان می‌خواسته‌اند برخی از واقعیت‌های مربوط به انسان را که به‌اصطلاح موضوع<sup>۳</sup> اندیشه‌ورزی آنان بوده است را کشف کنند. لیکن همان‌گونه که ماریو بوئنژه می‌گوید، بسیاری از روان‌شناسان و ناظرانی که از بیرون به روان‌شناسی می‌نگرن، از فقدان اتفاق نظر درباره موضوع روان‌شناسی معاصر یا اینکه مرجع و بازگشت‌گاه رشته آنان چیست، گله‌مندند (بوئنژه و آرديلا، ۱۹۸۷، ص ۲۵).

در این مقاله به دنبال آنیم که ضمن بررسی موضوع روان‌شناسی در دوره‌های مختلف علم روان‌شناسی و نقد مختصر آن، موضوع روان‌شناسی بر اساس اندیشه‌های بنیادین اسلامی را به جامعه علمی معرفی کنیم.

## موضوع علم روان‌شناسی در بستر تاریخ و چرایی آن

روان‌شناسی از دوران پیش‌علمی تا دوران معاصر در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های خاص و بنیادینی بوده است که هم‌اکنون نیز از پی‌پاسخ دادن به همان‌هاست. سؤال‌هایی مانند آیا انسان رفتار خود را آزادانه انتخاب می‌کند یا اینکه رفتارش تعیین شده و جبری است؟ ماهیت انسان چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ و مانند آن (ر.ک: هرگنهان<sup>۴</sup> و هنلی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴، ص ۱۶). چالش‌ها و دغدغه‌های مشترک و از پی آن سؤال‌های خاص، اندیشمندان را واداشته‌اند تا در ابتدا موضوع سؤال‌های خود را هرچند به شکل اجمالی تعیین کنند؛ سپس به پاسخ آن سؤال‌ها به روش مناسب با موضوع بپردازن.

## موضوع روان‌شناسی در یونان باستان

در دوران باستان و ما قبل تاریخ، عمدهاً توجهات به سوی رفتار ناپنهنجار معطوف بوده است. اختلال‌هایی مانند اسکیزوفرنی، افسردگی و اضطراب‌های شدید اندیشمندان را به چاره‌جویی وامی داشت. در این دوران موضوع روان‌شناسی بدن به‌ویژه سر انسان بود از آن جهت که تصور می‌کردند در آن شیاطین و جن‌ها لانه‌گزینی می‌کنند (کامر، ۲۰۱۵؛<sup>۶</sup> کرینگ<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). بقراط حکیم (۴۶۰-۳۷۷ق.م) این اندیشه را به چالش کشید و اعلام کرد این ناپنهنجاری‌ها نه از شیطنت

1. Cheung Chung, M.

2. Hyland, M. E.

3. subject matter

4. Hergenhahn, B. R.

5. Henley Tracy, B.

6. Comer R. J.

7. Kring A. M.

شیاطین؛ بلکه از بروز نقصان در بدن به خصوص مغز ناشی می‌شوند. وی به طور خاص چهار خلط صفرا، سودا، خون و بلغم را در حالتها و سازمان یافته‌گاهی روانی دخیل دانست (کامر، ۲۰۱۵، ص ۱۰؛ کرینگ و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۹). بنابراین بقراط همانند روان‌شناسان زیستی کنونی موضوع روان‌شناسی را بدن و فرایندهایی‌های بدنی البته با جهت‌گیری روان‌شنختی قرار داد.

## موضوع روان‌شناسی در دوران علمی

در سال ۱۸۷۹ ویلهلم ماکسیمیلیان وونت<sup>۱</sup>، روان‌شناسی علمی را چنان‌که مشهور است پایه‌گذاری کرد (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۱۸۰؛ ریچاردز، ۲۰۱۰، ص ۳۹). وونت هشیاری را موضوع بررسی خود قرار داد. وی به همین دلیل روان‌شناسی مادی‌گرایانه را نپذیرفت؛ زیرا فکر می‌کرد با اصل هشیاری در تضاد است؛ زیرا هشیاری از هیچ‌یک از ویژگی‌های مولکول‌ها یا اتم‌های مادی ناشی نمی‌شود (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۱۸۰؛ ریچاردز، ۲۰۱۰، ص ۳۷-۳۹؛ گرینوود، ۲۰۰۹، ص ۳۰۵). وونت اراده را به منزله یکی از کارکردهای هشیاری، مفهومی اساسی می‌دانست که همه مشکلات موجود در روان‌شناسی بر پایه آن فهمیده می‌شود. وونت این رویکرد خود به روان‌شناسی را به دلیل تأکیدش بر اراده، انتخاب و قصد، اراده‌گرایی<sup>۲</sup> نامید (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۱۸۰). وونت پیوسته می‌گفت همه وظيفة روان‌شناسی را در این دو مسئله می‌توان خلاصه کرد: ۱. عناصر هشیاری کدام‌اند؟ ۲. این عناصر چه ترکیب‌هایی دارند، و چه قواعدی بر این ترکیب‌ها حاکم است (گرینوود، ۲۰۰۹، ص ۳۰۵). چنان‌که به صراحت بیان شد، وونت هشیاری و عناصر بینادین آن از جمله اراده را به عنوان موضوع روان‌شناسی برگزید. افراد شاخصی مانند استنلی هال<sup>۳</sup> و ویلیام جیمز<sup>۴</sup> نیز هشیاری و جریان هشیاری را به منزله موضوع روان‌شناسی برگزیدند (هنلی، ۲۰۲۴). جیمز با تعریف روان‌شناسی به عنوان علم زندگی روانی، حامی بخش هشیار روان به منزله موضوع روان‌شناسی بود (کازدین، ۲۰۰۰، ج ۷، ص ۳۷۵).

هشیاری هرچند جهت‌گیری روان‌شنختی دارد؛ صرفاً یکی از کارکردها یا ابعاد ارگانیزم یا روان انسان است و جامعیت لازم را ندارد؛ مثلاً جنبه‌های بدنی، ناهمیار و کنش‌های انسان را در بر نمی‌گیرد، با اهداف روان‌شناسی از جمله برطرف‌سازی اختلالات همسو نیست، به علاوه به عنصر انسجام‌بخش که همان نفس یا روان است نیز نپرداخته است.

1.Wilhelm Maximilian Wundt

2. Henley T. B.

3. voluntarism

4. Hall, G. S.

5. James, W.

## موضوع روان‌شناسی در رویکرد روان‌پویشی

روان‌شناسی از آغاز بر پایه هشیاری پایه‌گذاری شده بود؛ چنان‌که حتی رفتارگرایان روشی چون تولمن<sup>۱</sup> و مکدوگال<sup>۲</sup> ساختارهای شناختی هشیار را به عنوان پیش‌فرض در نظر گرفتند و از ساختارهای شناختی ناهشیار سخن به میان نیاورند؛ بنابراین بررسی ناهشیار آن هم به منزله ستون فقرات روان‌شناسی، باورنکردنی و دور از ذهن بود (هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۱۵۱؛ چیونگ چانگ<sup>۳</sup> و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۹۳). البته بحث از ناهشیار سال‌ها قبل از آنکه زیگموند فروید آن را وارد زندگی ما کند، مطرح بود. ادوارد فان هارتمن<sup>۴</sup> در سال ۱۸۶۹ کتابی با عنوان *فلسفه ناهشیار* به چاپ رساند و در آن از وجود افکار ناهشیار سخن گفت؛ چنان‌که هندریکس<sup>۵</sup> در کتاب *تفکر ناهشیار در فلسفه و روان‌تحلیل‌گری*، ادعا می‌کند که اندیشه ناهشیار ابتدا در نظریه عقل فعال ابن‌رشد اندلسی بی‌ریزی شده است. لیکن فروید نه تنها از وجود آن گفت و گو کرد؛ بلکه نشان داد که ناهشیار چگونه می‌تواند بر زندگی روزمره ما تأثیرگذار باشد (چیونگ چانگ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۹۳). فروید اساساً از پی درمان اختلالات روانی بود. با وجود روش‌هایی بسیار محدود در آن دوران، در صورتی که فروید می‌توانست تنها یک نفر را واقعاً درمان کند کاری معجزه‌آسا و پیشرفتی بزرگ به نظر می‌رسید (چیونگ چانگ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۸۷؛ هنلی، ۲۰۲۴، ص ۳۵۵).

فروید در سال ۱۸۸۹ با لیبو<sup>۶</sup> و برنهایم<sup>۷</sup>، پایه‌گذار مکتب نانسی<sup>۸</sup> ملاقات کرد. به امید آنکه مهارت‌های هیپنوتیزمی خود را افزایش دهد. فروید از لیبو و برنهایم در مورد تلقین پس‌هیپنوتیزمی آگاهی یافت و فهمید عقیده‌ای که در مدت هیپنوتیزم الفا می‌شود، می‌تواند حتی در صورتی که فرد از آن آگاه نباشد، بر وی تأثیر بگذارد. مشاهده فروید مبنی بر اینکه عقایدی که فرد از آنها آگاه نیست، می‌توانند نقش مهمی در رفتار وی داشته باشند. آنچه را فروید از شارکو آموخته بود تأیید کرد و جزء مهمی از روان‌تحلیل‌گری گردید (هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۵۲۳). این گونه ذهن فروید به سطح ناهشیار روان معطوف گردید و ساختار روان<sup>۹</sup> را به طور کلی موضوع روان‌شناسی قرار دادند و بر سطح ناهشیار به عنوان اصل زندگی روانی انسان تأکید کردند (اسمیت، ۲۰۱۳، ص ۱۸۳؛ چیونگ چانگ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۹۳).

1. Tolman, E. C.
2. McDougall, W.
3. Cheung Chung, M.
4. Hyland, M. E.
5. Eduard von Hartmann
6. Hendrix J. S.
7. Liebeault, A. A.
8. Bernheim, H.
9. Nancy School
10. structure of mind
11. Smith, R.

ساختار روان به خصوص با تأکید بر ناهشیار با اینکه از جهت‌گیری روان‌شناسی برخوردار است؛ لیکن جامعیت، عنصر انسجام‌بخش و همسویی با همه اهداف عملی و نظری علم روان‌شناسی را فاقد است؛ بنابراین صلاحیت لازم برای اینکه بتواند موضوع روان‌شناسی قرار گیرد را ندارد. بله، بحث از هشیار و ناهشیار یکی از بحث‌های بنیادین در روان‌شناسی است.

### موضوع از نگاه رفتارگرایان

رفتارگرایان بر رفتار مشهود تکیه می‌کنند؛ بلکه تنها آن را قابل بررسی علمی می‌دانند. آنچه این رویکرد را از دیگر رویکردها متمایز می‌کند، آن است که بر رابطه میان رفتار قابل مشاهده (پاسخ‌ها) و رویدادهای محیطی (محرك‌ها) تأکید می‌کند. این رویکرد اندیشمندانی مانند واتسون، پاولف، اسکینر و... را دربر می‌گیرد؛ اندیشمندانی که همه یادگیری را در بررسی‌های روان‌شناسی مهم می‌شمارند (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۱۱۰؛<sup>۱</sup> دونایو<sup>۲</sup> و کیچنر،<sup>۳</sup> ۱۹۹۹). جان بی واتسون<sup>۴</sup> در سال ۱۹۱۳ با جسارت تمام از موضوع روان‌شناسی سخن گفت و اعلام کرد که موضوع روان‌شناسی رفتار است. وی اندیشه رفتارگرایی را تقریباً از سال ۱۹۰۱ در ذهن خود می‌پروراند. واتسون با اینکه اندیشه روش درباره رفتارگرایی را در سال ۱۹۰۲ آغاز کرده بود، از در میان گذاشتن آن با استاد و دوست خود جیمز آنجل<sup>۵</sup> واهمه داشت؛ زیرا می‌دانست که آنجل معتقد است روان‌شناسی باید مطالعه هشیاری را دربر بگیرد. وقتی واتسون سرانجام در سال ۱۹۰۲ اندیشه‌های خود را با آنجل در میان گذاشت، آنجل پاسخ منفی داد و به او گفت با چنین افکاری باید فقط به حیوانات بچسبید (هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۳۹۹). رایرت یرکز<sup>۶</sup> نیز به رغم درگیری با بررسی‌های حیوانی و دوستی که با واتسون داشت، هرگز نگاه رفتاری واتسون را نپذیرفت و طی مراحل شکل‌گیری رفتارگرایی به رویکرد تیچنر و فادر ماند (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۲۷۸؛ هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۴۰۰).

واتسون اولین بار دیدگاه رفتارگرایی خود را در سال ۱۹۰۸ در کنفرانسی در دانشگاه ییل<sup>۷</sup> به‌طور علنی اعلام کرد. واتسون دوباره شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت و بار دیگر سکوت اختیار کرد. در آن زمان واتسون به‌قدر کافی اعتماد به نفس نداشت که علیه روان‌شناسی تقبیت شده وارد جنگ شود. او همچنین به خاطر اجتناب از رنجاندن دوستش تیچنر خاموش ماند (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۳۸۵؛ هرگنهان، ۲۰۰۹ ص ۴۰۱).

- 
1. O' Donohue William
  2. Kitchener Richard
  3. John Broadus Watson
  4. James Angell
  5. Robert Yerkes
  6. Yale University

واتسون به‌هرحال در سال ۱۹۱۳ جرئت یافت و دل به دریا زد و اعلام کرد رفتار انسان با همه ظرفات و پیچیدگی‌های آن، فقط بخشی از طرح پژوهشی رفتارگرا را تشکیل می‌دهد (واتسون، ۱۹۱۳، ص ۱۵۸). اظهارنظر واتسون چنان بود که حتی بوروس فردیک اسکینر<sup>۱</sup> که وارث معنوی آثار واتسون به‌حساب می‌آمد، اظهار کرد: «کمبود حقایق نسبت به هر علم جدید همواره مشکل‌ساز است، لیکن در برنامه تهاجمی واتسون در حوزه‌ای به گستردگی رفتار انسان، به‌طور خاص زیان‌بار بود» (اسکینر، ۱۹۷۴، ص ۶) به نقل از: گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۱۱۴).

رفتار نیز به‌عنوان موضوع روان‌شناسی به‌خصوص رفتار مشهود با نگاه به شدت یک بعدی به انسان، جامعیت لازم را ندارد، همسویی با اهداف روان‌شناسان حتی اهداف علمی که توصیف دست‌کم بخشی از ابعاد روان‌شنختی انسان مانند عناصر شناختی است را فاقد است. در بعد تغییر رفتار نیز با غفلت از درون ارگانیزم کارابی لازم را ندارد، بلکه چنان‌که سیموس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) می‌گوید فعالیت‌های ما انسان‌ها همواره شناختی رفتاری‌اند (سیموس، ۲۰۰۲، ص ۱۴۶)

### موضوع روان‌شناسی در رویکرد شناختی

شناخت همواره موضوعی مهم از برای روان‌شناسان بوده است. مکتب‌های اراده‌گرایی و ساختارگرایی به وضوح بر بررسی تجربی شناخت متمرکز بودند، و مکتب کارکردگرایی هم شناخت و هم رفتار را مورد توجه قرار داد. تنها در دوره‌ای بین سال‌های ۱۹۳۰ تا بعد از ۱۹۵۰ هنگامی که رفتارگرایی افراطی به شدت بر فضای روان‌شناسی حاکم بود، به‌طور گسترده باور بر این بود که رویدادهای شناختی صرفاً محصولات جانبی فعالیت مغز هستند و می‌توان آنها را نادیده گرفت. درست در همان زمان، بررسی فرایندهای شناختی هم مطرح می‌شد (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۴۲۲)، بلکه به عرصه آمدن دوباره شناخت در واقع عکس‌العملی بود در مقابل رفتارگرایان که بر رویدادهای خارجی تأکید می‌کردند. در سال ۱۹۲۵ پژوهشگر جوان آلمانی به نام ولفگانگ کهлер<sup>۳</sup> کتابی با عنوان ذهنیت میمون‌ها<sup>۴</sup> به رشتة تحریر در آورد؛ همچنین در سال ۱۹۳۲ ادوارد چیس تولمن<sup>۵</sup> کتابی با عنوان رفتار هدفمند در حیوانات و انسان<sup>۶</sup> به چاپ رساند. وی در این کتاب به جای رابطه میان محرک‌ها و پاسخ‌ها از رابطه محرک‌ها سخن گفت و از آن به نقشه‌های شناختی یاد کرد. کتاب‌های کهлер و تولمن سنگبنای روان‌شناسی شناختی امروز قرار

1. Burrhus Frederic Skinner

2. Simos, G.

3. Wolfgang Kohler

4. The Mentality of Apes

5. Edward Chace Tolman

6. Purposive Behavior in Animal and Man

گرفت (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۱۶۵). این گونه موضوع روان‌شناسی شناختی، شناخت و فرایندهای شناختی قرار گرفت.

شناخت و فرایندهای شناختی نیز تنها برخی از ابعادی ارگانیزمی - روان‌شنختی انسان را منعکس می‌کنند؛ بنابراین جامعیت ندارد، فاقد همسویی با همه اهداف روان‌شنختی است و همچنین عنصر وحدت‌بخش ابعاد مختلف روان را در خود ندارد؛ بنابراین موضوع مناسبی برای روان‌شناسی نیست.

### موضوع در رویکرد زیستی

روان‌شناسان زیستی برخلاف روان‌شناسان رفتاری، تحلیلی و شناختی ریشه رفتار را در عوامل بدنی به خصوص عوامل مغزی جست‌وجو می‌کنند. این اندیشه به گذشته‌های دور تا دوران بقراط<sup>۱</sup> حکیم باز می‌گردد. درست همانند یکی از پژوهشکان در اظهارنظر درباره علل پیدایش اسکیزووفرنی که خاطر نشان می‌سازد و می‌گوید: «البته علت آن باید جسمانی باشد، آخه چیز دیگری در آن بالا<sup>۲</sup> وجود ندارد». روش است که مراد وی از آن بالا، مغز است. در گذشته چنین اظهارنظری را بسیار افراطی به حساب می‌آورند؛ حتی در قرن هفدهم بیشتر افراد بر این باور بودند که بدن را عنصری نامحسوس به نام نفس کنترل می‌کند. از میان کسانی که به روح یا نفس باور داشت، فیلسوف فرانسوی رنه دکارت<sup>۳</sup> بود (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۴۹) لیکن موضوع روان‌شناسی به تدریج از هشیاری، رفتار و ناهشیاری به مغز و امور مربوط به آن تغییر یافت؛ چنان‌که جیمز کالات<sup>۴</sup> می‌گوید ما باید همواره دو نکته را پیذیریم: ۱. اینکه ادرارک در مغز رخ می‌دهد؛ ۲. فعالیت روانی و انواع خاصی از فعالیت‌های مغزی انفکاک‌نایدزیرند. این موضعی است که به یگانه‌گرایی<sup>۵</sup> مادی شهرت یافته است (کالات، ۲۰۱۹، ص ۷). در حال حاضر خرد رویکرد دیگری با عنوان رویکرد روان‌شناسی اعصاب‌شناختی نیز شکل گرفته که موضوع آن ترکیبی از شناخت و فرایندهای شناختی و بخشی از فرایندهای جسمانی است. در سایه چنین ترکیب‌هایی راحت‌تر می‌توان جنبه‌های روان‌شنختی انسان را تبیین کرد (hood، ۲۰۱۲، ص ۱؛ گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۴۷۲-۴۷۳).

رویکرد زیستی نیز از آنجایی که بر یکی از ابعاد روان‌شنختی انسان متمرکز است و همچنین بر نگاه یگانه‌گرایی مادی پایه‌گذاری شده و از تبیین مهم‌ترین بلکه اصلی‌ترین رفتار انسان مانند رفتار دینی عاجز است، موضوعی بسنده برای روان‌شناسی نیست.

1. Hippocrates

2. up there

3. Rene Decartes

4. James W. Kakat

5. monism

6. Hood, B.

## موضوع در روان‌شناسی انسان‌گرا

رویکرد انسان‌گرایی<sup>۱</sup> در روان‌شناسی از دغدغه‌های اندیشمندانی نشئت گرفت که افراد دارای درد و رنج<sup>۲</sup> را مشاهده می‌کردند و به دنبال آن بودند تا درد و رنج افراد را کاهش داده یا برطرف کنند. آنان با تمرکز بر توانمندی‌های ویژه انسان رویکرد خود را پایه‌گذاری کردند. دغدغه‌هایی مانند اینکه انسان بیش از فرایند‌هایی است که به آنها علم آگاهانه ندارد و از منبعی ناهمشیار از درونش می‌جوشد، یا هر کس موجودی رو به کمال با اندیشه، احساس، امید، رؤیا و طرحی منحصر به فرد است که بهشیوه منحصر به فرد کار خود را در دنبال می‌کند، روان‌شناسی انسان‌گرا را به میدان آورد (گلاسمان و هداد، ۲۰۰۹، ص ۲۷۸). این رویکرد جریان سوم در روان‌شناسی نام گرفت (نولن - هوکسما و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۴۸۴). روان‌شناسان انسان‌گرا انتظار داشتند که این جریان جانشین هر دو نیروی اصلی روان‌شناسی، رفتارگرایی و روان‌تحلیل‌گری بشود. روان‌شناسی انسان‌گرا بر قوت‌های انسان و آرزوهای مثبت، تجربه‌های شیار، اراده آزاد در مقابل جبرگرایی، تحقق بخشیدن به توانمندی‌های بالقوه انسان و باور به طبیعت ویژه انسان به عنوان یک کل تأکید کرد (شولتر<sup>۳</sup> و شولتر،<sup>۴</sup> ۲۰۱۱، ص ۳۳۰-۳۳۳).

اینکه انسان چگونه می‌تواند به برترین وضعیت خود دست یابد، سؤال دیگر روان‌شناسان انسان‌گرا بود. در پاسخ به چنین سؤال پیچیده‌ای، آبراهام مزلو،<sup>۵</sup> رولو می،<sup>۶</sup> گوردن آلپورت،<sup>۷</sup> کارل راجرز،<sup>۸</sup> مایکل پولانی<sup>۹</sup> و جیمز بوگتال<sup>۱۰</sup> به دغدغه‌ای مشترک و درهم تبیده رسیدند و شخص را به منزله یک کل محور رویکرد خود قرار دادند. در کنار روان‌شناسی انسان‌گرا خرد رویکردی نوثر نیز در روان‌شناسی شکل گرفته که صرفاً بر نقاط قوت و توانمندی‌های انسان و شکوفا‌سازی این توانش‌ها در سطح فردی و گروهی متمرکز است که بر آن روان‌شناسی مثبت اطلاق می‌شود (اسنایدر و لوپز، ۲۰۰۲، ص ۱).

شخص و تجربه‌های شخصی با تأکید یک‌سویه روان‌شناسان انسان‌گرا بر شخص و تجربه‌های شخصی و بر توانمندی‌های مثبت انسان و کنارگذاری جنبه‌های منفی، ابعاد بدنی و فقدان عنصر وحدت بخش، موضوع مناسبی برای روان‌شناسی نیست.

- 
1. humanistic approach
  2. distress
  3. Schultz, D. P.
  4. Schultz, S. E.
  5. Abraham Maslow
  6. Rollo May
  7. Gordon Allport
  8. Carl Rogers
  9. Michael Polanyi
  10. James Bugental

نقشه نظرات دیگری که تاکنون درباره موضوع روان‌شناسی ارائه شده، یکی یا آمیخته‌ایی از موضوع‌هایی است که تاکنون ذکر کرده‌ایم؛ به عنوان مثال انجمن روان‌شناسی امریکا که روان‌شناسی را به علم بررسی ذهن و رفتار تعریف کرده است (کازدین، ۲۰۰۰)، دو رویکرد شناختی و رفتاری را بهم آمیخته است. البته تاکنون این رفت‌وبرگشت در موضوع روان‌شناسی ادامه دارد تا جایی که نیل کارلسون<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۷ و چاپ‌های بعدی، کتاب درسی خود را «روان‌شناسی: علم رفتار»<sup>۲</sup> نام نهاد.

جدول ۱: موضوع روان‌شناسی در بستر تاریخ

موضوع داشت	اهداف	روش بررسی	ماهیت موضوع	دغدغه‌مندی‌ها	
بدن بهویه سر	اخراج شیاطین از بدن	موردی - بالینی	بدن به عنوان منزلگاه جن و شیاطین	رفتارهای نابهنجار	دوره پیش‌علمی
بدن و ساختار داخلی آن (مزاج‌های چهارگانه)	تنظیم مزاج‌ها و رفع نابهنجاری	تجربی با تأکید بر مزاج‌های چهارگانه	روانی با تأکید بر بدن	رفتارهای نابهنجار	بقراط حکیم
هشیاری و عناصر بنیادین آن	بررسی هشیاری و عناصر بنیادین آن	درون‌نگری	روانی	شناخت هشیاری و فرایندهای آن	وونت و ساختارگرایان
رفتار مشهود	تعییر رفتار	تجربی (آزمایشگاهی)	عینی و مشهود	یادگیری و فرایندهای آن	رفتارگرایی
ساختار روان بهویه ناهشیار	رفع نابهنجاری	روان‌تحلیل‌گری	بدنی روانی	درمان اختلال‌های روانی	روان‌پویشی
شناخت و فرایندهای شناختی	شناخت فرایندهای ذهنی	شهودی تجربی	بدنی با تأکید بر فرایندهای ذهنی	تحلیل فرایندها و ساختارهای ذهنی	شناختی
بدن و سیستم اعصاب مرکزی	شناخت حالتها و تجربه‌های روانی	تجربی آزمایشگاهی	جسمانی زیستی	حالتها و تجربه‌های روانی	زیستی
شخص و تجربه‌های شخصی	شکوفاسازی توانمندی‌ها به جای تمکن‌کر بر بیمارها	روش‌های کیفی تجربی	روانی جسمانی	رهاسازی انسان از درد و رنج‌ها و توسعه توانمندی‌های وی	انسان‌گرایی
توانمندی‌ها و نقاط قوت انسان	شکوفاسازی توانمندی‌های مثبت	کیفی تجربی	روانی جسمانی	نقاط قوت و توانمندی‌های انسان	ثبت

1. Neil. R. Carlson

2. Psychology: The Science of Behavior

## موضوع روان‌شناسی اسلامی

### دغدغه‌مندی روان‌شناختی اندیشمندان مسلمان

اندیشمندان مسلمان از همان آغاز با پیروی از آموزه‌های دین اسلام در ارتباط با وضعیت‌های مختلف انسان از جمله شرایط بدنی و روانی او به شدت دغدغه‌مند بوده‌اند؛ چنان که پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

علم دو سخن دارد: یک سخن آن در قلب جای دارد که علم نافع است؛ سخن دیگر آن

فقط سر زبان‌هاست. این علم حجت خداوند بر علیه بندگانش است. از لحاظ موضوع

نیز علم دو قسم دارد: یکی علم مربوط به بدن است و دیگری مربوط به دین<sup>۱</sup>

اندیشمندان مسلمان مانند ابن سینا، بهمنیار تا شیخ اشراق، ملاصدرا و اندیشمندان معاصر مانند علامه مصباح یزدی در علم النفس در صدد بوده‌اند قواعد روان‌شناختی حاکم بر ارگانیزم انسان را کشف کنند؛ بنابراین از وجود نفس و بدن، سازمان یافتگی‌های نفس با عنوان قوای نفس، فعل و انفعالات نفس و خودشکوفایی نفس با عنوان سعادت و کمال نفس، خلود و جاودانگی نفس و احساس و ادراک و انواع و حتی قواعد اخلاقی حاکم بر نفس سخن گفته‌اند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۶۷؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۴-۲۵).

الهام‌بخش این رویه آیات و روایاتی است که در منابع اسلامی به وفور یافت می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَتَهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد، آنان همانا از دستهٔ فاسقانند (حشر: ۱۹). به پیامبر گرامی اسلام منسوب است که فرمودند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهِ»؛ هرکس نفس خود را بشناسد براسی خدای خود را شناخته است؛ همچنین علی می‌فرمایند: «لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ إِنَّ الْجَاهِلَ بِمَعْرِفَةٍ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ»؛ در ارتباط با نفس خود ناگاه نباش؛ زیرا کسی که از نفس خود آگاهی ندارد نسبت به همه چیز ناگاه است. باز می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدِ انتَهَى إِلَى غَایَةٍ كُلٍّ [مَعْرِفَةٍ وَّ عِلْمٍ]»؛ کسی که نفس خود را بشناسد به غایت و مقصود هر علمی دست یافته است؛ همچنین فرموده‌اند: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النَّجَاهِ وَ خَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ»؛ هرکس نفس خود را نشناشد از راه نجات فاصله گرفته و در گمراهی و نادانی‌ها فرو رفته است. در جای دیگر می‌فرمایند: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ»؛ شناخت نفس نافع ترین معارف است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵؛ جعفر بن محمد الصادق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳).

۱. «عِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكِ الْعِلْمُ التَّافِعُ وَ عِلْمٌ عَلَى اللَّسَانِ فَذَاكِ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْبَيَادِ وَ الْعِلْمُ عِلْمُ الْأَيْدَانِ وَ عِلْمُ الْأَدْيَانِ».

با وجود چنین تأکیداتی اندیشمندانی مانند ملاصدرا از احساس و ادراک همانند روان‌شناسی امروز سخن گفته است (ناروئی نصرتی، ۱۴۰۱، ص ۶۹-۷۵). طبق بیان ملاصدرا احساس و ادراک در بدن مثلاً جایی از مغز رخ نمی‌دهد (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ج ۸، ص ۲۲۶؛ آن‌گونه که کالات و دیگر روان‌شناسان زیستی به آن باور دارند (کالات، ۲۰۱۹، ص ۶۴ فربرگ، ۲۰۱۹، ص ۵). به باور علامه مصباح یزدی (۱۳۷۷) این‌گونه مباحث بلکه همه قاعده‌مندی‌های مربوط به نفس چنان‌که موضوع روان‌شناسی خودبه‌خود اقتضا دارد، جایی در غیر علم روان‌شناسی ندارد (مصطفی یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۴). بر خلاف روان‌شناسی معاصر و معمول (ولف، ۱۹۹۷، ص ۱۶-۷)، ارتباط انسان با خدا، به عنوان عام‌ترین رفتار انسان نیز در منابع اسلامی به تفصیل آمده است؛ هرچند امروزه روان‌شناسان زیادی به رفتار دینی انسان خارج از بدنۀ روان‌شناسی پرداخته‌اند (ولف، ۱۹۹۷؛ هود، جی‌آر و دیگران، ۲۰۰۹؛ پالوتزیان<sup>۱</sup> و پارک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵)، حتی برخی مباحث روان‌شناسی دین را در متن اصلی روان‌شناسی گنجانده‌اند (کرول، ۲۰۱۴). اندیشمندان مسلمان به خصیصه‌ها و ظرفیت‌های اخلاقی انسان نیز توجه ویژه داشته‌اند (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۶۵) و به تعلیم و تربیت نفس نیز اهتمام فراوان ورزیده‌اند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۱۷). سلامت و بیماری نیز فوق‌العاده برای اندیشمندان مسلمان اهمیت داشته و از دغدغه‌های اساسی آنان بوده است (دورانت، ۱۹۹۷، ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۶). به این ویژگی‌های متعدد و متکثراً در ارتباط با عنصری اصیل، جاودان و پویا به نام نفس معنی بخشیده‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸).

### نفس به عنوان موضوع روان‌شناسی

برخی اندیشمندان مسلمان به دلیل اصلاح و همه‌جانبه بودن، خود نفس را موضوع روان‌شناسی اسلامی دانسته‌اند و مراد از روان در مباحث روان‌شناختی را نفس انسان در نظر گرفته‌اند. به نظر آنان روان به این معنی به صورت مستقیم و با توجه به لوازم آن تقریباً مشتمل بر همه عناوینی است که در روان‌شناسی از آن بحث می‌شود. مباحثی نظیر رشد روانی، احساس و ادراک، هشیاری، یادگیری، حافظه، زبان و اندیشه، هوش، انگیزش و هیجان، شخصیت، فشار روانی و سلامت، آسیب‌شناسی روانی، روان‌درمانی، تفاوت‌های فردی و موضوعات اخلاقی و... در مجموع می‌توان گفت که روان به معنای معادل نفس که شامل همه احوالات روانی اعم از شناختی، عاطفی و رفتاری، اخلاقی و معنوی است و نیز ابعاد بدنی تا روحی را دربر می‌گیرد، موضوع روان‌شناسی است (آذربایجانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵-۱۱۶).

1. Paloutzian, R. F.

2. Park, C. L.

3. Krull Douglas, S.

لیکن با همه تأکیدی که بر نفس و معرفت نفس در منابع اسلامی شده است، نفس بما هو نفس را نمی‌توان موضوع علم روان‌شناسی اسلامی قرار داد؛ زیرا جهت‌گیری خاص اندیشمندان روان‌شناسی و دغدغه‌های آنان که ابعاد مختلف روان با نگاه کاربردی است، در آن لحاظ نشده است. به عبارت دیگر، نفس بما هو نفس کل انسانیت انسان است و چیزی ورای آن باقی نمی‌ماند و هر کس درباره انسان سخن می‌گوید در واقع درباره نفس گفت‌وگو می‌کند و دانش نفسانی در واقع کل علوم انسانی؛ بلکه برخی علوم پایه مانند ریاضیات را هم در بر می‌گیرد؛ زیرا این نفس است که دغدغه عدد و رقم را دارد و خودش نیز با دقت بر پایه عدد و رقم پایه‌گذاری شده است؛ مثلاً در اخلاق از این جهت که نفس منشأ صفات پایدار و ناپایدار است، که خاستگاه کارهای پسندیده و نیکو یا کارهای بد و ناپسند انسان می‌شود (مصطفای بیزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹)، از آن گفت‌وگو می‌شود. در عرفان از آن شهود کند و به‌واسطه علم حضوری بیابد، موضوع عرفان است (مصطفای بیزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳). بنابراین در روان‌شناسی نیز همان بعد خاصی از نفس که دغدغه روان‌شناسان را تأمین می‌کند، موضوع روان‌شناسی است نه خود نفس.

## روح به عنوان موضوع روان‌شناسی

برخی روان‌پژوهان مسلمان موضوع روان‌شناسی اسلامی را روح می‌دانند (حسینی، ۱۳۶۴، ص ۱۸)؛ زیرا قرآن برای انسان دست‌کم دو بعد در نظر گرفته است و بیان می‌کند که پس از ساخت جسم انسان، از روح الهی در آن دمیده شد.<sup>۱</sup> حقیقت انسان همین روح است؛ پس روان‌شناسی انسان به معنای «روح‌شناسی» است، به‌طوری‌که هیچ مسئله‌ای را نمی‌توان به حد نصاب تحقیق و کشف حقیقت آن رسانید، مگر اینکه بهناچار به قلمروی روح وارد شویم؛ زیرا هیچ مسئله‌ای در قلمرو انسانی و جهان‌بینی نیست که پای انسان در کار نباشد، و هر مسئله‌ای که انسان در کار باشد، بدون تصفیه حساب حقیقی معرفتی با روح یا روان انسانی، نجات از بن‌بست دیده نمی‌شود، مگر با قضاایی فرضی که به ثبوت نرسیده است (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۴۲-۴۳).

لیکن همانند نفس در مفهوم روح نیز دغدغه‌ها و جهت‌گیرهای روان‌شناسان لحاظ نشده است. به علاوه در آیات مربوط به روح، روح امری مایهٔ حیات و مبدأ شعور و اراده و موجودی همراه با ملائكة الله و حتی بالاتر از آنها و موجودی همراه با انبیای الله و مؤمنین است و به روح به عنوان

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَحْتُتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ ساجِدِين» (ص: ۷۲).

موجود معمولی نگاه نشده است و همیشه با عظمت از آن یاد شده است و حتی در مورد انسان نیز خداوند آن را به خود نسبت داده است و فرموده: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و تعبیرهای دیگر مانند «روحنا» همه این موارد مؤید و دلیل بر این است که روح موجودی ملکوتی، الهی، فوق مادی و مجرد و سخن دیگری غیر از موجودات عالم جسمانی در نظر گرفته شده است (علمی، ۱۳۹۵، ص ۸۳۹). این‌گونه مواجهه نشان می‌دهد که روح از لحاظ مفهومی به عنوان وجودی منسخ از بدن لحاظ شده است؛ در حالی که بدن و پایه‌های بدنی یکی از دغدغه‌های اصلی روان‌شناسان است.

### فطرت به منزله موضوع روان‌شناسی

برخی دیگر در سایه مفهوم فطرت حدود موضوع روان‌شناسی اسلامی را تعیین کرده‌اند (احمدی، ۱۳۶۲، ص ۱۴). طبق نظر این اندیشمندان، فطرت، طبیعت وجودی و نحوه آفرینش انسان را متأثر می‌کند و تمام محتواهای مثبت و منفی را شامل می‌شود؛ بنابراین فطرت نوعی ادراک و تمایل به صورت بالقوه در نهاد آدمی است که اگر فرصت و امکان مناسب را بیابد، شکوفا خواهد شد و در غیر این صورت، به شکل تحریف شده و بیمار‌گونه آشکار می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲). پس فطرت سرشی ویژه و آفرینشی خاص می‌باشد و بیشتر یا همیشه برای انسان استعمال می‌شود و غیر از واژه طبیعت، طبع که در همه موجودهای جامد یا نامی و یا بدون روح حیوانی یافت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۴؛ مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۰-۳۸). با این بیان فطرت واقیت فراگیر طبیعت انسان است و می‌تواند به منزله موضوع روان‌شناسی اسلامی قرار گیرد و پژوهش‌های روان‌شنختی حول محور فطرت انسان سامان یابند.

لیکن فطرت نیز اولاً جامعیت لازم برای شمول همه ابعاد روان‌شنختی انسان از جمله ابعاد بدنی را ندارد؛ ثانیاً فاقد جهت‌گیری روان‌شنختی است. به همین دلیل بسیاری از مسائلی که در دوران مختلف دغدغه اندیشمندان روان‌شناسی بوده است را پوشش نمی‌دهد؛ ثالثاً آن معنایی را که نفس و روان به طور طبیعی القا می‌کنند و آن جنبه‌های غیربدنی انسان است را به ذهن نمی‌آورد؛ رابعاً جنبه‌های بدنی را هم که یکی از دغدغه‌های روان‌شناسان است را به روشنی پوشش نمی‌دهد؛ بنابراین موضوعی مناسب برای روان‌شناسی اسلامی نیست.

### عمل به منزله موضوع روان‌شناسی

به نظر برخی اندیشمندان ازانجایی که انسان در منابع اسلامی به عنوان ارگانیزم عامل در نظر گرفته شده، می‌توان عمل را موضوع روان‌شناسی اسلامی به حساب آورد؛ زیرا دین اسلام انسان را موجودی می‌داند که در کشاکش نیروهای مختلف محیطی، خود منشأ عمل است و با اعمال خوبی، هویت خود

را رقم می‌زند و عمل آن رفتاری است که دست کم بر سه مبدأ معرفتی، میلی و ارادی استوار است (باقری، ۱۳۷۵، ص ۲۴). نظریه انسان به عنوان عامل، تصویری است که نگرش اسلامی در مورد انسان به دست می‌دهد، صرف نظر از اینکه چه هویتی یافته باشد و به چه راهی رفته باشد.<sup>۱</sup> به نظر این اندیشمندان، اگر بخواهیم در تصویری عام و مجمل، عمدت‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی انسان را بر حسب آنچه در منابع اسلامی ذکر شده است، مشخص کنیم، باید آن را در این خصیصه آدمی جست‌وجو کنیم که او برخوردار از «عمل» است (باقری، ۱۳۷۴، ص ۶۹)؛ بنابراین برای ساماندهی روان‌شناسی اسلامی مناسب است عمل به عنوان موضوع آن قرار داده شود.

لیکن اولاً عمل چه کنش بیرونی یا کنش درونی، صرفاً یکی یا بخشی از فعالیت‌های ارگانیزم انسان است؛ در حالی که بسیاری از فعالیت‌های مانند سازمان یافتنگی‌ها اعم از فطری و اکتسابی را در بر نمی‌گیرد. عمل همچنین دلالت روشنی بر حالت‌های روانی مانند هیجان، غم و شادی و... ندارد؛ ثانیاً دغدغه‌های روان‌شناسان به‌ویژه عرصه بیمارهای روانی را به روشنی دربر نمی‌گیرد؛ ثالثاً به پایه‌های زیستی رفتار انسان که از اساسی‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان روان‌شناس بوده است را به سادگی در بر نمی‌گیرد؛ بنابراین عمل نیز موضوعی مناسب برای روان‌شناسی اسلامی نیست.

در میان برخی (ژاله‌فر، ۱۳۸۲) نیز قلب را مفهومی اساسی و مهم در منابع اسلامی بر شمرده‌اند و آن را به عنوان موضوع روان‌شناسی اسلامی پیشنهاد کرده‌اند؛ زیرا در روایات قلب مرکز تعقل، یادگیری و فرمانده بدن است که هیچ عضوی بدون اجازه او نمی‌تواند کاری را انجام دهد. در حقیقت هر عملی که ما انجام می‌دهیم به اراده قلب ماست. اگر تمایل قلبی برای انجام دادن آن نباشد، انجام آن غیرممکن است (ژاله‌فر، ۱۳۸۲، ص ۹۶). لیکن با توجه به کارکردهای متفاوتی که در قرآن و روایات به قلب نسبت داده شده، درک کردن، اندیشیدن، مرکز عواطف بودن، مرکز تصمیم‌گیری، محل دوستی و دشمنی و... می‌توان گفت مراد از قلب در منابع اسلامی به‌ویژه قرآن همان روح و نفس انسانی است. شاید بتوان گفت هیچ بعدی از ابعاد نفس انسانی و صفتی از صفات و یا کاری از کارهای روح انسانی را نمی‌توان یافت که قابل استناد به قلب نباشد (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۳۴).

به نظر می‌رسد با توجه به ابهام مفهومی قلب به خصوص اینکه بر یکی از اندام اصلی بدن نیز اطلاق می‌شود، فقدان جهت‌گیری روشن روان‌شناختی هرچند قابلیت بیشتری دارد، نسبت به دیگر موضوع‌های پیشنهادی ترجیحی ندارد.

۱. «وَقَالَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَالِمٌ عَمَلَ فِي الدُّنْيَا لِلَّهِ نَبْعَذُهُ قَدْ شَلَّتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ أَخْرَتِهِ يَغْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُهُ [يُخَلَّفُ] الْفَقْرُ وَيَأْمُنُهُ عَلَى نَفْسِهِ فَيَفْتَنُهُ عُمُرُهُ فِي مُنْفَعَةِ غَيْرِهِ وَعَالِمٌ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا فَجَاهَهُ اللَّهُ مِنَ النُّبُيُّ بِغَيْرِ عَمَلٍ فَأَخْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ [فَيَمْنَعُهُ] (صحیح صالح، ۱۴۱۴، ص ۵۲۲).

## شرایط و ضوابط موضوع از جمله موضوع روان‌شناسی اسلامی

همواره با توجه به اهداف علمی، عملی و دغدغه‌های اندیشمندان علم، موضوع باید به گونه‌ای باشد که همه قواعد روان‌شنختی حاکم بر ارگانیزم انسان را پوشش دهد و موضوع دیگر علوم انسانی را تا جایی که ممکن است شامل نشود. موضوع به طور منطقی دست‌کم چهار شرط دارد: (الف) جهت‌گیری روان‌شنختی؛ (ب) جامعیت؛ (ج) برخورداری از عنصر انسجام‌بخش؛ (د) همسویی با اهداف علم مورد نظر، که هریک را با تفصیل بیشتری شرح می‌دهیم.

**جهت‌گیری روان‌شنختی:** موضوع دغدغه‌هایی مانند آزادی و اختیار انسان، رابطه روان و بدن، چیستی یادگیری، زبان تفکر و سلامت و بیماری را پوشش دهد. به همین دلیل صرف نفس بما هو نفس نمی‌تواند موضوع علم روان‌شناسی باشد؛ زیرا نفس از آن جهت که نفس است موضوع هیچ علمی حتی علم النفس فلسفی نیز قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً رابطه روان و بدن را که یکی از دغدغه‌های همیشگی روان‌شناسان چه بسا از پیچیده‌ترین مسائل روان‌شنختی است (ولف، ۱۹۹۷، ص ۱۱۶) را باید دربر بگیرد؛ بنابراین موضوع روان‌شناسی باید چنان در نظر گرفته شود که همه این دغدغه‌ها را پوشش دهد.

**جامعیت:** موضوع همچنین باید چنان باشد که همه قاعده‌مندی‌های مربوط به دغدغه‌های روان‌شنختی را پوشش دهد، به طوری که اندیشمند پیوسته با چالش عدم شمول رویه‌رو نشود تا مجبور شود پی‌درپی موضوع را تغییر دهد، همان رخدادی که در ارتباط با روان‌شناسی موجود رقم خورده است. وونت و پیروانش موضوع روان‌شناسی خود را هشیاری و فرایندهای آن قرار دادند و به این امر توجه نکردند که روان انسان جنبه‌های ناهشیار نیز دارد که بهنوبه خود در انگیزه‌ها حتی شناخته‌های انسان بسیار مهم است. همین باعث شد که روان‌تحلیلگران بخش عمده توجه خود را به سطح ناهشیار روان معطوف کنند و فرایندهای هشیار را فرع ناهشیار قرار دهند. رفتارگرایان از هر دو روان‌ Hessiar و ناهشیار دست برداشتند و توجه خود به رفتار مشهود که بخشی از کنش‌های انسانی است معطوف کردند. وقتی پی بردن که ارگانیزم رفتارش تحت تأثیر رویدادهایی است که در درون آن رخ می‌دهد، در تعریف رفتار توسعه دادند و آن را از رفتار مشهود به چیزی گسترش دادند که آنچه در درون ارگانیزم هم رخ می‌دهد را دربر بگیرد. در آغاز در روان‌شناسی‌های رایج حتی در حیطه روان‌تحلیلگری که بنیان‌گذار آن فروید خود متخصص سیستم عصبی بود، اهمیت چندانی به بدن و فرایندهای بدنی داده نمی‌شد؛ اگر نگوییم هیچ اهمیتی داده نمی‌شد. در ادامه روان‌شناسی امروز چنان مشی می‌کند که گویی موضوع آن همان بدن و فرایندهای بدنی است از آن جهت که حالت‌ها و فرایندهای روان‌شنختی را به همراه دارد، نگاهی که روان‌شناسان زیستی مانند جیمز کالات به دنبال تثبیت آند (بونژه و آردیلا، ۱۹۸۷؛ گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹؛ آذری‌آباجانی، ۱۳۹۹).

**اشتمال بر عنصر انسجام‌بخش:** وجود عنصر انسجام‌بخش در موضوع همواره حرکت علمی اندیشمند را جهت‌دهی می‌کند. فقدان چنین عنصری نتیجه‌اش آن می‌شود که روان‌شناسان قطعه‌های پازل روان‌شناسی را چنان چیده‌اند که بونزه و آردیلا آن را به نقاشی تشبیه کردن که حاوی تمام رنگ‌هاست، که یا آن را دیوانه‌ای زبردست نقاشی کرده یا حاصل کار انبوه هنرمندانی است که به صدها هنر و حرفه متفاوت و مکتب‌های مختلف تعاقب دارند. در روان‌شناسی اسلامی با اینکه موضوع نفس بما هو نفس نیست؛ لیکن نفس عنصر وحدت‌بخشی است که همواره جنبه‌ای از جنبه‌های آن را از نظر می‌گذرانیم. به بیان ملاصدرا «و أما الذى استقر عليه اعتقادنا فهو أن النفس كل القوى و هي مجتمعها الوحدانى و مبدؤها و غايتها» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ص. ۵۱). بنابراین در روان‌شناسی اسلامی نفس به عنوان عامل یا قوّة انسجام‌بخش همهٔ کنش‌ها، حالات‌ها و فرایندهایی است که در این علم از آنها گفت‌و‌گو می‌شود.

**همسوبی با اهداف:** همسوبی موضوع با اهداف از عوامل تأثیرگذار در چارچوب موضوع است. علوم دو هدف علمی و عملی را دنبال می‌کنند. هدف علمی هر دانش توصیف، تبیین و پیش‌بینی واقعیت‌ها درباره موضوعی است که از آن بحث می‌کند؛ لیکن هدف عملی علم آن رسالت و مأموریتی است که از ساماندهی علم دنبال می‌شود. روان‌شناسی قبل از جنگ جهانی دوم، درمان بیماری روانی، تبدیل زندگی انسان به زندگی بپارتو و رضایت‌بخش ترو و شناسایی و پرورش افراد دارای استعداد بالا را دنبال می‌کرد (اسنایدر و لوپز، ۲۰۰۲، ص. ۴). این مأموریت‌ها در روان‌شناسی اسلامی منحصر به زندگی دنیا نیستند و به طریق اولی زندگی اخروی او را نیز دربر می‌گیرند؛ زیرا دین اسلام علم را کشف واقع<sup>۱</sup> و هدف نهایی از رشتۀ علمی را تأمین سعادت دنیوی و اخروی افراد می‌داند؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هر کس به درستی خود را بشناسد، به راستی خدای خود را شناخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۲، ص. ۳۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۶۵؛ عفربن محمد الصادق، ۱۴۰۰ق، ص. ۱۳).

## موضوع منتخب برای روان‌شناسی اسلامی

با توجه به شرایط مذکور برای موضوع بهویژه جامعیت، برخورداری از عنصر انسجام‌بخش و همسوبی با اهداف، هیچ‌یک از هشیاری، جریان هشیاری، ساختار روان و ناهشیار، رفتار، شناخت و فرایندهای شناختی، مغز و فرایندهای مغزی نخاعی و حالات‌های مربوط به آنها، شخص و تجربه‌های شخصی و

۱. ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، رابطه علم و دین.

نقاط قوت و توانمندی‌های انسان، صلاحیت لازم برای موضوع روان‌شناسی را ندارند. اکنون با توجه به مبانی روان‌شناسی اسلامی (ناروئی نصرتی و گروهی از نویسندهان)،<sup>۱</sup> دغدغه‌مندی‌های روان‌شناسان از آغاز تاکنون و چهار شرطی که برای موضوع روان‌شناسی برشمردیم، موضوع روان‌شناسی اسلامی را واقعیتی شامل پنج مؤلفه معرفی می‌کنیم: سازمان‌یافته‌ها، دگرگونی‌ها، حالات‌ها، کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها. این پنج مؤلفه علاوه بر برخورداری از شرایط ذکر شده به سهولت از منابع اسلامی قابل استنباط هستند که به شرح هریک می‌پردازیم.

**(الف) روان:** مراد از روان که مضافق‌الیه چهار مؤلفه سازمان‌یافته‌ها، دگرگونی‌ها، حالات‌ها و کنش‌ها قرار گرفته، نفس است. مراد از نفس همان چیزی است که برخی روان‌شناسان از آن به psyche یا mind یاد کرده‌اند و در زبان فارسی آن را روان نامیده‌اند (آذربایجانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶-۱۱۴). همان واقعیتی که یکی از برجسته‌ترین پایه‌گذاران روان‌شناسی زیستی ویلدر پنفیلد (۱۸۹۱-۱۹۷۶)<sup>۲</sup> پس از آنکه سال‌ها پیرو فرضیه یگانه‌گرایی مادی بود و روان را محصول مغز مادی می‌دانست، اظهار کرد: «ساده‌تر و منطقاً بسیار آسان‌تر است که بپذیرم وجود انسان از دو عنصر اساسی تشکیل شده که همان روان و مغز است و هریک از اینها برای خود شکلی خاص از انرژی دارند» (ولف، ۱۹۹۶، ص ۱۱۶؛ پنفیلد، ۱۹۷۵). همان که پنفیلد درباره‌اش می‌گوید:

وظیفه اصلی عالم اعصاب آن است که تلاش کند رفتار را بر پایه سازوکارهای عصبی صرف تبیین کند. این موجود دوپایی که در مقابل خدای خودش به منظور نیایش زانو می‌زند، بر پاهای خود استوار می‌ایستد تا ارتشی را هدایت کند، یا شعری را بنویسد، یا خندقی را حفر کند، یا از زیبایی طلوع خورشید به وجود می‌آید، یا بر بیهودگی‌های این جهان می‌خندد. به نظر من به مراتب منطقی تر به نظر می‌رسد که بگوییم؛ چنان که در پایان سخنرانی‌های ثایر<sup>۱</sup> در دانشگاه هاپکیکنتر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۰ اعلام کردم، روان باید جوهری متمايز و متفاوت از بدن در نظر گرفته شود (پنفیلد، ۱۹۷۵ ص ۶۲).

همان واقعیتی که جان اکلس<sup>۳</sup> با نقل قطعه‌ای شعرگونه از چالز شریگتون<sup>۴</sup> از آن پرده بر می‌دارد: هر صبحگه بیداری گذریست که بر آن خوب یا بد، در هر نمایش طنز، تقليد و لودگی یا حزن‌انگیز، نقابی عجیب به نام «خود» سایه افکنده است. خود همه‌جا هست تا آن

1. Thayer Lectures  
2. Hopkins University  
3. Sir John C. Eccles  
4. Charles Sherrington

دم که به خواب ناز فرو رود. خود یک واحد یکپارچه است. به استمرار حضورش در خواب نیز خلل چندانی وارد نمی‌شود، از خودبیگانه نشدنیش در رویدادهای حسی در درون، تبات نقطه‌نظراتش، خلوت تجربه‌هایش، دست به دست هم می‌دهند تا از آن وجودی واحد به نمایش بگذارند... این نقاب عجیب خودش را واحد می‌داند، دیگران هم با آن به منزله واحد رفتار می‌کنند. با یک نام خطابش می‌کنند. خودش و دیگران آن را به همراه بدنی می‌شناسند که توسط خودش و دیگران به صورت یکپارچه متعلق به آن خود شمرده می‌شود. به صورت خلاصه، باور بی‌چون چرا و بدون تردید، آن وجود را واحد می‌شمارند. منطق دستور زبان هم با به کارگیری ضمیر مفرد برای آن بر یگانگی اش مهر تأیید می‌نمهد. این همه تنوع و دگرگونی اش به واقعیت واحد باز می‌گردد (شرینگتون، ۱۹۵۱، به نقل از: اکلس ۱۹۹۴، ص ۱).

ما نیز در این نوشتار مرادمان از روان همان جوهر مجزا و متفاوت از بدن است که از آن در فلسفه اسلامی به نفس یاد می‌شود و در برخی شرایط به خصوص آنجایی که به شکل مجزا از بدن در نظر گرفته می‌شود و از آن به من، خود، خویشتن و مانند آن یاد می‌کنیم، لیکن نه نفس بما هو نفس؛ بلکه ما از آن ابعاد از نفس در روان‌شناسی بحث می‌کنیم که دغدغه روان‌شناسان بوده و هست.

**ب) سازمان‌یافتگی‌ها:** سازمان‌یافتگی در این نوشتار متراffد با organization، structure و configuration است که به هر چیزی گفته می‌شود که از قسمت‌های مختلف تشکیل شده که با هم‌دیگر سامان یافته‌اند و در کنار هم یک سازمان را شکل داده‌اند (فرهنگ رندم هاووس، ۱۹۹۹)؛ چنان که رایموند کرسینی<sup>۱</sup> می‌گوید: «سازمان‌یافتگی عبارت است از نظام و ترتیب خاص در مواد تشکیل‌دهنده یا قسمت‌های یک چیز به عنوان یک کل؛ به عنوان مثال یک جمله، خانه و هشیاری» (کرسینی، ۱۹۹۹). بنابراین مراد ما از سازمان‌یافتگی روانی هر ساختار روانی با ترتیب و تنظیمات ویژه است که به شکل هدفمند در درون انسان شکل می‌گیرد، تحول می‌یابد و به نقطه‌ای خاص از شکوفایی می‌رسد و نیازی از نیازهای انسان در سایه آن برآورده می‌شود؛ مانند سازمان‌یافتگی علم‌دوستی، خداجویی و خداخواهی، سازمان‌یافتگی خوردن و آشامیدن، میل جنسی و همه سازمان‌یافتگی‌های مرضی مانند اضطراب، افسردگی، وسوس و غیر آن را در بر می‌گیرد. بنابراین در روان‌شناسی اسلامی از همه سازمان‌یافتگی‌های روانی اعم از فطری و اکتسابی، مثبت و منفی بحث خواهد شد.

**ج) دگرگونی‌ها:** مراد از دگرگونی همه تغییرات اعم از جسمی و روانی است که در طول زمان برای ارگانیزم از انعقاد نطفه تا دم مرگ و حتی پیش از انعقاد نطفه تا بعد از مرگ رخ می‌دهد؛ بنابراین رشد شناختی، اخلاقی، معنوی و دیگر ابعاد تحولی حتی دگرگونی‌های بدنی تا جایی که با تحولات روانی ارتباط دارند در قلمرو روان‌شناسی اسلامی جای دارند.

**د) حالت‌ها:** حالت متراffد state در روان‌شناسی است که به معنای شرایط یا وضعیتی مربوط به موجود یا سازمان در زمان خاص است که مؤلفه‌ها یا عناصر آن از ثبات نسبی برخوردارند. هرچند مؤلفه‌ها یا عناصر ممکن است در اصل از لحاظ کمی با ثبات باشند؛ ولی می‌توانند دارای پویایی نیز باشند؛ مانند حالت فزون‌کنشی یا حالت تغییر دائم (وندن‌باس، ۲۰۱۳). در روان‌شناسی اسلامی آنچه بر آن حالت روانی اطلاق می‌شود از آن بحث خواهد شد و یا اینکه جای بحث آن در این رشتۀ علمی وجود دارد؛ به عنوان مثال بیهوشی و درد که بر ارگانیزم بعد از عمل جراحی و جراحت برداشتن یا سوختگی حاصل می‌شود. از سبک‌های دین‌داری و حالات‌های مربوط به آنها مثلاً خلسه، جذبه، فنا... گفت‌وگو خواهد شد. برخی از پدیده‌های خاص دینی که در ادیان دیگر رواج دارد و قدری لازم است با نگاه روان‌شناسی به آن پرداخته شود؛ مانند زخم‌های مقدس<sup>۱</sup> و پیدایش آنها مدنظر قرار می‌گیرد.

**ه) کنش‌ها:** مراد از کنش<sup>۲</sup> در روان‌شناسی بیشتر کنش حرکتی است که به معنای وقوع حرکتی است که دارای سه مرحله شامل طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای حرکتی است. در این فرایند تنها آخرین مرحله قابل مشاهده است که تغییری را در محیط به وجود می‌آورد. دو مرحله دیگر یعنی طراحی و برنامه‌ریزی که دارای شرح و بسط دقیق ذهنی قبل از شروع کنش هستند، هدف را تعیین می‌کنند و راهبردی را هم که باید اتخاذ گردد را تعیین می‌کنند (طراحی)، و همچنین زنجیره حرکت‌هایی که لازم است که انجام شود (برنامه‌ریزی) (هودی، ۲۰۰۴، ص ۴) در زمرة کنش قرار دارند. در روان‌شناسی اسلامی مراد از کنش هر کار هدفمندی است که ارگانیزم به انجام می‌رساند، اعم از افعال بیرونی و به‌اصطلاح جوارحی که به‌وسیله اعضای ظاهری بدن انجام می‌شود، یا کارهای درونی و به‌اصطلاح جوانحی به روح و مغز و گرایش و بینش انسان مربوط می‌شود و به همین دلیل نیز از دید دیگران پنهان می‌ماند؛ مثل اندیشه‌ها و خیالاتی که در عقل و روح انسان جریان می‌باید، مصدقی است از حرکت و فعل، و هر حرکت لزوماً جهت و مقصدی را دنبال می‌کند ( المصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ص ۵۱).

1. stigmata

2. action

3. Houde, O.

و) فرایندهای زیرین: فرایند معادل واژه process به زنجیره‌ای از رویدادها و کنش‌های اطلاق می‌شود که تغییری را در حالت یک سازمان یا موقعیت به دنبال دارند (ماتسوموتو،<sup>۱</sup> ۲۰۰۹، ص ۴۰۱). آرتور اس. ریر برای واژه فرایند شش معنا ذکر می‌کند و می‌گوید این اصطلاح در روان‌شناسی معانی گوناگون و غنی‌ایی دارد، اما همه آنها با ریشه لاتین آن processus که به معنای «حرکت به جلو و پیش‌رفتن است»، هماهنگی دارند و تلویحًا پیشرفت گام‌به‌گام به سوی مقصد یا هدفی را القا می‌کند (ریر، ۱۹۹۵، ص ۶۰۱-۶۰۰). در روان‌شناسی اسلامی مراد از فرایندها به‌طور مشخص چهار دسته فرایند است که در ورای سازمان‌یافته‌ها، دگرگونی‌ها، حالات‌ها و کنش‌های روانی فعالیت می‌کنند: فرایندهای شناختی، هیجانی، عاطفی و فرایندهای بدنی یا فیزیولوژیک.

**فرایندهای شناختی:** طبق تعریف مراد از فرایندهای شناختی هر کارکرد روانی است که به نظر می‌آید در اکتساب، ذخیره‌سازی، تفسیر، دست‌کاری، دگرگون‌سازی و کاربرد دانش دخالت دارند (وندن‌باس،<sup>۲</sup> ۲۰۱۳، ص ۱۱۸). در روان‌شناسی اسلامی مراد از فرایندهای شناختی همه فعالیت‌های شناختی اعم از تصور، مرور ذهنی،<sup>۳</sup> قضاوت، بازیابی،<sup>۴</sup> ایمان‌آوری و کفروزی را دربر می‌گیرد. فرایندهای شناختی همچنین قضاوت‌های عقل نظری و عقل عملی را دربر می‌گیرد. به علاوه از سطوح مختلف شناخت اعم از هشیار و ناهشیار که در شکل‌دهی سازمان‌یافته‌ها، حالات‌ها و کنش‌های نفسانی دخالت دارند سخن به میان خواهد آمد. این به آن دلیل است که همه اینها در گستره نفس انسان یا همان روان رخ می‌دهند و بر آنها قواعدی حاکم است؛ بنابراین از مباحث مدنظر هستند.

**فرایندهای هیجانی:** هیجان الگویی واکنشی و پیچیده است که عناصر تجربه‌ای، رفتار و فیزیولوژیک به همراه دارد که فرد به مدد آنها تلاش می‌کند با واقعیت یا رویدادی را که برایش اهمیت دارد روبه‌رو شود. ویژگی خاص هیجان، به عبارت دیگر اینکه در درون انسان چه نوع هیجانی برانگیخته می‌شود (به عنوان مثال ترس و شرم) به اهمیت خاص رویداد باز می‌گردد؛ به عنوان نمونه اگر امر مهم تهدید باشد احتمالاً هیجان ترس فعال خواهد شد، اگر هیجان ناخرسنده از فردی را دربر داشته باشد، می‌تواند هیجان شرم را برانگیزد (وندن‌باس، ۲۰۱۳، ص ۲۰۳). هیجان‌ها می‌توانند سازمان‌یافته‌های خاص،

1. Matsumoto, D.

2. VandenBos, G. R.

3. rehearsal

4. retrieval

حالات‌ها و کنش‌های ویژه‌ای را به دنبال داشته باشند؛ چنان‌که علی‌می‌فرماید: «فَأَرْفَصُ الدِّيَّا فَإِنَّ حَبَّ الدِّيَّا يُعْمَى وَ يُصْبَمُ وَ يُكَبِّمُ وَ يُذَلِّلُ الرِّقَابُ»؛ از دنیا روی برگردان؛ زیرا دوستی دنیا فرد را کور و کر می‌کند و لال می‌سازد و گردن‌ها را به ذلت فرود می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۶). در روان‌شناسی اسلامی این فرایندهای هیجانی نیز که سبب یا زمینه‌ساز سازمان‌یافتنی‌ها، حالات‌ها یا کنش‌های خاص هستند نیز بررسی می‌شوند.

**فرایندهای عاطفی:** عاطفه خود نوعی هیجان است که علاوه‌مندی، مهربانی و محبت‌ورزی به خصوص در موارد غیرجنسی را دربر می‌گیرد؛ به عنوان مثال عواطف از نوع دلبستگی هیجانی که میان افراد به خصوص میان کودکان و سرپرستان و مراقبان آنان به وجود می‌آید که بر آن روابط عاطفی نیز اطلاق می‌شود (وندن‌باس، ۲۰۱۳، ص ۱۷؛ پورافکاری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵). عاطفه و پیوند عاطفی همان است که مادر را برای نجات فرزند به درون آتش می‌برد، همان حس و تجربه‌ای که ما را به چنان تلاش و کوششی وامی‌دارد که حتی دچار خودفراموشی می‌شویم؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرمایند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزنداتان شما را از یاد خدا غافل نکن! و کسانی که چنین کنند، زیان کارانند»<sup>۱</sup> (منافقون: ۹).

**فرایندهای جسمانی:** فرایندهای جسمانی در زمرة فرایندهایی هستند که از نگاه اندیشمندان مسلمان بر سازمان‌یافتنی‌ها، حالات‌ها و کنش‌های انسان بسیار تأثیرگذارند (تاروئی نصرتی و همکاران، ۱۴۰۲). این همان چیزی است که از آن به ارتباط نفس و بدن یا روان و بدن یاد می‌شود و دیوید ول夫 (۱۹۹۷) از آن به منزله مسئله‌ای که تاکنون حل نشده و حتی لایتحل یاد می‌کند (ولف، ۱۹۹۷، ص ۱۱۷). بحث از فرایندهای جسمانی همواره یکی از بحث‌های اساسی در میان اندیشمندان مسلمان بوده و ارتباط میان حالات‌های بدنی و کارکردهای روان را وثيق و منحصر به فرد می‌دانسته‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۵۱-۵۲). در روان‌شناسی اسلامی از اصل پیوند میان روان و بدن سخن به میان خواهد آمد؛ همچنین از نحوه ارتباط روان با بدن گفت‌وگو خواهد شد. جزئیات ارتباط روان با بدن مانند جانبی‌سازی،<sup>۲</sup> موضع‌یابی، موضع‌یابی کارکرد<sup>۳</sup> و غیر آن که با کارکردهای روانی ارتباط دارند نیز گفت‌وگو خواهد شد.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أُولَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

2. localization

3. localization of function

جدول ۲: موضوع‌های پیشنهادی برای روان‌شناسی اسلامی

همسوبی با اهداف نظری و عملی	جامعیت	برخورداری از عامل انسجام‌بخش	جهت‌گیری روان‌شناختی	شرایط	موضوع‌های پیشنهادی برای روان‌شناسی اسلامی
نابرخودار	نابرخودار	برخودار	غیربرخودار	(نفس)	
نابرخودار	نابرخودار	برخودار	غیربرخودار	روح	
غیربرخودار	نابرخودار	غیربرخودار	غیربرخودار	فطرت	
برخودار	غیربرخودار	غیربرخودار	برخودار	عمل	
برخودار (همه اهداف نظری و عملی علم روان‌شناسی را پوشش می‌دهد)	برخودار (همه دندانه‌های روان‌شناسان و همچنین برخی دندانه‌های غیرموجود در روان‌شناسی، ولی دارای اهمیت روان‌شناختی را دربر می‌گیرد)	برخودار (روان بهمنزله مضاف‌الیه که همان نفس است اعمال انسجام‌بخش می‌باشد)	برخودار (جهت‌گیری همه مؤلفه‌ها روان‌شناختی است)	موضوع منتخب: سازمان‌یافتنگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها و کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها	

## نتیجه‌گیری

مباحث روان‌شناختی اعم از دوران پیش‌علمی تا دوران علمی همواره بر پایه موضوعی خاص بنا شده است؛ زیرا برخورداری از موضوع ویژگی همه علوم است. در طول تاریخ روان‌شناسی موضوع از بدن بهویژه سر آغاز شد و با بدن و ساختار داخلی آن بهخصوص مزاج‌های چهارگانه ادامه یافت. وونت هشیاری و عناصر بنیادین آن را بهمنزله موضوع روان‌شناسی قرار داد. بعد از وونت رفتار، آن هم رفتار مشهود موضوع روان‌شناسی قرار گرفت. از پی رفتارگرایان ساختار روان بهویژه ناهشیار موضوع روان‌شناسی گردید. با به صحنه آمدن دوباره شناخت‌گرایان، شناخت و فرایندهای آن بهعنوان موضوع روان‌شناسی مطرح شد. در ادامه در رویکرد زیستی بدن بهخصوص سیستم اعصاب مرکزی بهمنزله موضوع روان‌شناسی انتخاب گردید که رویکرد علم اعصاب‌شناختی را نیز می‌توان خرده رویکرد به همراه خرده موضوعی برای دو رویکرد شناختی و زیستی به حساب آورد. رویکرد انسان‌گرایی به عنوان جریان سوم در روان‌شناسی و در درون آن روان‌شناسی مثبت، شخص و تجربه‌های شخصی و توانمندی‌ها و نقاط قوت انسان را به عنوان موضوع برگزینند؛ چنان‌که با اندکی دقت روشن می‌شود هریک از این

موضوع‌ها تنها جنبه‌ای سازمان روانی انسان را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل روان‌شناسان در گذر زمان مجبور شدند در مواجهه با چالش‌های فراوان عدم‌شمول و عدم فراگیری بر همه قاعده‌مندی‌های مربوط به دغدغه‌های روان‌شناسی، پی‌درپی موضوع را تغییر دهنده که به روند آن اشاره کردیم. این مشکل و عدم انسجام در این دانش تاکنون باقی مانده است.

شاید به دلیل پراکندگی موضوع به همراه اشکالات اساسی دیگر، رویکردهای دینی در روان‌شناسی شکل گرفت که یکی از رویکردها، رویکرد اسلامی می‌باشد. در رویکرد اسلامی تاکنون چهار دیدگاه درباره موضوع روان‌شناسی پدید آمده است که به ترتیب نفس، روح، فطرت و عمل را به منزله موضوع روان‌شناسی اسلامی برگزیده‌اند، لیکن هیچ‌یک از این چهار عنوان ظرفیت لازم برای اینکه موضوع روان‌شناسی قرار گیرند را ندارند؛ زیرا هیچ‌یک شرایط چهارگانه جهت‌گیری روان‌شناسی، جامعیت، برخوداری از عنصر انسجام‌بخش و همسویی با اهداف را ندارند. طبق این پژوهش موضوع روان‌شناسی اسلامی، سازمان‌یافتگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالات‌ها و کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها به دست آمد، که در این موضوع مراد از روان‌همان نفس است که در آن اولاً نفس بما هو نفس موضوع روان‌شناسی نیست؛ زیرا نفس با گستردگی و همه ابعاد وجودیش در واقع موضوع همه علوم انسانی را می‌سازد. در سطح روان‌شناسی مسائلی مانند وجود نفس، ماهیت آن از جمله عناصر تشکیل‌دهنده آن، کیفیت پیدایش آن، رابطه با بدن و دیگر سطوح عالم هستی در علم النفس فلسفی سخن به میان خواهد آمد؛ ثانیاً در سطح قواعد روان‌شناسی که بدنّه علم روان‌شناسی را شکل می‌دهد، اصلتاً از سازمان‌یافتگی‌ها نفس، دگرگونی‌های نفس، حالات‌های نفس، کنش‌های نفس و فرایندهای زیرین این امور در درون نفس سخن به میان خواهد آمد، که مجموعه گزاره‌های علمی به دست آمده در این ارتباط علم روان‌شناسی را سامان می‌دهند.

## منابع

- نهج‌البلاغه (۱۴۱۴ق). صحیح صالح. قم: هجرت.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۹ق). فلسفه علم روان‌شناسی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۶ق). الشفاء. قم: انتشارات کتابخانه آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
- باقری، خسرو (۱۳۷۴ق). پیش‌فرض‌های روان‌شناسی اسلامی. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۲(۳).
- باقری، خسرو (۱۳۷۵ق). دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: نقش هستی.
- بهمنیار بن مزبان (۱۳۴۹ق). التحصیل. دانشگاه تهران. دانشکده الهیات و عارف اسلامی.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۰ق). فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پژوهشی: انگلیسی فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحكم و دررالکلام، محقق: سیدمهدي رجائی. قم: دارالكتاب الاسلامي.
- جعفر بن محمد الصادق (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعه. بیروت: اعلمی.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). در قلمرو معرفت روان‌شناسی اسلامی. گردآوری، تنظیم و تلخیص: محمدرضا جوادی. تهران: پیام آزادی.
- جوادی املى، عبدالله (۱۳۸۹). فطرت در آینه قرآن. فصلنامه انسان پژوهی دینی، ۷، ۲۳(۷)، ۲۳-۲۷.
- ژاله‌فر، تقی (۱۳۸۲). مبانی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام. زنجان: نیکان کتاب.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۸۳). الحکمة المتعالية في الآسفار العقلية الاربعه. اشراف: سیدمحمد خامنه‌ای. تصحیح، تحقیق و مقدمه: علی اکبر رشداد. تهران: بنیاد حکمت صدر.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۸۱). الحکمة المتعالية في الآسفار العقلية الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳). الرسائل التوحیدیه. قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعمی للطبعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط-الاسلامیه). تهران: دار الكتب الاسلامیه.
- مصبح یزدی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- مصبح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصبح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). دریارة پژوهش. تدوین و نگارش: جواد عابدینی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصبح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). سیمای سرافرازان. تدوین و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نادری قمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصبح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). جنگ و جهاد در قرآن. تدوین و نگارش: محمدحسین اسکندری و محمدمهدی مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). فطرت. تهران: صدرا.
- معلمی، حسن (۱۳۹۵). نفس و روح در فلسفه اسلامی و آیات و روایات. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ناروئی نصرتی، رحیم (۱۳۹۸). نظریه خودیابی اسلامی در درمان سوساوس. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ناروئی نصرتی، رحیم (۱۴۰۱). احساس و ادراک در روان‌شناسی و مقایسه آن با دیدگاه ملاصدرا: ماهیت، فرایند و گستره. مجله ذهن، ۸۹، ۹۰-۹۹.
- ناروئی نصرتی، رحیم و عبدی، حسن (۱۳۹۶). علم النفس از نگاه اندیشمندان مسلمان؛ زیر نظر سیدمحمد غروی راد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ناروئی نصرتی، رحیم و گروهی از نویسندهان (۱۴۰۲). مبانی روان‌شناسی اسلامی؛ با نظرارت علمی محمدجواد زارعان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- Borch-Jacobsen Mikked and Sonu Shamdasani (2012). *The Freud Files: An Inquiry into the History of Psychoanalysis*. Cambridge University Press: New York.
- Bunge Mario and Ruben Ardia (1987). *Philosophy of Psychology*. Springer-Verlag: New York.
- Carlson, N. R. (2000). *Psychology: The Science of Behavior*. Needham Heights, MA: Allyn & Bacon.
- Cattori Thomas and David M. Odorisio (2018). *Depth Psychology and Mysticism*. Palgrave; Macmillan: USA.
- Cheung Chung Man and Michael Hyland (2012). *History and Philosophy of Psychology*. Wiley- Blackwell: USA.
- Collins John E. (1991). *Mysticism and New Paradigm Psychology*. Rowman and Littlefield Publishers. Inc: USA.
- Comer Ronald J. (2015). *Abnormal Psychology: Ninth Edition*. Worth Publisher: New York.
- Durant, Will (1997). *The Story of Civilization: The Age of Faith*. V4. MJF Books. New York.
- Freberg Laura A. (2019). *Discovering Behavioral Neuroscience: An Introduction To Biological Psychology*. California polytechnic State University: California.
- Freud, Sigmund (1895). *Project for a Scientific Psychology*. The Standard Edition of the

- Complete Works of Sigmund Freud, Volume1. Hogarth Press: London.
- Greenwood John D. (2009). *A Conceptual History of Psychology*. McGraw-Hill Companies. New York.
- Henley Tracy B. (2024). *Hergenhahn's An Introduction to the History of Psychology; Ninth Edition*. Cengage: United States.
- Hergenhahn B. R. & Tracy B. Henley (2014). *An Introduction to the History of Psychology: Seventh Edition*. Wadsworth; Cengage Learning: United States.
- Hood Bruce (2012). *The Self Illusion: How the Social Brain Creates Identity*. Oxford University Press: New York.
- Hood, J. R. Ralph W., Peter C. (2009). Hill and Bernard Spilca. *The Psychology of Religion; An Practical Approach: 5th Edition*. Guilford Press: New York.
- Houde Olivier (2004). *Dictionary of Cognitive Science: Neuroscience, Psychology, Artificial Intelligence, Linguistics and Philosophy*. Psychology Press: New York.
- Joncich, G. (1988). *The Sane Positivist: A Biography of Edward L. Thorndike*. Middletown, CT: Wesleyan University Press.
- Kalat James W. (2017). *Introduction to Psychology: 11th*. Cengage Learning: United States.
- Kalat James W. (2019). *Biological Psychology: 13th*. Cengage: United States.
- Kazdin Alan E. (2000). *Encyclopedia of Psychology*. Volume 6. Oxford University Press: New York.
- Kring Ann M., Sheri L. Johnson, Gerald C. Davison and John M. (2010). Neal. *Abnormal Psychology: Eleventh Edition*. John Wiley & Sons, Inc. United States of America.
- Krull Douglas S. (2014). *Introduction to Psychology*. Kona Publishing and Media Group: Charlotte, North Carolina.
- Matsumoto David (2009). *The Cambridge Dictionary of Psychology*. Cambridge University Press: New York.
- Neisser Ulric (2014). *Cognitive Psychology: Classic Edition*. Psychology Press; taylor & Francis Group: New York.
- Nolen Hoeksema Susan, Barbara L. (2009). Fredrickson, Geoff R. Loftus and Willem A. Wagenaar. *Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology: 15th Edition*. Wadsworth Cengage Learning: Australia and United States.
- O'Donohue William and Richard Kitchener (1999). *Handbook Of Behaviourism*. Academic Press: Toronto.
- Paloutzian Raymond F. and Crystal L. Park (2005). *Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality*. The Guilford Press: New York.
- Penfield Wilder (1975). *Mystery of the Mind: A Critical Study of Consciousness and the Human Brain*. Princeton Legacy Library: New Jersey.
- Reber Arthur S. (1995). *Dictionary of Psychology; Second Edition*. Penguin Group: London.
- Richards Graham (2010). *Putting Psychology in Its Place: Critical Historical Perspectives: Third Edition*. Routledge; Taylor & Francis Group: London and New York.
- Rogers, C. R. (1969). *Freedom to learn*. Charles E. Merrill: Columbus, OH.
- Schultz Duane P. & Sydney Ellen Schultz (2011). *A History of Modern Psychology: 10th Edition*. Wadsworth; Cengage Learnig.
- Shaffer David R and Katherine Kipp (2014). *Developmental Psychology; Childhood & Adolescence: Ninth Edition*. Jon-David Hague: United States.
- Simos, Gregoris (2002). *Cognitive behaviour therapy: A Guide for the Practising Clinician*. London: Philadelphia.
- Skinner, B. F. (1974). *About Behaviorism*. Alfred A. Knopf: New York.
- Sternberg Robert J. and Kternberg Karin (2012). *Cognitive Psycholog: 6th Edition*. Wadsworth; Cengage Learning: United States.
- VandenBos Gary R. (2013). *APA Dictionary of Clinical Psychology*. American Psychological Association: Washington, DC.
- Watson, J. B. (1924). *Psychology From The Standpoint of A Behaviorist*. J. B. Lippincott Company: Philadelphia and London.
- Watson, J.B. (1913). *Psychology as the Behaviorist Views It*. *Psychology Review*, 20, 158 -177.
- Wulff David M. (1997). *Psychology of Religion: Classic and Contemporary*. Wheaton Collage: Massachusetts.
- Wulff David M. (1997). *Psychology of Religion: Classic and Contempory*; 2th Edition. John Wiley & Sons. INC. New York.

## مدل مفهومی خطاها در آموزه‌های قرآن کریم

### Finding a Conceptual Model of Cognitive Errors in the Teachings of the Holy Quran

که میلاد شماخته / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

محمد رضا احمدی محمدآبادی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

✉ Milad Shamakhte / PhD student of Quran and Psychology, Al-Mustafa Al-Alamiyah University,  
Qom, Iran shamakhte1997@gmail.com

Mohammed Reza Ahmadni Mohammadabadi / Associate Professor of Psychology, Imam  
Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

#### Abstract

Cognitive mistake is considered the basis of all human psychological abnormalities. This study aims to explore the conceptual model of cognitive mistakes in the Holy Quran using a mixed method of content analysis and quantitatively validation by experts. The findings of this research indicate that cognitive mistake consists of two components: error cognition and erroneous logic of thought: a) Superstition, superficiality, and fear of otherwise God provide the grounds for following conjecture and imagination. b) yielding to pressures, haste, and belief in vains lead to selective perception. c) Traditionalism, self-superiority, and hostility -disbelief in the realm of error cognition (the first component) pave the way for the distortion of truths. d) All components of erroneous logic of thought (following conjecture, imagination, selective perception, distortion of truths) culminate in “illogical deduction,”

#### چکیده

خطای شناختی اساس همه نابهنجاری‌های روانی انسان تلقی می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف استکشاف مدل مفهومی خطاها در شناختی در قرآن کریم به روش ترکیبی تفسیر موضوعی و روایی‌سنجدی از متخصصان صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد خطای شناختی از دو مؤلفه شناخت خطا و منطق فکری خطاساز تشکیل یافته است: (الف) خرافه‌گرایی و سطحی‌نگری و ترس از غیرخدا زمینه پیروی از ظن - گمان و خیال‌پردازی را فراهم می‌آورد؛ (ب) هرزباوری، جوپذیری و شتاب‌زدگی منجر به برخورد گزینشی می‌شود؛ (ج) سنت‌گرایی، خودبرترینی و عناد - حق ناباوری در ساحت شناخت‌های خطای مؤلفه اول، زمینه تحریف حقایق را فراهم می‌آورد؛ (د) تمام مؤلفه‌های منطق فکری خطاساز (پیروی از ظن، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، تحریف حقایق) با رقم زدن «قياس غیرمنطقی» عامل محوری خطای شناختی در قرآن کریم است. یافته‌های

which is the central factor of cognitive error in the Holy Quran. The quantitative study findings showed that the CVI index for sub-components ranged from 0.88 to 1, and the CVR index for sub-components ranged from 0.78 to 1. Therefore, cognitive mistake in the Holy Quran has a conceptual model with content validity that can be measured through a tool constructed.

**Key words:** cognitive errors, conceptual model, erroneous logic of thought, interpretation, interpretive narrations.

مطالعه کمی نشان داد که میزان شاخص CVI در زیر مؤلفه‌ها در دامنه ۰/۸۸ تا ۱ و میزان شاخص CVR در زیر مؤلفه‌ها در دامنه ۰/۷۸ تا ۱ است. بنابراین خطای شناختی در قرآن کریم دارای مدل مفهومی و برخوردار از روایی محتوایی است که قابلیت سنجش در قالب ساخت ابزار را دارد.

**کلیدوازه‌ها:** خطاهای شناختی، مدل مفهومی، منطق فکری خطاساز، قرآن کریم، تفسیر.

## مقدمه

معرفت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای مثبت زندگی است. ناآگاهی و آگاهی ناصحیح، انسان را در تحلیل درست و قایع محیط پیرامون دچار لغزش می‌کند. این امر در سازگاری و ناسازگاری افاده جامعه تأثیر فراوانی دارد و می‌تواند زندگی انسان را تحت الشاعع قرار دهد. برای داشتن یک زندگی مطلوب باید از تحریف اطلاعات جلوگیری نمود (الیس، ۱۹۷۳، به نقل از: پروچسکا، ۱۳۹۰، ص ۹۰). وقتی تفکر و رفتار آدمی عاقلانه باشد، موجودی کارآمد، شادمان، سرزنش و توانا خواهد بود؛ پس می‌توان گفت هر انسانی با اندیشه و افکار خود، زندگی اش را می‌سازد و جهت می‌دهد. وقتی حادثه‌ای برای فرد اتفاق می‌افتد، او بر اساس تمایلات درونی و ذاتی خود ممکن است برداشت متفاوت و متضاد از آن حادثه و رویداد داشته باشد (الیس، ۱۹۷۳، ص ۶۵)، یکی افکار، عقاید و باورهای منطقی و عقلانی و دیگری افکار، عقاید و برداشت‌های غیرمنطقی و غیرعقلانی. در حالتی که فرد تابع افکار و عقاید عقلانی و منطقی باشد، به عواقب و نتایج منطقی دست خواهد یافت و شخصیت سالمی خواهد داشت، اما در حالتی که فرد تحت تأثیر و دستخوش افکار و عقاید غیرمنطقی قرار می‌گیرد، با عواقب و نتایج غیرمنطقی و غیرعقلانی مواجه خواهد شد. در این حالت، فردی است مضطرب و ناراحت که شخصیت ناسالمی دارد (پروچسکا، ۱۳۹۰). خطاهای شناختی یعنی تفکر به شیوه جزئی و توأم با افکار غلط و غیرعقلانی که نتیجه آن اضطراب و افسردگی و مشکل در روابط بین فردی است، نیز باعث تغییر در احساسات فرد شده و باعث ایجاد زمینه‌های تنشی می‌شود (الیس، به نقل از: لیبه‌ی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). این خطاهای توسط بک (۱۹۹۷) و الیس (۱۹۷۳) شناسایی شدند که در آن علل مشکلات روانی را وجود نوعی از این خطاهای می‌دانند. آخرین یافته‌ها هم مبتنی بر تحقیقات بک (۱۹۹۹)

در کتاب شناخت درمانی مبانی و فراتر از آن به نگارش درآمده و در حال بررسی خطاهایی هستند که باعث ایجاد انحراف در فکر فرد شده و بر زندگی روزمزه او تأثیر می‌گذارد (حمیدپور، ۱۳۹۷، ص ۱۶۰). نسخه‌های شفابخش اسلام ضامن سعادت دنیوی و اخروی زندگی بشر است (مصطفاً یزدی، ۱۳۸۵). قرآن و روایات با عبارات مختلف، به موضوعاتی نظیر شناخت و اصلاح باور و معرفت صحیح می‌پردازند و بر نقش شناخت بر رفتار تأکید می‌کنند (غروی، ۱۳۸۶). قرآن کریم علاوه بر اینکه به امكان خطای شناخت حسی و نیز به نمونه‌هایی از خطاهای ادراکی؛ مانند «درآک سراب به جای آب» (نور: ۳۹) اشاره می‌کند، تکیه بر حس و حس‌گرایی صرف را آفت شناخت و معرفت می‌داند و کسانی که به دلایلی توانایی استنتاج امور غیرحسی از نشانه‌های حسی را ندارند، در زمرة غافلان برشمرده، درباره آنها می‌فرمایند: «آنها دل‌ها [عقل‌ها]‌ای دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند، و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند (اعراف: ۱۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱). افرون بر این، قرآن به اندک بودن سرمایه و ابزار علمی پسر، برای درک عمیق و نتیجه‌گیری از برخی معارف نیز اشاره کرده (اسراء: ۸۵)، و سطحی نگری را نیز آفت اندیشه و باور حقیقی انسان می‌داند؛ از جمله می‌فرماید که «(برخی) گمان می‌کنند هیچ کس آنها را نمی‌بیند» (بلد: ۷).

در بررسی ادبیات پژوهشی یافته‌ها حاکی از آن است که مفهوم خطای شناختی در یک جمله عبارت است از: «افکاری که به صورت خودکار پدید می‌آیند و حالت منفی دارند، با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و قضاوتهای ناصحیح برای انسان رقم می‌زنند» (بک، ۱۹۹۷، ص ۱۱۲). این افکار، به دلیل تشابهی که دارند طبقه‌بندی می‌شوند و اصطلاحاً به آنها «خطاهای شناختی» اطلاق می‌شود. در تمام صور خطاهای شناختی، انسان‌ها ذهن دیگران را می‌خواند و تلاش می‌کنند احساسات و عقاید آنها را حدس بزنند. به حدس خود اعتماد و اعتقاد کامل دارند. این درحالی است که توانایی حدس قطعی را ندارند. این خطاهای عامل کلیدی تعارضات و ایجاد تنش در روابط انسانی است (فتی و موتایی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰).

با تبعی در منابع تحقیقاتی، پژوهشی در حوزه خطاهای شناختی در قرآن کریم یافته‌هایی مشاهده گردید؛ از جمله مطالعه رحیمی‌زاده (۱۳۹۷) که جلوه‌گر سهم بالای شناخت و معرفت‌های بشر، در پیشرفت معنوی و تکامل اجتهادی

در نگاه وحی است. شاکرمی، زهراکار و محسن‌زاده (۱۳۹۳) میزان اثر تحریفات شناختی بر تعارضات میان‌فردی را بررسی کردند. چراغچی (۱۳۹۲) به بررسی تطبیقی باورهای غیرمنطقی در اسلام و روان‌شناسی پرداخته و بیان کرده که در بحث باورهای غیرمنطقی شباهت‌های زیادی بین یافته‌های دینی و روان‌شناسی معاصر است؛ لکن در محتوای پژوهش‌های مذکور «مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم» ارائه نشده است.

بر این اساس با توجه به فقدان مدل منسجم مبتنی بر مبانی اسلامی در فرایند شناسایی خطاهای شناختی در نگاه قرآن کریم و همسو بودن مفهوم این مسئله با برخی مفاهیم دانش روان‌شناسی، و نیز در نظر گرفتن آثار متعدد آموزه‌های دینی در درمان‌های شناختی، برآئیم که در قالب مدل مفهومی خطاهای شناختی را در قرآن کریم مورد پژوهش قرار دهیم؛ چراکه ضرورت مفهوم‌سازی مدون درخصوص پدیده‌های دینی از دیرباز مورد تأکید اندیشمندانی همچون اتو<sup>۱</sup> قرار گرفته است (وولف، ۱۳۸۲) که دستیابی به آن، از طریق ارائه مدل مفهومی مقدور است. منظور از «مدل» نمایش گرافیکی، یا نوع دیگری از نمایش یک مفهوم، یا فرایندهای رفتاری پایه یا بدنه است که برای اهداف تحقیقاتی مختلف؛ مانند افزایش آگاهی از یک مفهوم، ارائه فرضیه‌ها، نشان دادن روابط یا شناسایی الگوهای شناختی در قرآن کریم<sup>۲</sup> کشف مجموعه‌ای از متغیرها که در شکل‌گیری باور ناکارآمد و خطا‌ساز دخیل هستند. از آنجاکه سازه‌های نظری، مشاهده‌نایذیرند، تنها کاری که می‌توان انجام داد بررسی روایی روابط موضوعه (مفروض) آنهاست (هومن، ۱۳۹۰، ص ۷۰). بر این اساس علاوه بر آنچه گفته شد، این مطالعه درصد است تا میزان روایی ساختار سازه خطاهای شناختی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم را بسنجد و درصد پاسخگویی به این سؤالات برآید: مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم چه مؤلفه‌هایی دارد و میزان روایی محتوا آن چقدر است؟

## روش پژوهش

روش پژوهش در زمرة طرح‌های ترکیبی از نوع اکتشافی قرار دارد؛ از این‌رو محقق در مطالعه کیفی از روش تفسیر موضوعی (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۱۲) با تمرکز بر توصیف و تحلیل استفاده می‌کند. بدین منظور برای دستیابی به مدل مفهومی خطاهای شناختی، با استفاده از گزاره‌های موجود در آیات و تفاسیر و روایات تفسیری، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر خطای شناختی آنها استخراج و سپس مدلی گرافیکی از مفهوم خطای شناختی طراحی می‌شود. جامعه متنی پژوهش، قرآن کریم اعم از آیات قرآن کریم و تفاسیر روایات تفسیری معتبر است که به صورت هدفمند انتخاب شد. در مطالعه کمی برای دستیابی به روایی محتوا، از روش مراجعه به نظرات کارشناسان خبره استفاده شد. در این مطالعه، جامعه انسانی تمام پژوهشگران حوزه دکتری در رشته‌های علوم انسانی است و با روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰ نفر از آنها انتخاب شد. بدین منظور از دو شاخص روایی محتوا CVI و ضریب نسبی روایی محتوا CVR استفاده شد.

## ۱. یافته‌های پژوهش

محقق سعی نموده منابع دینی را با تأکید بر محتواهای قرآنی، در زمینهٔ برخی مؤلفه‌های شناخت درمانگری مثل باورهای غیرمنطقی<sup>۱</sup> و خطاهای شناختی<sup>۲</sup> با بررسی قریب سه هزار آیه مرتبط با شناخت و نیز نگاهی به روایات تفسیری مخصوصین<sup>۳</sup> استخراج کند. در مطالعهٔ کیفی، با تبعیغ گزاره‌های توصیفی خطاهای شناختی برآمده از نگاه منابع دینی دارای دو مؤلفهٔ شناخت خطاب و منطق فکری خطاساز است، که تبیین هریک از آنها با ارائهٔ مستندات متنی ارائه می‌گردد.

### ۱-۱. مؤلفهٔ شناخت خطاب

شناخت خطاب از هشت ویژگی خرافه‌گرایی، وابستگی به غیرخدا، هرزباوری، جوپذیری، شتاب‌زدگی، عناد و روحیهٔ حق‌نایپذیری سنت‌گرایی و خودبرترینی، به‌دست می‌آید. در ذیل مستندات هریک از ویژگی‌های مزبور ارائه می‌شود.

#### ۱-۱-۱. خرافه‌گرایی

قرآن کریم با اشاره به آسیب و آفت خرافه‌گرایی در شناخت (معدی‌خواه، ۱۳۷۸، ص ۵۴۸)، آن را عامل رواج بدعت‌ها و افترها در جامعهٔ کفرپیشگان جاهلی می‌داند، و از جمله مصاديق این بدعت‌ها و باورهای خرافی، حرام کردن چهار نوع از حیوانات اهلی (مائده: ۱۰۳)، قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای بتها (انعام: ۱۳۶)، قربانی کردن کودکان برای بتها و افتخار به آن (انعام: ۱۳۷) را ذکر کرده است. پیامبر اسلام<sup>۴</sup> بر دوری از تطییر و تفائل و دوری از خرافه‌گرایی تأکید می‌ورزند و می‌فرماید: «إِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمْضِ وَ إِذَا ظَنَنتَ فَلَا تَتَّضَعْ وَ إِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَتَّبَعْ»؛ هنگامی که فال بد زدی، بگذر و چون گمان بردمی، بر اساس آن داوری مکن و آنگاه که حسد بردمی، تجاوز مکن. حدیث دیگری در باب نهی از آویختن اشیای جادویی برای مصونیت از مشکلات آمده است: «سنگ‌ها، سود و زیانی - برای شما - ندارند» (بخاری، ۱۴۳۲ق، ص ۲۱۵۹). پیامبر اکرم<sup>۵</sup> آویختن این اشیا را با روح خداپرستی ناسازگار و نوعی شرک می‌دانست و می‌فرمود: «مَنْ عَلَقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ»؛ همانا هر کس تمیمه<sup>۶</sup> آویزان کند، شرک ورزیده است (طریحی، ۱۴۴۰ق، ج ۶ ص ۲۲). همچنین افروختن آتش برای باریدن باران، یکی دیگر از کارهای خرافی و بی‌اساس مردم جاهلی بود که پیامبر اکرم<sup>۷</sup> با کندن چاه و قنات و

- 
1. Irrational beliefs
  2. Cognitive errors

<sup>۳</sup>. تمیمه: نظر قربانی

احیای زمین‌های بایر، آنها را از این کج‌اندیشی نجات داد و به آنان فهماند که برای هر معمولی، علتی وجود دارد و آنجا که علل مادی یافت نمی‌شود، از راه توصل و نماز استسقا می‌توانند مشکل خود را حل کنند. در زمان پیامبر اکرم ﷺ گروهی از مردم از کمی باران و خشکسالی به ستوه آمده بودند، از حضرت خواستند که دعا کند. رسول اکرم ﷺ به آنان گفت: زیر آسمان دعا کنید و نماز استسقا بخوانید! و حضرت دعا می‌کرد و مردم آمین می‌گفتند، تا زمانی که دعایش مستجاب شد (فیض کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۳۱). در نگاه این روایات، خرافه‌گرایی یکی از خطاهای شناختی انسان‌ها تلقی شده است؛ چراکه علامه طباطبایی در *المیزان* معتقد است که خرافه‌گرایی، هم عقل نظری و هم عقل عملی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و قضاوتهای انسان را خطأ‌الود می‌کند، از نگاه علامه طباطبایی بهتر است برای تبیین خطاساز بودن خرافه‌گرایی در زندگی بشر، ارکان آن ذکر شود تا تبیین جامع، مانع و واضح باشد. به این ترتیب:

۱. شخص خرافاتی که دارای منطق فکری خطاساز می‌شود؛ ۲. شیء مورد خرافات و رابطه علت و معلولی آن با پدیده‌های دیگر که خطا در اسنادها را رقم می‌زند؛ ۳. حکم‌کننده به خرافه بودن آن، که عبارت است از عقل و نقل مبتنی بر علم و دین (یعنی نادیده گرفتن واقعیت)؛ ۴. عوامل پیدایش خرافه که ترس یا جهل بسیط یا جهل مركب و خطای در برداشت‌ها و تفسیرها و نگاه‌های است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵۶).

## ۱-۱. حس‌زدگی و سطحی‌نگری

قرآن کریم علاوه بر اینکه به امکان خطا در شناخت حسی و نیز به نمونه‌هایی از خطاهای ادراکی؛ مانند ادراک سراب به جای آب (نور: ۳۹) اشاره می‌کند، تکیه بر حس و حس‌گرایی صرف را آفت شناخت و معرفت می‌داند و کسانی که به دلایلی توانایی استنتاج امور غیرحسی، از نشانه‌های حسی را ندارند در زمرة غافلان برشمده، درباره آنها می‌فرماید: «آنها دل‌ها [عقل‌ها]‌ای دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند، و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند (اعراف: ۱۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۱-۳۴۱). افزون بر این، قرآن به اندک بودن سرمایه و ابزار علمی بشر، برای درک عمیق و نتیجه‌گیری از برخی معارف نیز اشاره کرده (اسراء: ۸۵) و سطحی‌نگری را نیز آفت اندیشه و باور حقیقی انسان می‌داند؛ از جمله می‌فرماید که: «(برخی) گمان می‌کنند هیچ‌کس آنها را نمی‌بینند» (بلد: ۷)، و هیچ محاسبه و نظاره‌ای را مافوق خود نمی‌بینند. و گروهی در عین طمع رسیدن به سعادت ابدی، با محاسبه جاهلانه خود، به ادعای ایمان قناعت ورزیده، آرزوی زندگی بدون ورود در آزمایش‌ها، سختی‌ها و ناگواری‌ها را دارند (عنکبوت: ۲).

### ۳-۱-۱. ترس از غیرخدا، وابستگی به غیرخدا

واتسون<sup>۱</sup> ترس را یکی از سه هیجان فطری می‌دانست. درست است که ترس یک نوع هیجان تلقی می‌گردد، لکن در این نوشتار بعد شناختی و معرفتی آن مدنظر است؛ چراکه ارسطو<sup>۲</sup> ترس را ناشی از برداشت فرد از جهان بیرونی و مرتبط با احساس درد و لذت می‌دانست (استرنبرگ، ۲۰۰۳). ترس دارای چهار مؤلفه: ۱. شناختی (انتظار خطر، افکار، باورها)؛ ۲. بدنی (رنگ پریدگی پوست، تنبیگی عضلات، چهره بیمناک، تند شدن ضربان قلب، گشاد شدن رگ‌ها، عرق کردن، توقف ترشح اسید معده، فقدان کنترل مثانه، کاهش ترشح بزاق و خشکی دهان، آزاد شدن کربوهیدرات از کبد)؛ ۳. هیجانی (احساس دلهره، احساس مور مور شدن)؛ ۴. رفتاری (فرار، اجتناب، میخکوب شدن، پرخاشگری) می‌باشد. مؤلفه شناختی ترس، انتظار خطری واضح و بهخصوص است (روزنها و سلیگمن، ۱۹۹۵)، اما همین ترس در ابتدا می‌تواند قضاوتهای انسان را به چالش کشیده و او را دچار خطا کند. قرآن کریم در زمینه ترس از غیرخدا که از دیگر لغزشگاه‌های اندیشه بشر است (در جریان تغییر قبله)، می‌فرماید: «... از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید!» (بقره: ۱۵۰) و نیز آیه ۱۶۵ سوره بقره، نشانگر اوج وابستگی مشرکان به غیرخداست. بااتفاق تمام مفسران، مشرکان به غیرخدا وابسته‌اند و بدان‌ها عشق می‌ورزند و این وابستگی و پذیرش بدون اندیشه، فکر آنان را به بند می‌کشاند و پوچی و از خودبیگانگی را در پی دارد. عمومیت این وابستگی شامل هر مُطاعی می‌شود؛ چون اطاعت غیرخدا و غیر کسانی که خدا به اطاعت آنان امر فرموده، خود شرک است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۶). خداوند متعال در تحلیل و تبیین علت عدم تعادل روانی افراد به این نکته اشاره می‌کند که ترس از حوادث ناگوار و آینده‌ای تلخ موجب می‌شود تا افراد اجتماع از حالت تعادل روانی خارج شده و تصمیماتی بگیرند که از اعتدال خارج است (احزاب: ۱۰-۱۱). از نظر آموزه‌های قرآن کریم کسانی که دل و قلب و ذهن خویش را به جای خدا میزبان افکار و اندیشه‌های غیر می‌کنند و در یک جنگ روانی در اثر ترس از او، گرفتار انفعال در شناخت صحیح و ودادگی و خطا در محاسبه‌ها می‌شوند، اینها نه تنها از ولایت الهی خارج می‌شوند؛ بلکه تحت ولایت طاغوت و اهداف پلید آن قرار می‌گیرند. این افراد روزبه روز مبتئی بر افکار خطا، منفعانه عمل می‌کنند؛ زیرا دشمنانی چون شیطان تنها از طریق حربه «اراعاب و ترس و خوف» است که می‌تواند ولایت شیطانی و طاغوتی خویش را حفظ کند؛ از این‌رو این همواره از سوی غیرخدا مورد تهدید قرار می‌گیرند تا بیش از پیش در خدمت شیطان و اهداف ولایت طاغوتی آن باشند (آل عمران:

1. Watson

2. Aristotle

۱۷۵-۱۷۶). از این آیات به دست می‌آید که شیطان مؤمنان را از کافرانی که تحت ولایت او هستند می‌ترساند تا این‌گونه اهدافش نیز پیش برود (فخر رازی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۹۰).

#### ۴-۱. شایعه‌پذیری و هرزباوری

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند...» (نساء: ۸۳). علاوه بر این امامان معصوم نیز اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که در باری دل و گوش خود باشید، و در این امر به آیه ۳۶ سوره اسراء استناد می‌فرمودند (عروسوی هویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹-۶۰): «و لیس لک ان تسمع ما شئت لان الله يقول: ان السمع و البصر...؟ تو آزاد نیستی به هر سخنی که دلت بدان تمایل دارد، گوش فراده‌ی؛ زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: «گوش و چشم و... مسئولیت دارند» (اسراء: ۳۶). هریک از ابزار ادراکی، اعم از حس ظاهر - سمع و بصر و... - و حس باطن - عقل و اندیشه و... - حجت الهی‌اند و آدمی با در اختیار داشتن چنین ابزاری مسئول است و باید در صراط صحیح گام بردارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۹۴). در خطبه ۷۸ نهج البلاغه می‌خوانیم: «فدع ما لا تعرف فان شرار الناس طائرون اليك باقاویل السوء»؛ از نقل مطالبی که درباره آن اطلاع کافی ندارید پرهیز کن؛ زیرا اشرار، مطالب بی‌اساس یعنی شایعات را علیه من به گوش شما می‌رسانند. انسان‌ها با شنیده‌های خود تصمیم می‌گیرند و مسیر زندگی را با آن تنظیم می‌کنند؛ چنانچه امام جواد فرمودند: «من اصغرى الى ناطق فقد عبده»؛ کسی که گوش جان به کلام گوینده‌ای می‌سپارد چنان است که او را می‌پرستد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۴).

#### ۵-۱. پیروی از اکثریت، تأثیرپذیری از قضاوت دیگران

در قرآن کریم جو پذیری و تبعیت ناآگاهانه از اکثریت، از آفات و خطاهای شناخت است. تصمیم اکثریت گمراه، نمی‌تواند ملاک درستی برای تصمیم‌گیری باشد. برای نمونه می‌فرماید: «و تو ای رسول، اگر از اکثر مردم روی زمین پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که اینان جز از بی‌ظن و گمان نمی‌روند و جز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند» (آل‌عام: ۱۱۶). امیر مؤمنان علی نیز می‌فرماید: «در راه حق و هدایت، از کم بودن همراه نه راسید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱). بنابراین در شناخت و تفکر سالم، قضاوت‌های مردم درباره انسان نباید برای او ملاک باشد و نباید تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران قرار گرفت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۶). قرآن کریم در آیه ۷ سوره توبه مؤمنان را موظف می‌کند که در مسیر کمالی خویش و پاییندی به هنجارهای اجتماعی، رو به شناخت صحیح و التزام به آن بیاورند

و خطا در شناخت را در عدم پایداری و تکیه بر قضاوت‌های دیگران معرفی می‌کند. اگر در این آیه با توجه به هنجارهای پسندیده عقلایی اجتماعی سخن از استقامت و پایداری و وفا به عهد و پیمان‌ها حتی نسبت به کافران و مشرکان سخن رفته است، در آیه ۱۰۴ سوره نساء نیز بر ارزشمندی و اهمیت پایداری و استقامت بر ایمان تأکید شده است که بیانگر این نکته است که پایداری و استقامت در همهٔ حوزه‌های کمالی؛ از جمله شناخت کارآمد و معرفت صحیح از باورهای راستین و رفتارها و کردارهای اجتماعی موافق اصول عقلانی و شرعی امری پسندیده؛ بلکه واجب از نظر شرعی است و تأثیرپذیری از قضاوت‌های دیگران نوعی خطای شناختی است. قرآن کریم در آیات متعدد، این آسیب و لغزشگاه اندیشهٔ بشر را مطرح کرده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹)، و آن را توبیخ نموده و تأکید می‌کند که باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسبتی‌باید، نپذیرید (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۰). قرآن از احیا و فراخوانی روش نیاکان نابخرد و گمراه، با عنوان «اجابت دعوت شیطان» و «دعوت به آتش» (لقمان: ۲۱) تعبیر فرموده و این تعبیری حقیقی است، نه مجازی (جودی آملی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۵۵۷-۵۵۸). تقلید از نوع گذشته‌گرایی، ارتجاج، تبعیت از عقاید، اخلاق و رفتار گذشتگان و جمود در اصول پیش ساخته آنان، از آن جهت ممنوع است که پایهٔ عقلایی صحیح نداشته باشند و فقط از آن جهت پذیرفته شود که سال‌ها یا قرن‌ها بر آن عقاید گذشته است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸).

### ۱-۱. عجله و شتاب‌زدگی

در قرآن کریم عجله و شتاب‌زدگی از آفات شناخت و مانع فهم سود و زیان خویش است. قرآن شتاب‌زدگی در اندیشه را یکی از علل انحطاط می‌داند؛ زیرا در ک صحیح و قدرت تشخیص حق از باطل را از انسان می‌گیرد تا جایی که بدی را نیکی و بدیختی را خوشنختی و بیراهه را راه مستقیم می‌پندارد: «وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ ذُعَاءَةً بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ غَجُولًا» (اسراء: ۱۱). امام صادق<sup>ع</sup> در این زمینه می‌فرمایند: «خداؤند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأدیب فرمود؛ یکی اینکه در آیه ۱۶۹ از سوره اعراف فرمود: "تا به چیزی علم پیدا نکردماند آن را تصدیق نکنند" (شتاب‌زدگی در تصدیق) و دیگر اینکه در آیه ۳۹ از سوره یونس فرمود: "تا به چیزی علم و یقین پیدا نکردماند آن را رد و نفی نکنند" (شتاب‌زدگی در انکار)» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹). شتاب‌زدگی انسان را از فکر و اندیشه کافی و کارآمد بازمی‌دارد و او را به‌سوی لغزش می‌کشاند. اگر در عرف جامعه مشهور است که «عجله کار شیطان است»، مستند دینی دارد. شاید از آنجاکه شیطان انسان را به‌سوی افکار خطا و اشتباه می‌کشاند، چنین عملی به شیطان که مظہر زشتی‌هاست، نسبت داده شده است. پیامبر خدا<sup>ع</sup> می‌فرماید: «الآنَة مِنَ اللَّهِ، وَ الْعَجْلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ درنگ از (صفات) خداست و شتاب‌کاری از

(صفات) شیطان است. امام صادق می‌فرماید: «همیشه همراه با آرامش و درنگ، سلامت (از خطأ و لغش) است و همراه شتاب‌زدگی، پشیمانی» (صدوق، ج ۲، ص ۱۰۰).

### ۷-۱. روحیه خودبرتریبینی

از نظر قرآن کریم اصلاح خود به همراه ایمان، رهایی از ترس و غمگینی را به دنبال دارد (انعام: ۴۸؛ مائدہ: ۶۹). خودبرتریبینی معرفت را ناقص و قوّه تفکر را ضعیف می‌کند. در حدیثی از امام باقر می‌خوانیم: «ما دخل قلب امرء شئ من الکبیر الا نقص من عقله مثل ما دخله من ذلک! قل ذلک او كثر»؛ در قلب هیچ انسانی چیزی از کبر وارد نمی‌شود، مگر اینکه به همان اندازه از عقولش کاسته خواهد شد، کم باشد یا زیاد (محلسی، ج ۱۳۵۴، ص ۷۵). روحیه خودبرتریبینی موجب کور شدن انسان و ندیدن حقیقت می‌گردد؛ چنان‌که امام علی می‌فرمایند: «مسکین بن آدم مكتوم الاجل، مکنون العلل، محفوظ العمل، تولمه البقاء و تقتله الشرقة، و تنتنه العرقة»؛ ییچاره فرزند آدم، سرآمد زندگیش نامعلوم، عوامل بیماریش ناییدا و کردارش (نzed خدا و در نامه اعمالش) محفوظ است، پشهای او را آزار می‌دهد، مختصر آبی یا غذایی گلوگیرش می‌شود و او را می‌کشد و مختصر عرقی او را متعفن و بدبو می‌سازد! (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۱۹). آیا با این حال سزاوار است خود را بزرگ ببیند و به دیگری فخرفروشی کند؟

امام علی در خطبه اول نهج البلاغه عامل اصلی انحراف ابلیس را خطای شناختی او که ریشه در خودبرتریبینی دارد معرفی می‌نماید (نهج البلاغه، خطبه ۷۲). به گفته بعضی از شارحان نهج البلاغه این امر شاید به خاطر آن بوده که اگر بدون مقدمه چنین دستوری به فرشتگان داده می‌شد، تعجب می‌کردند و شاید در اطاعت این فرمان سست می‌شدند، ولی خداوند از قبل، آنها را برای این امر آماده کرد تا نشان دهد اوامر مهم باید با مقدمه‌چینی‌های لازم صورت گیرد؛ سپس انگیزه مخالفت ابلیس را چنین بیان می‌فرماید: «إِعْرَتْهُ الْحَمِيَّةُ وَ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الشُّفْوَةُ وَ تَعَزَّزَ بِخَلْقَ النَّارِ وَ اسْتَوَهَنَ خَلْقَ الصَّاصَالِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱؛ خشم و غضب و کبر و نخوت او را فراگرفت و شقاوت و بدینختی بر وی غلبه کرد، به آفرینش خود از آتش افتخار نمود و خلقت آدم را از گل خشکیده، سبک شمرد و دچار خطأ شناخت راه صحیح شد. منظور از شقاوت در اینجا همان موازع درونی و صفات رذیله‌ای است که با روحیه خودبرتریبینی در شناخت‌های غلط شیطان وجود داشت.

۱. «حَمِيَّة» از ماده «حَمْيَ» (بر وزن نهی) در اصل به معنای حرارتی است که از آفات و آتش و مواد دیگر و یا از درون بدن انسان تولید می‌شود و گاه از قوّه غضیبیه تعبیر به «حَمِيَّت» می‌کند؛ چراکه در آن حالت انسان برافروخته و داغ می‌شود و به حالت تب که مایه گرمی بدن است «حَمِيَّ» گفته می‌شود.

## ۱-۸. عناد و روحیه حق ناپذیری

قرآن کریم درباره این مؤلفه شناختی می‌فرماید: «کسی که روی خود را تسلیم خدا - حق - کند، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند» (بقره: ۱۱۲); یعنی تصمیمات موقفيت‌آمیز و باورهای منطقی در پرتو روحیه حق‌بزیری و تسلیم حق بودن میسر است و عناد انسان را به بی‌راهه فکری می‌کشاند. پس از اینکه آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد)، خداوند توبه‌پذیر و مهربان توبه او را پذیرفت (بقره: ۳۷) و فرمود: «... هرگا هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین شوند» (بقره: ۳۸). در نهج البلاغه آمده است که: «اللجاجة تسل الرأی»؛ لجاجت - حق ناپذیری - آرای انسان را سست و او را به خطای افکند (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ۱۷۹)، و نیز از همان حضرت آمده است: «لیس للجوج تدبیر»؛ لجوج مدیریت و تدبیر ندارد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۹).

## ۱-۹. مؤلفه منطق فکری خطاساز

بر اساس مستندات ارائه شده، دومین مؤلفه خطاهای شناختی در قرآن کریم، منطق فکری خطاساز است. این مؤلفه نیز از پنج ویژگی پیروی از ظن و گمان، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، ناپرهیزگاری، تحریف حقایق و قیاس نابجا یا غیرمنطقی به دست می‌آید. در ذیل مستندات هریک از ویژگی‌های گفته شده ارائه می‌گردد.

### ۱-۹-۱. پیروی از ظن و گمان (ناکافی بودن مدارک)

قرآن کریم پیروی از حدس، گمان و تخمين را حق نما ندانسته (یونس: ۳۶). در ردیف پیروی از هوای نفس (نجم: ۲۳) علامه طباطبائی ذیل آیه ۲۳ سوره نجم می‌فرماید: «حق یعنی حقیقت و معرفت صحیح، و اتخاذ به ظن یعنی تصمیم‌گیری بدون مجوز و مدرک لازم» (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص ۶۴). بنابراین اتخاذ به ظن و گمان، نوعی خطای شناختی تلقی می‌گردد و عامل آسیب‌های بزرگی در مسیر تصمیم‌گیری فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۶). اندیشهٔ صحیح، مدارکی بقینی لازم دارد، پیروی از غیرعلم در آیات زیادی شدیداً نهی شده، این نهی معنای وسیعی دارد که مسائل اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۱۶). در روایتی از امام صادق<sup>ع</sup> می‌خوانیم: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الإِيمَانِ أَنْ لَا يَجُوزَ مُنْطِقُكَ عِلْمَكَ»؛ از حقیقت ایمان این است که گفتارت از علمت فرون تر نباشد و بیش از آنچه می‌دانی نگویی (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۱۶). در حدیث دیگری از پیامبر<sup>ص</sup> می‌خوانیم که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ الظُّلَمَ إِنَّ الظُّلَمَ أَكْبَرُ الْكَذِبِ»؛ از گمان پرهیزید که گمان بدترین دروغ است (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۳۸).

## ۱-۲-۱. خیال‌پردازی

قرآن از بعضی افراد با تعبیر «مختال» (خیال‌پرداز) یاد می‌کند، که به جای حرکت بر مدار عقل و حق، گرد محور اوهام محسول قوه وهم و خیال خود می‌چرخدند و حقایق خدایی را نمی‌فهمند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸): «و کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی‌دانند، و تنها به پندرهایشان دل بسته‌اند» (بقره: ۷۸-۷۹)، و می‌گویند: «ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم» (مائده: ۱۸)، و «هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۸). انسان خیال‌زده در اصطلاح منطق، انسان شعری است و انسان عقلی نیست (ارسطو، ۱۳۸۰، ص ۶۹). او بخش اندیشه‌اش را به خیال و وهم می‌دهد و بخش انگیزه و نیروی اجرایی را به شهوت و غصب می‌سپارد. برای چنین انسانی بالاتر از وهم و خیال چیزی به نام قلب و عقل نیست؛ چراکه عقل و قلبش به تعبیر امیر مؤمنان علی<sup>۱۱</sup> تعطیل و در سبات (خواب) است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴). انسان خیال‌باف گرفتار تکاثر و دنیاطلبی می‌شود و بستر ایجاد قضاوت‌های ناکارآمد را در شناخت‌هایش پرورش می‌دهد، با آنکه عاقل بالقوه است، ولی عاقل بالفعل نیست، بلکه مختال بالفعل است و در همان خیال‌بافی کودکانه‌اش می‌ماند و حتی می‌میرد (سمیعی، ۱۳۸۶، ص ۹۲): در حالی که از نظر قرآن درخت دنیا همیشه شکوفه بی‌میوه است و هرگز شکوفه‌هایش به میوه تبدیل نمی‌شود، با این همه مردم دنبال این شکوفه‌ها و گل‌ها می‌روند و خیال می‌کنند که به میوه می‌رسند و زحمت بیهوده می‌کشند (کهف: ۴۶).

## ۱-۲-۲. برخورد گزینشی

آموزه‌های قرآنی، کفار را کسانی تبیین می‌کنند که حقیقت بر آنها پوشیده شده است و مبتلا به خطای شناختی هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق ۵، ص ۲۰۵). در بیان مصداقی خطاهای شناختی کفار، برخورد گزینشی چند مرتبه به چشم می‌خورد (بقره: ۸۵؛ نساء: ۱۵۰؛ بقره: ۱۱۴). قرآن کریم شدیداً از اینکه افراد به بعضی از دستورات قرآن ایمان آورده و به بعضی کافر شوند، نهی فرموده است (بقره: ۸۶-۸۵). اولیای دین دائمًا سعی داشتند انسان‌ها را از برخورد گزینشی در تفکر و تصمیم‌گیری برخنر دارند. در آیه دوم سوره انفال آمده است: «انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله و جلت قلوبهم»؛ مؤمنان آنهاستی هستند که چون ذکری از خدا شود (از عظمت و جلال خدا) دل‌های آنان لرزان شود و حضرت علی<sup>۱۲</sup> ذیل آیه مذکور می‌فرمایند: «آن‌چنان که امید داری بترس»؛ یعنی به قدر آنچه امید به رحمت و مغفرت خدا داری از نافرمانی و غصب حق تعالی بترس (آمدی، ۱۴۲۶، ق ۴، ص ۶۲۳). هوسرستان از شیوه «نؤمن ببعض و نكفر ببعض» بهره می‌گیرند آنچه

هماهنگ با هوس‌هایشان است می‌پذیرند و به آن ایمان دارند و آنچه را مخالف آن است طرد می‌کنند و نسبت به آن کافر می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸). طبرسی ذیل آیه، عامل انحراف یهودیان و مسیحیان را برخورد گزینشی در احکام شریعت‌شان معرفی کرده است (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲۱). بنابراین از دیگر خطاهای شناختی تبیین شده در قرآن کریم، برخورد گزینشی است.

#### ۱-۲-۴. تحریف حقایق

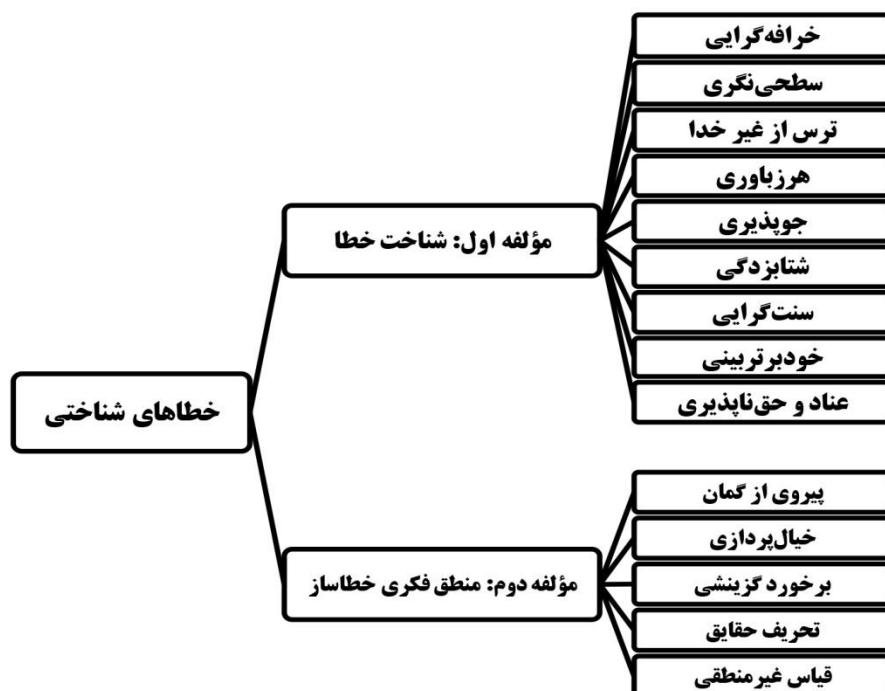
قرآن کریم طایفه‌ای از یهود را این طور توصیف نموده: «أَفَتُمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرَّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»؛ آیا انتظار دارید به آیین شما (مسلمانان) ایمان بیاورند با اینکه عده‌ای از آنها سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کرند؛ درحالی که علم و آگاهی داشتند» (بقره: ۷۵)، که کلمات کتاب خدا را به آشکال مختلف تحریف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴)، آنها حقایق را به سود خود تحریف می‌کنند (خواه تحریف لفظی و یا تحریف معنوی) و هر حکمی را برخلاف منافع و هوس‌های خود تشخیص دهنند، آن را توجیه و تفسیر و یا به کلی رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳). خطر این خطای شناختی را برای خواص (قرائی)، (عمران: ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۱) توجه ویژه‌ای می‌طلبد: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و (یا) حق را کمان می‌کنید؛ درحالی که خود (به حقانیت آن) آگاهید (آل عمران: ۷۱). بعدها این رواییه تحریف حقایق، خود آنها را هم دچار تصمیم‌گیری غلط و قضاوت ناصحیح کرد؛ چراکه در ادامه آیه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ تَكُفُّرُونَ ... وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» می‌فرماید: «وَدَّتْ طَائِفَةً...»، بعد از مدتی کتمان حقایق برایشان درونی‌سازی و روایه ثابت می‌شود و با میل و اختیار خود به خطای شناختی گرفتار می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۴).

#### ۱-۲-۵. قیاس نابجا و غیرمنطقی

قرآن کریم به استدلال منطقی حضرت ابراهیم در مقابل قیاس نابجا و غیرمنطقی نمرود اشاره کرده است (بقره: ۲۵۸). از آیه بهخوبی بر می‌آید که نمرود هرگز از این بحث و گفت‌و‌گو در جستجوی حقیقت نبود، بلکه می‌خواست گفتار باطل خود را به کرسی بنشاند و شاید به کار بردن کلمه «حاج» نیز به همین منظور باشد؛ یعنی به دنبال اثبات حرف خود از قیاس و استدلال‌های نابجا بود؛ زیرا این کلمه غالباً در همین موارد به کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۸۷). امام صادق به ابی‌حنیفه درباره قیاس مع الفارق در پژوهش‌های علمی هشدار داده و نهی کرده است (بحرانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۶۰).

جدول ۱-۱: مدل مفهومی خطاهاي شناختي در قرآن کرييه

۱. خرافه‌گرایي	مؤلفه ۱: شناخت خطا	مؤلفه‌های مدل مفهومی خطاهاي شناختي در قرآن کرييه
۲. سطحی‌نگری		
۳. ترس از غير خدا		
۴. هرزبازوري		
۵. جوپذيری		
۶. عجله و شتابزدگی		
۷. سنت‌گرایي		
۸. روحیه خودبرترینی		
۹. عناد و حق‌نایذیری		
۱. بیروی از ظن و گمان	مؤلفه ۲: منطق فکري خطا	
۲. خیال‌پردازی		
۳. برخورد گزینشی		
۴. تحریف حقایق		
۵. قیاس نابجا و غیرمنطقی		



شکل ۱-۱: نماگرافیکی مؤلفه‌های خطاهاي شناختي در قرآن کرييه

### یافته‌های کمی: روایی محتوا گروه خبرگان اسلامی (CVR و CVI)

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش برای ارزیابی روایی محتوا، نظر متخصصان در مورد میزان هماهنگی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های استخراج شده، دریافت شد. بر این اساس، برای بررسی روایی محتوا از دو شاخص روایی محتوا CVI و ضریب نسبی روایی محتوا CVR استفاده شد. پس از نظرخواهی از خبرگان، برای محاسبه CVI در هر زیرمؤلفه، تعداد گزینه‌های «کاملاً مرتبط» و «مرتبط، اما نیاز به بازبینی» جمع و بر تعداد کل متخصصان تقسیم شد. نتایج در جدول (۱) گزارش شده است.

برای تعیین CVR، پاسخ متخصصان طبق فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

جدول ۱: نظرات کارشناسان خبره نسبت به میزان مطابقت هریک از زیرمؤلفه‌ها با مستندات اسلامی

CVI	CVR بر اساس نظر خبرگان اسلامی										یافته‌ها	ردیف
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	خرافه‌گرایی		
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	سطحی‌نگری	مؤلفه ۱: شناخت خط	۱
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	ترس از غیرخدا		۲
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	هزینه‌پروری		۳
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	جوپذیری		۴
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	عجله و شتاب‌زدگی		۵
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	سنگرایی		۶
.۰/۸	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	روحیه خودبرترینی		۷
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ب م	ک م	عناد و حق‌نایپذیری		۸

۱	ک م	پیروی از ظن و گمان	<b>مؤلفه ۲: منطق فکری</b> <b>خطاساز</b>	۹									
۱	ک م	خیال‌پردازی		۱۰									
۱	ک م	برخورد گریشی		۱۱									
۱	ک م	تحريف حقایق		۱۲									
۰/۹۰	ک م	قیاس نابجا و غیرمنطقی		۱۳									
۱	ک م	خرافه‌گرایی		۱۴									

در این رابطه  $ne$  تعداد متخصصانی است که به گزینه «ضروری» پاسخ داده‌اند و  $N$  تعداد کل متخصصان است.

جدول ۲: میزان ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) در زیرمؤلفه‌ها

CVR	مؤلفه	ردیف
۱	شناخت خطاطا	۱
۰/۷۸	منطق فکری خطاساز	۲

بر اساس یافته‌های جدول بالا ضریب نسبی روایی محتوا CVR از ۹ نفر خبره در همه مؤلفه‌ها، بالاتر از مقدار محاسبه شده بر اساس جدول لاآوش است. این یافته بیانگر ضرورت گویی‌ها و حکایت از مناسبت بودن ضریب نسبی روایی محتواست.

## بحث و نتیجه‌گیری

کلیه مکاتب روان‌شناسی در اینکه یکی از عوامل بروز بیماری‌های روانی، خطاهای شناختی و باورهای ناکارآمد و تفکرات اشتباه است، متفق‌القول‌اند (بک، ۱۹۹۷، ص ۲۴). بر اساس مستندات ارائه شده از آیات و روایات، یکی از مؤلفه‌های خطاهای شناختی در قرآن کریم، شناخت خطاطا به معنای معرفت خلاف واقع است. در ادبیات شناخت‌درمانی از این مسئله به استانداردهای غلط یاد شده است (بک، ۱۹۹۷، ص ۵۸). فرض‌های فکری آشفته‌کننده‌ای که برخی به آنها دچارند و به شکل وسوسات‌ها، نگرانی‌ها، نشخوارهای ذهنی، دل‌مشغولی‌ها، خیال‌بافی‌ها و امثال آن نمود دارد و می‌تواند بر حالت روانی فرد اثرگذار باشد (برنز، ۲۰۱۰م، ص ۴۰).

قرآن کریم شناخت خطا را تبیحه هشت پیش‌فرض غلط توصیف می‌نماید که عبارت‌اند از: ۱. خرافه‌گرایی که آن را عامل رواج بدعت‌ها و افتراها در جامعه کفرپیشگان جاهلی معرفی می‌فرماید (مائده: ۱۰۳); ۲. سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی را به دلیل امکان خطا در شناخت حسی و ایجاد خطاهای ادراکی آفت شناخت می‌داند (بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱-۳۵۱); ۳. به اتفاق تمام مفسران، مشرکان به غیرخدا وابسته‌اند و بدان‌ها عشق می‌ورزند، این وابستگی و پذیرش بدون اندیشه، فکر آنان را به بند می‌کشاند و پوچی و از خودبیگانگی را در پی دارد. عمومیت این وابستگی شامل هر مُطاعی می‌شود؛ چون اطاعت غیرخدا و غیر کسانی که خدا به اطاعت آنان امر فرموده، خود شرک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۴-۶۵); ۴. هرزبازوری؛ امامان معصوم نیز اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید، و در این امر به آیه ۳۶ سوره اسراء استناد می‌فرمودند (عروسوی هویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹-۶۰). انسان‌ها با شنیده‌های خود تصمیم می‌گیرند و مسیر زندگی را با آن تنظیم می‌کنند؛ چنان‌چه امام جواد فرمودند: «کسی که گوش جان به کلام گوینده‌ای می‌سپارده چنان است که او را می‌پرسند (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۴)؛ ۵. جویزی‌ری به معنای پیروی از اکثریت در تصمیم‌گیری گمراه‌کننده است (انعام: ۱۱۶)، و در شناخت و تفکر سالم، قضاوت‌های مردم نباید برای انسان ملاک باشد و نباید تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران قرار گرفت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۶)؛ ۶. عجله و شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری؛ چراکه خداوند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأدیب فرمود؛ یکی اینکه در آیه ۱۶۹ از سوره اعراف فرموده: «تا به چیزی علم پیدا نکرده‌اند آن را تصدیق نکنند» (شتاب‌زدگی در تصدیق)؛ و دیگر اینکه در آیه ۳۹ از سوره یونس فرموده: «تا به چیزی علم و یقین پیدا نکرده‌اند آن را رد و نفی نکنند» (شتاب‌زدگی در انکار) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹)؛ ۷. سنت‌گرایی کورکوانه؛ قرآن کریم در آیات متعدد این آسیب و لغزشگاه اندیشه بشر را مطرح کرده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹)، و آن را توبیخ نموده و تأکید می‌کند که باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسبت‌بندیده‌اید، پذیرید (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۷۵)؛ ۸. خودبرتریبینی و عناد (حق‌نایپذیری) که خودبرتریبینی معرفت را ناقص و قوه تفکر را ضعیف می‌کند (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۷۵، ص ۱۸۷).

بر اساس قرآن کریم، مؤلفه دوم خطاهای شناختی، منطق فکری خطاساز است که قضاوت‌های ناصحیح و قیاس‌های غیرمنطقی را برای انسان رقم می‌زند. در تأیید یافته‌های شناخت درمانگران که معتقدند خطاهایی در شیوه استدلال‌های ذهنی از پدیده‌ها و واقعیت‌ها وجود دارد که با پردازش غلط اطلاعات، به قضاوت‌های ناصحیح می‌رسد (بک، ۱۹۹۷، ص ۱۸۴). این منطق فکری خطاساز به شکل خود آیند، تصمیم‌گیری انسان را مخدوش و نابسامان می‌کند و دریافت‌ها و برداشت‌های خلاف واقع را در فرد ایجاد می‌کنند (بک، ۱۹۹۷، ص ۶۹).

مؤلفه دوم، نتیجهٔ چهار ویژگی است که عبارت‌اند از: ۱. پیروی از ظن و گمان؛ حدس و تخمين (يونس: ۳۶) و پیروی از هوای نفس (نجم: ۲۳). این مسئله عامل آسیب‌های بزرگی برای فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۷۸، ج، ۲، ص ۶۶). پیروی از غیرعلم در آیات زیادی شدیداً نهی شده، این نهی معنای وسیعی دارد که مسائل اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوتو و عمل را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج، ۱۲، ص ۱۱۶)؛ ۲. خیال‌پردازی؛ قرآن از بعضی افراد با تعبیر «مختال» (خیال‌پرداز) یاد می‌کند، که به جای حرکت بر مدار عقل و حق، گرد محور اوهام محصول قوه و هم و خیال خود می‌چرخد و حقایق خدایی را نمی‌فهمند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). انسان خیال‌باف گرفتار تکاثر و دنیاطلبی می‌شود، با آنکه عاقل بالقوه است، ولی عاقل بالفعل نیست، بلکه مختال بالفعل است و در همان خیال‌بافی کودکانه‌اش می‌ماند و حتی می‌میرد (سمیعی، ۱۳۸۶، ص ۶۹)؛ ۳. برخورد گزینشی؛ قرآن کریم شدیداً از اینکه افراد به بعضی از دستورات قرآن ایمان آورده و به بعضی کافر شوند، نهی فرموده است (بقره: ۸۵-۸۶)؛ همچنین روایات انسان را از اینکه دائم الرجاء بشود برحدار می‌دارند (آمدی، ۱۴۲۶، ج، ۴، ص ۶۲۳)؛ ۴. تحریف حقایق؛ گمراهان به‌ویژه خواص (آل عمران: ۷۱) در معرض این خطای شناختی‌اند که کلمات کتاب خدا را به آشکال مختلف تحریف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج، ۴، ص ۳۶۴). آنها حقایق را به سود خود تحریف می‌کنند (خواه تحریف لفظی و یا تحریف معنوی) و هر حکمی را بر خلاف منافع و هوس‌های خود تشخیص دهند آن را توجیه و تفسیر و یا به کلی رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج، ۴، ص ۳۱۳). همه این خطاهای شناختی وقتی انسان را به ورطة نابودی می‌کشاند که دچار قیاس غیرمنطقی شود. قرآن کریم به استدلال منطقی حضرت ابراهیم در مقابل قیاس نابجا و غیرمنطقی نمود اشاره کرده است (بقره: ۲۵۸) و نمود را دچار خطای شناختی معرفی می‌کند که با قیاس نابجا به بہت و سردرگمی رسید (بقره: ۲۵۸). به بیانی دیگر در یک جمله خداوند متعال نمود را مبتلا به منطق فکری خطاساز معرفی می‌کند و ریشه این خطا را چند چیز معرفی می‌کند: ۱. اشاره به انگیزه اصلی این مجاجه می‌کند (برخورد گزینشی از قدرت خود و نادیده گرفتن اثراً کمی ظرفیت از باده کبر و غرور، سرمست شده بود (خیال‌پردازی)؛ ۲. همچنین نمود جبار، راه تزویر و سفسطه را پیش گرفت (تحریف حقایق) و برای اغفال مردم و اطرافیان خود گفت: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم» و قانون حیات و مرگ در دست من است (قالَ آنَا أَحْيِي وَ أُمِيتُ؛ ۳. حضرت ابراهیم برای خنثی کردن این توطئه، دست به (افشای قیاس نابجا) استدلال دیگری زد که دشمن نتواند در برابر ساده‌لوحان در مورد آن مغالطه کند: «ابراهیم گفت: خداوند خورشید را (از افق مشرق) آورد (اگر تو راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی می‌باشی) خورشید را از طرف مغرب بیاور!»

(قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأَتَتْ بِهَا مِنَ الْمَعْرِبِ). اینجا بود که «آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد» (فَهُمْ هُنَّ الظَّالِمُونَ). بنابراین یک سلسله‌ای از منطق خطاساز در اندیشه و رفتار نمود بود که او را به قیاس نابجا و درنتیجه خطای شناختی کشاند.

به نظر می‌رسد بر اساس یافته‌ها، مدل مفهومی خطای شناختی در قرآن کریم یک مدل دو مرحله‌ای است؛ به این معنا که شناخت خطا یا معرفت خلاف واقع، بنیان فکری انسان را آلوده ساخته و ماده استدلال‌های او را مواد بی‌پایه و اساس تنظیم می‌کند. در مرحله دوم وقتی انسان تلاش به استدلال و تفکر می‌نماید – لاجرم باید از مفروضه‌ها و گزاره‌های تعریف شده در ذهن استفاده کند – همان شناختهای خطا، انسان را دچار اختلال در استدلال و تفکر می‌نماید و انسان برداشت‌های ناروا و قضاوت‌های ناصحیح خود را صواب و درست می‌پنداشد.

این یافته‌ها با نتایج تحقیقات ایس (۱۹۷۳)، بک (۱۹۹۷)، پروچاسکا (۲۰۱۱)، حمیدپور (۱۳۹۷)، فتی و موتابی (۱۳۹۷) و چراغچی (۱۳۹۲) همسو بوده است. در تبیین یافته‌های این پژوهش به صورت متغیرهایی با تأثیر متقابل می‌توان گفت: «الف) خرافه‌گرایی و سطحی‌نگری و ترس از غیرخدا در ساحت شناختهای خطا (مؤلفه اول)، زمینه‌پیروی از ظن - گمان و خیال‌پردازی در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) را فراهم می‌سازد؛ ب) هرزباوری، جوبذیری و شتاب‌زدگی در ساحت شناختهای خطا (مؤلفه اول)، منجر به برخورد گزینشی در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) می‌شود؛ ج) سنت‌گرایی، خودبرتریبینی و عناد - حق ناباوری در ساحت شناختهای خطا (مؤلفه اول)، زمینه تحریف حقایق در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) را فراهم می‌آورد؛ د) تمام مؤلفه‌های منطق فکری خطاساز (پیروی از ظن، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، تحریف حقایق) با رقم زدن «قیاس غیرمنطقی» عامل محوری خطای شناختی در قرآن کریم است.».

## منابع

نهج البلاغه.

- ارسطو (۱۳۸۰). اخلاق. ترجمه رضا مشایخی. تهران: نگاه.
- بحرانی، علی بن ابراهیم (۱۴۲۴ق). البرهان. بیروت: دار الفکر الاسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۳۲ق). صحیح البخاری. قطیف: القطرة.
- برنز، دیوید (۲۰۱۰). از حال بد به حال خوب. ترجمه مریم سعیدی. تهران: ایران.
- بک، جودیت اس. (۱۹۹۷م). شناخت درمانی مبانی و فراتر از آن. ترجمه لادن فتی و فرهاد فرید حسینی. تهران: دانڑه.
- پهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۸). حق و باطل از دیدگاه قرآن. قم: نمایشن.
- پروچاسکا (۲۰۱۱م). نظریه‌های روان درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: سمت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۲۶ق). غررالحكم و دررالکلام. قم: دار المکتبه.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۸۶ق). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. قم: مدادالعلماء.
- جوادی املی، عبدالله (۱۳۸۶ق). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.

- چراغچی، حوریه (۱۳۹۲). بررسی تحریف‌های شناختی و باورهای غیرمنطقی در حوزه روان‌شناسی از منظر قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). *وسائل الشیعه*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- حمزه‌ای، شهرام (۱۳۸۰). آشایی با ارسطو. تهران: کریم.
- حمیدپور، حسن (۱۳۹۷). *شناخت درمانی برای بیماران مشکل‌آفرین*. تهران: ارجمند.
- دلار، علی (۱۳۸۶). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: ویرايش.
- رحمی‌زاده، علی (۱۳۹۷). نقش شناخت در تکامل اختیاری انسان از منظر قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم قرآنی. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۳). *منطق تفسیر*. قم: پژوهشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- سمیعی، مجید (۱۳۸۶). *خیال‌بافی منوع*. تهران: دانڑه.
- شاکرمی، محمد؛ زهرآکار، کیانوش و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه بین تحریف‌های شناختی بین‌فردی و رضایت جنسی با تمهد زناشویی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۲(۸)، ۵۰-۵۱.
- صادوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق). *الخصال*. قم: کنگره.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۷ق). *مکارم الأخلاق*. قم: کریمه.
- طربیحی، فخرالدین (۱۴۴۰). *مجمع البحرين*. تهران: چاپ احمد حسینی.
- عروسوی هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالتلقین*. بغداد: دارالعرفة.
- غروی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۸۶). *نگاهی به روان‌شناسی اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحی، لادن و موتاپی، فرشته (۱۳۹۷). *راه و رسم درمانگری در نظریه شناختی رفتاری*. تهران: دانڑه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۹۹). *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الفکر.
- فضی کاشانی، ملامحسن (۱۳۹۰). *سه رساله*. قم: تک تاج.
- قراتی، محسن (۱۳۸۶). *تفسیر نور*. تهران: مرکز تحقیقاتی درس‌هایی از قرآن.
- لیهی، راپرت (۱۳۹۰). *فنون شناخت درمانی*. ترجمه لادن فتحی. تهران: دانڑه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۴). *بحار الانوار*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- McCabe، باربارا (۱۳۸۵). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). *انسان کامل*. قم: صدرا.
- معدی خواه، مجید (۱۳۷۸). *تفسیر گفتاری*. قم: ذرہ.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسة الإمام على بن أبي طالب.
- Wolff (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی. ترجمه محسن ادب و همکاران. تهران: شری.
- هومون، حیدرعلی (۱۳۹۰). روش علمی در شناخت علوم رفتاری. تهران: سمت.
- الیس، البرت (۱۹۷۳م). *رفتار درمانی عقلانی هیجانی*. ترجمه حسن حمیدپور. تهران: روان.

Rozin, P. & Seliigman, M. E. P. (1995). Cognitive components of fear: Expectations of clear and specific danger. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(3), 450-460.

Sternberg, R. (2003). A duplex theory of hate: Development & application to terrorism, massacres, & genocide. *Review of General Psychology*, 7, 299-328.

## اثربخشی آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی

### The effectiveness of spiritual transformation education on spiritual attitude

محمد رضا حاتمی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

**Mohammad Reza Hatami** / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran  
mrhhatami@uk.ac.ir

#### Abstract

Spirituality is one of the five aspects of life that draws man beyond matter and world's appearance and gives a special meaning to the world. With such an understanding of spirituality, this question will arise; what changes must take place in a person for spiritual transformation to happen? The study is aimed to determine the effectiveness of spiritual transformation skills training on a person's spiritual attitude. Semi-experimental research method and two-group research design (experimental and control) with pre-test and post-test were considered as the method of the research. To conduct research, 30 participants in one of the religious delegations of Kerman city were selected by convenient sampling and randomly divided into two experimental groups ( $n=15$ ) and control group ( $n=15$ ). Pre-test was performed for both groups and after holding ten sessions of spiritual transformation skills training in the experimental group, post-test was performed on both groups. To collect the data, the Spiritual Attitude Questionnaire was used and the data were analyzed using descriptive

#### چکیده

یکی از ابعاد پنج گانه در زندگی، معنویت است، حقیقتی که انسان را به فراروی از ماده و ظاهر می‌کشاند و به جهان معنای ویژه می‌بخشد. نهادینه‌سازی معنویت و یا تحول معنوی در افراد نیازمند تغییر نگرش معنوی آنهاست. هدف پژوهش حاضر اثربخشی آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی فرد است. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی و طرح پژوهش دو گروهی (آزمایش و گواه کنترل) با پیش‌آزمون و پس آزمون در نظر گرفته شد. جهت انجام پژوهش ۳۰ فرد از افراد شرکت کننده در یکی از هیئت‌های مذهبی کرمان، به وسیله نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پیش‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد و بعد از برگزاری ده جلسه آموزش مهارت تحول معنوی در گروه آزمایش پس‌آزمون بر روی هر دو گروه انجام شد. برای جمع آوری داده‌ها از پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی استفاده گردید و داده‌ها با استفاده از فنون آمار توصیفی و آزمون‌های پارامتریک بررسی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش مهارت تحول معنوی می‌تواند بر نگرش معنوی افراد مؤثر باشد؛ همچنین معنویت قابلیت آموزش و

statistics techniques and parametric tests. Findings showed that spiritual transformation skills training can affect the spiritual attitude of individuals.

**Key words:** "spiritual transformation", "Spirituality", "Spiritual ability", "Spiritual attitude".

توسعه را دارد و با برنامه‌های آموزشی مناسب می‌توان سطح نگرش معنوی و توانایی معنوی افراد را افزایش داد؛ درنتیجه دوره آموزشی تحول معنوی هم می‌تواند بر آگاهی معنوی و هم بر توانایی معنوی افراد مؤثر باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تحول معنوی، اثربخشی تأثیر، معنویت، توانایی معنوی، نگرش معنوی.

## مقدمه

معنویت، نقطه عطف زندگی است و بعدی فوق العاده است که در تمامی زندگی روزمره جریان دارد. معنویت، در شیوه تفکر، روش‌هایی که رفتار می‌کنیم و در شیوه‌های عاطفی و احساسی، احساس فقدان‌ها، احساس رهاسنگی و معنادهی به زندگی ظاهر می‌شود (جان‌بزرگی و غروی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۷). معنویت، یک گمشده و خواسته انسانی در پنهانه گیتی است که زمان و مکان نمی‌شناسد. معنویت طلبی میلی است که به هیچ وجه نمی‌توان آن را از وجود انسان حذف کرد؛ زیرا انسان برای معرفت و عبودیت خداوند آفریده شده و ظرفیتی نامتناهی برای رسیدن به این هدف را داراست (ظاهری سیف، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹). معنویت، یک احساس ویژه است که افراد در موقعیت‌های خاصی آن را تجربه می‌کنند و در واقع نخ تسبیحی است که تمام وظایف زندگی را به یکدیگر بیوند می‌دهد (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶).

صاحب‌نظران بر این باورند که معنویت به مثابة تنها نقطه امید برای تحول مثبت اجتماعی و نیز برای پاسداری از ارزش‌های واقعاً مهم در حال مطرح شدن و سبرآوردن است (مصطفا، ۱۳۸۹، ص ۲۴). پیشرفت علم روان‌شناسی از یکسو و ماهیت پویا و پیچیده جوامن نوین از سوی دیگر، موجب شده است نیازهای معنوی بشر در برابر خواستها و نیازهای مادی قد علم کند و معنویت اهمیت بیشتری یابد. چنین به نظر می‌رسد که مردم جهان امروز بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند (وست، ۱۳۹۷، ص ۹)، و در این خصوص روان‌شناسانی برجسته، محور اصلی مطالعات خود را روی معنویت قرار داده و تأکید دارند که معنویت می‌تواند موجب ارتقای کیفیت زندگی و پیشگیری از بسیاری از اختلالات روانی شود (کلانتری و اسماعیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

«معنویت» در لاتین به معنای «زندگی» یا «روشی برای بودن» و «تجربه کردن» است که با آگاهی یافتن از یک بعد غیرمادی به وجود می‌آید و ارزش‌های قابل تشخیص آن را معین می‌سازند که

به دیگران، خود، طبیعت و زندگی مربوط است (الکینز، ۱۹۸۸، ص ۶). گرچه معنویت در منابع اصیل اسلامی به کار نرفته است؛ ولی در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی رواج یافته است (صبحاً، ۱۳۸۹، ص ۲۶). در ارتباط با معنویت اسلامی نیز تعاریف مختلفی بیان شده است. امام خمینی\* در تعریف معنویت بیان داشته‌اند که: «مجموع صفات و اعمالی است که حال، شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال، منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محظوظ عالم، به طور اعجاب‌آوری، پیش ببرد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۸).

معنویت از دیدگاه جان‌بزرگی و همکاران او عبارت از نظامی است که در چارچوب دین اسلام، اعمال ارادی انسان را دارای ارزش (میزان خلوص)، معنا (در رابطه بودن عمل با مبدأ و معاد) و هدف (تعالی بخشی) می‌کند (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۵). برخی نیز مانند الوندی گفته‌اند معنویت اسلامی عبارت است از: حیات طبیه و نورانیت دل از طریق معرفت، ایمان، عمل صالح و بندگی خدا بر اساس شریعت اسلامی که از فرایند معرفت، ایمان و عمل صالح حاصل می‌شود (الوندی، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

بر اساس آنچه ذکر شد، وجود گرایش‌های معنوی در انسان ذاتی و فطری است. در واقع توجه به گرایش‌های معنوی موجب به وجود آمدن نگرش معنوی در انسان می‌شود که ناشی از عمق آگاهی انسان و شناخت اوست، که با هدف جست‌وجوی علم و معنا، توجه و ایمان به خداوند و درک حضور او در زندگی ادامه پیدا می‌کند. هرچه فرد دارای نگرش معنوی بیشتری باشد، زندگی آرامتر و کنترل بیشتری بر هیجان‌های خود دارد و این امر سبب درک و پذیرش بهتر نسبت به ناملایمات و توان سازگاری بالاتری می‌شود. قرار گرفتن در چنین فرایندی همان دست یافتن به توانایی و تحول معنوی است. به بیان دیگر، تحول معنوی از سه عنصر «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» تشکیل می‌شود. عنصر «شناختی» به دانسته‌ها و نگرش فرد درباره معنویت مربوط می‌گردد. عنصر «عاطفی» به احساس خوب یا بد در مورد موضوعات معنوی اشاره دارد. عنصر «رفتاری» نیز به آمادگی شخص برای عمل و رفتار مناسب با دانسته‌ها نظر دارد.

با توجه به زمینه عمیق و گسترده معنویت در زندگی انسان، معنویت جدی گرفته شده و بستر مطالعات جدیدی را فراهم نموده است. تحقیقات درخصوص موضوع معنویت در چند دسته جای دارند: گروه اول تحقیقاتی که پیگیر مصادیق و معنای معنویت هستند؛ صباح (۱۳۸۹) در مقاله «واکاوی معنای معنویت»؛ همچنین ایزدپناه و شاکرنتاد (۱۳۹۳) نیز در مقاله «ضرورت نگاه تمدنی به مفهوم معنویت» در جست‌وجوی معنا و مصادیق معنویت، مباحثی را عنوان نموده‌اند؛

گروه دوم تحقیقاتی هستند که بر ارزیابی مراحل تحول معنوی تمرکز کرده‌اند؛ جان‌بزرگی (۱۳۸۸) آزمونی با عنوان پاییندی مذهبی بر اساس منابع اسلامی طراحی نموده است، آذربایجانی (۱۳۹۳) آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام را تهیه کرده است و کتاب سنجش دین‌داری را به تحریر درآورده است، شهیدی و فرج‌نیا (۱۳۹۱) پرسشنامه سنجش نگرش معنوی را تدوین نموده‌اند. این گروه از محققان «معنویت» را به عنوان یک نگرش یا تمایل بررسی کرده‌اند که با استفاده از ابزار متداول روان‌شناسی قابل سنجش و اندازه‌گیری باشد؛

گروه سوم نیز در پی ارائه الگوهای معنوی هستند؛ الوندی (۱۳۹۳) با پژوهشی (طراحی الگوی مفهومی معنویت از دیدگاه امام خمینی\*) تلاش نموده‌است امام خمینی\* را به عنوان یک الگوی معنوی معرفی نماید، مهری (۱۳۹۶) در مقاله «تدوین یک الگوی نظری درخصوص تحول معنوی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری» سعی کرده است عوامل مهم برای تحول معنوی را از سخنان مقام معظم رهبری <sup>آنکه</sup> استخراج نماید. هدف اصلی چنین تحقیقاتی این است که یک الگوی نظری و تحلیلی را از دیدگاه شخص مورد نظر ارائه کنند تا پدیده فرایندی تحول معنوی را توضیح دهد؛

گروه چهارم تحقیقات نیز بر روش درمان و معنویت درمانی پرداخته‌اند؛ محمد یوسف خالد (به نقل از: جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۱) از یک روش درمانگری روانی - معنوی برای درمان مبتلایان به اعتیاد استفاده کرده است، جلالی (۲۰۰۱) نیز درمان زندانیان آسیب‌دیده را با توجه به چارچوب آموزه‌های اسلامی و با عنوان «درمان یکپارچه توحیدی» انجام داده است؛

دسته‌پنجم از پژوهش‌های مرتبط با معنویت، به دنبال کشف نتیجه و آثار معنویت در فرد و جامعه می‌باشند؛ غباری بناب و همکاران (۱۳۹۴) و ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) بر اساس پژوهش خویش معتقدند که معنویت عاملی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی و درمان رنجوری و درمانگری افراد است. یافته‌های پژوهشی بهرامی و همکارانش (۱۳۸۵) نشان دادند که بین معنویت فرد و احساس شادکامی رابطه مستقیم وجود دارد و در مقابل بین افسردگی و معنویت رابطه معکوس وجود دارد. بخشی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود، اثربخشی آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر معنویت اسلامی را مدنظر داشتند. آموزش معنویت در این پژوهش برگرفته از مفاهیم صبر، رضا، توکل و شکرگزاری است که در اسلام ارکان اصلی تاب‌آوری قلمداد می‌شوند و حول سه محور ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با دیگران و ارتباط فرد با خود انجام می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر معنویت اسلامی منجر به بهبود مهارت‌های متعددی نظیر رضامندی زوجیت و مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی؛ مانند صبر، رضا، شکر و توکل شده است. یافته‌های پژوهش پیری و همکاران

(۱۳۹۹) نشان داد آموزش‌های معنویت درمانی باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان برای داشتن زندگی اثربخش و مفید می‌شود و در آنها آمادگی لازم را برای مقابله با چالش‌های زندگی به وجود می‌آورد. گروهی از پژوهشگران مانند اوزوا، سوزوکیا و همکارانشان به این نتیجه رسیدند که حضور در مراسم معنوی و مذهبی به طور معناداری با عزت نفس بیماران مبتلا به افسردگی رابطه مثبت دارد؛ همچنین وايت، کارونا و سایرین نیز در پژوهشی نشان دادند داشتن مذهب و معنویت به عنوان یک عامل مهم در زندگی با کیفیت زندگی، رضایت زندگی و رفتارهای سالم رابطه مثبت دارد (پیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳۴).

بدین ترتیب ادبیات پژوهشی گسترده‌ای در رابطه با تحول معنوی وجود دارد. اما پژوهش‌های انجام گرفته در مورد مؤلفه‌های معنوی تحول معنوی، اکثرًا جنبه توصیفی دارند و مطالعات مداخله‌ای در رابطه با تحول معنوی که مؤلفه آموزش مهارت آموزی معنویت را محور اساسی پژوهش قرار داده باشد، بسیار کم و ناچیز هستند. از سویی نیز، تغییر نگرش معنوی، نیازمند یک برنامه منسجم است و تلاش منظم لازم است تا برنامه با موفقیت همراه گردد؛ همچنین تحول معنوی حقیقتی دارای مؤلفه‌های شناخت معنوی، عواطف معنوی و کنش‌های معنوی است که نیازمند الگویی عینی و عملیاتی است. مقاله حاضر هدفش این است که مشخص کند آموزش مهارت تحول معنوی، تا چه اندازه نمره آزمون نگرش معنوی افراد را تغییر می‌دهد؟ معنویت مورد نظر در این مقاله ریشه در اصول اساسی دین اسلام دارد که شامل یگانه‌پرستی، اعتقاد به نبوت و باور به زندگی پس از مرگ و نیز التزام به یک نظام اخلاقی، رفتار و مراسم عبادی است که از یک متن مقدس دینی گرفته شده است.

## روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به موضوع مورد بررسی، نیمه‌آزمایشی و طرح پژوهش دو گروهی (آزمایش و گواه) با پیش‌آزمون و پس‌آزمون در نظر گرفته شد. شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جای گرفتند. در گروه آزمایش متغیر مستقل؛ یعنی آموزش مهارت تحول معنوی اعمال شد؛ درحالی که گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. تحول معنوی دارای مؤلفه‌های شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش‌ها و ثمرات معنوی است که در قالب پنج گام عطش معنوی، ارزیابی دین‌داری و تحول معنوی، تشخیص کشمکش‌های معنوی، شناسایی عوامل معنوی و تمرین‌های معنوی قابل آموزش و یادگیری می‌باشد. این مهارت در ده کارگاه آموزشی مطابق با جدول (۱) ارائه گردید.

جدول ۱: سرفصل دوره آموزش تحول معنوی

هدف	محنتوی	موضوع	جلسه
آشنایی با دوره آموزشی و اعتمادسازی	- آشنایی اعضای گروه و مربی - بیان اهداف اصلی و فرعی - توضیح عناوین جلسات - روند کار، وظایف اعضا و تعهدات لازم	معارفه، شناسه کارگاه و اعتمادسازی	اول
بی بردن به معنای زندگی	الف) بیش‌های معنوی - اعتقاد به مبدأ عالم (از خدا بودن، در محضر خدا بودن) - توجه کامل به معاد (بازگشت به خدا) - پیوستگی دنیا و آخرت (رستگاری انسان و حیات طیبه)	الزامات تحول معنوی	دوم
شناخت مؤلفه‌های اصلی اخلاق	ب) منش‌های معنوی (اخلاص، تقوا، شجاعت، استقامت، توکل و بخشش)	الزامات تحول معنوی	سوم
شناخت احکام و مقررات دینی	ج) کتش‌های معنوی - عمل به تکلیف شرعی - تبعیت از قوانین و مقررات - رعایت حقوق دیگران - انصباط در کارها	الزامات تحول معنوی	چهارم
ایجاد نیاز به معنویت	نیاز به عبادت و پرستش، نیاز به هدفمندی و معناداری زندگی، نیاز به خیرخواهی و نوع دوستی، نیاز به اخلاقی زیستن و نیاز به امدادهای غیری	عطش معنوی	پنجم
آگاهی از سطح تحول دین داری	- آمادگی‌های فطری (به دنبال درک اهداف غایی و معنای زندگی بودن) - ارزش‌های فرهنگی (علاقه به تغییر خود و فرازوری از مادیات) - تربیت معنوی (دوستدار تهدیب نفس و خودسازی)	ارزیابی دین داری و تحول معنوی	ششم
هماهنگی فکر، احساس و عمل	- آشنایی با دغدغه‌ها و تضادهای فکری - آشنایی با دغدغه‌ها و تضادهای هیجانی - آشنایی با دغدغه‌ها و تضادهای رفتاری	تشخیص کشمکش‌های معنوی	هفتم
آشنایی با عوامل معنوی	- معرفی منابع - معرفی مجالس - معرفی الگوها	شناسایی عوامل معنوی	هشتم
عادت به تمرینات روزمره	تفکر و اندیشه در خلقت، نماز و نیایش، روزه‌داری و سکوت، دعا و تدبیر در آیات قرآن، باری رساندن و محبت به دیگران	تمرین‌های معنوی	نهم
بازخورد در مورد آموزش	- بررسی و بازیینی باورها و اعتقادات، رفتارهای مذهبی، کارهای خیرخواهانه - ارائه پیشنهادها و انتقادات - انجام پس‌آزمون	ارزیابی مهارت تحول معنوی	دهم

جامعه آماری این پژوهش ۳۰ فرد از افراد شرکت‌کننده برای مراسم مذهبی در یکی از هیئت‌های کرمان (در سال ۹۸) بودند. افراد به‌وسیله نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و بهصورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ فرد) و گروه گواه (۱۵ فرد) قرار گرفتند. در هر دو گروه آزمایش و گواه، دوبار پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی به‌عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد. متغیرهای پژوهش شامل یک متغیر مستقل، آموزش مهارت تحول معنوی و یک متغیر وابسته نگرش معنوی بود. جلسات آموزشی برای افراد گروه آزمایش به‌صورت همزمان برگزار گردید و بعد از برگزاری ده جلسه آموزش مهارت تحول معنوی در گروه آزمایش پس‌آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و گواه انجام شد و نمره پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی نیز محاسبه گردید.

**جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش (گروه آزمایش)**

تحصیلات		سن		نمونه‌ها
دیپلم بالاتر	دیپلم	۲۶-۳۲	۲۲-۱۸	ویژگی‌ها
۲۱	۹	۱۴	۱۶	تعداد

## ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی، که توسط شهیدی و فرج‌نیا (۱۳۹۱) برای ارزیابی سطح نگرش معنوی دانشجویان می‌باشد، استفاده شده است. این پرسش‌نامه قبل و بعد از اجرای آزمایش توسط افراد تکمیل گردید. پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی شامل ۴۳ سؤال پنج‌گزینه‌ای از نوع لیکرت پنج نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «تا حدودی موافقم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود.

«توانایی معنوی» و «نگرش معنوی» دو مؤلفه در سنجش معنویت هستند؛ مؤلفه اول دارای ۲۴ سؤال و در برگیرنده بعد شناختی نگرش معنوی، شامل ایمان به خدا و درک حضور او، درک معنا و هدف زندگی، اعتماد به خدا، امید، توجه به خود و خدا، و باور به درستی اعمال مذهبی، و بعد عاطفی نگرش معنوی، شامل احساس آرامش، ارتباط مثبت با خدا، درک محبت و توجه خداست؛ مؤلفه دوم نیز دارای ۱۹ سؤال بود و بعد رفتاری نگرش را که شامل رابطه خوب با دیگران، گذشت و بخشش، تلاش برای کمال و رسیدن به تعالی، توکل به خدا، خدمت به دیگران، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به خود می‌شود، دربر می‌گیرد. در نهایت، از این پرسش‌نامه ۳ نمره شامل ۲ نمره برای هریک از مؤلفه‌ها و یک نمره کل به‌دست می‌آید (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۰۸). دامنه نمره کلی این ابزار از ۲۱۵-۴۳ و میانه نمره آن ۸۶ است. اخذ نمرات بیشتر، نشانه نگرش معنوی بیشتر است.

پایابی پرسش‌نامه با روش «بازآزمایی» مورد آزمون قرار گرفت که ضریب همبستگی به دست آمده از این بازآزمایی، محاسبه شد. پرسش‌نامه بر روی ۲۳۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی اجرا شد و با استفاده از تحلیل عوامل با روش «واریماکس» از نوع «چرخشی» ۲ عوامل با مقدار ویژه بالاتر از ۵ مشخص گردید؛ همچنین همسانی درونی پرسش‌نامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بود. به دست آمد ضریب به دست آمده برای کل آزمون محاسبه گردید. همسانی درونی سوالات هر مؤلفه نیز نشان داد که مؤلفه‌های به دست آمده از همسانی درونی بالایی برخوردارند (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

### یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش بررسی تأثیر دوره آموزشی مهارت تحول معنوی، بر نگرش معنوی افراد بود. در این تحقیق از فنون آمار توصیفی شامل جداول فراوانی و نمودار میله‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است که در جداول مربوطه تبیین شده‌اند؛ همچنین یافته‌های استنباطی نیز با استفاده از روش‌های تحلیل کوواریانس چندمتغیری مشخص گردیده‌اند. بدین ترتیب ضمن کنترل آماری با استفاده از آزمون‌های پارامتریک بررسی و صحت و سقم فرضیات تحقیق پرداخته شده است و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل به صورت ذیل می‌باشد:

جدول ۳: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش در وضعیت پیش آزمون

خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
۲/۷۷۸۲۶	۱۰/۷۶۰۱۶	۱۵	۸۳/۰۶۶۷	توانایی معنوی
۲/۸۴۸۵۶	۱۱/۰۳۳۴۲	۱۵	۸۲/۰۰۰۰	
۲/۸۸۷۵۲	۱۱/۱۸۳۳۲	۱۵	۶۷/۰۶۶۷	نگرش معنوی
۲/۷۹۳۹۸	۱۰/۸۲۱۰۶	۱۵	۷۰/۳۳۳۳	
۵/۴۲۲۰۶	۲۰/۹۹۹۵۵	۱۵	۱۵۰/۱۳۳۳	نمره کل
۵/۶۲۱۹۵	۲۱/۷۷۳۷۳	۱۵	۱۵۲/۲۳۳۳	

جدول ۴: نتایج آزمون تی تست پیرامون میزان توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	عدد تی	
۰/۷۰۳	۱۴	۰/۳۸۹	توانایی معنوی
۰/۳۳۲	۱۴	-۰/۰۰۴	نگرش معنوی
۰/۷۰۸	۱۴	۰/۳۸۲	نمره کل

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل در وضعیت پیش‌آزمون بر حسب گروه گواه و آزمایش یکسان می‌باشد؛ زیرا سطح معنی‌داری به دست‌آمده بیشتر از  $0/05$  می‌باشد؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که میانگین توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش یکسان بوده است.

جدول ۵: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان توانایی معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش (پس‌آزمون)

سطح معناداری	درجه آزادی	عددتی	خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
$0/200$	۱۴	$-3/803$	۲/۷۷۸۲۶	۱۰/۷۶۰۱۶	۱۵	۸۳/۰۶۶۷	گواه
			۲/۹۵۱۴۹	۱۱/۴۳۰۹۵	۱۵	۹۴/۳۳۳۳	آزمایش

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان توانایی معنوی بر حسب گروه گواه ( $83.06$ ) و آزمایش ( $94.3.3$ ) متفاوت می‌باشد؛ زیرا سطح معناداری به دست‌آمده  $0/000$  کمتر از  $0/05$  می‌باشد. به عبارت دیگر، میانگین توانایی معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش متفاوت است و میانگین توانایی معنوی در گروه آزمایش بیشتر از گروه گواه می‌باشد؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که دوره آموزشی مهارت تحول معنوی بر توانایی معنوی مؤثر بوده است.

جدول ۶: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان نگرش معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش (پس‌آزمون)

سطح معناداری	درجه آزادی	عددتی	خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
$0/001$	۱۴	$-4/211$	۲/۸۸۷۵۲	۱۱/۱۸۳۳۲	۱۵	۶۷/۰۶۶۷	گواه
			۲/۶۸۶۵۹	۱۰/۴۰۵۱۳	۱۵	۸۱/۱۳۳۳	آزمایش

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان نگرش معنوی بر حسب گروه گواه ( $67.06$ ) و آزمایش ( $81.03$ ) متفاوت می‌باشد؛ زیرا سطح معنی‌داری به دست‌آمده  $0/000$  کمتر از  $0/05$  می‌باشد. بدین معنا که میانگین نگرش معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش متفاوت بوده و میانگین نگرش معنوی در گروه آزمایش بیشتر از گروه گواه بوده است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که دوره آموزشی مهارت تحول معنوی بر نگرش معنوی مؤثر بوده است.

جدول ۷: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش (پس‌آزمون)

سطح معناداری	درجه آزادی	عددتی	خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
$0/002$	۱۴	$-3/887$	۵/۴۲۲۰۶	۲۰/۹۹۹۵۵	۱۵	۱۵۰/۱۳۳۳۳	گواه
			۵/۶۰۷۱۴	۲۱/۷۱۶۳۵	۱۵	۱۷۴/۸۰۰	آزمایش

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان نمره کل در گروه گواه (۱۵۰.۱۳) و آزمایش (۱۷۴.۴۸) متفاوت می‌باشد؛ زیرا سطح معنی‌داری به دست‌آمده ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بدین معنا که میانگین نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش متفاوت بوده و میانگین نمره کل در گروه آزمایش بیشتر از گروه گواه بوده است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که دوره آموزشی مهارت تحول معنوی بر نمره کل نگرش معنوی مؤثر بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نگرش معنوی چهره جهان را در نظر فرد دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد. فرد دارای نگرش معنوی قوی خود را تحت حمایت و لطف همه‌جانبه خداوند - بزرگ‌ترین نیروی موجود - می‌بیند و احساس اطمینان، آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. او خداوند را منشأ خیر و برکت می‌داند و لذا در نظر چنین فردی همه رویدادها حتی بلایا و مصایب نعمت و آزمایشی از جانب خداوند تلقی می‌شوند. او خود را موظف می‌داند که سختی‌هایی را که با قدرت عقل قابل توجیه نیستند، با ایمان تحمل نماید تا به تکامل دست یابد. چنین فردی به‌واسطه نامالیات و ناکامی‌های زندگی دچار نالمیدی و اضطراب نمی‌گردد؛ زیرا خداوند را حامی خویش می‌دانند. او اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها گذرا هستند و او پاداش صیر خود را خواهد گرفت. این فرد هدفمند است و با همنوعان و اطرافیان خود رابطه خوب و مبتنی بر احترام متقابل و محبت برقرار می‌کند (آقامحمدی، ۱۳۹۵، ص. ۷۹).

هدف پژوهش این بود که اثرپذیری آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی بررسی و دسترسی به امور قدسی و تحقیق‌شان حاصل شود. ادراک شناختی فرد از دنیای طبیعی و رابطه‌اش با دنیای ماوراء طبیعی را دربر می‌گیرد، به نحوی که فرد به یک تعادل بهینه بین اجزای وجودش یا نظام معنوی دست یابد. در همین راسته، الگویی برای تحول معنوی در جهت تغییر در سه عنصر بینش، منش و کنش معنوی، معرفی گردید.

الگوی حاضر با این باور که خالق انسان بهترین برنامه را از طریق وحی که دانشی قطعی تلقی می‌شود برای ارتقا و سلامت مخلوق خود طراحی و به شیوه‌های مختلف در اختیار او نهاده است، به ابعاد مختلف و گسترده تحول نظر دارد، هم بعد انگیزشی را مورد توجه داده است و هم به دو بعد آکاهی و رفتاری تأکید دارد. تحول معنوی در این الگو، یک فرایند است که با پنج گام برای معنوی شدن طراحی شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر حکایت از این دارند که دوره آموزشی تحول معنوی هم بر آگاهی نگرش معنوی و هم بر توانایی معنوی افراد مؤثر می‌باشد. بر اهمیت نگرش معنوی در پژوهش‌های مختلف تأکید شده است. معنویت بهمثابه آگاهی از هستی یا نیرویی فراتر از جنبه‌های مادی زندگی است و احساس عمیقی از وحدت یا پیوند باکائیات را به وجود می‌آورد (نجفی و عرفان، ۱۳۹۱، ص. ۲). نگرش معنوی را می‌توان ناشی از عمق آگاهی انسان و شناخت او دانست که از سطح و ظاهر اشیا و امور عبور می‌کند و به درون و ذات و ماهیت آنها و روابط و واسنگی‌های آنها با هدف جستجوی علت و معنا نفوذ می‌نماید؛ همچنان که در قرآن کریم آیات متعددی به تفکر و تعقل در مخلوقات و پدیده‌های طبیعی برای رسیدن به شناخت نسبت به خداوند و درک حضور او دعوت می‌کند (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰).

در تحقیقاتی نیز بر توانایی معنوی و پیامدهای آن پرداخته شده است، معنویت می‌تواند یک نظام معنایی شامل هدف‌دار بودن زندگی، احساس خودارزشمندی مثبت و خود را شایسته احترام دانستن بنا کند. این نظام معنایی می‌تواند مانع از خطرپذیری و رفتار هیجان‌طلبانه توسط فرد شود (پیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۴۲). معنویت حقیقتی است دارای مؤلفه‌های شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش‌ها و ثمرات معنوی که شاخص‌های کلی پذیرش معنوی، احساسات مثبت و منفی، عبادت، اخلاق، حس حمایت و ارتباط متقابل با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، ارتباط با دیگران و ارتباط با خود را دربر می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۳۳). مطالعات نشان می‌دهد که معنویت می‌تواند به پیشرفت سازگاری و انعطاف‌پذیری هیجانی این افراد از طریق تجربه احساسات مثبت و به دنبال آن رضایت و شادکامی از زندگی بینجامد. برای مقابله با فشار زندگی و بیرون آمدن از افسردگی، ناتوانی و رسیدن به شادکامی چه در زندگی فردی و چه در محیط کار، حوزه معنوی مانند یک مشاور به فرد کمک می‌کند تا در موقعیت‌های دشوار معنا و مفهومی بیابد (نجفی و عرفان، ۱۳۹۱، ص. ۳).

نگرش معنوی از جمله پارامترهایی است که در سلامت روان، کاهش احساس تنها‌یی عاطفی، کاهش افسردگی و امیدواری افراد به زندگی و آینده مؤثر است. این اثرگذاری‌ها در پژوهش‌های آقامحمدی (۱۳۹۵)، محمودی و همکاران (۱۳۹۶) و مردانی و همکاران (۱۳۹۷) تأیید شده است. بنابراین معنویت از توسعه جستجوی مداوم برای یافتن معنا و هدف زندگی، درک عمیق ارزش زندگی و طلب فهم راجع به فراواقعیت غایی و زیستن بر اساس نظام باورهای شخصی است، و از سویی نیز معنویت، همان آداب معنوی است. این آداب شامل اعمالی از قبیل نیایش، مراقبه، روزه گرفتن و توبه است. با چنین برداشتی، همان‌گونه که یافته‌های پژوهش حاضر همانند سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهند، معنویت قابلیت آموزش و توسعه را دارد و با طراحی چنین برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای معنوی، می‌توان سطح نگرش معنوی و توانایی معنوی افراد را افزایش داد تا از یک زندگی سالم، مناسب و بهنجار پرهمند باشند.

## منابع

- آذری‌بایجانی، مسعود (۱۳۹۳). مقیاس سنجش دین‌داری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقامحمدی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه نگرش معنوی، امید به زندگی و اعتقاد به ایترنوت با نگرش به دوستی دختر و پسر در دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی اصفهان (به روشن مدل معادلات ساختاری). *دانش انتظامی اصفهان*, ۹(۷)، ۸۱-۹۳.
- ابراهیم‌پور، حبیب؛ روشنل، طاهر و سخندا، الناز (۱۳۹۶). تحلیل نقش معنویت در محیط کار در رشد رفتار اخلاقی کارکنان دانشگاه. مدیریت در دانشگاه‌های اسلامی، ۶(۲)، ۱۷۷-۱۹۲.
- الوندی، محمدجواد (۱۳۹۳). طراحی الگوی مفهومی معنویت از دید حضرت امام خمینی\*. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۵۵(۶۳)، ۱۷-۲۵.
- ایزدپناه، عباس و شاکرزناد، احمد (۱۳۹۳). ضرورت نگاه تمدنی به مفهوم معنویت. *تقد و نظر*, ۱۹(۳)، ۱۲۳-۱۴۹.
- بخشی‌زاده، شهرزاد؛ افروز، غلامعلی و غباری بناب، باقر (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر منویت اسلامی بر میزان رضامندی زوجیت و مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی در مادران با کودکان آهسته‌گام. *توانمندسازی کودکان استثنایی*, ۶(۴)، ۵۶-۷۷.
- بهرامی دشتکی، هاجر؛ علیزاده، حمید؛ غباری بناب، باقر و کرمی، ابوالفضل (۱۳۸۵). اثربخشی آموزش معنویت بهشیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاور*, ۴(۱۹)، ۴۹-۷۲.
- پیری، جمال؛ امیرپناه، علی و اقدسی، علی نقی (۱۳۹۹). اثربخشی معنویت درمانی مبتنی بر خودآگاهی بر بهزیستی روان‌شناسی و ابراز وجود. *پژوهش‌های نوین روان‌شناسی*, ۱۵(۵۹)، ۳۰-۴۸.
- جان‌بزرگی، مسعود و غروی، سیدمحمد (۱۳۹۵). نظریه‌های نوین روان درمانگری و مشاوره. تهران: سمت.
- ، (۱۳۹۵). اصول روان درمانگری و مشاوره با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جان‌بزرگی، مسعود؛ فاکر، حسین و جان‌بزرگی، امین (۱۳۹۰). ارزیابی تحول روانی - معنوی در درمانگری مراجعان مذهبی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*, ۸(۸۵)، ۴۹-۷۰.
- شهیدی، شهریار و فرج‌نیا، سعیده (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی. *روان‌شناسی و دین*, ۵(۳)، ۹۷-۱۱۵.
- عباسی، محمود و همکاران (۱۳۹۱). تعریف مفهومی و عملیاتی سازی سلامت معنوی. *اخلاق پژوهشکی*, ۲۰(۶)، ۱۷-۴۷.
- غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۹۱). رابطه تصور فرد از خدا و روان‌پریشی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*, ۱۶(۱۱)، ۵۹-۷۴.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۴). درسنامه سیک زندگی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلانتری، مهدداد و اسماعیلی، مریم (۱۳۹۴). الگوی تحول در روان‌شناسی. *تحول در علوم انسانی*, ۳(۴)، ۸۷-۱۱۸.
- محمدودی، فیروز؛ صادقی، فرزانه و جمال‌امیدی، معصومه (۱۳۹۶). بررسی نقش نگرش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجانی در دانشجویان. *دین و سلامت*, ۶(۱)، ۵۱-۶۰.
- مردانی حمله، مرجان؛ احمدی، معصومه؛ سیدفاطمی، نعیمه و حقانی، حمید (۱۳۹۷). بررسی ارتباط همدلی با نگرش معنوی در دانشجویان کارشناسی پرستاری شهر تهران. *اخلاق و تاریخ پژوهشکی*, ۱۱(۲)، ۷۶-۱۸۷.
- مصطفی، علی (۱۳۸۹). واکاوی مفهومی معنویت و مسئله‌های متعنا. *اخلاق پژوهشکی*, ۱۴(۴)، ۹-۳۱.
- مظاہری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۵). تحلیل حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم. *ماهنشامه معرفت*, ۹(۱۰۹)، ۵-۱۰۴.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تبلیغات اسلامی.
- مهری، کریم (۱۳۹۶). تدوین یک الگوی نظری درخصوص تحول معنوی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری. *تربیت اسلامی*, ۲۴(۱۲)، ۷۶-۹۲.
- نجفی، محمد و عرفان، آرزو (۱۳۹۱). بررسی کمی و کیفی رابطه بین معنویت، شادکامی و توأم‌نده حرفة‌ای استیضاد. *رویکردهای نوین آموزشی*, ۷(۲)، ۱-۲۲.
- وست، ویلیام (۱۳۹۷). روان‌درمانی و معنویت. ترجمه شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن. تهران: رشد.

Elkins, D. N. & others (1988). towards a humanistic-phenomenological spirituality. *Journal of Humanistic Psychology*, 28(4), 5-18.

Jalali-Tehrani, S. M. M. (2001). Integration Therapy in Corsini. R. J. Handbook of Innovative Therapy. 2end edit. John Wiley and Sons. Inc, 321-331.

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناسی

سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ (ص ۶۵-۸۴)

## ساخت، اعتباریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

### Construction, validation and exploratory and confirmatory factor analysis of positive and negative image questionnaire of God based on Islamic sources

احمد امیدی / دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

Ahad Omidi / PhD in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran  
Omidi.ahad@gamil.com

#### Abstract

The purpose of the current research was to construct, validate and the factor structure of the positive and negative image questionnaire of God and to determine its psychometric properties. The method was content analysis and the survey method by selecting 212 people from the statistical population of students by stratified random sampling. Content validity of each item was confirmed if its minimum CVR was 0.99 and CVI index was 0.79. To evaluate the validity of the construct exploratory factor analysis method was used, with principal components method, Varimax rotation and Kaiser Normation and higher eigenvalue of one also used and confirmatory factor analysis with the help of SPSS26 and AMOS24 software were used. The findings indicate that two factors "positive image of God" (29.969) and "negative image of God" (21.197) were obtained, which in total (51.167) estimates the variance percentage of the entire questionnaire. The validity of

#### چکیده

«تصور از خدا» از جمله موضوعات مهمی است که ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف پژوهش حاضر ساخت، اعتباریابی و ساختار عاملی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آن بود. روش تحقیق از روش تحلیل محتوا و روش پیمایشی و جامعه‌آماری طلاب و دانشجویان دانشگاه قرآن و حدیث که ۲۱۲ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. جهت ارزیابی روایی محتوا، هر آیتمی که حداقل CVR آن ۰/۹۹ به بالا و شاخص CVI آن ۰/۷۹ به بالا بود، تأیید شد. برای بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی اکتشافی روش مؤلفه‌های اصلی، چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر و ارزش ویژه بالاتر از یک استفاده شده است. علاوه بر آن از تحلیل عامل تأییدی برای تأیید گویی‌های پرسش‌نامه و ارتباط آن با عامل مرتبط با کمک نرم‌افزار SPSS26 و AMOS24 استفاده شد. یافته‌ها حاکی از بهدست آمدن دو عامل «تصور مثبت از خدا»

positive image of God and negative image of God in Gutman's two-half method (0.779), (0.843), Spearman's coefficient (0.796), (0.852) and Cronbach's alpha coefficient value of positive image, respectively of God (0.835), and Cronbach's alpha coefficient of negative perception of God (0.914) was obtained. Therefore, the obtained results indicate the ability of questionnaire to be used in research studies.

**Key words:** positive image of God, negative image of God, Islamic sources, questionnaire, Islamic psychology.

(۲۹/۹۶۹) و «تصور منفی از خدا» (۲۱/۱۹۷)، که در مجموع (۵۱/۱۶۷) درصد واریانس کل پرسش‌نامه را برآورد می‌کند. اعتبار تصویر مثبت از خدا و تصویر منفی از خدا به ترتیب در روش دونیمه‌سازی گاتمن (۰/۷۷۹)، ضریب اسپیرمن (۰/۰۷۹۶)، (۰/۰۸۵۲) و مقدار ضریب الگای کرونباخ تصویر مثبت از خدا (۰/۰۸۳۵)، و ضریب الگای کرونباخ تصویر منفی از خدا (۰/۰۹۱۴)، به دست آمد. بنابراین نتایج به دست آمده حاکی از قابلیت پرسش‌نامه تصویر مثبت و منفی از خدا جهت استفاده در تحقیقات پژوهشی است.

**کلیدواژه‌ها:** تصویر مثبت از خدا، تصویر منفی از خدا، منابع اسلامی، پرسش‌نامه، روان‌شناسی اسلامی.

## مقدمه

موضوع خداوند به دلیل گسترده‌گی و اهمیتی که از لحاظ دینی و روان‌شناسی دارد، توجه نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی به خصوص روان‌شناسی دین را به خود جلب کرده است (علیانسب، ۱۳۹۹، ص. ۹۹). روان‌شناسان بر جسته‌ای از قبیل جیمز<sup>۱</sup> (۱۹۰۲)، یونگ<sup>۲</sup> (۱۹۳۳)، فرانکل<sup>۳</sup> (۱۹۶۳) و آپورت<sup>۴</sup> (۱۹۶۳)، دین، خدا و معنویت را جزء نیازهای اساسی بشر می‌دانستند و بر نقش آنها در سلامت روان تأکید داشتند (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۶). با تأکید روان‌شناسان بزرگ موضوع خداوند در روان‌شناسی رهیافت مناسبی پیدا کرد و پژوهش‌های زیادی به موضوع خداوند اختصاص پیدا کرد. یکی از آن موضوعاتی که در روان‌شناسی دین به آن پرداخته شد، موضوع «تصویر از خدا»<sup>۵</sup> بود، که پایه‌های نظری آن از پژوهش‌های فروید شروع شده و با تحقیقات دیگر روان‌شناسان از قبیل ریزانو، گرساج و دیگران ادامه پیدا کرد.

1. James

2. Jung

3. Frankl

4. Allport

5. The image of God

تصور از خدا یک الگوی درونی روان‌شناختی از تصورات افراد در مورد خداست (لارنس،<sup>۱</sup> ۱۹۹۷)؛ یعنی آن احساسی که افراد نسبت به خداوند دارند (لارنس، ۱۹۹۷، ریزانتو،<sup>۲</sup> ۱۹۷۴). حالتی روان‌شناختی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز،<sup>۳</sup> ۲۰۰۸). در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه‌ای روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، تصور فرد از خدا بسیار مهم است (لارنس، ۱۹۹۷؛ ریزانتو، ۲۰۰۵، به نقل از: احمدی برآبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۲). از دیدگاه برخی روان‌شناسان تصور از خدا از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبینش شکل گرفته و در سراسر زندگی همراه با رشد و بلوغ فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد و جهت‌گیری‌ها، احساس‌ها و رفتارهای فرد را در ارتباط با خدا هدایت می‌کند (لاندین، ۱۹۹۶). تصور از خدای که در افراد شکل می‌گیرد در دو حیطه کلی تصور مثبت و منفی قرار می‌گیرد. افرادی که تصور مثبتی از خداوند دارند، خداوند را بخشنده و دوست خود می‌دانند و با او از طریق برقراری رابطه‌ای عاشقانه، ملاقات صمیمانه و گرم به عمل می‌آورند و در تیجه سلامت روان بالاتری دارند، ولی افرادی که تصور منفی از خداوند دارند، خداوند را به صورت منبعی از خشم، قهر و انتقام کامل می‌شناسند و انسان را گناهکاری در حال سقوط و اسیر دستان این خدای غضبناک تصور می‌کنند. شناخت خدا در این الگو، خواسته یا ناخواسته ترسناک و اضطراب‌آور است. افرادی که بر اساس این الگو با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، روزبه روز از سلامت روانی خود دورتر می‌شوند (پارگامنت،<sup>۴</sup> ۱۹۹۷).

تحلیل ادبیات کودکان، از خدای مثبت و خدای منفی در ذهن کودکان خبر می‌دهد. گاهی والدین و مریبان امور آموزشی و تربیتی به دلیل نداشتن آشنایی کافی نسبت به شکل گیری تصور صحیح از خدا، باعث شکل گیری تصور منفی و نادرستی از خداوند در ذهن کودکان می‌شوند، این افراد در بزرگسالی از خداوند گریزان می‌شوند. ارائه کردن یک چهره خشن و سخت‌گیر از خداوند، موجب اضطراب کودکان و ترس آنها از نزدیک شدن به خدا در بزرگسالی می‌شود. این باورها اغلب در دوران بزرگسالی گسترش می‌یابد و بر شناخت‌ها و رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارد (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹).

به عنوان نمونه برای شکل گیری تصور منفی از خداوند، یکی از مددجویان زندانی، تصور خویش از خدا را در قبل و پس از درمان این گونه توصیف می‌کند:

1. Lawrence, R. T.

2. Rizzuto, A. M.

3. Grimes, C.

4. Pargament, K. I.

همان طور که به تدریج بزرگ می‌شدم، طبق سنت خانواده‌های مذهبی، تربیت دینی و مذهبی من هم شروع شد. تربیت که چه عرض کنم، بهتر است بگوییم جبر دینی؛ اگر دروغ بگی میری ته جهنم؛ اگر فلان کنی میری وسط جهنم؛ اگر بهمان کنی خدا پوستت را می‌کنه و غیره. نمی‌دانم چرا از خدا بیزار شده بودم، ولی جرئت گفتن آن را نداشتیم. من خدا را موجودی جبار، متنقی، عذاب‌دهنده و ترسناک می‌دیدم و به همین خاطر همیشه از او فرار می‌کردم؛ زیرا او خدایی بود که می‌خواست همه را در جهنمش بسوزاند.

او پس از آنکه به خاطر اعتیاد و ارتکاب جرائم چند بار دستگیر و زندانی می‌شود، در زندان مرکزی قم تحت درمان روان‌درمانی یکپارچه توحیدی قرار می‌گیرد و همراه با سیر درمان تصور منفی که از خدا داشته دگرگون می‌شود و به تصور مثبتی از خداوند پیدا می‌کند و روند این تحول را چنین گزارش می‌کند:

در طول زندگی به خاطر اعتیادم تخریب‌های بسیار زیادی داشتم که شهامت نوشتمن خیلی از آنها را ندارم؛ تا اینکه در یکی از روزها خسته، درمانده از همه‌جا و از روی ناچاری به بند روان‌درمانی آمدم در اینجا خدا را به من معرفی کردند. خدایی مهربان و بخشندۀ خدایی که امروز مرا با همه بدی‌هایم بخشیده است. من که به یک انسان عصبانی، زودرنج، عیب‌جو، ناراضی، افسرده، دروغ‌گو و دارای ده‌ها نقص شخصیتی دیگر تبدیل شده بودم، امروز با بخشش خداوند و به کمک خداوند و طبق اصول برنامه، به برطرف کردن نقص‌های خود پرداختم و آنها را در حد بسیار زیادی از وجودم خارج نمودم و به تربیت و تزکیه خود پرداختم. نورهای امید در دلم روشن شد؛ زیرا نور خدا در آن راه یافت. زندگی جدید من هدیه گران‌بهایی از طرف خداوند است؛ پس او را سپاس می‌گوییم و با تمام وجودم برای بهتر شدن و نزدیک شدن به او تلاش می‌کنم (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹).

بنابراین تصور مثبت یا منفی که افراد از خداوند دارند، در خلق و رفتار و جهت‌گیری‌های مذهبی فرد در بزرگ‌سالی بسیار مؤثر است. امروزه روان‌درمانگران در جلسات درمانی، ارزیابی تصور مثبت و منفی از خداوند را بخش مهمی از درمان موفق می‌دانند (گریدی<sup>۱</sup> و ریچارد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷، ص ۱۸۳). از دیدگاه روان‌درمانگران، تصور و رابطه واقعی افراد با خدا تأثیر زیادی بر کارکردهای روان‌شناسی افراد دارد و در

1. Grady, K.

2. Richards, P. S.

جلسات درمانی به هدف ترمیم و تغییر شکل تصور از خدای افراد از تصور منفی به مثبت، مداخلات روان‌شناختی انجام می‌دهند، و با تغییر دادن تصور از خدای مراجع، به طور مستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی او تأثیر می‌گذارند (Hall<sup>۱</sup> و Fujikawa<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳، ص ۲۸۸). روان‌شناسان و مشاوران که با مراجعان خداباور مسلمان کار می‌کنند نیز، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی صحیح تصور مثبت و منفی از خدای مراجعان خویش هستند.

پژوهش‌های در موضوع تصور از خدا و ساخت پرسش‌نامه آن صورت گرفته است که بیشتر در غرب و بر اساس آموزه‌های مسیحیت و یهودیت می‌باشد. پرسش‌نامه تصور از خدای لارنس (۱۹۹۷)، تصورات و احساس‌های مختلفی را که افراد ممکن است درباره خدا داشته باشند، بررسی می‌کند که دارای شش مقیاس است: «تأثیرپذیری»: من تا چه حد می‌توانم بر خداوند و خواست او تأثیر بگذارم؛ «مشیت‌الهی»: خداوند تا چه حد توان تأثیرگذاردن بر من را دارد؛ «حضور»: آیا خداوند اینجا حضور دارد؟ «چالش»: آیا خداوند می‌خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟ «پذیرندگی»: آیا من شایسته دوست داشته شدن از ناحیه خداوند هستم؟ «خیرخواهی»: آیا خداوند همانند کسانی است که دوستم دارند و آنچه برایم بهتر است را برای من می‌خواهند؟ علاوه بر این پرسش‌نامه تصور از خدای که از مقیاس وضعیت مذهبی (RSI<sup>۳</sup>) گرینوی<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، از آیتم‌هایی که مربوط به خداوند اقتباس شده است، اقتباس و به کار گرفته شده است (گرینوی، Milne<sup>۵</sup> و Clarke<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). این آزمون سه خردآزمون، حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند می‌باشد. خردآزمون‌های حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند با هم ترکیب شده و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل می‌دهند. پرسش‌نامه مفهوم خداوند در سال (۱۹۶۸)، توسط ریچارد گرساچ<sup>۷</sup> ارائه گردید. در این پرسش‌نامه مجموعه صفاتی به آزمودنی‌ها ارائه و از آنها خواسته شد تا بر مبنای یک مقیاس پنج‌درجه‌ای معلوم کنند، هر صفت تا چه اندازه به مفهومی که آنها از خداوند در ذهن دارند، نزدیک است. سازنده این پرسش‌نامه هشت عامل خداوند خیراندیش،<sup>۸</sup> بی‌ربط،<sup>۹</sup> لایتاهی،<sup>۱۰</sup> قضاوت‌کننده،<sup>۱</sup> الوهیت،<sup>۲</sup> هدایتگر،<sup>۳</sup> معتبر<sup>۴</sup> و قهار<sup>۵</sup> را معرفی

1. Hall, T. W.

2. Fujikawa, A. M.

3. Religious Status Inventory

4. Greenway, A. P.

5. Milne, L. C.

6. Clarke, V.

7. Richard Gvrsach

8. benevolent

9. irrelevant

10. infinite

می‌کند. نصیرزاده و رسول‌زاده (۱۳۸۶، ص ۱۴۱) بر اساس تحلیل عاملی شش مقیاس فرعی، خداوند نیک‌خواه،<sup>۶</sup> خداوند نامربوط،<sup>۷</sup> خداوند لایتنه‌های،<sup>۸</sup> خداوند تنبیه‌گر (غضبناک)،<sup>۹</sup> خداوند دست‌نیافتنی<sup>۱۰</sup> و خداوند ارزشمند<sup>۱۱</sup> از آن استخراج کردند. روان‌شناسان و مشاوران که با مراجعان خداباور مسلمان کار می‌کنند نیز، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی صحیح تصور از خدای مراجعان خویش هستند، که مطابق با مبانی اسلامی باشد و بتوانند بر اساس آن تصور افراد از خدا را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. بر همین اساس پرسشنامه ۵۷ گوی‌های تصور از خدا بر اساس اسمای الهی توسط امیدی، رفیعی‌هنر، سقای بی‌ریا (۱۳۹۹)، بر اساس اسمای الهی در قرآن کریم و روایات با استناد به منابع اسلامی و فرهنگ جامعه اسلامی بر اساس تحلیل عاملی در پنج عامل «ناصریت»، «رحمانیت» - غافریت»، «منجمیت - رازقیت»، «خالقیت - قادریت» و «عالیمت» ساخته شده است. هریک از گویه‌ها توصیف کوتاهی از چگونگی تصورات افراد از خداوند است که آزمودنی‌ها پس از مطالعه هر گویه، میزان تطابق آن گویه را با تصورات، برداشتها، حالات و تجربه‌های خود نسبت به خداوند بر روی یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای تعیین می‌کنند. با این وجود، ولی پرسشنامه‌ای که مشخصاً با رویکرد روان‌شناسی و با توجه به منابع اسلامی به دنبال بررسی تصور مثبت و منفی از خداوند باشد، یافت نشد. روان‌شناسان و تحقیقات حاکی از آن است که بیماران مختلفی که به مراکز روان‌درمانی رجوع می‌کنند، تصور منفی، مخدوش، تحریف‌شده و نادرستی از خداوند دارند (اوکوزی،<sup>۱۲</sup> برام و همکاران،<sup>۱۳</sup> کرکپاتریک،<sup>۱۴</sup> ۲۰۰۵؛ روان‌درمانگران و مشاوران توصیه می‌کنند در جلسات درمانی نیاز است تصور از خدای مراجعان کشف شود و به تغییر و اصلاح آن پرداخته شود (دراپر،<sup>۱۵</sup> ۲۰۱۷). بنابراین برای تشخیص تصور مثبت و منفی درباره خداوند ضرورت وجود معیاری صحیح بسیار مطلوب

1. judge
2. divinity
3. navigator
4. valid
5. wrathful
6. benvolent
7. irrelevant
8. omni- ness
9. wrathful
10. diesticness
11. valuable
12. Okozi, I. F
13. Braam, A. and atel
14. Kirkpatrick, L,A.
15. Draper, S.

می‌باشد. با ساخت پرسش‌نامه حاضر خلاً موجود برای شناخت تصور مثبت و منفی افراد از خداوند بر اساس منابع اسلامی برطرف خواهد شد. به روان‌شناسان و مشاوران و پژوهشگران کمک می‌کند تا تصور درونی شده مثبت یا منفی از خداوند را در درون مراجع خویش شناسایی کنند و خدمات ارزش‌های هم در جهت تشخیص، هم در جهت اصلاح تصورات ناکارآمد و هم بهبود و ارتقای تصورات فرد از خدا، ارائه دهند. نیاز است تصور از خدای افراد مسلمان و خدایاور در جامعه اسلامی بر اساس منابع اسلامی و بر آن اساس سنجیده شود، ولی در بررسی ادبیات پژوهش در مورد تصور از خدا، بسیاری از پژوهش‌ها، مبتنی بر مبانی نظری روان تحلیلگری، روابط موضوعی و نظریه دلیستگی شکل گرفته است که بعضاً متأثر از نگاه جسمانی به خدا در مکتب مسیحیت و فرهنگ غیراسلامی است. فرهنگ غربی و دین مسیحیت تصویری غیرمنطقی از خداوند ارائه می‌کنند که باعث روی‌گردانی افراد زیادی از خداوند و دین می‌شود. خدایی که مذهب‌های غربی به مردم معرفی می‌کنند، خدایی است که نه دانشمندان علوم طبیعی؛ بلکه هر عاقلی ممکن است از او روی‌گردان شود. این خدا می‌خورد، می‌نوشد، می‌خوابد، کشتی می‌گیرد و همه ویژگی‌ها و آثار نیازهای جسم در اوست. گاه نیز صفات زشت مانند حسد و جهل را نشان می‌دهد، و با معرفی این ویژگی‌ها از خدا، تصوری ناقص و معیوب از خداوند در روان افراد شکل می‌گیرد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲). در داخل ایران هم مطالعاتی در حوزه تصور از خدا انجام گرفته است که مهم‌ترین نقطه ضعف این مطالعات، مقیاس‌های اندازه‌گیری و ابزارهای سنجش آنهاست، که عمدتاً برگرفته از پرسش‌نامه تصور از خدا لارنس است که اصل آن بر مبنای فرهنگ مسیحیت است و پژوهشی که در جامعه و فرهنگ غربی با دین مسیحیت و یهودیت درباره اساسی‌ترین جنبه اعتقادی انجام گرفته است، بعضاً نمی‌تواند شاخصی مناسب برای فرهنگ و جامعه اسلامی باشد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱): از این‌رو هدف پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی است تا با خلاً موجود برطرف شده و کمکی برای ارتقای روان‌شناسی اسلامی باشد.

## روش‌پژوهش

این پژوهش، از دو روش تحلیل محتوا<sup>۱</sup> و پیمایشی<sup>۲</sup> تشکیل شده است. در روش تحلیل محتوا با رجوع به آموزه‌های دینی، قرآن کریم و روایات محتواهای مرتبط با تصور مثبت و منفی از خدا استخراج و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از روش پیمایشی یا زمینه‌یابی برای ارزیابی روان‌شناسی و اعتباریابی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل طلاب و دانشجویان دانشگاه قرآن و حدیث قم بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، حجم نمونه انتخاب گردید. در این نمونه‌گیری،

1. content analysis  
2. survey research method

واحدهای جامعه مورد مطالعه در طبقه‌هایی که از نظر صفت متغیر همگن‌تر هستند، گروه‌بندی می‌شوند تا تغییرات آنها در درون گروه‌ها کمتر شود؛ پس از آن از هر طبقه تعدادی نمونه انتخاب می‌شود. در این روش که بر پایه آن، ابتدا عناصر جامعه به چند طبقه تقسیم و سپس از هر طبقه یک نمونه تصادفی برگزیده می‌شود، دقت نمونه‌برداری از لحاظ برآورد پارامترهای جامعه را افزایش می‌دهد (دلاور، ۱۳۹۴، ص ۹۵). اولین قدم در گزینش نمونه تصادفی طبقه‌ای، مشخص کردن طبقه‌ها بود و سپس هر واحد نمونه‌برداری جامعه در طبقه مناسب جای داده شد. هر واحد نمونه‌برداری فقط در یک طبقه جای می‌گیرد. در این پژوهش نمونه به دو طبقه طلاب و دانشجو تقسیم شد. از مراحل ساخت پرسش‌نامه، بررسی روایی سازه، به شیوه تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۱</sup> یا تأییدی<sup>۲</sup> است. در روش تحلیل عاملی، برای حجم نمونه برای هر گویه نسبتاً ۵ نمونه و بیشتر در نظر گرفته می‌شود و بعضی از آماردانان حداقل ۲۰۰ نفر برای تحلیل عاملی را کافی می‌دانند (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰). در پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی که با ۲۴ گویه نهایی شد، تعداد ۲۱۲ نفر انتخاب گردید که بر اساس آزمون کرویت بارتلت و کفايت نمونه‌برداری کیزر - میر - اولکین<sup>۳</sup> KMO این تعداد برای انجام تحلیل عاملی معنادار بود. برای ارزیابی فرایند روایی سنجی به شیوه روایی محتوا<sup>۴</sup> و روایی سازه<sup>۵</sup> به دو شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و برای اعتبار پرسش‌نامه از روش برآورد همسانی درونی<sup>۶</sup> از روش دونیمه کردن آزمون<sup>۷</sup> و تعیین ضریب آلفای کرونباخ<sup>۸</sup> با کمک نرم‌افزار SPSS26 و AMOS24 استفاده گردید. آزمودنی‌های پژوهش شامل ۶۱/۸ درصد طلاب و ۳۸/۲ درصد دانشجویان، از گروه مردان ۲۶/۹ و زنان ۷۳/۱ درصد و افراد متأهل ۷۲/۲ و مجردین ۲۷/۸ بودند. میانگین سنی افراد ۳۲/۴۲ و انحراف استاندارد آن ۹/۵۶ بود.

### یافته‌های پژوهش

در ابتدا منابع اسلامی و روان‌شنختی مرتبط با موضوع تصور مثبت و منفی از خداوند گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس مستندات به دست آمده به طراحی و ساخت گویه‌های پرسش‌نامه تصور مثبت و

- 
1. Explaratory Factor Analysis
  2. Confirmatory Factor Analysis
  3. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling adequacy
  4. content validity
  5. construct validity
  6. internal consistency
  7. split – half method
  8. cronbach's alpha

منفی از خدا پرداخته شد. برای طراحی گویه‌ها اصول ساخت آن مورد توجه قرار گرفت؛ از قبیل محدود کردن هر گویه به یک استناد، قابل فهم و واضح بودن سؤالات، پرهیز از به کار بردن گویه‌های منفی مضاعف، پرهیز از توصیف کننده‌هایی که مقدار یا درجه گویه را مبهم نشان می‌دهد، گویه‌ها طوری طراحی شد که تنها یک پاسخ درست داشته باشد و یا قطعاً دارای درست‌ترین پاسخ باشد. بعد از ساخت گویه‌ها به منظور بررسی روایی محتوا از ۶ نفر کارشناس متخصص روان‌شناسی و علوم دینی خواسته شد میزان مطابقت گویه‌ها با مستندات را با شاخص<sup>۱</sup> (CVI) در یک مقیاس چهار درجه‌ای (کاملاً مرتبط ۷۶ تا ۱۰۰ درصد، نسبتاً مرتبط ۵۱ تا ۷۵ درصد، کم مرتبط ۲۶ تا ۵۰ درصد، و غیرمربوط از ۱ تا ۲۵ درصد)، و میزان ضرورت هر گویه برای سنجش تصور مثبت و منفی از خدا را با (CVR<sup>۲</sup>) بر روی سه طیف (ضروری نمره ۳، مفید ولی غیرضروری نمره ۲، غیرضروری نمره ۱) اعلام نمایند. با توجه به فرمول محاسبه CVR و CVI در روایی محتوا، در صورتی که تعداد ارزیابان ۶ نفر باشند، حداقل مقدار CVR قابل قبول بایستی ۰/۹۹ پایین‌تر باشد و در صورتی که نمره محاسبه شده برای گویه‌ها با توجه به تعداد متخصصین ارزیابی کننده کمتر از میزان مورد نظر باشد، بایستی از آزمون کنار گذاشته شوند، به این دلیل که روایی محتوا باید قابل قبولی ندارند و اگر مقدار قابل قبول برای شاخص CVI بالاتر از ۰/۷۹ باشد، مناسب تشخیص داده می‌شود (پولیت و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۱۲، به نقل از: فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). بر این اساس، بعد از ارزیابی داوران متخصص به دلیل پایین بودن شاخص CVI و CVR تعداد ۱۲ گویه حذف گردید و تعداد گویه‌های پرسشنامه از ۳۶ به ۲۴ میزان گویه کاهش یافت. بعد از آماده شدن گویه‌ها و مشخص کردن شیوه نمره گذاری، پرسشنامه بر روی تعدادی از افراد نمونه اجرا گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS همبستگی هر کدام از گویه‌ها با نمره کل آن مؤلفه به دست آمد، که تمام گویه در سطح (۰/۰۱) و (۰/۰۵) دارای همبستگی معناداری با نمره کل آن مؤلفه بود. برای بررسی اعتبار اولیه پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بهره برده شد. میزان آلفای کرونباخ هر کدام از مؤلفه‌ها در اجرای مقدماتی تقریباً (۰/۸۳) بود که نشان از اعتبار بالای این آزمون است. بعد از بررسی آلفای کرونباخ، جایگاه هر یک از گویه‌ها از لحاظ بررسی آلفای کرونباخ پس از حذف هر سؤال بررسی شد، که آلفای کرونباخ هر گویه در محدوده آلفای کرونباخ کل (۰/۰۰) بود و با حذف هیچ گویه‌ای میزان آلفای کرونباخ افزایش قابل توجهی (۰/۱۰) نداشت. همچنین برای ارزیابی نحوه توزیع سؤالات و با هدف حذف گویه‌های بدون واریانس یا دارای واریانس پایین از نمودار هیستوگرام استفاده شد، که نشان داد تمام سؤالات از واریانس مطلوب برخودار است؛ بنابراین پرسشنامه تصور با ۲۴ گویه نهایی گردید.

- 
1. Content Validity Index,
  2. Content Validity Ratio; CVR
  3. Polit and et al

بعد از تأیید روایی محتوایی برای سنجش روایی سازه - که از قوی‌ترین و بیچیده‌ترین معیار آزمون‌سازی به شمار می‌رود - و برای شناسایی و تعیین عوامل تشکیل‌دهنده پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا، از روش تحلیل عاملی به شیوه اکتشافی (EFA) به روش «مؤلفه‌های اصلی»<sup>۱</sup>، «چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر»<sup>۲</sup> و ارزش ویژه<sup>۳</sup> بالاتر از یک استفاده شده است. علاوه بر آن از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای تأیید سازه‌های مدل (گویه‌های پرسشنامه) و ارتباط آن با متغیر مرتبط استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عاملی اکتشافی، برای اینکه معلوم شود حجم نمونه انتخاب شده مناسب با روش تحلیل عاملی است، از آزمون کرویت بارتلت<sup>۴</sup> و کفايت نمونه‌برداری KMO بهره برده شد. شاخص کفايت نمونه‌برداری برابر با ( $0.918$ ) بود؛ درنتیجه حجم نمونه مورد نظر برای تحلیل عوامل مناسب است؛ همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت با مجذور کای اسکور ( $290.8/764$ ) با درجه آزادی ( $276$ ) و در سطح ( $p < 0.000$ ) معنادار است؛ بنابراین ماتریس همبستگی متغیرها، ماتریس واحدی نیست و می‌توان بر پایه این داده‌ها، به استخراج عامل اطمینان کرد. در جدول (۱) تحلیل عاملی به شیوه اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی، چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر و ارزش ویژه یک و بالاتر نشان داده شده است.

جدول ۱: عامل‌ها و توصیف واریانس کل

عامل‌ها	ارزش‌های ویژه اولیه			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده‌نشده			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده شده			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده شده		
	واریانس کل	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد تجمعی	واریانس کل	
۱	۹/۷۶۴	۴۰/۶۸۳	۹/۷۶۴	۴۰/۶۸۳	۷/۱۹۳	۴۰/۶۸۳	۲۹/۹۶۹	۴۰/۶۸۳	۲۹/۹۶۹	۴۰/۶۸۳	۴۰/۶۸۳	
۲	۲/۵۱۶	۱۰/۴۸۳	۲/۵۱۶	۱۰/۴۸۳	۵/۰۸۷	۵۱/۱۶۷	۲۱/۱۹۷	۵۱/۱۶۷	۵۱/۱۶۷	۵۱/۱۶۷	۵۱/۱۶۷	
جمع کل	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	

همان‌طور که از جدول (۱) مشخص است، ارزش ویژه دو عامل بزرگ‌تر از ۱ است. واریانس عامل اول ( $29/969$ ) و عامل دوم ( $21/197$ ) درصد از واریانس کل را نشان می‌دهند و دو عامل ذکر شده در مجموع ( $51/167$ ) درصد واریانس کل پرسشنامه را نشان می‌دهند. در جدول (۲) تعداد عامل‌ها به همراه بار عاملی آن ارائه شده است.

1. principal component analysis
2. varimax with Kaiser normalization
3. eigen value
4. Bartlett's Test

جدول ۲: ماتریس عامل‌ها همراه با رتبه عاملی بعد از چرخش

عامل دوم				عامل اول			
بار عاملی	گویه‌ها						
.۰/۸۵۴	۱۹	.۰/۶۲۶	۱۳	.۰/۷۱۱	۷	.۰/۶۳۹	۱
.۰/۸۱۰	۲۰	.۰/۷۱۸	۱۴	.۰/۷۷۰	۸	.۰/۶۵۲	۲
.۰/۴۶۹	۲۱	.۰/۷۳۱	۱۵	.۰/۵۵۰	۹	.۰/۷۴۹	۳
.۰/۶۵۵	۲۲	.۰/۷۷۷	۱۶	.۰/۶۸۷	۱۰	.۰/۷۲۶	۴
.۰/۶۲۱	۲۳	.۰/۶۶۱	۱۷	.۰/۵۱۷	۱۱	.۰/۷۱۴	۵
.۰/۶۴۵	۲۴	.۰/۷۲۸	۱۸	.۰/۵۹۵	۱۲	.۰/۴۸۳	۶

همان‌طور که در جدول (۲) مشخص است، عامل اول از گویه‌های ۱۲-۱ و عامل دوم از گویه‌های ۱۳-۲۴ شامل می‌شود. در مجموع از ۲۴ گویه تعداد ۲ عامل نهایی استخراج گردید. با توجه به مبانی نظری و مفاهیم گویه‌ها ۱۲ گویه عامل اول تصور مثبت از خدا و ۱۲ گویه از عامل دوم تصور منفی از خدا نام‌گذاری گردید.

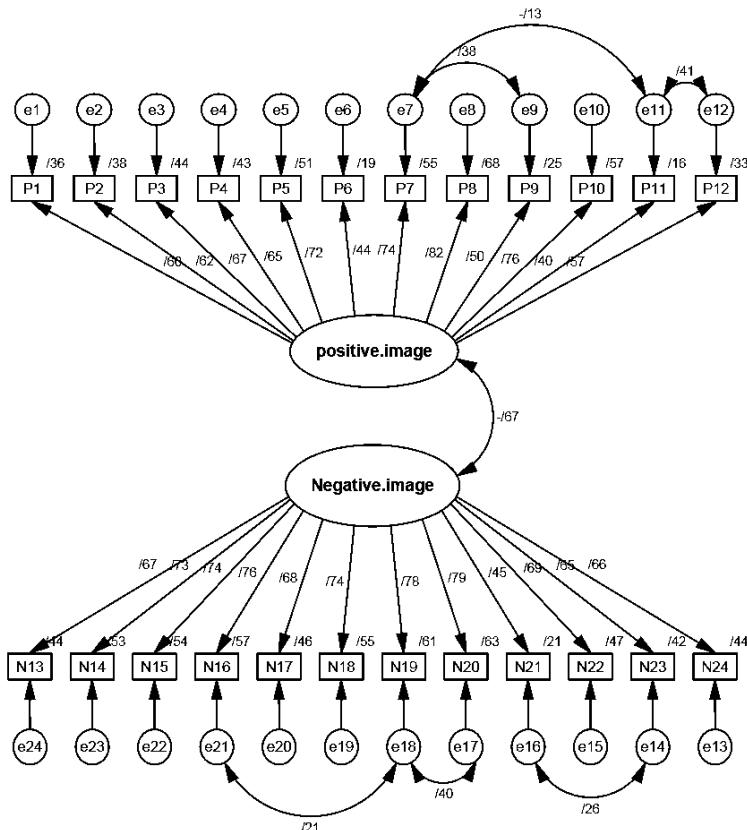
علاوه بر تحلیل عاملی اکتشافی برای اطمینان بیشتر از روش تحلیل عاملی تأییدی نیز بهره برده شد. مدل نظری پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا هرکدام با ۱۲ گویه همراه با متغیر پنهان و مشاهده‌پذیر ترسیم شد و مدل رسم شده مورد سنجش قرار گرفت. برای بررسی برآنش مدل از شاخص‌های آماری رایج و معروف برآنش مطلق آماره محدودی (CMIN)، شاخص برآنش مقتصد ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، شاخص برآندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برآنش هنجرارشده (NFI)، شاخص برآنش نسبی (RFI)، مورد ارزیابی قرار گرفت. در جدول (۳) مقدار شاخص‌های برآنش مدل گزارش شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برآنش پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

RFI	NFI	CFI	RMSEA	CMIN/DF	CMIN	Df	شاخص‌ها
.۰/۷۶۳	.۰/۷۹۵	.۰/۸۶۱	.۰/۰۸۷	۲/۶۱۲	۶۲۱/۷۱۱	۲۳۸	مدل تصور مثبت و منفی از خداوند

همان‌طور که از جدول (۳) مشخص است، شاخص‌های برآنش مطلق، برآنش نسبی و برآنش مقتصد از برآنش مطلوبی برخوردار هستند. مقدار شاخص برآنش مطلق کای اسکوئر برابر با (۶۲۱/۷۱۱)، می‌باشد. ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز برابر (۰/۰۸۷)، و کوچک‌تر از ۰/۰۹ است. شاخص‌های شاخص برآندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برآنش هنجرارشده (NFI)، شاخص برآنش نسبی (NFI)، از برآنش مطلوبی برخوردار است. لذا تمام شاخص‌ها حاکی از آن است که مدل برآنش خوبی

برخوردار بوده و مدل تدوین شده توسط داده‌های گردآوری شده مورد حمایت قرار گرفته است. در شکل (۱) پرسشنامهٔ تصور مثبت و منفی از خدا همراه با گویه‌ها و ضرایب استاندارد آورده شده است.



شکل ۱: تصور مثبت و منفی از خدا همراه با متغیرهای آشکار

در شکل (۱)، پرسشنامهٔ تصور مثبت و منفی از خدا همراه با وزن‌های رگرسیون استاندارد شده (بارهای عاملی) و متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار و مجدول ضرایب همبستگی چندگانه (R2) نشان داده شده است. عامل تصور مثبت از خداوند با ۱۲ گویه و تصور منفی از خدا با ۱۲ گویه و با توجه به معنadar بودن بار عاملی‌های هر ۲۴ گویه و مطابقیت شاخص‌های برآش مطلق، برآش تطبیقی و برآش مقتضد مدل از برآش مناسبی برخوردار است و روایی پرسشنامهٔ تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی مورد تأیید است.

یافته‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه و همبستگی بین دو مؤلفهٔ پرسشنامهٔ تصور مثبت و منفی از خدا در جدول (۴) قابل مشاهده است.

جدول ۴: آماره‌های توصیفی پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

سطح معناداری	همبستگی	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد نمونه	پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا
۰/۰۰۰	-۰/۷۰۰	۴۸	۳۰	۴/۶۴۴	۴۳/۴۵	۲۱۲	تصور مثبت از خدا
		۴۸	۱۲	۵/۰۶۷	۱۵/۵۱	۲۱۲	تصور منفی از خدا

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی در عامل تصور مثبت از خدا ( $M=43/45$  و  $SD=4/644$ ) و عامل تصور منفی از خدا ( $M=15/51$  و  $SD=5/067$ ) و همبستگی بین دو پرسشنامه (-۰/۷۰۰)، در سطح (۰/۰۰۰) معنادار است. برای برآورد همسانی درونی و اعتبار پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی از روش دونیمه کردن هر کدام از عامل‌های آزمون استفاده شد. عامل تصور مثبت و منفی از خدا هر کدام به دو نیمة مساوی تقسیم شد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ هر کدام از نیمه‌ها، همبستگی، ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن، در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول ۵: تحلیل داده‌های اعتبار عامل‌های پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

همبستگی بین دو فرم ۰/۶۶۱	۰/۷۰۵	نیمه اول ۶ گویه	تصور مثبت از خدا	آلفای کرونباخ	
	۰/۷۵۸	نیمه دوم ۶ گویه			
همبستگی بین دو فرم ۰/۷۴۲	۰/۸۷۲	نیمه اول ۶ گویه	تصور منفی از خدا		
	۰/۸۴۹	نیمه دوم ۶ گویه			
-	۰/۷۹۶	تساوی گویه‌ها	تصور مثبت از خدا	ضریب اسپیرمن - براون	
	۰/۷۹۶	عدم تساوی گویه‌ها			
-	۰/۸۵۲	تساوی گویه‌ها	تصور منفی از خدا		
	۰/۸۵۲	عدم تساوی گویه‌ها			
-	۰/۷۷۹		تصور مثبت از خدا	ضریب دونیمه‌سازی گاتمن	
	۰/۸۴۳		تصور منفی از خدا		

همان‌طور که از جدول (۵) مشخص است، آلفای کرونباخ نیمة اول گویه‌های تصور مثبت از خدا با تعداد ۶ گویه برابر با (۰/۷۰۵) و آلفای کرونباخ نیمة دوم تصور مثبت از خدا با ۶ گویه برابر با (۰/۷۵۸)، و همبستگی بین دو فرم برابر با (۰/۶۶۱\*\*)، به دست آمده است. آلفای کرونباخ نیمة اول گویه‌های تصور منفی از خدا با تعداد ۶ گویه برابر با (۰/۸۷۲) و آلفای کرونباخ نیمة دوم عامل تصور منفی از خدا با ۶

گویه برابر با (۰/۸۴۹)، و همبستگی بین دو فرم برابر با (۰/۷۴۲\*\*) و معنadar به دست آمده است. ضریب اسپیرمن - برآون همراه با تساوی و عدم تساوی گویه‌ها به ترتیب در تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا برابر با (۰/۷۹۶) و (۰/۸۵۲) و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن جهت بررسی میزان همسانی درونی در تصور مثبت و تصور منفی از خدا به ترتیب برابر با (۰/۷۷۹) و (۰/۸۴۳) می‌باشد. بر اساس این نتایج، همسانی درونی در پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی از سطح بالایی برخوردار است؛ همچنین برای برآورد همسانی درونی و اعتبار پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا از روش ضریب آلفای کرونباخ تصور مثبت از خدا با تعداد ۱۲ گویه برابر با (۰/۹۱۴) و آلفای کرونباخ تصور منفی از خدا با ۱۲ گویه برابر با (۰/۸۳۵) به دست آمده است، که بیانگر همسانی درونی بسیار خوب پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی است.

در ادامه در جدول (۶) گویه‌های پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خداوند با ۲۴ گویه به صورت طیف یکرت چهار رجهای با گزینه‌های کاملاً مخالف = ۱، مخالف = ۲، موافق = ۳، کاملاً موافق = ۴ آمده است.

جدول ۶: گویه‌های پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا

تصور منفی از خدا	تصور مثبت از خدا
۱۳. گاهی در بعضی از مسائل و مشکلات زندگی، توکل به خدا را کارساز نمی‌دانم.	اگر خدا خیر و مصلحتی برای من بخواهد، هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن شود.
۱۴. احساسم بر این است که خدا از مسائل و مشکلات زندگی من مستحق آن هستم، ثواب می‌دهد.	خدا عمل اندک مرا قبول می‌کند و به بهترین نحو و بیشتر از آنچه خدا نسبت به تمام جزئیات زندگی من در گذشته، حال و آینده را با خبر نیست.
۱۵. احساس می‌کنم، خدا سخت‌گیر است، نمی‌شود به راحتی او را راضی کرد.	خدا نسبت به تمام جزئیات زندگی من در گذشته، حال و آینده آگاهی کامل دارد.
۱۶. از خدا می‌ترسم؛ زیرا به راحتی انسان را در آتش می‌سوزاند.	خدا در زندگی به هیچ‌کس، درمایی ظلم نکرده و نمی‌کند.
۱۷. کمک خواستن از خدا، تأثیری زیادی در حل مشکلات زندگی من داشته است.	حمایت خدا را در زندگیم به طور کامل احساس می‌کنم.
۱۸. احساسم بر این است لطف و رحمت خدا در زندگی، شامل حال من نشده است.	حتی در تصمیمهای کوچک زندگیم نیز نیاز زیادی به یاری خداوند دارم.
۱۹. احساس می‌کنم برای خدا زیاد مهم نیست که من جهنه‌ی بشوم.	خدا همیشه در زندگی، رزق و روزی مرا از حیث مادی و معنوی رسانده و می‌رساند.
۲۰. خدا در زندگی به من ظلم و ستم کرده است.	تمام کارهای خدا از روی حکمت و مصلحت می‌باشد.
۲۱. به دلایل زیادی، مثل مستحباب نشدن دعاهايم از خدا ناراضی هستم.	خدا مثل همیشه ضرر، غم و اندوه را از زندگیم برطرف کرده و می‌کند.
۲۲. خدا هم طرفدار ظالم‌هاست.	۱۰. خدا در زندگی، از مادر به من مهریان تر بوده است.
۲۳. خدا بهترین آفریدگار نیست؛ چراکه حواشی ویرانگری؛ مثل سیل، زلزله، طوفان و خشکسالی آفریده است.	۱۱. با اینکه گناهان زیادی کرده‌ام، خداوند مرا خواهد بخشید.
۲۴. وقتی این همه تبعیض و تفاوت بین مخلوقات می‌بینم، عدالت خدا را نمی‌توانم به صورت کامل قبول کنم.	۱۲. احساسم بر این است وقتی خدا را صدا می‌زنم، جوابیم را می‌دهد.

در جدول (۷) شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا با ۲۴ گویه گزارش شده است. در این پرسش‌نامه سؤالات معکوس وجود ندارد. نمره محاسبه شده در هر دو عامل تصور مثبت و تصور منفی از خدا روی یک پیوستار بین حداقل نمره (۱۲) تا حداکثر نمره (۴۸)، قرار می‌گیرد. میانگین تصور مثبت از خدا در بین ۲۱۲ آزمودنی (۴۳/۴۵) و انحراف استاندارد آن (۴/۶۴۴) و میانگین تصور منفی از خدا (۱۵/۵۱) و انحراف استاندارد آن (۵/۰۶۷) به دست آمد.

جدول ۷: نمره‌گذاری پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا

پرسش‌نامه حرص مذموم و ممدوح بر اساس منابع اسلامی	
حراص مذموم	حراص ممدوح
۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱
۱۲ سؤال	۱۲ سؤال
حداقل نمره: ۱۲، حداکثر نمره: ۴۸	حداقل نمره: ۱۲، حداکثر نمره: ۴۸

## بحث و نتیجه‌گیری

امروزه روان درمانگران ارزیابی موضوع تصور از خدا در جلسات درمانی را بخش مهمی از درمان موفق می‌دانند (گریدی، ریچارد، ۲۰۰۷، ص ۱۸۳)، و در جلسات درمانی به هدف ترمیم و تغییر تصور از خدای افراد از تصور منفی به مثبت، مداخلات روان‌شناسخی انجام می‌دهند. با تغییر دادن تصور از خدای مراجع به طور مستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی او تأثیر می‌گذارند (هال و فوجیکاوا، ۲۰۱۳، ص ۲۸۸). تغییرات ایجادشده در تصورات افراد از خداوند با رشد عاطفی و معنوی مرتبط است و مراجعان خداوند را مهربان‌تر و دلسوزانه تصور می‌کنند. درمانگران مراجعان خود را تشویق به شرکت در فعالیت‌های معنوی می‌کنند. بازتاب این فعالیت‌ها می‌توانند به آنها کمک کند تا رابطه واقعی‌تری با خدا ایجاد کنند و تصور منفی آنان از خداوند اصلاح شده و یک تصور مثبتی از خداوند در درون آنان شکل پذیرد (چستون،<sup>۱</sup> پیدمونت،<sup>۲</sup> اینز<sup>۳</sup> و لاوین،<sup>۴</sup> ۲۰۰۳، ص ۱۰۳). روان‌شناسان و مشاورانی که با مراجعان خداپاور مسلمان کار می‌کنند، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی تصور مثبت و منفی از خدای مراجعان خویش هستند؛ از این‌رو هدف پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی بود. نتایج سنجش روابی محتوا، ملاک و سازه پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از

1. Cheston, S. E.

2. Piedmont, R. L.

3. Eanes, B.

4. Lavin, P.

خدا – همراه با تمام مستندات ارائه شده – نشان داد که این پرسشنامه، روایی لازم برای سنجش تصور مثبت و منفی افراد از خداوند را داراست. اعتبار آزمون نیز با روش آزمون بازآزمون و روش‌های همسانی درونی روش دونیمه‌سازی و ضریب الگای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا از اعتبار بالایی برخوردار است، و ثبات، پایایی و قابلیت پیش‌بینی و دقت آزمون مورد تأیید است، و این پرسشنامه برای سنجش تصور مثبت و منفی از خدای ابزاری مفید، با معنا و مناسب به حساب می‌آید.

پرسشنامه حاضر با دو عامل تصور مثبت و منفی از خدا، همسو با پرسشنامه تصور از خدای گرینوی (۲۰۰۳) است. پرسشنامه گرینوی شامل سه خرده‌آزمون «حضور خدا در زندگی»، «مراقبت خداوند» و «تصور منفی از خدا» می‌باشد. دو خرده‌آزمون اول با یکدیگر ترکیب شده و مقایس تصور مثبت از خدا را تشکیل می‌دهند. مقایسه عوامل و گوییه‌های پرسشنامه تصور از خدای (تحقیق ساخت) در این پژوهش با عوامل سازه تصور از خدای گرینوی نشان دهنده قرابت‌های معنایی در برخی گوییه‌هاست. با این حال، این پژوهش در مقایسه با تحقیقات و پرسشنامه‌هایی که عمدتاً در حوزه مسیحیت و یهودیت طراحی شده‌اند، تفاوت‌های بنیادی و قابل توجهی دارد؛ درحالی که بنیان این پژوهش از منابع اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تحقیقات انجام‌شده در حوزه مسیحیت غالباً بر گردآوری و دسته‌بندی توصیفاتی که افراد از خداوند ارائه می‌کنند متمرکز است و بر مبنای آن، بعد تصور از خدا را ترسیم می‌کنند؛ برای نمونه، گرساج (۱۹۶۸) در پژوهشی از مشارکت‌کنندگان خواست زمانی که به خدا فکر می‌کنند، چه تصوری از او دارند. پاسخ‌ها شامل خدای قاضی، پادشاه، استاد، پدر، منجی، مادر و دوست بود. این یافته نشان می‌دهد که اتخاذ رویکردی مبتنی بر منابع اسلامی؛ سپس سنجش تصورات افراد از خداوند بر مبنای آن، روشی جامع‌تر و کامل‌تر در مقایسه با پژوهش‌هایی است که ابتدا به گردآوری توصیف‌ها و تصورات افراد از خداوند می‌پردازند و سپس بر اساس آن، بعد تصور از خدا را ترسیم می‌کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص پرسشنامه تصور مثبت و منفی از خدا نشان می‌دهد که تصورات افراد از خداوند طیفی را تشکیل می‌دهد که یک سر آن تصور مثبت و سر دیگر آن تصور منفی از خداوند قرار دارد. هرچه تصورات افراد از خداوند مثبت‌تر باشد، به همان نسبت کارکردهای روان‌شنختی سالم‌تری در زندگی خود تجربه می‌کنند و در مقابل، هرچه تصورات افراد از خداوند منفی‌تر باشد، به همان نسبت کارکردهای روان‌شنختی ناسالم‌تری از خود بروز می‌دهند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت انسان بر اساس فطرتی که خداوند در او به ودیعه گذاشته است، فطرتاً به دنبال شناخت خدای خویش است (مصطفی‌یزدی، ۱۳۹۱)، و بر اساس آموزه‌های دینی، روابط با والدین و متربیان و تجربه‌های زندگی از رویدادها و چالش‌ها و انتظاراتی که از خداوند داشته است، یک تصوری

از خداوند در نزد خویش پیدا کرده است و با آن تصور زندگی کرده و می‌کند و آن تصور می‌تواند مثبت یا منفی باشد. تعدادی زیادی از مراجعان مراکز مشاوره، در عین حال که مسلمان بوده و خداباورند؛ ولی پژوهش‌های مختلف غباری بناب و حدادی کوهسار<sup>۱</sup> (۱۳۹۲)، برادشا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، حاکی از آن است که این افراد تصورات منفی، تحریف شده یا نادرستی از خدا دارند (احمدی برآبادی، ۱۳۹۳، ص ۶). بهترین راه برای تصور صحیح از خداوند، رجوع به قرآن کریم و روایات معصومین<sup>۲</sup> است. قرآن مجید به عنوان معتبرترین کتاب آسمانی، یکی از مهم‌ترین اهدافش، اصلاح، تعمیق و گسترش شناخت انسان از خدا می‌باشد (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹). در قرآن و روایات صفات متضادی برای خدا متصور است که اگر به درستی تبیین نشود، موجب بدفهمی در افراد معتقد به خدا می‌شود (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶). در قرآن مجید دو سیمای متفاوت از خویش به نمایش می‌گذارد که به صورت اساسی مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. در یکی از این دو سیما، خدا خود را خدای خیر و نیک و خدای مهر و محبت و رحمت نامتناهی و بخشنده و آمرزنه نشان می‌دهد. در جایی دیگر، خدا سخت‌گیر در دادگستری و داور نرم‌نشدنی در روز داوری و سخت کیفر (شدیدالعقاب) و تلافی‌کننده است که غضب اوی بر هر که فروд آید او را از پا درمی‌آورد (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱، ص ۸۴). در صورتی که اگر درست تبیین شود، در قرآن فقط تصور مثبت از خداوند وجود دارد و اگر درست تبیین نشود تصور منفی از خدا در افراد شکل می‌گیرد. در تصور منفی، خدا با اصطلاحات منفی همچون طردکننده، نامهربان، سخت‌گیر و مانند آن تصور می‌شود که باعث موج نالمیدی، تنفر و خلق منفی در افراد می‌شود. چیزی که در برخی تعلیمات دینی و مذهبی مشاهده می‌شود، این است که در این ایام مفهومی از خدا با مشخصات خاص با نام خدا به خود کودک می‌دهند. کودک وقتی بزرگ و دانشمند می‌شود، می‌بیند چنین چیزی معقول نیست (مطهری، به نقل از: علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵)؛ برای مثال برای تبیین مفهوم ترس از خداوند، اگر خداوند برای انسان موجودی ترسناک وصف شود، او ستون دین، دین‌داری و خداشناسی خویش را بر اموری هولناک بنا می‌کند، ولی اگر به جای ترس از خدا و ترس از عذاب الهی تصور از خدای مهربان و رحیم که جز رحمت و محبت از او جلوه نمی‌کند مطرح شود، مسئله متفاوت خواهد شد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶).

خداوند در قرآن کریم از بندگانش می‌خواهد که تصورشان از خداوند مثبت و نیکو باشد (اعراف: ۱۸۰). خداوند شایسته‌ترین محبوبی است که انسان می‌تواند به او محبت بورزد و او را دوست داشته باشد. اینکه گفته می‌شود ترس از خدا، به معنای این نیست که خداوند موجودی ترسناک است و باید افراد از او تصور

ترسناکی داشته باشند؛ بلکه به معنای این است که باید از قانون عدل الهی ترسید. در دعا وارد شده است: «ای کسی که امیدی نیست مگر به فضل تو و ترس از تو، ترس از عدالت می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۱۰۷)؛ همچنین در صحیفه سجادیه آمده است: «خداوند! تو بزرگوارتر از آن هستی که کسی از تو بترسد جز اینکه از ناحیه عدالت تو باید ترسید» (زین‌العابدین، ص ۱۶۶). پس ترس از خدا در واقع به سبب اعمال خود ما و نظامی است که خداوند برای اعمال زشت مقرر فرموده است. خدای متعال نظام هستی را طوری قرار داده که در آن، ارتکاب گناه آثاری سوء در پی دارد. خداوند در روز قیامت انسان را زنده می‌کند و اگر فرد با ارتکاب گناه مستحق عقاب گردیده باشد او را به جهنم می‌برد و عذاب می‌کند. این نظام لایتغیر جهان هستی است. چون چنین است، ما از آن می‌ترسیم که در اثر اعمال زشت و گناهان خویش مشمول این نظام گردیم و خدای ناکرده به آتش قهر الهی گرفتار آییم. بنابراین خدا موجودی وحشتناک و ترسناک نیست؛ بلکه آنچه ترسناک است اعمال و رفتارهای سوء خود ماست که ممکن است بر اساس نظامی که خداوند مقرر فرموده، ما را به سوی جهنم و عذاب الهی سوق دهد (مصلح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۰). پس خدا را نباید به عنوان موجودی ترسناک و وحشتناک تصور کرد که در کمین بندگانش نشسته است تا اینکه با کوچک‌ترین بهانه آنها را عذاب کند. خدای متعال منزه از آن است که بخواهد کسی را بدون دلیل عذاب کند و به هیچ‌کس در دنیا و آخرت ظلمی نخواهد کرد. این اعمال مردم است که در آخرت مجسم می‌شود و همراه آنها خواهد بود، اگر خوب است به آنها لذت و نشاط و شادی می‌بخشد و اگر بد است، مایه شکنجه و آزار آنهاست و لذا می‌فرماید: «جزای شما در آن روز همان اعمال شما است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۴۶۰).

آموزه‌های دینی حاکی از آن است که بسیاری از افراد که تصور منفی از خداوند دارند، نسبت به خدا سوء‌ظن دارند. در صورتی که نباید تصور منفی از خداوند داشت؛ بلکه باید تصور مثبت از خداوند داشت و اگر ترسی می‌باشد، ترس از اعمال خودمان باشد که گرفتار آثار شوم آن در دنیا و آخرت شویم. الوسی در تفسیر روح‌المعانی در ذیل آیه «قالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءَ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶) نقل می‌کند: «نسبت اصابت به عذاب به صیغه ضارع است و نسبت سعه به رحمت به صیغه ماضی، به این دلیل که رحمت مقتضی ذات خداوند، ولی عذاب مقتضی گناهان بندگان است (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷۳). انتظار خداوند از بندگانش این است که تصور و احساسات افراد از خداوند مثبت باشد. خداوند به پیامبر ﷺ خطاب می‌کند که «به بندگانم بگو: که من بخشنده و مهربان هستم»؛ یعنی تصور و احساس بندگان از خداوند به عنوان بخشنده و مهربان باشد (حجر: ۴۹). از بندگانش می‌خواهد نسبت به مغفرت خداوند امید داشته باشند و احساس یأس و نامیدی به خود راه ندهند و تصورشان از خدا این باشد که همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است (زم: ۵۳). به تمام

انسان‌ها خطاب می‌کند که تصور و احساسات از خداوند به عنوان غنی بذات باشد که همگی نیازمند و فقیر درگاه او هستید (فاطر: ۱۵). رو به درگاه خداوند بیاورید او را بخوانید و دعا کنید که دعای شما را می‌شنود و اجابت می‌کند (بقره: ۸۶).

بنابراین باید تفکیک قائل شد بین اینکه خداوند انتظار دارد که تصورات افراد از او مثبت باشند، ولی در عالم واقع افراد زیادی هستند که تصویرشان از خداوند منفی است و گمان بد نسبت به خداوند دارند و نسبت دروغ به خدا می‌دهند و خداوند نیز آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد (احزاب: ۱۲). پس با توجه به اینکه تصور از خدا امری همگانی است، ممکن است مثبت یا منفی، هوشیار یا ناهوشیار، رشد یافته یا رشد نایافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده، مفید یا خطرناک باشد (واگان،<sup>۱</sup> ۲۰۰۲) و تأثیرات روان‌شناختی بسیار زیادی در جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی می‌گذارد، نیاز است به صورت صحیح و دقیق تصورات مثبت و منفی افراد از خداوند سنجیده شود. بر این اساس یافته‌ها حاکی از آن بود که پرسشنامه ساخته شده تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی از روایی و اعتبار کافی برخوردار است. روایی محتوا، روایی سازه به دو شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و اعتبار پرسشنامه از روش برآورده همسانی درونی از روش دو نیمه کردن آزمون و تعیین ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید است و این پرسشنامه قابلیت سنجش تصورات مثبت و منفی افراد از خداوند را متناسب با فرهنگی اسلامی - ایرانی دارد.

## منابع

قرآن کریم.

الوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم و السبع المثانی. بیروت: دار الكتب العلمية.  
احمدی برآبادی، حسین؛ اسماعیلی، معصومه؛ سلیمی بجستانی، حسین و کلانتر کوشة، سیدمحمد (۱۳۹۴). الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسما حسنا مبنای برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین. روان‌شناسی و دین،<sup>۲</sup> (۵)، ۲۶-۵.

امیدی، احمد؛ رفیعی هنر، حمید و سقایی‌بی‌ربا، محمداناصر (۱۳۹۹). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه تصور از خدا بر اساس اسمای الهی در آیات و روایات. روان‌شناسی دین،<sup>۳</sup> (۱)، ۲۱-۴۰.

خاکساری، زهرا و خسروی، زهرا (۱۳۹۱). خدا و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی داشت آموزان، روان‌شناسی و دین،<sup>۴</sup> (۵)، ۸۳-۹۸.

زن‌العابدین، علی بن الحسین<sup>۵</sup> (۱۳۷۶). الصحيفة السجادية. قم: الهادی.

سردم، زهرا؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.

سعیدی‌مهر، محمد (۱۳۹۴). آموزش کلام اسلامی. قم: طله.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۳). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: آگاه.

شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۹۱). الگوهای روان‌درمانی یکپارچه با معرفی درمان یکپارچه توحیدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه علیانسب، سیدحسین (۱۳۹۱). خداجوبی و نقش آن در نگرش به مرگ. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>۶</sup>.

غباری بناب، باقر و حنادی کوهسار علی اکبر (۱۳۹۲). پیش‌بینی افسردگی و اضطراب بر اساس مفهوم خدا در دانشجویان. *پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری*, ۱۵(۵)، ۷۳-۸۶.

فتحی اشتیانی، علی؛ محمدی، بهاره و فتحی اشتیانی، مینا (۱۳۹۵). آزمون‌های روان‌شنختی. تهران: بعثت.

لاندین، رابت ویلیام (۱۹۹۶). نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی. تهران: ویرايش.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

مصطفی‌بیزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). به سوی او. تحقیق: محمدمهدی نادری قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دار الكتب الإسلامية.

نصیرزاده، راضیه و رسول‌زاده، کاظم (۱۳۸۶). بررسی ادراک مفهوم خداوند بر احساس افسردگی، اضطراب، تنیدگی. *پژوهش‌های روان‌شنختی*, ۲(۸)، ۱۴۵-۱۶۳.

- Braam, A. W., Mooi, B., Jonker, J. S., Tilburg, W. V. & Deeg, D. J. H. (2008). God image and Five-Factor Model personality characteristics in later life: A study among inhabitants of Sassenheim in The Netherlands. *Mental Health, Religion and Culture*, 11(6), 547-559.
- Bradshaw, M., Ellison, C. G. & Flannelly, K. J. (2008). Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47(4), 644-659.
- Cheston, S. E., Piedmont, R. L., Eanes, B. & Lavin, L. P. (2003). Changes in clients' images of God over the course of outpatient therapy. *Counseling and Values*, 47(2), 96-108.
- Draper, S. (2017). The preeminent sacred symbol: Theorizing image of God outcomes. *Sociology Compass*, 11(10), e12532.
- GRADY, K. & Richards, P. S. (2007). Theistic psychotherapy and the God image. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9(3-4), 183-209.
- Greenway, A. P., Milne, L. C. & Clarke, V. (2003). Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God. *Mental Health, Religion & Culture*, 6(1), 45-58.
- Grimes, C. (2008). Chapter 2. God Image Research: A Literature Review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9(3-4), 11-32.
- Grosuch, R. L. (1968). The conceptualization of God as seen in adjective ratings. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 7, 56-64 Part I. Foundations.
- Hall, T. W. & Fujikawa, A. M. (2013). God image and the sacred. In (Eds.), APA handbooks in psychology.
- Hoffman, L., Knight, S., Boscoe-Huffman, S. & Stewart, S. (2007). Chapter 13. Diversity issues and the god image. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9(3-4), 257-279.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. New York: The Guilford Press.
- Lawrence, R. T. (1997). Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25(2), 214-226.
- Okozi, I. F. (2010). Attachment to God: Its impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation. Seton Hall University.
- Pargament, K. I. (1997). *The Psychology of Religion*. New York: Guilford Press.
- Rizzuto, A. (2005). Psychoanalytic considerations about spiritually oriented psychotherapy. In L. Sperry & E. Shafranske (Eds.), *Spiritually Oriented Psychotherapy* (p. 31-50).
- Rizzuto, A. M. (1974). Object relations and the formation of the image of God. *British Journal of Medical Psychology*, 47, 83-99.
- Vaughan, F. (2002). What is Spiritual Intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33.

## طراحی بسته آموزشی روان‌شناسی در تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان و بررسی روایی آن

### Designing Psychological Educational Package for Facilitating Juveniles' Religious Identification and Investigating its Validity

محسن مطلوبی کربکندی / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران  
نجیب‌الله نوری / دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

Mohsen Motallebi Korbekandi / Master of Family Counseling, Institute of Higher Education in Ethics and Education, Qom, Iran  
Motallebi64@gmail.com

Najibollah Nouri / PhD in Psychology, International Research Institute of Al-Mustafa University, Qom, Iran

#### Abstract

The present study aimed at designing a psychological educational package for juveniles' religious identification and evaluating its validity. The study, has been developed using the qualitative method of semantic domains. In this method, first, 8 main words were selected in accordance with components of definition of religious identity and subcomponents of consciousness and self-monitoring. Then the keywords and concepts related to those main words, were selected, and after that, using the Quran and Hadith software, 159 verses and hadiths related to those contents, were extracted and sieved with purposive sampling technique. Based on the analysis of these verses and traditions, the content of the educational sessions was organized according to their Islamic and psychological contents. To assess the validity of the package, contents of sessions were handed out to nine experts. Then data

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی بسته آموزشی روان‌شناسی هویت‌یابی دینی نوجوان و بررسی روایی آن صورت پذیرفت. این پژوهش با استفاده از روش کیفی حوزه‌های معنایی تدوین شد. در این روش ابتدا ۸ کلیدواژه بر اساس عناصر تعریف هویت دینی و زیرمؤلفه‌های دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، انتخاب شد؛ سپس واژگان و مفاهیم کلیدی مرتبط با آن عناوین انتخاب گردید؛ سپس با استفاده از نرم‌افزارهای قرآنی و حدیثی از بین تمامی آیات قرآن و روایات منقول از اهل‌بیت<sup>۱</sup>، مجموعاً ۱۵۹ آیه و روایتی که بیشتر از نظر محتوایی با آن عناوین مرتبط بودند با روش نمونه‌گیری هدفمند، گردآوری و غربال شد؛ سپس بر اساس تحلیل این آیات و روایات، محتوای جلسات بر اساس محتوای اسلامی و روان‌شناسی تنظیم گشت. همچنین جهت سنجش روایی از روش روایی محتوایی استفاده شد و محتوای جلسات در اختیار ۹ متخصص قرار گرفت و داده‌ها

analyzed, using the CVI formula and SPSS software. In the end, the educational package consists of eight sessions, with a coefficient validity between 0.79 and 1.00 for sessions. Finally, the findings compared with the similar findings and were analyzed on the basis of Islamic sources.

**Key words:** Identity, Adolescent, Religious identity, Identification, Educational Package.

در قالب فرمول CVI و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. این بسته آموزشی متشکل از ۸ جلسه است و ضریب روایی محتوایی جلسات بین ۰/۷۹ تا ۱/۰۰ قرار دارد. در نهایت یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مشابه مقایسه و بر اساس منابع اسلامی توصیف شد.

**کلیدواژه‌ها:** هویت، نوجوان، هویت دینی، هویت‌یابی، بسته آموزشی.

## مقدمه

«هویت»<sup>۱</sup> مقوله‌ای مهم در چگونگی شخصیت انسان است که از اجزایی مانند باورها، ارزش‌ها و مفروضه‌ها تشکیل می‌شود و مؤلفه‌های فرایندی (چگونگی هویت) و مؤلفه‌های ساختاری (چیستی هویت) در ایجاد آن دخیل هستند (نوری، ۱۳۹۵، ص. ۸). در تعریف هویت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ از جمله تعریف اریکسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) مبنی بر اینکه او هویت را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند؛ یعنی علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این او می‌گوید این احساس ما که (ما چه کسی هستیم؟) باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند، نسبتاً همخوان باشد (بیابان‌گرد و پورنوروز، ۱۳۸۴، ص. ۴۴). اریکسون هشت مرحله رشدی را برای انسان مطرح کرده و دوره پنجم آن را مختص سن نوجوانی<sup>۳</sup> دانسته و بحران اصلی این دوره را، «هویت در برابر سردرگمی نقش» بیان کرده است. بنابراین یکی از خصوصیات دوران نوجوانی، «هویت‌یابی»<sup>۴</sup> به معنی تلاش انسان برای یافتن مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتارهای فردی و اجتماعی می‌باشد؛ همچنین یکی از بحران‌های معمول این دوره، «بحran هویت»<sup>۵</sup> است.

هویت دارای انواع مختلفی بوده که هر کدام از آنها، تعریف مختص به خود را دارا می‌باشد. یکی از انواع هویت، «هویت دینی»<sup>۶</sup> است. هویت دینی به رابطه‌آدمی با دین و عوامل آن، میزان تعلق و

- 
1. Identity.
  2. Erikson, E. H.
  3. Adolescence
  4. Identification
  5. Identity crisis.
  6. Religious identity.

گرایش‌های فرد بر حول ارزش‌ها و موافقین دینی و چگونگی تأثیر آنها در زندگی او در نظر گرفته شده، که دارای ابعادی همچون رابطه فرد با خویشتن، رابطه فرد با خدا، رابطه فرد با جهان هستی و رابطه فرد با جامعه است ( حاجیانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۴).

در زمینه «هویت دینی» پژوهش‌های مختلفی تابحال انجام شده است؛ از جمله پژوهش کراسکیان موجمناری<sup>۱</sup> (۱۳۸۱) که مقیاس سنجش هویت دینی نوجوانان را بر اساس نظریه اریکسون و بر پایه مدل نظری مارسیا<sup>۲</sup> مبتنی بر دو مؤلفه جستجوگری و تعهد ساخته است و بر اساس پرسش‌نامه ۵۰ سوالی او، پنج نوع هویت مشخص شده است. پژوهش دیگری نیز توسط بل<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در مورد سنجش هویت دینی بر پایه مدل مارسیا با تأکید بر مؤلفه‌های فرایندی جستجوگری و تعهد انجام شده است، مبنی بر اینکه که وی در پژوهش خود با بررسی تحقیقات جاری در تعامل بین دین و هویت و سپس با در نظر گرفتن عناصر هویت دینی و تفسیر مجدد چهار وضعیت هویتی مارسیا، پایه‌ای مفهومی برای سنجش تجربی هویت دینی ایجاد کرد. همچنین در زمینه تدوین «بسته آموزشی»،<sup>۴</sup> صیادی (۱۳۹۶) اقدام به ساخت بسته آموزشی درخصوص هویت دینی نوجوان کرده است که برخلاف پژوهش‌های پرداخته به «هویت دینی» که پژوهش حاضر در ادامه این نشده است. یکی دیگر از پژوهش‌های پرداخته به «هویت دینی» که پژوهش حاضر در ادامه این پژوهش قرار دارد، مدل مفهومی نوری<sup>۵</sup> (۱۳۹۵) در زمینه بررسی «مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری» هویت دینی بر پایه «منابع اسلامی» است. در بخش اصلی پژوهش وی، ساختار هویت در نظام‌های روان‌شناختی بررسی و بر آن اساس معادله‌های مفهومی و نیز مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن در متون اسلامی استخراج و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها به گونه محتوازی و آماری مورد مقایسه قرار گرفته است. یافته‌های او نشان داد که مفهوم «معرفت نفس» می‌تواند معادل مناسب «هویت» در منابع اسلامی بوده و ساختار آن با ۹ مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار، احساس هشیارانه، خودارزشمندی و خودپایی تبیین می‌گردد. همچنین وی به این نتیجه رسید که مفهوم هویت با هویت دینی از ساختار مؤلفه‌ای یکسان برخوردار است و البته ساختار هویت و هویت دینی در منابع اسلامی نسبت به هویت در نظام‌های روان‌شناسی، شباهت‌ها و

1. Kraskian Mojarnari, A.

2. Marcia, James, E.

3. Bell, D. M.

4. Educational package

5. Islamic sources

تفاوت‌هایی دارد، با این توضیح که دو مؤلفه خودپایی و هشیاری به ساختار هویت در منابع اسلامی اختصاص دارد، که همین امر باعث انتخاب این دو مؤلفه در پژوهش حاضر شده است. اما ۷ مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار و خودارزشمندی جنبه‌های مشترک هویت در منابع اسلامی و روان‌شناسی را تشکیل می‌دهند. با اینکه در پژوهش نوری (۱۳۹۵) مبنای نظری و کلیات مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی مشخص شده است؛ اما مستندات مربوط به این مؤلفه‌ها از منابع اسلامی و جزئیات محتوای آنها به صورت دقیق و عملیاتی گردآوری نشده و همچنین تاکنون بر مبنای مؤلفه‌های پژوهش وی، بسته آموزشی هویت‌یابی دینی تدوین نشده است؛ لذا این موضوع ضروری، بدون پژوهش مانده و پژوهشگر در پژوهش حاضر تلاش کرده است تا این خلاً علمی را پُر نموده و بسته آموزشی با هدف کمک به تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، تدوین نماید.

در باب ضرورت پژوهش حاضر باید گفت از آنجایی که انسان با هویت خاص به دنیا نمی‌آید و هویت او در طول زندگی از طرف اطرافیان به صورت غیراختیاری به او تفویض نمی‌شود؛ بلکه فرایند «معناسازی»<sup>۱</sup> است که بر اساس یک ویژگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های به‌همپیوسته فرهنگی، طی زندگی روزمره ساخته می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵)، و همچنین با توجه به نظریه اریکسون مبنی بر «هشت مرحله رشدی انسان» که دوره پنجم آن را «نوجوانی» و بحران اصلی این دوره را «هویت در برابر سردرگمی نقش» می‌داند؛ لذا کمک به نوجوان در فرایند معناسازی جهت تسهیل هویت‌یابی دینی وی، مهم به نظر می‌رسد. همچنین انجام چنین تحقیقی برای پژوهشگر، با توجه به ترویج جهانی شدن<sup>۲</sup> و انتشار قدرمند الگوهای هویتی مختلف دینی و ضد دینی در فضای مجازی، بالاهمیت بوده است؛ زیرا عدم آگاهی و عدم دستیابی نوجوان به هویت مطلوب دینی، موجت تزلزل در شکل‌گیری هویت او شده و عدم ایجاد هویت مطلوب، بی‌هویتی یا بحران هویت و در نتیجه آسیب‌های قابل توجهی را برای نوجوان در پی خواهد داشت.

پژوهش حاضر متشکل از یک پرسش اصلی و یک پرسش فرعی می‌باشد به این شرح که در پرسش اصلی این گونه سؤال شده: بسته آموزشی روان‌شنختی هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی، مبتنی بر چه عناصری است؟ و در پرسش فرعی این گونه سؤال شده: روابط محتوایی بسته آموزشی روان‌شنختی هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی چگونه است؟

1. meaning making

2. Globalization

## روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش حوزه‌های معنایی<sup>۱</sup> و روش پیمایشی استفاده شده است. امروزه روش اول یعنی حوزه‌های معنایی، مورد توجه پژوهشگران علوم دینی قرار گرفته است. حوزه‌های معنایی یکی از جهت‌گیری‌های اساسی و مهم در مطالعات واژگانی است و در واقع شالوده نگرش حوزه‌های معنایی بر این پایه استوار است که اشتراک در یک ویژگی، می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه شود (شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی‌راد و پسندیده، ۱۳۹۳). در اجرای روش تشکیل حوزه معنایی، ابعاد مختلفی وجود دارد که یکی از آن ابعاد طبق پژوهش شجاعی و همکاران (۱۳۹۳) که در پژوهش حاضر به کار رفته است، تحلیل مؤلفه‌ای<sup>۲</sup> است با این توضیح که فهم معنای یک صفت و آگاهی نسبت به اینکه چه صفاتی در تقابل با یکدیگرند، از طریق تحلیل مؤلفه‌ای امکان پذیر است و هدف از آن، تشریح صفات و دستیابی به عناصر تشکیل‌دهنده آن است (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). این دیدگاه نخستین بار در زبان‌شناسی توسط لاینیز<sup>۳</sup> (۱۹۰۳؛ به نقل از: صفوی، ۱۳۹۱) مطرح شد؛ بنابراین در روش اول این پژوهش، طبق روش حوزه‌های معنایی و با توجه به بُعد تحلیل مؤلفه‌ای، آیات و روایات در قالب پنج گام به صورت نظری و عقلی، به شرح ذیل تحلیل شده‌اند:

گام اول (یافتن روابط معنایی): در این گام، بر اساس یافتن روابط معنایی بین عناصر و زیرمُؤلفه‌های دو مؤلفه هشیاری و خودپایی که در پژوهش نوری (۱۳۹۵، ص ۱۹-۲۰) مبتنی بر منابع اسلامی استخراج شده‌اند، پنج کلیدواژه در ذیل مؤلفه هشیاری و سه کلیدواژه در ذیل مؤلفه خودپایی انتخاب شد. مجموع این هشت کلیدواژه به ترتیب عبارت از: هشیاری به اهداف زندگی، هشیاری به باورهای بنیادین دینی، هشیاری به ارزش‌های مطلوب، هشیاری به کشف توانمندی‌های فردی، هشیاری به کشف آسیب‌پذیری‌های فردی، تنظیم خویشتن، خودمراقبتی و مهار خویشتن، می‌باشند؛

گام دوم (یافتن واژگان و مفاهیم کلیدی): در این گام، بر اساس هشت کلیدواژه که به‌وسیله تشکیل حوزه معنایی به‌دست آمد، واژگان کلیدی (و مشتقات آنها) و همچنین مفاهیم کلیدی برای جستجو در آیات و روایات انتخاب شد؛

گام سوم (گردآوری آیات و روایات): در این گام، آیات و روایات مرتبط با واژگان کلیدی منتخب (و مشتقات آنها) و همچنین مفاهیم کلیدی، با استفاده از نرم‌افزارهای حدیثی و قرآنی گردآوری شد؛

- 
1. Semantic field
  2. componential analysis
  3. Leibniz, G. W.

گام چهارم (غربال به‌واسطه عدم ارتباط مفهومی): در این گام، آیات و روایات گردآوری شده جهت شناسایی میزان ارتباط مفهومی با ملاکات پژوهش، مورد غربال قرار گرفته و دسته‌بندی و تحلیل شد؛ گام پنجم (تدوین بسته آموزشی بر اساس محتوای اسلامی و روان‌شنختی): در این گام، بر اساس هشت کلیدواژه منتخب و همچنین بر اساس آیات و روایات مرتبط و مستندات روان‌شنختی، اقدام به تدوین جلسات هشت‌گانه آموزشی هویت‌یابی دینی شد که در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است.

اما روش دوم پژوهش حاضر، روش پیمایشی است که منظور از آن سنجش روایی محتوایی بسته آموزشی از طریق همکاری متخصصین می‌باشد، که طبق نظر کارشناسان آمار و روش تحقیق، اگر نسبت شاخص روایی در CVI، کمتر از مقدار  $0.7/0$  داشته باشد ( $CVI < 0.7/0$ )، محتوا رد خواهد شد و اگر این نسبت بین  $0.7/0$  و  $0.79/0$  باشد ( $0.7/0 < CVI < 0.79/0$ )، محتوا نیاز به بازبینی داشته و اگر نسبت به‌دست‌آمده از  $0.79/0$  بالاتر باشد ( $0.79/0 > CVI$ )، روایی محتوایی مورد تأیید است (lawshe، ۱۹۷۵). بنابراین برای سنجش روایی محتوایی عناوین این بسته آموزشی، از متخصصین با ارائه پرسش‌نامه‌ای در قالب فرم روایی‌سنجدی درخواست شد تا با بررسی ۷ جلسه آموزشی تدوین شده (بدون احتساب جلسه جمع‌بندی) و با جواب دادن هر جلسه به دو سؤال (مجموعاً ۱۴ سؤال): ۱. ارتباط محتوای هر جلسه با منابع اسلامی ذکر شده در فرم و ۲. ارتباط محتوای هر جلسه در تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان را، مشخص کنند؛ سپس پاسخ ایشان به سؤالات پرسش‌نامه مطابق جدول شماره (۱)، جمع‌آوری شد و نمرات به‌دست‌آمده وارد نرم‌افزار SPSS شد.

جدول ۱: نظرات کارشناسان در مورد روایی بسته آموزشی

جلسه	عنوان جلسات	شماره سؤال	کاملاً مرتبط	مرتبط	نسبتاً مرتبط	غیرمرتبط
۱	هشیاری به اهداف زندگی	جواب سؤال: اول:	۸		۱	
		جواب سؤال: دوم:	۸		۱	
۲	هشیاری به باورهای بنیادین دینی	جواب سؤال: اول:	۸	۱		
		جواب سؤال: دوم:	۷	۱	۱	

جلسه	عنوان جلسات	هشیاری به ارزش‌های مطلوب	هشیاری به کشف توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	تنظيم خویشتن	خودمراقبتی	مهار خویشتن	غیرمرتبط	کاملاً مرتبط	مرتب	نسبتاً مرتب
۳	هشیاری به ارزش‌های مطلوب	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	۱	۸	۱
۴	هشیاری به کشف توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	۱	۸	۳
۵	تنظيم خویشتن	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	۱	۸	۳
۶	خودمراقبتی	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	۹	۶	۹
۷	مهار خویشتن	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	جواب سؤال اول:	جواب سؤال دوم:	۱	۸	۱

مطابق جدول شماره (۱)، متخصصین با بررسی ۷ جلسه آموزشی تدوین شده (بدون احتساب جلسه هشتم با عنوان جمع‌بندی)، درخصوص هر جلسه به دو سؤال (مجموعاً ۱۴ سؤال) پاسخ داده‌اند. طبق نتایج به‌دست‌آمده، هیچ‌کدام از ایشان نسبت به سؤالات، گزینه «غیرمرتب» را انتخاب نکرده‌اند و اکثر کارشناسان در پاسخ به سؤالات، گزینه «کاملاً مرتب» را انتخاب نموده‌اند.

جامعه استنادی اول این پژوهش شامل تمامی آیات قرآن کریم و روایات منقول از اهل‌بیت<sup>ؑ</sup> بوده و جامعه آماری دوم نیز شامل همه متخصصین علوم روان‌شناسی و علوم تربیتی در مقطع دکتری بوده، که کارشناسان علوم دینی نیز بودند. همچنین نمونه آماری پژوهش حاضر بر اساس جامعه آماری اول و دوم پژوهش، به این صورت بوده است که در جامعه اول، به تناسب عنوان پژوهش، مجموعاً ۱۵۹ آیه و روایت منقول از اهل‌بیت<sup>ؑ</sup> به عنوان نمونه‌هایی از جامعه هدف مورد استفاده قرار گرفته است و در جامعه دوم، به تناسب تخصص و دسترسی، ۹ متخصص به عنوان نمونه انتخاب شده است، که ۳ نفر از آنها در علوم تربیتی و ۶ نفر از ایشان در روان‌شناسی تخصص داشته‌اند.

روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر بر اساس جامعه استنادی اول به این صورت است که با استفاده از روش «نمونه‌گیری هدفمند»<sup>۱</sup> در جامعه اول این پژوهش، آیات و روایات مرتبط با عنوانین هشت‌گانه، از دو طریق: (الف) واژگان کلیدی و مشتقات آن و (ب) مفاهیم کلیدی، جست‌وجو شده‌اند، که مجموعاً ۱۵۹ آیه قرآن و حدیث مرتبط با هویت دینی غربال شده است. همچنین روش نمونه‌گیری از جامعه آماری دوم به این صورت است که متخصصین به روش نمونه‌گیری هدفمند و «نمونه‌گیری گلوله‌برفی»<sup>۲</sup> انتخاب شده‌اند. بر این اساس ۳ نفر از متخصصین توسط پژوهشگر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و بقیه متخصصین از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند، به‌گونه‌ای که از متخصصین شناسایی شده خواسته شد تا متخصص دیگری را در این موضوع معرفی کنند.

ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر نیز از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، نرم‌افزارهای حدیثی و قرآنی و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع و عنوانین پژوهش می‌باشد و بخش دوم شامل فرم سنجش روایی محتوایی است که به‌وسیله آن نظرات کارشناسان دریافت شده است.

همچنین برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از دو روش استفاده شده است: روش اول، روش گردآوری کتابخانه‌ای است؛ به این صورت که از طریق بررسی متون دینی، مطالعه مقالات علمی و کتاب‌ها صورت گرفت. پژوهشگر با روش کیفی و کتابخانه‌ای به بررسی مفاهیم مطرح شده در پژوهش از جمله مفاهیم هویت، هویت دینی، مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی، نظریات مربوط به هویت و هویت دینی پرداخته و علاوه بر جمع‌آوری مبانی نظری روان‌شناسی، مبانی نظری اسلامی (آیات و روایات) مربوط به «هویت دینی» و دو مؤلفه «هشیاری و خودپایی» را جمع‌آوری و توصیف کرده است و در نهایت این پژوهش با کمک برخی نظریه‌ها و تکنیک‌های روان‌شنختی، در قالب یک بسته آموزشی ارائه شده است؛ روش دوم گردآوری اطلاعات، روش روایی محتوایی است، که در این روش با ارائه پرسش‌نامه‌ای در قالب فرم روایی‌سنجدی، نظرات کارشناسان دریافت شده است.

## مراحل ساخت بسته آموزشی

بسته آموزشی، سندی برای مداخله روانی مبتنی بر شواهد پژوهشی است که در آن مجموعه‌ای از نگرش‌ها، مهارت‌ها و مقابله‌ها به فرد یا گروهی از افراد آموزش داده می‌شود و آنان این نگرش‌ها و مهارت‌ها را درونی می‌کنند و در نتیجه باعث بهبود افکار، احساسات و عملکرد آنان در زندگی می‌شود

1. Purposive sampling

2. snowball sampling

(فرهوش، ۱۳۹۹، ص ۱۱)، که به «مدخلات آموزشی» نیز تعبیر شده است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۳۲). در نگاهی کلی، برای تدوین طرح‌نمای مدخلات می‌توان دو مرحله اصلی پیش‌عملیاتی و عملیاتی‌سازی را متصور شد. در مرحله پیش‌عملیاتی به اقدامات اولیه لازم برای تدوین طرح‌نمای مداخله توجه می‌شود، که شامل گام‌های مفهوم‌سازی و مشهودسازی می‌باشد. در گام مفهوم‌سازی، به فرایند مفهوم‌شناصی پرداخته شده و در گام مشهودسازی، مفاهیم مشهود و اندازه‌پذیرتر می‌شوند. مرحله عملیاتی‌سازی نیز مرحله بعد از مرحله پیش‌عملیاتی بوده که در آن طرح‌نمای مداخله تدوین می‌شود (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۴۶). از آنجایی که مرحله پیش‌عملیاتی در پژوهش حاضر، از باب بررسی ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی و بررسی مؤلفه‌های فرایндی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی توسط نوری (۱۳۹۵، ص ۱۳) انجام شده است؛ لذا در این پژوهش به مرحله عملیاتی‌سازی پرداخته شده است.

بر اساس مبانی ساختاری تدوین طرح‌نمایها، سطح متغیر وابسته می‌تواند به عنوان هدف کلی درمانی متصور شود؛ لذا این هدف کلی برای عملیاتی شدن نیازمند تبدیل به اهداف تغییر دقیق‌تر، عینی‌تر و خردتری است که قرار است در یک یا چند جلسه مداخله‌ای در طی طرح‌نمای مداخله‌ای دنبال شود. این اهداف خردتر، اهداف عملیاتی‌سازی است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۷۱)، که در پژوهش حاضر اهداف عملیاتی‌سازی به عنوان محتوای تغییر و اهداف دقیق‌تر و عینی‌تر، عبارت‌اند از: ۱. هشیاری به اهداف زندگی؛ ۲. هشیاری به باورهای بنیادین دینی؛ ۳. هشیاری به ارزش‌های مطلوب؛ ۴. هشیاری به کشف توانمندی‌های فردی؛ ۵. هشیاری به کشف آسیب‌پذیری‌های فردی؛ ۶. تنظیم خویشتن؛ ۷. خودمراقبتی؛ ۸. مهار خویشتن، می‌باشند؛ لذا بر اساس پژوهش صادقی‌سرشت (۱۳۹۸، ص ۷۵)، ماهیت متغیر مستقل در طرح‌نمایها و بسته‌های آموزشی را (مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی در پژوهش حاضر) می‌توان جعبه‌ابزاری دانست که مشتمل بر متغیرهای مستقل گوناگونی برای ایجاد تغییر در متغیر وابسته است، که این متغیرهای مستقل گوناگون در این پژوهش، همان هشت هدف عملیاتی‌سازی مطرح شده می‌باشد. بنابراین طبق مرحله عملیاتی‌سازی، برای ساخت بسته آموزشی هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، هشت مرحله به شرح ذیل عملیاتی شد:

مرحله اول (گزینش کلیدوازه مرتبه با دو مؤلفه هشیاری و خودپایی با روش یافتن روابط معنایی): توضیح این مرحله از ساخت بسته آموزشی، همان گام اول روش این پژوهش است که با روش یافتن روابط معنایی و با توجه به مبانی اسلامی و تعاریف هویت دینی و مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی، پنج عنوان (هشیاری به اهداف زندگی، هشیاری به باورهای بنیادین دینی، هشیاری به

ارزش‌های مطلوب، هشیاری به کشف توانمندی‌های فردی و هشیاری به کشف آسیب‌پذیری‌های فردی) تحت مؤلفه هشیاری و سه عنوان (تنظیم خویشتن، خودمراقبتی و مهار خویشتن) تحت مؤلفه خودپایی، گرینش شد؛

مرحله دوم (گرداوری مستندات اسلامی برای هشت عنوان مرحله قبل): در این مرحله نخست واژگان و مفاهیم کلیدی مرتبط با عناوین هشتگانه منتخب، گرینش شد؛ سپس واژگان و مفاهیم کلیدی در نرم‌افزارهای قرآنی و حدیثی با روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه استادی انتخاب گردید و بعد از آن مجموعاً ۱۵۹ آیه و حدیثی که با عناوین هشتگانه مرتبط بودند، غربال و تجزیه و تحلیل شدند؛

مرحله سوم (آماده‌سازی محتوای آموزشی از بین مستندات اسلامی و مفاهیم روان‌شناسی): در این مرحله با توجه به مستندات اسلامی گرداوری شده و مفاهیم روان‌شناسی، محتوای آموزشی جلسات آماده‌سازی شد؛

مرحله چهارم (تدوین جلسات بر پایه عناوین هشتگانه): در این مرحله بر اساس عناوین هشتگانه و محتوای آموزشی مبتنی بر مستندات اسلامی و مفاهیم روان‌شناسی، جلسات بسته آموزشی تدوین گردید؛

مرحله پنجم (یافتن تکنیک مناسب برای هر جلسه): در این مرحله برای تسهیل در یادگیری و عملیاتی کردن محتوای جلسات، برای هر جلسه تکنیک مخصوص ارائه شد؛

مرحله ششم (طراحی تکلیف خانگی برای هر جلسه): در این مرحله برای تثبیت محتوای آموزشی جلسات، تکالیف خانگی طراحی شد؛ به این جهت که هم مراجع در فضای بیرون از جلسه مشاوره، با محتوای جلسه مرتبط باشد و هم در جلسه بعدی، مشاور با بررسی نتیجه تکلیف، مراجع را ارزیابی کند؛

مرحله هفتم (ایجاد نظم منطقی ترتیب و توالی جلسات): در این مرحله بر اساس محتوای جلسات، نظم منطقی ترتیب و توالی جلسات، مورد بررسی قرار گرفت؛

مرحله هشتم (مناسبسازی زمانی اجرای محتوای جلسات): در این مرحله با توجه به حوصله و میزان آموزش‌پذیری مراجع نوجوان، محتوای جلسات در بازه ۶۰ دقیقه، تنظیم شد.

## ۱. یافته‌های پژوهش

### ۱-۱. اهداف و محتوای جلسات

بررسی انواع طرح‌نماهای مداخله‌ای نشان می‌دهد، به طور کلی جلسات از جهت چارچوب محتوایی که در آن عرضه می‌شود، در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: دسته‌اول درخصوص چارچوب بخش اول جلسه

نخست است که در آن مطالبی کلی و مقدماتی برای شروع کار طرح‌نمای مداخله‌ای عرضه می‌شود و دسته دوم درخصوص بخش دوم جلسه نخست و سایر جلسات تا جلسه آخر است که در آن مطالبی که عرضه می‌شود، در چارچوبی تقریباً مشابه است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹). در تدوین جلسات آموزشی، مجموعاً هشت جلسه تدوین شد که در جدول شماره (۲)، اهداف و محتوای جلسات به تفکیک قابل مشاهده است.

جدول ۲: اهداف و محتوای جلسات بسته آموزشی هویت‌یابی دینی نوجوان

عنوان جلسه	خلاصه جلسات هشت گانه
جلسه اول: هشیاری به اهداف زندگی	۱. ایجاد ارتباط صمیمانه با مراجع و تولید انگیزه برای شرکت در جلسات؛ ۲. تبیین اهمیت هدفمند بودن در زندگی و هشیاری به اهداف در طول زندگی؛ ۳. توجه دادن نسبت به هدفمند بودن خلقت؛ ۴. تبیین ضرورت و اهمیت وجود هدف متعالی در زندگی و فراموش نکردن آن؛ ۵. توضیح معیار و باسته‌های انتخاب هدف مطلوب جهت تسهیل در هویت‌یابی دینی؛ ۶. ارائه تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی.
جلسه دوم: هشیاری به باورهای بنیادین دینی	۱. آشنایی مشاور و مراجع و توضیح کلی جلسات توسط مشاور؛ ۲. انگیزه‌سازی (تفہیم ضرورت وجود هدف در قالب فرق بین انسان‌های باهداف و بی‌هدف)؛ ۳. تبیین اهمیت هدفمند بودن در زندگی و هشیاری به اهداف در طول زندگی؛ ۴. توضیح هدفمند بودن خلقت و لزوم انتخاب اهداف بر اساس هدف آفرینش؛ ۵. بایسته‌های انتخاب هدف متعالی: (الف) سیر گزینش هدف؛ (ب) ضرورت تناسب اهداف با توانمندی‌ها؛ (پ) ضرورت نوشتن اهداف؛ (ج) تقسیم‌بندی اهداف به سه گروه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛ (د) ارائه تکنیک نقطه‌گذاری اهداف (توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)؛ (د) اولویت‌بندی اهداف؛ و) ارائه تکنیک ۶۰ سالگی (توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)؛ (ی) تذکر بابت عدم نامیدی نسبت به حرکت به سمت اهداف؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی (توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)).
جلسه سوم: هشیاری به باورهای بنیادین دینی	۱. تبیین چرایی ضرورت شناخت نسبت به باورها و اعتقادات بنیادی دینی؛ ۲. آگاهی دادن نسبت به چارچوب کلی باورها و اعتقادات بنیادی دینی و تبیین ضرورت هشیاری نسبت به آنها؛ ۳. توضیح اصول دین در ذیل بحث عقاید؛ ۴. تبیین اهمیت انتخاب مرجع تقلید در ذیل بحث احکام؛ ۵. تبیین اهمیت بهره‌وری از استاد اخلاق در ذیل بحث اخلاق؛ ۶. ارائه تکنیک و تکالیف کاربردی.
جلسه چهارم: هشیاری به باورهای بنیادین دینی	۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر مثال با این موضوع: هر سازنده محصولی، برای استفاده صحیح و آگاهی افراد از کارکرد واقعی محصولش، دفترچه راهنمایی در کنار محصول خود قرار داده و ارتباط مثال با کتاب راهنمای قرآن به عنوان حامل باورها و اعتقادات)؛ ۳. آگاهی نسبت به سه بعد اساسی دین (عقاید، اخلاق و احکام) و تبیین ضرورت هشیاری نسبت به آنها؛ ۴. توضیح «أصول دین» به عنوان پایه علم عقاید؛ ۵. ارائه تکنیک ارزیابی عقاید (توضیح تکنیک در جدول شماره (۲))؛ ۶. تبیین لازمه فرآگیری علم اخلاق و ضرورت بهره‌گیری از استاد اخلاق؛ ۷. تبیین لازمه فرآگیری علم احکام و ضرورت تقلید از مرجع تقیید؛ ۸. ارائه تکلیف خانگی (توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)).

<p>۱. آگاهی و هشیاری نسبت به ارزش‌ها و فراموش نکردن آنها؛ ۲. تبیین اهمیت انتخاب صحیح ارزش‌ها و تقسیم‌بندی انواع ارزش‌ها؛ ۳. توضیح ملاک انتخاب و نحوه ارزیابی ارزش‌های متعالی؛ ۴. ارائهٔ تکنیک و تکالیف کاربردی.</p>	<p>نحوهٔ تکلیف:</p> <p>۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر مثال با این مضمون: افرادی که در نظر آنها والدین، «کم‌ارزش» می‌باشند، در رفتارشان نسبت به والدین، کم‌اهمیتی و کم‌توجهی دیده می‌شود، اما کسانی که والدین در نظرشان ارزشمند هستند، حتی در دوران پیری آنها نیز، با تمام توان به ایشان رسیدگی می‌کنند؛ همچنین ذکر داستانی از سیره شهداء در باب توجه به ارزش‌ها)؛ ۳. ملاک و تقسیم ارزش‌ها به بنیادین و غیربنیادین و لزوم اولویت‌بندی ارزش‌های بنیادین و هشیاری نسبت به آنها در طول زندگی (مثلاً ممکن است برای داشتن آموز شماره یک، «نمایر خواندن» جزء ارزش‌های بنیادین او و «مورد تمخر قرار نگرفتن»، جزء ارزش‌های غیربنیادین او باشد و برای داشتن آموز شماره دو بالعکس باشد؛ لذا داشتن آموز اول در هر صورت نماز واجب خود را در مدرسه اقامه می‌کند برخلاف داشتن آموز دوم)؛ ۴. تقسیم‌بندی ارزش به «مطلوب و غیرمطلوب» و توضیح ملاک‌های ارزش مطلوب و لزوم هشیاری به این ملاک‌ها؛ ۵. ارائهٔ تکنیک پرسش «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۶. ارائهٔ تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».</p>	<p>جلسه سوم: هشیاری به ارزش‌های مطلوب</p>
<p>۱. تبیین ضرورت توجه دائمی و هشیاری مراجع نسبت به شناسایی توامندی‌ها و کمبودهای خود؛ ۲. تلاش همواره مراجع در جهت شناسایی و ارتقای توامندی‌ها؛ ۳. تلاش همواره مراجع در جهت پذیرش نقاط آسیب‌پذیر خود و برطرف کردن نقاط ضعف قابل جبران؛ ۴. ارائهٔ تکنیک و تکالیف کاربردی.</p>	<p>نحوهٔ تکلیف:</p> <p>۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر آماری از سازمان جمعیت هلال احمر با این مضمون: افرادی که در کوهنوردی بیشتر دچار حادثه می‌شوند، کسانی هستند که نسبت به توامندی‌ها و نقاط ضعف خود، آگاه نیستند)؛ ۳. تبیین ضرورت شناسایی و هشیاری دائمی نسبت به توامندی‌ها و وظایف انسان در برابر توامندی‌های خود؛ ۴. تبیین ضرورت شناسایی و هشیاری دائمی نسبت به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر و وظایف انسان در برابر آسیب‌پذیری‌های خود؛ ۵. ارائهٔ تکنیک مقایسه مطلوب؛ «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۶. ارائهٔ تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».</p>	<p>جلسه چهارم: هشیاری به کشف توامندی‌های فردی و ۲. کشف آسیب‌پذیری‌های فردی</p>
<p>۱. تبیین اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی جهت رسیدن به اهداف؛ ۲. توضیح بایسته‌های برنامه‌ریزی صحیح؛ ۳. ارائهٔ تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی.</p>	<p>نحوهٔ تکلیف:</p> <p>۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر احوالات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی در مورد اهمیت برنامه‌ریزی برناهه‌های برنامه‌ریزی؛ ۳. تبیین ضرورت برنامه‌ریزی: (الف) زندگی موفق در گرو تنظیم خویشن و برنامه‌ریزی صحیح؛ (ب) برنامه‌ریزی مقدمه دستیابی به اهداف؛ ۴. بایسته‌های تنظیم خویشن: (الف) در نظر گرفتن اهداف، باورهای ارزش‌های توامندی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها قبل از برنامه‌ریزی؛ (ب) برنامه‌ریزی روزانه؛ (ج) جامعیت برنامه‌ریزی «توضیح سه مرحله ۱. طراحی که شامل ضرورت نوشتن برنامه، گام‌های نکارش برنامه، جامعیت برنامه، واقعی بودن برنامه می‌باشد؛ ۲. اجرا و ۳. ارزیابی»؛ ۵. ارائهٔ تکنیک: (الف) تکنیک توجه به حال؛ (ب) تکنیک بستن پرونده‌های باز؛ (ج) تکنیک رفتار ثابت «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۶. ارائهٔ تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».</p>	<p>جلسه پنجم: تنظیم خویشن</p>

<p>۱. توضیح فرق بین «مراقبت از خود» و «مهرار خود»؛ ۲. تبیین اهمیت خودمراقبتی در جهت تسهیل در هویت‌یابی دینی؛ ۳. توضیح انواع خودمراقبتی؛ ۴. توضیح گام‌های خودمراقبتی صحیح؛ ۵. ارائه تکلیف‌ها و تکالیف کاربردی.</p>	نیاز لطفاً	
<p>۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر آماری از خبرگزاری سازمان پژوهشی قانونی کشور مبنی بر حوادث عید نوروز ۱۴۰۱، روزانه به طور میانگین ۵۵ نفر در تصادفات کشته شده‌اند و ذکر اینکه یکی از دلایل این تصادفات، عدم رعایت نکات مراقبتی و اینمی است)؛ ۳. تبیین اهمیت خودمراقبتی؛ ۴. گام‌های مراقبت صحیح و توضیح آنها (گام اول: مشارطه، گام دوم: مراقبه و گام سوم: محاسبه)؛ ۵. انواع مراقبت و توضیح آنها (الف) رفتاری؛ (ب) قلبی؛ (ج) زمانی و مکانی؛ ۶. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک چراجی؛ (ب) تکنیک تنظیم توجه «توضیح تکنیک‌ها در جدول شماره (۲)»؛ ۷. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».</p>	لطفاً جلسة ششم: خودمراقبتی	
<p>۱. تبیین اهمیت مهار خویشتن در جهت تسهیل در هویت‌یابی دینی؛ ۲. چگونگی مهار خویشتن در برابر افکار پلید، خواهش‌های نفسانی و شیطانی، هیجانات و تکانه‌ها؛ ۳. تقویت مهارت «نه گفتن»؛ ۴. ارائه تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی.</p>	نیاز لطفاً	
<p>۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر مثال با این مضمون که: راننده متبحر، برای مهار و کنترل اتومبیل خود در برابر خطرات، هر بار از روش مناسب و مخصوص به آن حادثه استفاده می‌کند؛ مثلاً مهار اتومبیل در جاده لغزنده با جاده غیرلغزنده متفاوت است)؛ ۳. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در برابر افکار پلید؛ ۴. ارائه تکنیک الزام «توضیح تکنیک «نه گفتن»؛ ۵. ضرورت تقویت توانایی مهار چگونگی تقویت توانایی مهار خویشتن با تقویت مهارت «نه گفتن»؛ ۶. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در برابر خواهش‌های نفسانی و شیطانی (استفاده از داستان‌های علمای این باب)؛ ۷. ارائه تکنیک معنوی روزه «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۸. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در مواجهه با هیجانات؛ ۹. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک تأخیر ارضاء؛ (ب) تکنیک ورزش و تمرين «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۱۰. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در برابر تکانه‌ها؛ ۱۱. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک پاک‌سازی و تغییر محیط؛ (ب) تکنیک معنوی نماز «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۱۲. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».</p>	لطفاً جلسة هفتم: مهار خویشتن	
<p>۱. مرور، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری؛ ۲. پاسخ به پرسش‌های مُراجع و ارزیابی جلسات از زبان مُراجع؛ ۴. تبیین ضرورت نگهداری دستاوردها؛ ۵. تعیین جلسه بعدی به عنوان جلسه پیگیری نتایج؛ ۶. ارائه تکلیف کاربردی.</p>	نیاز لطفاً	
<p>۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. مرور کلی جلسات گذشته و نتیجه‌گیری (در این قسمت از جلسه، توسط مشاور موضوعات جلسات قبل به صورت تیپروار بیان شده و با همکاری دوچاره مشاور و مُراجع در مورد هر کدام از آنها، مباحثه صورت می‌گیرد و در نهایت توسط مشاور نتیجه‌های کلی از محتوای مطرح شده در طی جلسات عنوان می‌شود)؛ ۳. پاسخ به پرسش‌های مُراجع؛ ۴. ارزیابی جلسات از زبان مُراجع؛ ۵. تعیین جلسه بعدی به عنوان جلسه پیگیری نتایج؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».</p>	لطفاً جلسة هشتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، جلسات هشت‌گانه بسته آموزشی هویت‌یابی دینی نوجوان، مشتمل بر محتوای متناسب با عنوان هر جلسه تدوین شده است. با این توضیح که در آغاز همه جلسات (به استثنای جلسه هشتم)، برای زمینه‌سازی پیش از ارائه محتوای اصلی و جلب توجه مراجع، از انگیزه‌سازی جذاب در مورد موضوع آن جلسه استفاده شده و در خلال جلسات این بسته آموزشی چهت تفہیم بهتر و ثبت محتوای جلسه، تکالیف خانگی و به استثنای جلسه هشتم، تکنیک‌های کاربردی ارائه شده است. شایان ذکر است با توجه به اینکه در تدوین بعضی از جلسات، چند تکنیک و تکلیف خانگی ذکر شده است؛ لذا مشاور با تشخیص و صلاح‌دید خود می‌تواند یک یا چند تکنیک و تکلیف را از میان آنها انتخاب و به مراجع ارائه دهد؛ همچنین شایان ذکر است که در طول برگزاری جلسات، تشویق و توصیه مشاور چهت یادداشت‌برداری محتوای جلسات توسط مراجع، ضروری است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰).

## ۱-۲. تکنیک‌های جلسات

تکنیک‌ها به عنوان راهکارهای مهارتی، متغیرهای مستقلی هستند که در فرایند مداخلات روان‌شناسی، به تغییر هدفمند متغیرهای وابسته کمک می‌کنند (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۳۷)، که البته به این تکنیک‌ها، فرایند تغییر نیز گفته می‌شود (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۷۲). در بسته آموزشی حاضر نیز برای تسلط و تفہیم مراجع نسبت به محتوای ارائه شده از تکنیک یا تکنیک‌های موردنیاز و مربوط به محتوای جلسات استفاده شده است. البته ازانجایی که هرچقدر توانمندی که قصد ایجاد و ارتقای آن را داریم پیچیده‌تر باشد، به کارگیری تعداد بیشتری از تکنیک‌ها لازم است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۷۳)؛ لذا در بعضی از جلسات تدوین شده این بسته آموزشی، چند تکنیک ذکر شده است و مشاور با تشخیص و صلاح‌دید خود می‌تواند یک یا چند تکنیک از میان آنها را انتخاب و به مراجع ارائه دهد که در جدول شماره (۳) همه تکنیک‌ها به تناسب جلسات تدوین شده قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۳: تکنیک‌های بسته آموزشی

جلسه	ردیف	نام تکنیک	توضیح تکنیک	هدف از ارائه تکنیک
اول	۱	نقشه‌گذاری اهداف	فرد مشخص کند که مثلاً درخصوص اهداف یک‌ماهه، هفته اول، دوم، سوم و در نهایت هفته چهارم در کدام نقطه قرار بگیرد	مهارت در تقسیم‌بندی اهداف به سه گروه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلند‌مدت
	۲	۶ سالگی	مُراجع باید خود را انسان ۶۰ ساله‌ای تصور کرده و به عنوان یک انسان ۶۰ ساله، جایگاه ایدئال خود را در این سن روی کاغذ نویسد (منک تبلو، ۱۳۸۸، ص ۱۸)	تقویت آینده‌نگری و تبیین جایگاه اهداف بلند‌مدت
دوم	۳	ارزیابی عقاید	عقاید واقعی و ایدئال فرد، بررسی، مقایسه و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد	تقویت باورهای دینی درخصوص اصول عقاید

ابزار تشخیص ارزش‌های مطلوب از غیرمطلوب	شخص قبل از هر رفتار فکری و عملی، از خود سؤال‌الاتی این چنینی می‌پرسد: مثالاً در مورد انتخاب دوست این گونه می‌پرسد: (الف) انتخاب این دوست، چه تأثیری در پیشرفت معنوی و غیرمعنوی و خوشبختی من می‌گذارد؟ (ب) انتخاب این دوست، چه ویژگی‌های مثبت و منفی دارد؟ (ج) آیا بین اهداف من با انتخاب این دوست، ارتباطی وجود دارد؟	پرسش	۴	سوم
ابزار شناخت نسبت به توانمندی‌ها و نقاط آسیب‌پذیر فردی	شخص خود را با شخص همسال دیگری که در مورد او شناخت نسبتاً کاملی دارد «مثل دوست، هم کلاسی، فامیل، همسایه»، مقایسه مطلوب (با رعایت حدود اخلاقی) کرده و نقاط قوت و ضعف خود را بر روی کاغذ می‌نویسد	مقایسه مطلوب	۵	چهارم
تقویت تمرکز در اجرای برنامه	شخص در طول شبانه‌روز، ذهن خود را با بی‌توجهی به گذشته و آینده، متوجه زمان حال کرده و به بالا بردن کیفیت رفتار فعلی توجه می‌کند. شایان ذکر است امام علیؑ نیز توصیه به توجه نسبت به زمان حال می‌کند (تمیمی آمدی، ح۱۴۰، ح۹۸۴)	توجه به حال	۶	
دسته‌بندی پرونده‌های باز ذهنی از حیث قابلیت رسیدگی و سرعت بخشیدن به انجام کارهای نیمه‌ تمام رهاسده	شخص تمام کارهایی که در لیست انتظار ذهنی خود دارد (که شامل اموراتی است که اصلاً انجام نداده یا به صورت نیمه‌تمام رها کرده است) را به صورت بارش فکری، مطابق کاربرگ در ستون اول یادداشت کرده؛ سپس هریک از آنها را در یکی از سه ستون مقابله آن با عنوانین زیر قرار می‌دهد و مطابق آن عنوان عمل می‌کند. ۱. عنوان ستون اول (لیست پرونده‌های باز): تمام کارهایی که در لیست انتظار ذهنی وجود دارد، به صورت بارش فکری در این ستون یادداشت می‌شود. ۲. عنوان ستون دوم (کارهای ضروری فوری): باید هرچه سریع‌تر به انجام آنها پرداخت. ۳. عنوان ستون سوم (کارهای ضروری زمان‌بر): لذا اولین گام برای بسته شدن پرونده آنها در ذهن، برنامه‌ریزی صحیح در جهت انجامشان است. ۴. عنوان ستون چهارم (کارهای غیرضروری): به راحتی می‌توان آنها را کنار گذاشت و انجامشان را به زمان دیگری موکول کرد.	بستن پرونده‌های باز	۷	پنجم
تقویت تعهد نسبت به برنامه‌ریزی	شخص یک قرار ثابت زمانی برای انجام رفتاری مخصوص مانند نماز اول وقت ظهر یا شرکت کردن در نماز جمعه هر هفته، قرار می‌دهد.	رفتار ثابت	۸	
تقویت توجه نسبت به مراقبت از خود	شخص در ساعت‌های مشخصی از شبانه‌روز، بابت کاری که انجام می‌دهد، از خود سؤال می‌کند که: چرا این کار را انجام می‌دهم؟ و تلاش کند مقدار زمانی این توجه در شبانه‌روز را با تمرین، بیشتر کند.	چرایی	۹	
تقویت توجه هدفمند، نظم و ترتیب فکری مقابله با افکار مزاحم و سرگردان	شخص موضوعی را انتخاب کرده و به مدت یک دقیقه در سکوت، فقط به آن موضوع توجه می‌کند. بعد از اتمام زمان، هر چیزی که تمرکز او را از موضوع مورد نظر منحرف کرده را روی کاغذ نوشته و زمان آن را با تمرین بیشتر، طولانی‌تر می‌کند	تنظیم توجه	۱۰	ششم

۱۱			
۱۲			
۱۳			هفتم
۱۴			
۱۵			
۱۶			

همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، در هر جلسه از این بسته آموزشی (به استثنای جلسه آخر که مربوط به نتیجه‌گیری است)، جهت تفهیم بهتر و تثبیت محتوای جلسات، از ۱۶ تکنیک کاربردی به عنوان راهکارهای مهارتی استفاده شده است.

### ۳-۱. تکالیف خانگی

در تدوین بسته آموزشی، تکالیف خانگی جهت فعالیت خارج از جلسه ارائه می‌شود، که ممکن است به صورت فعالیتی در قالب مطالعه، تحقیق، یا تمرین رفتاری جدید باشد. تکالیف خانگی به مُراجعت فرصت افزایش دادن آگاهی از خود و بینش درباره خود را می‌دهد؛ چراکه مشاور غالباً درباره انجام دادن آنها از مراجع می‌پرسد. همچنین انجام دادن تکالیف خانگی، مدت‌زمانی را که مُراجعت در بیرون از اتفاق

مشاوره و بدون حضور مشاور مشغول تکالیف درمانی است، افزایش می‌دهد؛ همچنین تکالیف خانگی سبب تحکیم تغییرات به دست‌آمده طی جلسات، در فضای بیرون از جلسه می‌شوند (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸). بنابراین در بسته آموزشی حاضر نیز، به تناسب محتوا، در انتهای هر جلسه تکلیف یا تکالیف خانگی با هدف تفہیم و ثبیت بهتر محتوای آن جلسه، به مراجع ارائه می‌شود؛ با این کیفیت که از وی خواسته می‌شود در جلسه بعدی نتیجه آن را همراه خود داشته باشد تا در مورد آن گفت‌و‌گو شود. شایان ذکر است، با توجه به اینکه در تدوین بعضی از جلسات، چند تکلیف ذکر شده است؛ لذا مشاور با تشخیص و صلاح‌حید خود می‌تواند یک یا چند تکلیف را از میان آنها انتخاب و به مراجع ارائه دهد، که در جدول شماره (۴) همه تکالیف به تناسب جلسات تدوین شده، قابل مشاهده می‌باشند.

#### جدول ۴: تکالیف خانگی

ردیف	جلسه	توضیح تکلیف	هدف از ارائه تکلیف
۱	اول	مراجع بر اساس کاربرگ معین، اهداف کوتاه، میان و بلندمدت زندگی، با ذکر دلیل انتخاب آنها به عنوان هدف و ذکر راهکار برای رسیدن به آنها را بنویسد.	تقویت مهارت انتخاب هدف و راههای رسیدن به آن
۲		نوشتن اهداف کوتاه، میان و بلندمدت زندگی و نوشتن نحوه ارتباط آنها با هدف خلقت	تقویت مهارت انتخاب هدف متعالی
۳		نوشتن اهداف روزانه در اول روز و ارزیابی آنها در آخر شب	تقویت مهارت هدفمندی
۴	دوم	تطبيق و توضیح سه محور اصلی اصول دین «توحید، معاد و نبوت» بر گزاره‌های روایت «رَجِمَ اللَّهُ أَمْرَءَ عَلِمٍ مِّنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ»	تقویت باورهای دینی درخصوص اصول عقاید
۵		پاسخ به این سؤال: به نظر شما عدم اعتقاد به معاد، چه تبعاتی را در زندگی شخصی و اجتماعی انسان‌ها، به دنبال دارد؟	تقویت باورهای دینی درخصوص اصول عقاید
۶	سوم	با استفاده از مطالعه یا پرسش از اهل علم، به این دو سؤال پاسخ دهد: (الف) راههای انتخاب مرجع تقلید چیست؟ (ب) از نظر مراجع تقلید، نشانه‌های بلوغ چیست و انسان بالغ چه وظایفی دارد؟	تقویت باورهای دینی درخصوص احکام تکلیف
۷		مراجع به ۹ سؤال تشریحی بر اساس کاربرگ معین پاسخ دهد؛ سپس بر اساس ستون‌های کاربرگ، مشخص کند که آیا جواب سوالات جزء ارزش‌های بنیادین اوتست یا خیر؟ همچنین در صورت پاسخ مثبت، مشخص کند که پیش‌تر به آن ارزش بنیادین توجه داشته یا خیر و در نهایت آن ارزش‌های بنیادین را در ستون آخر به ترتیب اولویت شماره‌گذاری کند.	تشخیص ارزش‌های بنیادین و غیربنیادین

شناختی توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	لیست کردن فهرست توانمندی‌ها و نقاط آسیب‌پذیر به صورت بارش فکری (مولیگان، ۱۳۹۱، ص ۷۵) و ارائه راهکار جهت ارتقای توانمندی‌ها و برطرف کردن نقاط آسیب‌پذیر	۸	چهارم
ایجاد خودآگاهی مطلوب نسبت به توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	درخواست مراجع از صمیمی ترین نزدیکانش (خانواده یا دوست) جهت ارائه فهرستی از نقاط مثبت و نقاط ضعف او و مقایسه آن لیست با نتیجه تکلیف قبل	۹	
تقویت مهارت برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی روزانه تا جلسه بعدی بر اساس سه مرحله: ۱. طراحی؛ ۲. اجرا؛ ۳. ارزیابی	۱۰	
تقویت مدیریت زمان	نوشتن روزانه اوقات مفید و اوقات تلف شده در دو ستون کاغذ و ارائه راهکار جهت مدیریت اوقات تلف شده	۱۱	
تقویت مدیریت زمان	با بررسی ۳ ماه گذشته، در کاغذی، به صورت دقیق بنویسد چه اموری (به صورت جزئی مثل دیرخواهی‌هایی) باعث عدم استفاده مفید او از زمان شده است؟ همچنین در ادامه هر مورد بنویسد اگر دوباره به آن زمان برمی‌گشت، چه کار می‌کرد.	۱۲	پنجم
تقویت مدیریت زمان	در طی روز، بین یک الی سه ساعت اینترنت تلفن همراه خود را خاموش کرده و برای این زمان برنامه‌ریزی کند و طبق آن برنامه عمل کند.	۱۳	
تقویت مهار خودمراقبتی	یک موضوع مرتبط با وظایف واجب دینی را به عنوان مشارطه قرار داده و تا جلسه بعد، هر روز نسبت به آن مراقبه داشته باشد و هر شب، هنگام خواب به عنوان «محاسبه»، میزان موقیت خود را با نمره ۱ الی ۲۰، ارزیابی کند.	۱۴	ششم
تقویت خودمراقبتی	مراجع بر اساس دو مورد از ارزش‌هایی که در جلسات گذشته مورد بررسی و توافق قرار گرفته است، خودمراقبتی انجام داده و گزارشی مكتوب از موقیت یا عدم موقیت خودمراقبتی در مورد آن دو موضوع را با ذکر علل آنها، تهیه کند	۱۵	
تقویت مهار خویشتن	راه‌حل‌هایی برای مهار خود در برابر سوسه‌ها و القاتات نفسانی بنویسد	۱۶	هفتم
تقویت مهار خویشتن	سه مورد از موارد قابل ذکر مهار خویشتن خود را در برابر سوسه‌ها و القاتات نفسانی، با ذکر راه‌حل مهار خویش بنویسد	۱۷	
رفع موانع عمل به محتواهی بسته	محتوای مطرح شده در طی جلسات هشتگانه را (اعم از عنایون، تکیک‌ها و تکالیف) مرور و عملی کرده و موانع عمل به محتوای جلسات، تجارب، سوالات و مشکلات پیش‌آمده جدید را یادداشت کرده و در جلسه بعدی (جلسه پیگیری)، همراه خود داشته باشد.	۱۸	هشتم

همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، در هر جلسه از این بسته آموزشی، جهت تفهیم بهتر و تثبیت محتوای جلسه و برقراری ارتباط بین داخل و خارج از جلسه مشاوره، از ۱۸ تکلیف خانگی به عنوان «فعالیت خارج از جلسه» استفاده شده است.

## ۱-۴. روایی محتوایی

طبق جدول شماره (۵)، از آنجایی که بر اساس شاخص روایی محتوایی CVI، کلیه سؤالات نمره بالاتر از ۷۹٪ کسب نموده‌اند؛ بنابراین همه متخصصین بر این نظر متفق هستند که بسته آموزشی تدوین شده، با تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان بر اساس دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، کاملاً مرتبط بوده و می‌توان این بسته را بر پایه نظر و تأیید متخصصین در تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان مؤثر دانست.

جدول ۵ ضریب‌های شاخص روایی محتوای CVI

جلسه	عنوان جلسات	شماره سؤال	CVI
۱	هشیاری به اهداف زندگی	سوال اول	۰/۸۹
		سوال دوم	۰/۸۹
۲	هشیاری به باورهای بنیادین دینی	سوال اول	۱/۰۰
		سوال دوم	۰/۸۹
۳	هشیاری به ارزش‌های مطلوب	سوال اول	۱/۰۰
		سوال دوم	۱/۰۰
۴	هشیاری به کشف توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	سوال اول	۱/۰۰
		سوال دوم	۱/۰۰
۵	تنظیم خویشتن	سوال اول	۱/۰۰
		سوال دوم	۱/۰۰
۶	خودمراقبتی	سوال اول	۱/۰۰
		سوال دوم	۱/۰۰
۷	مهر خویشتن	سوال اول	۱/۰۰
		سوال دوم	۰/۸۹

همان‌طور که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، ضریب روایی محتوایی ۱۰ سؤال ۱/۰۰ می‌باشد و ضریب روایی محتوایی ۴ سؤال بین ۰/۷۹ تا ۱/۰۰ قرار دارد و درنتیجه روایی محتوای همه سؤالات، مورد تأیید کارشناسان قرار گرفته است.

## ۵. ویژگی‌های ضروری مشاور و مراجع

یکی از محورهای نگارش طرح‌نمای مداخله‌ای که جایگاه مقدمه‌ای دارد، پرداختن به شرایط پذیرش و خروج افراد در آن است با این توضیح که گزینش شرکت‌کنندگان و نیز شرایط قطع همکاری در طرح‌نمای مداخله‌ای، مبتنی بر تعیین شرایط ویژه آن طرح‌نما می‌باشد (صادقی‌رسشت، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷)؛ بنابراین با توجه به محتوای بسته آموزشی حاضر، شرایط پذیرش افراد، ویژگی‌هایی است که باید مشاور (اعم از روان‌شناس، کارشناس دین و معلم پرورشی مدرسه و مسجد) و مراجع از آنها برخوردار

باشند که در جدول شماره (۶) قابل مشاهده است و از بین رفتن هر کدام از ویژگی‌های مذکور، باعث خروج افراد از روند اجرای بسته آموزشی حاضر می‌شود.

جدول ۶: ویژگی‌های ضروری مشاور و مراجع

ویژگی‌های ضروری مشاور	متخلّق به اخلاق عملی اسلامی
داشتن تسلط کافی به نحوه ارتباط‌گیری با نوجوان	داشتن تسلط کافی به مباحث اعتقادی اسلامی (خصوصاً اصول و فروع دین)
داشتن تسلط کافی به اصول صحیح مشاوره	داشتن تسلط کافی نسبت به چارچوب مباحث اعتقادی اسلامی (خصوصاً اصول و فروع دین)
رعایت نظم در برگزاری جلسات	رعایت نظم در برگزاری جلسات
نوجوان در دامنه سنی اواسط و اواخر نوجوانی (۱۴ تا ۱۸ سالگی)	اعتقاد اجمالی نسبت به دین اسلام (اعتقاد به اصول و فروع دین)
اعتقاد اجمالی نسبت به انجام دستورات دینی اسلامی	داشتن دغدغه نسبت به انجام دستورات دینی اسلامی
رعایت نظم در برگزاری جلسات	رعایت نظم در برگزاری جلسات
تعهد کافی نسبت به انجام تکاليف	تعهد کافی نسبت به انجام تکاليف

طبق جدول شماره (۶)، برای اجرای صحیح بسته آموزشی حاضر و دستیابی به نتیجه مطلوب، هر کدام از مشاور و مراجع باید ویژگی‌های مخصوص به خود را به عنوان پیش‌نیاز دارا باشند. در این خصوص مشاور، علاوه بر ضرورت تخلّق به اخلاق عملی اسلامی، باید به نحوه ارتباط‌گیری با نوجوان و به چارچوب مباحث اعتقادی اسلامی (خصوصاً اصول و فروع دین) و اصول صحیح مشاوره، تسلط کافی داشته باشد تا بتواند طی جلسات، علاوه بر نظم در برگزاری جلسات و ارتباط صمیمانه، پاسخ‌گوی پرسش‌ها و شبهات مراجع خود باشد. همچنین بسته آموزشی حاضر، درخصوص نوجوانی است که در دوره‌های اواسط نوجوانی (۱۶-۱۴ سالگی) یا اواخر نوجوانی (۱۸-۱۶ سالگی) می‌باشد که از شرایط ضروری او، اعتقاد اجمالی نسبت به دین اسلام (اعتقاد به اصول و فروع دین)، داشتن دغدغه نسبت به انجام دستورات دینی اسلامی، رعایت نظم در حضور به موقع در جلسات و تعهد کافی نسبت به انجام تکاليف محولة هر جلسه می‌باشد.

در این بسته آموزشی مجموعاً هشت جلسه طراحی شده که چهار جلسه اول بر اساس «مؤلفه هشیاری» و سه جلسه بعدی (پنجم، ششم و هفتم) بر اساس «مؤلفه خودپایی» و در نهایت جلسه هشتم برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جلسات تدوین شده است. همچنین با توجه به اینکه معمولاً نوجوانان با توصیه و گاهی با اجراء والدین خود در جلسه مشاوره حاضر می‌شوند و با توجه به ظرفیت‌های هیجانی و میزان حوصله

آنها، زمان اجرای هر جلسه بسته آموزشی حاضر، ۶۰ دقیقه می‌باشد. فاصله جلسات نیز در جلسه اول با توجه به کیفیت آموزش‌پذیری مُراجع، برنامه‌ریزی می‌گردد. ضمناً در جلسه هشتم به عنوان جلسه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، لازم است مطالب و تکالیف مطرح شده در طی جلسات، مرور و پیگیری شود تا مشاور از تأثیر جلسات آموزشی اطمینان یافته و در صورت نیاز برای مشاوره‌های بعدی، برنامه‌ریزی کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

شایان ذکر است که نتایج این پژوهش با نتایج برخی پژوهش‌های دیگر همسو است؛ به این شرح که پرداختن به موضوع «هشیاری به اهداف زندگی» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش گنجی و دیگران (۱۳۸۹، ص ۱۴۰) همسو می‌باشد؛ زیرا همان‌طور که یکی از دستاوردهای هشیاری به اهداف زندگی را می‌توان جهت بخشیدن به زندگی نام برد، ایشان نیز یکی از دستاوردهای هویت دینی را جهت بخشیدن به زندگی بیان می‌کنند. خاکشور، غباری‌بناب و شهابی‌زاده (۱۳۹۲، ص ۴۷) نیز پاسخ به سؤالات نوجوان در مورد هدف و معنای زندگی را بر هویت مذهبی نوجوان تأثیرگذار می‌دانند؛ همچنین اُپنگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در پژوهش خود به نام و هویت، وجود هدفمندی ناشی از پذیرش دین را نقش محوری در هویت‌یابی دینی افراد می‌داند. فیاض (۱۳۸۸، ص ۳۸) نیز در فرایند ایجاد هویت دینی، انتخاب آگاهانه اهداف زندگی را مؤثر می‌داند.

همچنین پرداختن به موضوع «هشیاری به باورهای بنیادی دینی» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش نادری و دیگران (۱۳۹۴، ص ۲۹)، فیاض (۱۳۸۸، ص ۳۸) و رجایی (۱۳۸۷، ص ۱۷-۱۹) همسو می‌باشد؛ چراکه ایشان تقویت باورهای مذهبی را در جلوگیری از بحران هویت و ایجاد هویت دینی، مؤثر می‌دانند؛ همچنان که فانهو<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) و رجایی و دیگران (۱۳۸۸) نیز اعتقادات و باورهای دینی را عامل تشکیل هویت انسان می‌دانند؛ همچنین از آنجایی که یکی از نتایج و دستاوردهای هشیاری به باورهای بنیادی دینی، افزایش قدرت پاسخ به پرسش‌های بنیادین می‌باشد؛ لذا این بخش از پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش ماهروزاده (۱۳۹۲، ص ۱۴۷)، حسین‌زاده و دیگران (۱۳۹۱، ص ۵۶) و گنجی و دیگران (۱۳۸۹، ص ۱۴۰) همسو می‌باشد؛ چراکه ایشان نیز در پژوهش خود یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هویت دینی را پاسخ به سؤالات بنیادین افراد می‌دانند.

همچنین پرداختن به موضوع «هشیاری به ارزش‌های مطلوب» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش ماهروزاده (۱۳۹۲، ص ۱۵۲) همسو می‌باشد. ماهروزاده در پژوهش خود، سست‌باور شدن و

1. Oppong, S, H.

2. Fanhao, N.

بی‌اهمیت شدن نسبت به ارزش‌ها را عامل بحران هویت دینی دانسته و همچنین کهندانی و دیگران (۱۳۹۴، ص ۸) نیز پرداختن به ارزش‌های غیرمطلوب و ضدارزش‌ها را عامل بحران هویت می‌دانند. ارشد خرگردی (۱۳۸۱) نیز در پژوهش خود دریافت که ضعف ارزش‌های فرهنگی تأثیر مثبت بر بحران هویت خواهد گذاشت. نادری و دیگران (۱۳۹۴، ص ۲۹)، فیاض (۱۳۸۸، ص ۳۸) و حاجیانی (۱۳۸۸، ص ۴۵۴) نیز در فرایند ایجاد هویت دینی، انتخاب آگاهانه ارزش‌ها را مؤثر می‌دانند؛ همچنان که جاکوبسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) هویت دینی را با شناخت و پرداختن به ارزش‌ها تعریف می‌کند.

همچنین پرداختن به موضوع «تنظیم خویشتن» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش کهندانی و دیگران (۱۳۹۴، ص ۸) همسو می‌باشد؛ چراکه ایشان بی‌برنامگی در زندگی و غفلت از فرصت‌ها را عامل بحران هویت می‌دانند.

همچنین پرداختن به موضوع «مهار خویشتن» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش آفاگدی و اعتمادی (۱۳۹۱، ص ۴۹)، رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹، ص ۳۷)، دسموند، اولمر و بادر<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و خوشاوی (۱۳۹۰، ص ۶۳) همسو می‌باشد. آفاگدی و اعتمادی (۱۳۹۱، ص ۴۹) با بررسی نظریه کنترل گلاسر (۱۹۹۷) دریافتند که تمرکز و کنترل بر رفتار خویش باعث افزایش اعتمادبهنه نفس شده و راه را برای تحقق هویت می‌گشاید. رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹، ص ۳۷) نیز نشان داده‌اند هرقدر ثمرة جهت‌گیری مذهبی افراد بیشتر شود، نمرات خودمهارگری آنها نیز افزایش می‌یابد؛ همچنین بین میزان تقید به اعتقادات اسلامی و پایندی به اخلاق با خودمهارگری، رابطه‌ای مثبت و معنادار برقرار است؛ همچنین تحقیقات دسموند، اولمر و بادر (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که بین دین‌داری نوجوانان و خودمهارگری، رابطه مثبت معنادار وجود داشته و هر دو متغیر دین‌داری و خودمهارگری با کاهش رفتارهایی مجرمانه مانند مصرف الکل در ارتباط می‌باشند؛ همچنین خوشاوی (۱۳۹۰، ص ۶۳) در گویه‌های ۳۱-۲۱ پرسشنامه هویت دینی خود، رفتارهای دینی را عاملی مؤثر بر شکل‌گیری هویت دینی می‌داند.

بنابراین همان‌طور که ذکر شد، پژوهش‌های مذکور در پرداختن به بعضی از عوامل مرتبط با هویت و هویت دینی با پژوهش حاضر همسو هستند؛ لکن پژوهش حاضر از جهت جامعیت عوامل هشت‌گانه تسهیل هویت‌یابی نوجوان و ساختار بسته آموزشی، با پژوهش‌های مذکور متفاوت می‌باشد. شایان ذکر است که با تحقیق و تفحص محقق این پژوهش، این نتیجه حاصل شد که قبل از تدوین بسته آموزشی حاضر، تنها یک پژوهش در قالب بسته آموزشی جهت ارتقای هویت دینی نوجوان توسط صیادی (۱۳۹۶) تدوین شده است که تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان پژوهش وی و پژوهش حاضر وجود دارد.

1. Jacobson, J.

2. Desmond, S. A, Ulmer, J. T, & Bader, C. D.

پژوهش حاضر با پژوهش صیادی (۱۳۹۶) از حیث پرداختن به موضوع هویت دینی نوجوان در قالب هشت جلسهٔ آموزشی، با پژوهش حاضر شباخت داشته و همسو می‌باشد، لکن از نظر محتوایی، صیادی (۱۳۹۶) در تدوین بستهٔ آموزشی، مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی را مدنظر قرار نداده است؛ درحالی که پژوهش حاضر بر مبنای دو مؤلفه از مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی، یعنی «هشیاری» و «خودپایی» تدوین شده است؛ همچنین برخلاف پژوهش حاضر، در متغیرهای بستهٔ آموزشی صیادی (۱۳۹۶)، مبنای اسلامی لحاظ نشده است.

با توجه به اینکه «هویت دینی» جنبهٔ خودشناسی و معرفت نفس داشته (نوری، ۱۳۹۵، ص ۱۵) و به معنای دستیابی فرد به یک تعریف منسجم دینی از «خود» (فیاض، ۱۳۸۸، ص ۳۸) و انتخاب و پذیرش آگاهانهٔ مجموعهٔ باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتارهای فردی و اجتماعی دینی است که افراد همراه با پاییندی، از خود بروز می‌دهند (نادری و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۹)؛ بنابراین می‌توان نتیجهٔ گرفت که هویت دینی به خودی خود امری آموزش‌پذیر و آموختنی نبوده و بلکه امری یافتنی است؛ لذا هر فردی بر اساس میزان و نوع شناخت از خود، اعم از شناخت به اهداف زندگی، باورها بنیادین دینی، ارزش‌های مطلوب و جایگاه خود در عالم، هویت دینی‌اش را می‌یابد. بهیان دیگر، هر کمکی در جهت شکل‌گیری هویت دینی افراد، کمک به یافتن هویت دینی ایشان است.

همچنین می‌توان نتیجهٔ گرفت که هویت دینی؛ یعنی «انسجام خود بر اساس آموزه‌های دینی» با این توضیح که فرد زمانی هویت دینی خود را می‌یابد که بتوانند جنبه‌های مختلف زندگی‌اش را (از جمله باورها، ارزش‌ها و اهداف) بر اساس آموزه‌های دینی در ساختار منسجم خود قرار داده و بر طبق آن زندگی کند، بهصورتی که بین باورهای درونی و رفتارهای بیرونی اش هماهنگی وجود داشته باشد؛ بنابراین اگر بین باورهای درونی و رفتارهای بیرونی شخص، ناهمانگی وجود داشته باشد، می‌توان گفت که هویت دینی وی، بهصورت کامل نگرفته است؛ لذا شرفی (۱۳۸۱، ص ۹۵)، سنگ بنای هویت دینی را، «تعهد و پاییندی» به دین و جامعهٔ دینی معرفی می‌کند.

همچنین با توجه به جایگاه هویت‌یابی در دورهٔ نوجوانی (اریکسون، ۱۹۶۸) و ارزش و جایگاه کلیدی «هویت دینی» در بین انواع دیگر «هویت»، مبنی بر اینکه هویت دینی سبب جهت‌دهی به دیگر جنبه‌های هویتی فرد شده و با بدست‌آوردن آن، به هویت‌های دیگر نیز جهت داده می‌شود (خیری، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ بنابراین می‌توان این گونه نتیجهٔ گرفت که کمک به نوجوان برای تسهیل در هویت‌یابی دینی، امری ضروری است که باعث شکل‌گیری هویت وی در دیگر جنبه‌های هویت خواهد شد. البته باید توجه داشت که آماده‌سازی نوجوان جهت یافتن هویت دینی، به آموزش منسجم در قالب جلسات آموزشی بر اساس مبانی اسلامی و روان‌شناختی نیاز دارد، که در پژوهش حاضر سعی شد به این ضرورت پرداخته شود.

## منابع

- قرآن کریم.
- آفگانکی، پریسا و اعتمادی، احمد (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گالاسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان. مطالعات روان‌شنختی، ۵(۳)، ۳۳-۵۶.
- ارشد خرگردی، محمودرضا (۱۳۸۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران هویت در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- بیابان‌گرد، اسماعیل و پورنوروز، منیژه (۱۳۸۴). بررسی هویت در برنامه‌های نوجوان شبکه‌های یک و دو سیما. پژوهش‌های ارتقاطی، ۴(۲)، ۳۹-۶۴.
- تمیمی امدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرالحکم و درر الكلم. قم: دارالكتب الإسلامية.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شنختی هویت ملی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰). روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و پهداشتی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسین زاده، داوود؛ عزیزی، غلامرضا و شوقي، بهزاد (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در تحکیم هویت دینی داش آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردي آموزش و پرورش اسلامشهر). پژوهش‌های انتقادی کلامی (علوم اسلامی)، ۲(۲)، ۵۳-۷۳.
- خاکشور، فاطمه؛ غباری‌بناب، باقر و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معانی زندگی. روان‌شناسی و دین، ۲۲(۶)، ۴۶-۵۴.
- ازاد اسلامی نجف‌آباد، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- خبری، حسن (۱۳۸۷). آینده دینی جهان از نظر جامعه‌شنختی. معرفت، ۱۷(۱۲۷)، ۳۳-۴۶.
- رجایی، علیرضا (۱۳۸۷). درمان شناختی هیجانی - دینی. چکیده مقالات همایش منطقه‌ای شیوه‌های نوین ارتقای سلامت روانی. دانشگاه آزاد اسلامی تربیت‌جام.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمدمحسن و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸). باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان. روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۲۲(۶)، ۹۷-۱۰۸.
- راهنمای علمی مدیریت و کنترل ذهن. تهران: اونلا.
- رفیعی‌هرن، حمید (۱۳۹۵). روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رفیعی‌هرن، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری. فصلنامه روان‌شناسی و دین، ۳(۱)، ۳۱-۴۲.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۶). روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی. قم: دارالحدیث.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد، و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های تعابی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۸)، ۷۸-۳.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). جوان و بحران هویت. تهران: سروش.
- صادقی سرشت، علی (۱۳۹۸). تدوین مداخلات روان‌شنختی (مراحل و شیوه تدوین). قم: دارالحدیث.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۱). نوشه‌های پراکنده (برگردان‌هایی در باب زبان‌شناسی). تهران: علمی.
- صیادی، فرزاد (۱۳۹۶). ساخت بسته آموزشی ارتقای هویت دینی در نوجوانان و بررسی اثربخشی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- فرهوش، مجتبی (۱۳۹۹). تدوین بسته آموزشی تعديل کمال‌گرایی نسبت به همسر با رویکرد شناختی - رفتاری با تأکید بر منابع اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- فیاض، ایراندخت (۱۳۸۸). پرسشگری راهبرد هویت پایدار دینی در قرآن کریم. تعلیم و تربیت، ۹۶(۲۵)، ۳۷-۶۶.
- دیبرستان. پایان نامه کارشناسی آزاد اسلامی تهران. کهندانی، آمنه؛ شیرازی، فائزه و عسگری، فاطمه (۱۳۹۴). نوجوانی و رابطه آن با بحران هویت. همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی، ۱.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نی.

- گنجی، محمد؛ نعمت‌اللهی، زهرا و طاهری، زهرا (۱۳۸۹). رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم شهر کاشان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱(۴)، ۱۲۳-۱۴۴.
- ماهروزاده، طبیه (۱۳۹۲). جهانی شدن و هویت دینی نوجوانان. *تریبیت اسلامی*، ۱۶(۸)، ۱۳۹-۱۶۲.
- منقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). *كتن العمال في سنن الأقوال والأفعال*. ترجمه فروزنده شهبازلو تهران: دار الكتب العلمية.
- منک‌تیلو، جیمز (۱۳۸۸). مدیریت زمان در کار و زندگی. *ابراهیم* (۱۳۹۴). فراتر کیب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه هویت دینی. نادری، احمد؛ چیتساز، محمدجواد و شیرعلی، ابراهیم (۱۳۹۵). مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع مطالعات ملی، ۱۶(۵۳)، ۲۷-۴۴. نوری، نجیب‌الله (۱۳۹۵). مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۴(۲)، ۷-۲۶.

- Bell, D. M. (2009). Religious identity: Conceptualization and measurement of the religious self (Doctoral dissertation, Emory University).
- Desmond, S. A., Ulmer, J. T. & Bader, C. D. (2008). Religion, prosocial learning, self-control, and delinquency. Manuscript submitted for publication.
- Erikson, E. H. (1968). Identity: Youth and crisis (No. 7). WW Norton & company.
- Jacobson, J. (2006). Islam in transition: religion and identity among British Pakistani youth. Rutledge.
- Oppong, S. H. (2013). Religion and Identity. *American International Journal of Contemporary Research*, 3(6), 10-16.



## تدوین مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی

### Developing a Theoretical Model of Sex Education Based on Islamic Thought

نوید خاکبازان / استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

علی ابوترابی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

حمید رفیعی‌هنر / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

Navid Khakbazan / Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences,  
University of Religions and Denominations, Qom, Iran n.khakbazan@urd.ac.ir

Ali Aboutorabi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and  
Research Institute, Qom, Iran

Hami Rafiei Honar / Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom,  
Iran

#### Abstract

This study aimed to develop a theoretical model of sex education based on Islamic thought and to assess its validity. This research employed both qualitative and quantitative methods. In the qualitative section, relevant texts were collected using 48 related keywords, resulting in the selection of 2873 verses, hadiths, and statements from Muslim scholars after the screening stages. Grounded theory was used for text analysis. Through purposeful sampling, 766 codes were identified in the open coding stage, 78 axial codes in the first stage, 13 axial codes in the second stage, 4 selective codes as major categories, and 1 core category, leading to the development of the theoretical model of sexual education based on Islamic thought. In the quantitative section, the content validity index of the model was

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر حاضر تدوین مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی و سنجش میزان روایی آن بود. با توجه به هدف، این پژوهش دارای دو روش کیفی و کمی بود. در بخش کیفی، در قسمت جمع آوری متون ابتدا با استفاده از روش حوزه‌های معنایی به وسیله ۴۸ کلیدواژه مرتبط جمع آوری شده، ۲۸۷۳ آیه، حدیث و کلام اندیشمند مسلمان بعد از مراحل غریبان برگزیده نهایی گردید. در قسمت تحلیل متون، از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. بدین منظور با استفاده از نمونه گیری هدفمند بر اساس اصل اشباع، ۷۶۶ کد در مرحله کدگذاری باز، ۷۸ کد محوری در مرحله اول، ۱۳ کد محوری در مرحله دوم، ۴ کد انتخابی به عنوان مقوله عمده و ۱ مقوله هسته مرکزی شناسایی و مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی ترسیم شد. در بخش کمی، با به کارگیری روش ارزیابی نظرات کارشناسان شاخص روایی

evaluated by 11 experts using purposeful and snowball sampling methods. The findings indicated that the theoretical model of sexual education based on Islamic thought includes five foundations (God-centeredness in thoughts, desires, and sexual behaviors, selectivity with the possibility of unconscious influences, continuity, adherence to social norms, and regulation of sexual matters), two strategies (control and foresight), four components (emotion-centered sexual behavior, eudemonic pleasure taking, committed sexual behavior, and observance of sexual boundaries), and one outcome (eudemonic pleasure taking health). The results of this study provide a suitable basis for developing sexual education programs and designing educational packages for developmental stages.

**Key words:** Sexual Education, Sexual Health, Islamic Thought, Theoretical Model, Grounded Theory, Happiness centering.

محتوایی مدل از ۱۱ متخصص به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی سنجیده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی دارای پنج مبنا (خدامحری در افکار، امیال و رفتار جنسی، انتخابگری با امکان تأثیرات ناخوداگاه، پیوستاری بودن، رعایت هنجارهای اجتماعی و قانونمندی امور جنسی)، دو راهبرد (مهارگری و آینده‌نگری)، چهار مؤلفه (عاطفه محور بودن رفتار جنسی، لذتبری سعادت محور، رفتار جنسی متعهدانه، رعایت مرزهای جنسی) و یک پیامد (سلامت جنسی سعادت محور) می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش بستر مناسبی برای تدوین برنامه آموزش جنسی و طراحی بسته‌های آموزشی برای دوره‌های تحولی را فراهم کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش جنسی، سلامت جنسی، اندیشه اسلامی، مدل نظری، نظریه داده‌بنیاد، سعادت محوری.

## مقدمه

مدل آموزش جنسی<sup>۱</sup>، فرایند دستیابی به آگاهی‌ها و مهارت‌های مرتبط با مسائل جنسی است (شارون، گونن و لینتسکی،<sup>۲</sup> ۲۰۲۰؛ گارزن اورجیولا و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۲۰) که سلامت جنسی، کیفیت زندگی و بهزیستی روانی را بهبود می‌بخشد (کنیگ و کوستوفسکی،<sup>۴</sup> ۲۰۱۹). آموزش جنسی<sup>۵</sup> ممکن است توسط مدارس یا کلاس‌های آموزشی مرتبط تعلیم داده شود و این آموزش‌ها با سن و تجربه جنسی

1. The model of sexuality education
2. Sharon, D., Gonen, A. & Linetsky, I.
3. Garzón-Orjuela, N., Samacá-Samacá, D., Moreno-Chaparro, J., Ballesteros-Cabrera, M. & Eslava-Schmalbach, J.
4. Kenig, N. & Kostovski, D.
5. sex education

شرکت کنندگان تناسب دارد (ایزر، کر، فیشر، هیوود و لوکه،<sup>۱</sup> جاهان،<sup>۲</sup> رو، سینکلر، هیرانو و باربور،<sup>۳</sup> هرات، پلسونس، کستل، باب و چاندرا مولی،<sup>۴</sup> ۲۰۱۸) و تمام جوانب هویت از جمله نژاد، فرهنگ، دین و قومیت را در نظر می‌گیرد (وبستر و تلینگاتور،<sup>۵</sup> ۲۰۱۶).

آموزش‌های جنسی موجود به توصیف کالبدشناسی انسان (شامل یک عضو جنسی یا دیگر قسمت‌های بدن که در تولید مثل نقش دارند) می‌پردازد؛ همچنین اطلاعات پایه درباره دخول، سلامت تناسلی، ارتباطات عاطفی، روش‌های صحیح استفاده وسائل پیشگیری از بارداری، قاعدگی، بارداری و دیگر جوانب رفتار جنسی را در کنار آموزش در گسترش آگاهی درباره سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی به افراد می‌دهد (ناگپال و فرناندر،<sup>۶</sup> ۲۰۱۵).

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی،<sup>۷</sup> برنامه‌های آموزش جنسی برای افرادی که فعالیت جنسی خود را آغاز نکرده‌اند و نیز برای افرادی که فعالیت جنسی خود را آغاز کرده‌اند، یک نیاز به حساب می‌آید (نز،<sup>۸</sup> ۲۰۱۴)؛ همچنین تعداد زایمان‌های ناخواسته و سقط جنین را کاهش می‌دهد و مانع بیماری‌هایی می‌شود که از طریق فعالیت جنسی و روابط نزدیک جنسی منتقل می‌شود (مايمونا،<sup>۹</sup> ۲۰۱۹)، و هم جلوگیری از پیامدهای منفی سلامت جسمی و روانی می‌کند (کرامر،<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۹).

برنامه‌های رسمی آموزش جنسی موجود در چهار دسته برنامه‌های مبتنی بر خویشتن‌داری، تنها آموزش جنسی،<sup>۱۱</sup> خویشتن‌داری به همراه آموزش جنسی،<sup>۱۲</sup> پیشگیری از ایدز و برنامه‌های جامع آموزش جنسی معرفی می‌شوند (دلاماتر،<sup>۱۳</sup> ۲۰۰۷). راهنمای برنامه جامع آموزش جنسی نیز پس از انتشار مطالعه آموزش بهداشت مدارس در اوخر دهه ۱۹۶۰ الگوبرداری شد (یونسکو، ۲۰۰۹).

آموزش مسائل جنسی شامل دانش علمی و اطلاعات جامع در مورد تمایلات جنسی انسان نه تنها از جنبه‌های فیزیولوژیکی؛ بلکه به لحاظ روانی و اجتماعی است (کانکایا و الن دیکمن،<sup>۱۴</sup> ۲۰۱۹)؛

1. Ezer, P., Kerr, L., Fisher, C. h., Heywood, W. & Lucke, J.

2. Jahan, R.

3. Rowe, D., Sinclair, J., Hirano, K. & Barbour, J.

4. Herat, J., Plesons, M., Castle, C., Babb, J. & Chandra-Mouli, V.

5. Webster, C. R. & Telingator, C.

6. Nagpal A. N. & Fernandes, C.

v. WHO

8. Naz, R.

9. Maimunah, S.

10. Kramer, A.

11. abstinence only sexuality education

12. abstinence plus sexuality education

13. DeLamater, J.

14. Çankaya, S. & Alan Dikmen, H.

به عنوان مثال محمدی، حسن‌زاده و حیدری (۲۰۰۷) معتقدند محتوای برنامه آموزش جنسی باید در شش محور مورد بحث قرار گیرد: ۱. رشد انسان که شامل کالبدشناسی تولید مثل و فیزیولوژی انسانی است؛ ۲. روابط که شامل رابطه با خانواده و دوستان و روابط نزدیک زناشویی است؛ ۳. مهارت‌های فردی که شامل ارزش‌ها، تصمیم‌گیری، ارتباطات و مذاکره با دیگران است؛ ۴. رفتار جنسی که شامل تمایل و اجتناب از روابط جنسی است؛ ۵. سلامت و بهداشت جنسی که شامل روش‌های مقابله با سوءاستفاده جنسی، پیشگیری از ایدز، حاملگی و بیماری‌های منتقله جنسی است؛ ۶. فرهنگ و اجتماع که شامل نقش‌های جنسیتی، جنسیت و مذهب است (محمدی، حسن‌زاده و حیدری، ۲۰۰۷).

مک‌گی، هافنر، پودگورسکی و ویلسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) معتقدند سیاست‌های در حال تغییر دولتها، تضاد بین علم و جهان‌بینی و محیط‌های ناپایدار، مسئله آموزش جنسی را با چالش مواجه کرده است؛ از این رو می‌باشد در تدوین برنامه‌های آموزش جنسی به مدل نظری حاکم بر آن نیز توجه نمود؛ چراکه پژوهشگران (دیویس،<sup>۲</sup> ۲۰۲۰؛ کلونان روی،<sup>۳</sup> ۲۰۱۹؛ چاندرا - مولی، گومز - گاربرو، پلسون، لانگ و وارگاس،<sup>۴</sup> ۲۰۱۸) معتقدند اطلاعات نادرست در مورد مسائل جنسی، خطر ایجاد انواع اختلالات جنسی، رفتارهای پرخطر، بیماری‌های مقاربتی، کاهش لذت جنسی، بارداری‌های ناخواسته و مسائل خانوادگی و زناشویی را افزایش می‌دهد.

بنابراین در فرایند تولید و اجرای برنامه‌های آموزش جنسی موجود، طراحان و سیاست‌گذاران برنامه‌ها، به مدل‌های نظری تجربی به عنوان پایه و اساس برنامه انتکا می‌نمایند. مدل‌های نظری طراحان برنامه را قادر می‌سازد تا روش‌های آموزشی که بیشترین اثربخشی را بر ارتقای سلامت جنسی دارد، تعیین کنند. مدل‌های نظری که پایه‌های نظری را برای برنامه‌های آموزش جنسی موجود فراهم می‌سازند، عبارت‌اند از: نظریه شناختی اجتماعی<sup>۵</sup> بندورا<sup>۶</sup> (۱۹۸۶)، مدل فرانظریه‌ای<sup>۷</sup> دکلمنته و پروچسکا<sup>۸</sup> (۱۹۸۳)، نظریه عمل مستدل و نظریه رفتار برنامه‌مند (طرح‌ریزی شده)<sup>۹</sup> آجزن و مدن<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۶) و مدل اطلاعات، انگیزش و مهارت‌های رفتاری IMB<sup>۱۱</sup> فیشر و فیشر<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۲).

1. McGee, M., Haffner, D., Podgurski, M. & Wilson, P.
2. Davies, C. h.
3. Clonan-Roy, K.
4. Chandra-Mouli, V., Gómez Garbero, L., Plesons, M., Lang, I. & Vargas, E.
5. Social Cognitive Theory
6. Bandura, A.
7. Transtheoretical Model
8. Diclemente, C. & Prochaska, J.
9. Theory of Reasoned Action & Theory of Planned Behaviour
10. Ajzen, I. & Madden, T.
11. Information, Motivation and Behavioural Skills(IMB) Model

نظریه شناختی اجتماعی بندورا به ساختاری چند عاملی در ارتقای سلامت توجه دارد و تأکید اصلی نظریه بر این موضوع است که مردم با مشاهده، تقلید و الگوبرداری از یکدیگر یاد می‌گیرند. از این نظریه به شیوه‌های مختلف در برنامه‌های آموزش جنسی و افزایش سلامت جنسی به‌طور غیرمستقیم به کار می‌رود؛ به عنوان مثال از این نظریه برای ارتقای وضعیت سلامت نوجوانان پسر در تعامل با پدر خود با در میان گذاشتن موضوعات جنسی توسط پدران استفاده شده است. نتایج پژوهش‌ها پیامدهای مشتبی را در زمینه ارتقای سلامت جنسی نشان نداده‌اند و بیشترین اثربخشی بر افزایش سطح خودکارآمدی در تصمیم‌گیری را شاهد هستیم (Dilorio, Mc Kary و Denzmore, ۲۰۰۶).

مدل فرانظریه‌ای پروچاسکا و دکله منته تغییر رفتار را به عنوان یک فرایند در نظر می‌گیرد نه یک رویداد واحد. این مدل با پیوستاری پنج مرحله‌ای از پیش تأمل، تأمل، آمادگی، عمل و پایداری زمینه را برای مداخلات و آموزش جنسی فراهم می‌سازد. از این مدل بیشتر در کلینیک‌های مخصوص ارتقای جنسی نوجوانان استفاده می‌شود و کمتر شاهد اثربخشی آن برای سایر سنین هستیم (پروچاسکا و دکله منته، ۱۹۸۳). نظریه عمل مستدل و نظریه رفتار برنامه‌مند آجزن و مدن مدل نظری‌ای است که برای مداخلات مرتبط با پیشگیری بیماری‌های مراقبتی (ایدز) طراحی شده است. این الگوها ابزاری است که بر قصد و نیت افراد برای رفتار به شیوه‌ای معین تأکید دارد که نیت افراد توسط نگرش‌ها یا هنجار ذهنی مرتبط با رفتار تعیین می‌شود (Bosompra, ۲۰۰۱).

مدل نظری فیشر و فیشر به مداخلات مبتنی بر کاهش موقعیت‌های پرخطر جنسی و تعداد شرکای جنسی منجر شده است، که مؤلفه‌های این مدل اطلاعات، انگیزش و مهارت‌های رفتاری هستند. سه عنصر موجود در نظریه به افراد کمک می‌کند تا رفتارهای مناسب با حوزه سلامت جنسی را تجربه کنند (فیشر، فیشر، برایان و میسوویچ، ۲۰۰۲).

على رغم آنکه نزدیک به دو دهه از نهادینه شدن آموزش‌های جنسی مبتنی بر چنین مدل‌های نظری در کشورهای غربی می‌گذرد (مک‌کی، بایرز، ویز، هامفریز و مارکهام، ۲۰۱۴؛ وايت و فولرتون، ۲۰۱۳)، در عین حال پژوهشگران (شارون، گونن و لیتسکی، ۲۰۲۰؛ بلکی و اوبارد، ۲۰۱۷) بر این باورند که خلاً مدل

1. Fisher, J. D., & Fisher, W. A.

2. Dilorio, C., McCarty, F. & Denzmore, P.

3. Bosompra, K.

4. Bryan, A. & Misovich, C.

5. McKay, Byers, Voyers, Humphreys, & Markham

6. Wight, & Fullerton

7. Blakey & Aveyard

نظری جامع و کارآمد در برنامه‌های آموزش جنسی قابل مشاهده است. اوس<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) نیز معتقد است یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نیاز به بازسازی مدل مفهومی آموزش جنسی و اتخاذ یک مدل مناسب است. از همین رو سند<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) تصریح می‌کند که دست‌اندرکاران آموزش جنسی باید ذهنیت جدیدی ایجاد کنند و با در نظر گرفتن الگویی صحیح، فرهنگ‌سازی و پذیرش آموزش جنسی مورد توجه قرار گیرد. تحقیقات متعددی که در داخل کشور به انجام رسیده است نیز حاکی از نیاز مبرم و روزافزون به تدوین مدل آموزش جنسی است (ریحانی اصل و خیاطان، ۱۳۹۶)؛ چراکه نمی‌توان از آموزش صحیح جنسی غفلت کرد، بلکه در جهت دستیابی به اهداف مطلوب و جهت دادن فعالیت‌های جنسی باید کوشش نمود. فعالیت‌های جنسی بدون جهت‌دهی صحیح و برخورداری از الگوی معین، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد که سلامت جسم و روان را به خطر می‌اندازد (فقیهی، ۱۳۸۷). مبتدی و همکاران (۱۳۹۶) نیز تصریح می‌کنند در جامعه‌ ما با وجود سطح سواد نسبتاً بالا در ایران که راه را برای برنامه‌های آموزشی هموار می‌کند، سیستم مراقبت‌های سلامت اولیه کارآمد، برنامه‌های تنظیم خانواده و برنامه‌های ملی برای سلامت باروری جوانان، موضوع آموزش جنسی به‌طور کافی مورد عنایت قرار نگرفته و الگوی نظری برای آموزش جنسی نیز وجود ندارد و به یک ضرورت مغفول تبدیل شده است.

بررسی پژوهش‌های اسلامی نیز نشان می‌دهد در برخی موارد پژوهشگران در ضمن مسئله کلی تربیت از دیدگاه اسلام به تربیت جنسی نیز پرداخته‌اند (ابوعاشق، ۲۰۰۱؛ مطهری، ۱۳۸۹؛ رفیعی، ۱۳۷۹؛ قطب، ۱۳۷۵؛ امینی، ۱۳۶۸)؛ همچنین برخی پژوهش‌ها حوزه محدودتری از تعالیم اسلامی را مورد بررسی قرار داده و به تربیت جنسی از منظر سنت پیامبر<sup>۳</sup> (پورامینی، ۱۳۸۳) یا امیرالمؤمنین<sup>۴</sup> (ثابت، ۱۳۷۹) و یا اندیشمدنان اسلامی (بهشتی، ۱۳۸۵) پرداختند. برخی پژوهش‌ها نیز به دنبال ارائه روش‌های تربیت جنسی مبتنی بر آیات و روایات هستند (ستوده‌نیا و رمضانی، ۱۳۹۴؛ زارع و ایزانلو، ۱۳۹۴؛ مشایی و شاهد، ۱۳۹۴). اما تا آن مقدار که محقق جست‌وجو نموده است، پژوهشی به تدوین مدل نظری آموزش جنسی با رویکرد اسلامی نپرداخته است.

اسلام با نگاه همه‌جانبه به انسان در صدد رشد همه‌جانبه وجودی اوست؛ از این‌رو حتی در موضوع‌های مرتبط با مسائل جنسی، توصیه‌ها و دستورالعمل‌های بسیاری صادر نموده است (بنیانی، ۱۳۹۸)، که به نظر می‌رسد می‌تواند به عنوان یک مدل نظری جامع و یکپارچه، ضمن پوشاندن ضعف‌های رویکردهای موجود و پیشگیری از آسیب‌های مرتبط با این حوزه، به ارتقای سلامت جنسی ناظر به سعادت و کمال پایدار وی بپردازد.

1. Owis, Y.

2. Sand, L.

در قرآن و حدیث و به تبع آن در کتاب‌های اخلاقی و فقهی به‌ویژه در موضوع نکاح، به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوعات جنسی، در دوره‌های مختلف پرداخته شده است (فقیهی، ۱۳۸۷). البته از سوی دیگر اصطلاح یا کلیدواژه‌های مترادف با آموزش جنسی در متون اسلامی نیز وجود ندارد، اما با توجه به اهمیت موضوع و نقشی که در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد ایفا می‌نماید، مفاهیم مختلفی در آموزه‌های اسلامی که به نوعی ناظر به آموزش جنسی و حاکی از نظام به‌هم‌پیوسته معنایی می‌باشد، به تبیین این موضوع پرداخته است.

از همین‌رو آموزه‌های اسلامی جایگاه منحصر به‌فرد و نگاه ویژه‌ای به بعد جنسی داشته و برای آن رهنمودهایی دارد (نساء: ۱؛ شوری: ۱۱؛ روم: ۲۱). به رسمیت شناختن لذت جنسی (کلینی، ۱۴۰۷ق)، خویشن‌داری جنسی (مؤمنون: ۱-۲۹؛ معارج: ۳۱-۲۹؛ احزاب: ۳۵)، ازدواج (نساء: ۲۵)، ارتباط و کنش جنسی زوجین (مقاربت، مجامعت، مضاجعت، دخول، اتیان، موقعه، رفت)، چرخه تولید مثل (نساء: ۳۴)، مواجهه با مسائل جنسی پیش از ازدواج (نور: ۳۰)، حدود، روش‌ها، مکان و زمان رابطه جنسی (لیشی واسطی، ۱۳۷۶)، مجلسی، ۱۴۰۳ق)، نحوه تعامل با فرزندان بالغ (مؤمنون: ۵)، نحوه تعامل با جنس مخالف (نور: ۳۰)، حریم روابط (کلینی، ۱۴۰۷ق)، احکام و حقوق جنسی همسران (نوری، ۱۴۰۸ق)، توجه به انحرافات جنسی و رفتارهای جنسی حرام؛ همچون لواط، مساحقه، زنا، خودارضایی، ارتباط جنسی با حیوانات، خیال‌پردازی جنسی، چشم‌چرانی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق)، پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاکدامنی؛ همچون عفت، حیا، تقوی، حجاب و غیرت (کلینی، ۱۴۰۷ق)، رفتارهای ناهمانگ با جنسیت در پوشش، آرایش، راه رفتن و حرف زدن (مجلسی، ۱۴۰۳ق) و سایر محتواهای جنسی از جمله مؤلفه‌هایی است که در آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مسئله‌ی که می‌تواند تبیین کننده مدل نظری آموزش جنسی بر اساس دیدگاه اسلامی باشد و به سؤالات متعددی از جمله ضرورت آموزش جنسی، سن تحولی، صریح یا غیرمستقیم بودن و روش‌های مناسب آموزش جنسی پاسخ دهد.

مسئله آموزش جنسی به صورت تدوین شده در متون دینی وجود نداشته‌اند و می‌باشد با تلاش علمی و روش‌مندانه به مطالعه متون پرداخت و پارهایم مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و مدل نظری حاکم بر آن را به دست آورد و سپس تدوین و تنظیم نمود. آن‌گونه که محقق جست‌وجو نموده است، پژوهشگرانی که در حوزه جنسی از دیدگاه اسلام، مطالعاتی را داشته‌اند (سعادت‌فرد، خلوتی جابری، قلتاش و سعادت‌فرد، ۱۳۹۴؛ فاکر میدی و فاکر، ۱۳۹۲؛ کجبا، ۱۳۸۴؛ فقیهی، ۱۳۸۷؛ فقیهی، ۱۳۸۷)، شکوهی، یکتا و پرنده، ۱۳۸۷؛ اسلامیه، ۱۳۸۵؛ فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۵؛ دوایی و بنی سی، ۱۳۸۴؛ تهذیبی و جوادنیا، ۱۳۸۴؛ پورامینی، ۱۳۸۳؛ ثابت، ۱۳۸۲) به مفهوم‌شناسی تربیت جنسی، ضرورت، اهداف، ابعاد و شیوه‌های آن توجه داشتند. در همین راستا فقیهی (۱۳۸۷) معتقد است که تربیت جنسی،

عبارت است از اینکه فرد در دوره‌های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی به‌گونه‌ای پرورده شود که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد (فقیهی، ۱۳۹۳). بهشتی (۱۳۸۵) مهم‌ترین هدف تربیت جنسی را حس مسئولیت و آگاهی از واقعیت‌های مسائل جنسی می‌داند. کجاف (۱۳۸۴) نیز معتقد است تربیت جنسی معنای وسیع‌تری از آموزش جنسی دارد و نه تنها احساس جنسی را دربر می‌گیرد؛ بلکه دارای ویژگی رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است. از همین‌رو پژوهش‌های مذکور تمرکزشان در تربیت جنسی بوده و مدل آموزش جنسی با رویکرد اسلامی را استخراج و طراحی نکرده‌اند.

پستدیده (۱۳۸۶) و عباسی (۱۳۹۶) نیز پژوهش‌هایی در زمینه برنامه‌های مبتنی بر پرهیز (خویشتن‌داری) داشتند که علاوه بر اینکه مدل نظری آموزش جنسی را طراحی و استخراج نکرده‌اند، به مبانی فلسفی آموزش جنسی نیز نپرداخته‌اند. بر همین اساس پیش‌فرض‌های موجود از قبیل نگرش حداقلی به هدف آموزش جنسی را پذیرفته و یا آن را مورد توجه قرار نداده‌اند. نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به سلامت و اختلالات جنسی همسران از دیدگاه اسلامی پرداخته و مسئله آموزش جنسی را مورد بحث و بررسی کافی قرار نداده است. بنیانی (۱۳۹۸) نیز الگوی سلامت جنسی همسران از دیدگاه اسلامی را استخراج و طراحی نموده است، اما فقط در بخشی از پژوهش خویش به ضرورت تدوین مدل نظری و برنامه آموزش جنسی اشاره داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در زمینه مدل نظری آموزش جنسی بر اساس منابع اسلامی و توجه به مبانی فلسفی آن صورت نگرفته است.

پس شایسته است از آموزه‌های اسلامی، مدل نظری برای آموزش جنسی استخراج گردد تا همه ابعاد وجودی انسان را تحت پوشش قرار دهد و ضمن توجه به نیازهای مادی انسان، نیازهای معنوی و اخروی او را نیز به بهترین وجه ممکن مدنظر قرار دهد؛ از این‌رو پژوهش حاضر در صدد است تا مدل نظری آموزش جنسی از منابع اسلامی (با تأکید بر قرآن کریم، روایات و کلام اندیشمندان مسلمان) را استخراج و طراحی نماید.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر، به دو روش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، هر آنچه که مربوط به جمع‌آوری واژگان بود، از روش واحدهای معنایی کمک گرفته شد. در متون دینی واژگانی که مستقیم و

صریح درخصوص آموزش جنسی باشد، وجود نداشت و ناگزیر بر اساس واحدهای معنایی مرتبط با آموزش جنسی، کلیدواژه‌کان شناسایی و سپس اصطلاحات مرتبط با آن استخراج و بررسی گردید. در جست‌وجوی اولیه ۸۳ کلیدواژه یافت شد که در ادبیات لغتشناسان و متخصصان دینی به کار رفته بود؛ سپس با غربال و بررسی‌های بیشتر در مجموع ۴۸ کلیدواژه بدون مشتقات آن شناسایی گردید.

جامعه‌پژوهش نیز شامل کتاب‌ها، مقالات و متون اسلامی از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز نرم‌افزار جامع‌الاحادیث که نمونه‌پژوهش و روش نمونه‌گیری تجمیعی از متن کامل ۴۳۱ عنوان کتاب در ۱۱۵۳ جلد، شامل منابع روایی شیعه به همراه ترجمه و شرح، مشاهده ترجمه‌ها و شروح در کنار متن اصلی کتاب در موضوعاتی همچون اخلاق، ادعیه، تاریخ و تفسیر بود؛ همچنین برای بررسی آثار اندیشمندان مسلمان، پس از مشورت با تعدادی از روان‌شناسان اسلام‌شناس، تعداد هفت نفر از اندیشمندان مسلمان (ابن‌مسکویه، ابن‌سینا، غزالی، خواجه نصیر طوسی، نراقین و مطهری) که در آثار مکتوب خود بحث مفصل‌تری پیرامون آموزش جنسی کرده بودند و یا اینکه در برخی موارد نظراتی بر جسته و کاربردی داشتند، در کنار آیات قرآن و احادیث به عنوان نمونه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شدند.

در قسمت تحلیل متون، از روش نظریه‌دانه‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شد. نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند با توجه به اصل اشباع استفاده شد. بیش از ۲۸۷۳ آیه، حدیث و کلام اندیشمند مسلمان در این مرحله شناسایی گردید. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. با بررسی داده‌های بدست‌آمده در مرحله کدگذاری در مجموع ۷۶۶ کد باز بدون در نظر گرفتن تکرارها شناسایی شد. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که برچسب‌های ذهنی جدگانه به وقایع و پدیده‌ها نسبت می‌دهند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۴). کدگذاری محوری در دو مرحله انجام شد: در مرحله اول کدهای اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند، موارد مشابه و مرتبط به هم ادغام و سپس برای هر کدام عنوانی مناسب انتخاب گردید که در مجموع تعداد ۷۸ کد محوری را تشکیل دادند. همین کار در مرحله دوم نیز انجام شد و کدهای محوری مرحله اول که با یکدیگر مرتبط بودند ادغام و طبقات انتزاعی‌تری را ساختند که تعداد ۱۳ کد محوری را در مرحله دوم شکل دادند. در نهایت در کدگذاری انتخابی این طبقات عمدۀ استخراج ۴ مقوله عمدۀ منجر شد که مقولات اساسی تحقیق را شامل می‌شود. این مقولات عبارت بودند از: مبانی، راهبردها، مؤلفه‌ها و پیامد. پس از آن در این مرحله یک مقوله به عنوان مقوله هسته و مرکزی انتخاب شد و بر محور مقوله مرکزی مدل آموزش جنسی طراحی شد. مقوله هسته این پژوهش آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی بود.

در بخش کمی، با به کارگیری روش ارزیابی نظرات کارشناسان شاخص روایی محتوایی مدل از ۱۱ متخصص به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله بر قدر سنجیده شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، متخصصان روان‌شناسی و اسلام بودند که در تحصیلات آکادمیک روان‌شناسی دارای تحصیلات عالیه (مدرک تحصصی دکترا) و در تحصیلات حوزوی در سطوح خارج (تحصیلات سطح سوم و چهارم) مشغول یا فارغ‌التحصیل بودند. طبق نظر لین (۱۹۸۶، به نقل از: پولیت و بک، ۲۰۰۶) کمترین تعداد کارشناسان باید سه نفر باشند و بیشتر از ده نفر نیز ضرورت ندارد. در این پژوهش برای اطمینان بیشتر از تعداد ۱۱ کارشناس طبق فرم‌هایی در دو سؤال مجزا خواسته شد تا نظرات کارشناسی خود را پیرامون مدل طراحی شده ابراز کنند. در سؤال اول تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آنها خواسته شد تا میزان مطابقت هریک از یافته‌ها (مبانی، راهبردها، مؤلفه‌ها و پیامد) با مستندات بیان کنند. در سؤال دوم تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آنها خواسته شد تا تناسب یا عدم تناسب هریک از یافته‌ها (مبانی، راهبردها، مؤلفه‌ها و پیامد) با شاخص‌های مربوط به آنها را ابراز کنند و شاخص روایی محتوایی این روابط نیز سنجیده شد. در پایان مدل نهایی آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی ترسیم شد.

### یافته‌های پژوهش

به علت حجم گسترده جداول کدگذاری‌های باز و عدم امکان انتشار آن در مقاله، در این بخش تنها جداول کدگذاری‌های محوری و انتخابی و شماره کدگذاری‌های باز نمایش داده می‌شود؛ همچنین به علت اینکه هدف نهایی این پژوهش ترسیم مدل آموزش جنسی است از ذکر یافته‌های جزئی تر همچون تفصیل مبانی، مؤلفه‌ها، راهبردها و پیامدها پرهیز می‌گردد.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل اطلاعات با کدگذاری سه مرحله‌ای

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری		شماره کدهای باز
مقولة هسته‌ای	مقولات عمدۀ	مرحله دوم	مرحله اول	
آموزش جنسی متّبّی بر اندیشه اسلامی	مبانی	خدماتی در فعال سازی افکار، امیال و رفتار جنسی	افکار، امیال و رفتار جنسی متّبّی بر معنویت خداشو	-۳۲۳-۲۸۵-۲۰۶-۱۶۷-۸۸-۸۷-۷۸ ۳۴۳-۳۳۰
			نگرش عبادی به افکار، امیال و رفتار جنسی	-۲۰۷-۱۸۹-۱۷۹-۸۶-۸۲-۷۱-۷۰ -۲۲۲-۲۱۹-۲۱۸-۲۱۷-۲۱۶-۲۰۸ ۴۰۲-۳۶۶-۳۲۲-۳۳۸-۲۲۳
			سيطرة علم و قدرت خداوند در افکار، امیال و رفتار جنسی	۷۶۶-۷۶۵-۷۶۴-۲۷۷-۲۵۶

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	شماره کدهای باز
	تعریف محدودیت و جریمه برای تخطی از چهارچوب‌های دین‌مدارانه در امور جنسی	-۱۶۲-۱۵۲-۱۵۱-۷۹-۷۶-۷۵-۶۴ -۳۸۸-۳۴۴-۳۲۷-۳۲۶-۲۹۶-۲۵۲ ۵۰۳-۴۱۵-۴۱۴
نتخابگری با امکان تأثیرات ناخودآگاه	رفتار جنسی مسئولانه	-۱۵۶-۱۴۶-۱۳۶-۱۰۱-۶۹-۶۶ -۳۱۹-۳۱۸-۳۱۷-۳۱۶-۳۱۳-۳۱۲ ۷۵۷-۷۳۳-۵۳۰-۴۰۸-۴۰۷
	تأثیرات ناخودآگاه در رفتار جنسی	-۳۷۳-۳۳۶-۲۷۱-۲۷۰-۲۲۴-۲۰۸ ۷۴۱-۷۴۰
	رابطه جنسی با هدف فرزندآوری	-۴۵۲-۳۰۶-۲۷۵-۲۶۱-۱۴۴-۸۳ -۶۱۷-۶۱۶-۶۱۳-۵۵۴-۴۸۹-۴۸۷ ۷۲۰-۶۵۳
	داشتن اختیار برای برقراری رابطه جنسی	۳۶۹-۳۶۳-۳۵۶-۴۶-۱۵
رعایت هنجارهای اجتماعی	رفتار جنسی با رعایت چهارچوب ارزش‌های اجتماعی	-۳۸۷-۳۷۴-۱۹۲-۱۲۹-۱۰۸-۶۶ ۷۴۶-۷۲۴-۷۲۳-۶۲۹-۵۷۱-۴۰۹
	نقش خانواده و دوستان در هدایت رفتار جنسی	-۶۲۸-۵۶۸-۵۳۹-۵۳۶-۵۲۸-۵۲۷ ۷۶۲
	پیامدهای اجتماعی اختلالات و انحرافات جنسی	-۴۰۰-۳۹۹-۳۹۶-۳۵۳-۳۴۰-۳۳۹ -۵۲۹-۴۷۹-۴۷۸-۴۷۷-۴۷۰-۴۴۹ ۷۱۱-۶۲۷
پیوستاری بودن	حیامحوری	-۶۸۳-۶۴۶-۴۹۷-۴۲۸-۲۸۳-۲۰۰ ۷۱۲-۶۸۴
	بروز تمایلات جنسی (تحریک محورانه)	۶۶۸-۴۹۷-۲۲۱
	تمرکز بر شکل‌گیری هویت جنسی	-۶۴۵-۶۳۸-۶۲۲-۳۵۰-۳۴۹-۱۴۲ ۶۸۰-۶۷۳-۶۷۲
	پیشگیری و کنترل رفتارهای جنسی	-۲۱۹-۲۱۸-۲۱۷-۲۱۶-۲۰۸-۲۰۷ -۳۴۶-۳۳۳-۲۲۵-۲۲۴-۲۲۳-۲۲۲ -۶۳۳-۶۳۲-۵۴۰-۵۳۹-۵۳۶-۵۳۵ -۶۷۴-۶۶۸-۶۵۶-۶۴۰-۶۳۹-۶۳۴ ۷۰۶-۶۷۵
	شکل‌دهی عادت برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های جنسی	-۶۷۱-۶۶۷-۶۶۶-۶۴۷-۶۳۷-۴۵۳ ۷۱۳-۷۰۲-۷۰۱-۶۹۷

کد گذاری انتخابی	کد گذاری مخوری	شماره کدهای باز
	بیان مسائل جنسی در قالب تمثیل، داستان و معرفی الگو	-۷۰۸-۷۰۵-۶۹۶-۶۷۰-۶۳۶-۶۳۵ ۷۱۰-۷۰۹
	حیامحوری	۷۱۲-۶۸۴-۶۸۳-۶۴۶-۲۸۳-۲۰۰
	بروز تمايلات جنسی (هشيارانه)	۷۴۲-۶۶۸-۳۸۶-۲۲۱
	تمرکز بر تداوم هویت جنسی	-۶۴۵-۶۳۸-۶۲۲-۳۵۰-۳۴۹-۱۴۲ ۶۸۰-۶۷۳-۶۷۲
	پيشگيري و كنترل رفتارهای جنسی	-۳۳۵-۳۳۳-۲۲۵-۲۲۴-۲۲۳-۲۲۲ -۶۳۴-۶۳۲-۶۳۳-۵۴۰-۵۳۹-۳۴۵ -۶۷۵-۶۷۴-۶۶۸-۶۵۸-۶۴۰-۶۳۹ ۷۰۶-۶۹۳-۶۹۲-۶۹۱
	شكل دهی عادت برای پيشگيري از اختلالات و انحرافات جنسی	-۶۷۱-۶۶۷-۶۶۶-۶۴۷-۶۳۷-۴۵۳ ۷۱۳-۷۰۲-۷۰۱-۶۹۷
	آشنايی با تغييرات جسماني و روانی	۷۴۴-۷۴۳-۷۱۵-۶۴۸-۳۰۱-۲۲۰
	يادگيري مقدمات مسائل جنسی	۷۶۳-۷۱۴-۶۷۱-۶۴۷-۵۵۶-۲۲۰
	حیامحوری	-۲۸۳-۴۳۸-۲۰۰-۱۴۸-۱۴۷-۱۲۷ ۴۴۶-۴۴۲-۴۴۱-۴۴۰
	لزوم آماده‌سازی دانش جنسی پيش ازدواج	۶۴۱-۵۷۷-۵۶۱-۵۶۰-۵۵۹-۵۵۷-۵۵۵
	شناخت چرخه جنسی	-۲۴۱-۲۴۰-۲۳۷-۲۳۶-۲۲۷-۱۴۰ ۵۹۴-۵۹۳-۵۹۱-۴۳۶-۲۷۹
	شناخت دستگاه جنسی و فرایند زادآوری	-۵۹۹-۳۰۱-۲۷۶-۱۱۱-۹۸-۹۷-۹۶ -۷۲۸-۶۱۴-۶۰۳-۶۰۲-۶۰۱-۶۰۰ ۷۶۱-۷۶۰
	آشنايی با ويزنگي های همسر	-۳۱۸-۳۱۷-۳۱۶-۳۰۷-۱۹۳-۶۶ -۵۰۰-۴۵۲-۴۲۰-۳۲۹-۳۲۸-۳۱۹ ۵۰۲-۵۰۱
	شناخت اختلالات جنسی و راهکارهای مقابله با آن	۵۶۲-۴۷۶-۴۷۵-۴۶۸-۳۳۲-۳۳۱-۲۴۶

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	شماره کدهای باز	
	شناخت انحرافات جنسی و راهکارهای مقابله با آن	-۳۱۱-۳۱۰-۳۰۸-۲۲۶-۶-۵-۳ -۳۶۳-۳۵۵-۳۴۸-۳۴۲-۳۳۷-۳۳۵ -۴۲۱-۴۱۲-۳۹۵-۳۹۱-۳۸۰-۳۶۴ -۵۰۹-۵۰۸-۵۰۴-۴۷۴-۴۷۳-۴۲۳ -۶۳۰-۵۸۲-۵۸۱-۵۷۰-۵۳۸-۵۳۷ <b>۷۱۶-۶۴۹</b>	
	شناخت میل و نیاز جنسی	<b>۴۸۸-۱۹۷-۱۰۵-۱۰۴-۱۰۰</b>	
	آشنایی با اهداف تشکیل خانواده	<b>۶۷۷-۶۷۶-۵۵۴-۴۹۱</b>	
	آشنایی با تفاوت زن و مرد در مسائل جنسی	-۲۵۳-۲۳۶-۲۳۵-۲۳۴-۱۳۸-۱۲۶ <b>۵۷۴-۴۳۹-۴۳۸</b>	
	آشنایی با حقوق جنسی زن و مرد	-۳۰۲-۲۹۳-۲۹۲-۲۵۵-۲۵۴-۱۵۷ -۴۶۵-۴۶۲-۴۰۹-۳۳۴-۳۰۴-۳۰۳ <b>۴۷۲-۴۶۶</b>	
	آشنایی با آداب دینی مرتبیط با امور جنسی	-۷۲-۶۷-۶۳-۶۱-۶-۱۳-۱۲-۱۰-۷ -۱۷۶-۱۷۵-۱۶۰-۱۵۹-۸۰-۷۹-۷۷ -۲۶۳-۲۵۱-۱۳۳-۲۲۵-۱۸۵-۱۸۴ -۴۵۴-۴۴۸-۳۹۸-۳۰۹-۲۹۹-۲۸۸ <b>۵۳۸-۵۳۷-۵۰۹-۵۰۸-۴۸۲</b>	
قانونمندی امور جنسی	فطری بودن میل و نیاز جنسی	-۲۳۵-۱۱۷-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۰-۹۹-۲ -۵۱۹-۵۱۰-۴۱۱-۳۸۵-۳۸۴-۲۷۸ <b>۷۰۷-۶۶۳-۵۵۳</b>	
	زمان مند و مکان مند بودن رابطه جنسی	-۲۸-۲۶-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۸ -۴۳-۴۱-۳۹-۳۷-۳۵-۳۳-۳۱-۲۹ -۵۷-۵۵-۵۴-۵۲-۵۰-۴۸-۴۶-۴۴ ۵۸۰-۴۸۸-۱۳۳-۹۰-۸۹-۶۴-۶۱-۵۹	
	نقش تغذیه و مراج در لقاح، تعیین جنسیت و ویژگی‌های فرزند	-۶۰۹-۶۰۵-۲۸۰-۱۱۳-۱۰۶-۱۰۵ <b>۶۱۱</b>	
راهبرد	مهارگری	کنترل میل جنسی با رفتارهای دینی	-۵۱۶-۴۴۷-۴۲۷-۴۱۹-۴۱۸-۱۲۰ ۷۳۸-۶۸۶-۶۵۷-۶۲۳-۶۲۱-۵۷۲
		جلوگیری از پیش‌داوری در مسائل جنسی	-۳۷۲-۳۲۶-۳۲۵-۲۶۹-۲۶۸-۱۹۳ <b>۷۰۰-۶۹۹-۴۱۷-۴۱۶</b>

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	شماره کدهای باز	
آینده‌نگری	مراقبت از تخیلات و اندیشه‌های جنسی	-۶۵۴-۶۲۰-۶۱۸-۵۲۰-۳۸۳-۱۸۴ ۷۲۹-۷۲۷-۶۹۰-۶۸۹-۶۷۵-۶۵۶	
	کنترل انحراف جنسی با رفتارهای جایگزین	-۵۱۵-۵۰۲-۴۸۴-۳۸۹-۳۲۴-۱۷ -۵۷۸-۵۷۷-۵۷۶-۵۲۵-۵۲۱-۵۱۷ ۷۳۹-۷۳۷-۶۸۵-۵۸۱	
	اعتداً در ارضای نیازهای جنسی	-۴۱۳-۳۹۵-۲۹۱-۱۵۴-۹۱-۷۴-۸ ۷۳۴-۶۶۲-۶۵۹-۶۵۸-۵۱۱	
	مدیریت میل و رفتار جنسی با تقدیه	-۲۴۸-۲۱۲-۱۱۶-۱۱۵-۱۰۹-۱۰۷ -۴۰۴-۲۸۲-۲۸۱-۲۵۸-۲۵۷-۲۴۹ ۶۸۸-۶۸۷-۶۶۹-۶۲۴	
	آگاهی از پیامدهای رفتار جنسی	-۳۸-۳۶-۳۴-۳۲-۳۰-۲۷-۲۵-۱۹ -۲۴۷-۱۸۷-۸۱-۵۱-۴۷-۴۵-۴۲-۴۰ ۶۴۴-۵۴۲-۵۴۱-۴۷۹-۴۰۳-۲۶۷	
	برنامه‌ریزی برای رفتار جنسی	-۲۹-۲۸-۲۶-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۸ -۴۶-۴۳-۴۱-۳۹-۳۷-۳۵-۳۳-۳۱ -۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۴۹-۴۸ -۴۲۵-۳۶۵-۱۹۹-۹۰-۸۹-۶۱-۵۹ ۴۷۱-۴۶۴-۴۲۶	
	همسرگزینی	-۶۷۶-۵۱۸-۳۹۰-۳۱۴-۱۹۳-۱۲۴-۱ ۷۵۰-۶۸۲-۶۸۱-۶۷۷	
	ازدواج موقت مانع از انحرافات جنسی	-۵۲۴-۵۲۳-۵۲۲-۱۶۱-۱۵۸-۱۵۶ ۷۵۵-۷۵۴-۷۵۳-۷۵۲	
	درنگ در فکر، تصمیم و رفتار جنسی	-۳۱۴-۲۴۷-۲۴۰-۲۳۹-۱۹۹-۱۶۱ ۳۶۱	
مؤلفه	آماده‌سازی پیشینی برای مقابله با آسیب‌های جسمی و روانی	-۳۷۵-۳۳۸-۳۱۵-۲۰۵-۱۲۵-۷۴ -۵۳۳-۴۶۹-۴۱۱-۴۰۱-۳۷۷-۳۷۶ ۷۲۲-۶۷۹-۶۶۹-۵۵۸	
	نظرارت‌گری بر فکر، هیجان و رفتار جنسی	-۳۷۹-۳۶۰-۳۰۵-۲۹۵-۲۹۴-۲۳۹-۹ ۷۱۷-۶۲۵-۵۸۰-۵۰۷-۵۰۵	
	عاطفه محور بودن رفتار جنسی	رفتار جنسی صمیمانه	-۱۷۷-۱۷۲-۱۶۵-۱۶۳-۱۳۴-۸۵-۶۸ -۲۱۱-۱۹۴-۱۹۰-۱۸۲-۱۸۱-۱۷۸ ۷۵۹-۷۳۵-۶۹۵-۵۹۲-۲۷۲-۲۳۸

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	شماره کدهای باز
لذتبری سعادت محور	ایجاد هیجانات مثبت در رفتار جنسی سالم	-۴۹۱-۴۹۰-۴۵۱-۲۷۴-۲۰۵-۲۰۴-۲۰۳ ۷۴۹-۷۳۶-۶۷۸-۵۸۸-۵۸۵-۵۱۲
	دوری از هیجانات منفی در رفتار جنسی سالم	۶۹۸-۵۸۷-۵۸۶-۵۶۵-۵۵۱-۲۷۳-۲۶۰
	مشکلات عاطفی در رفتار جنسی ناسالم	۷۴۷-۴۳۷-۴۰۵-۳۴۱-۳۲۱
	لذت بری جنسی بدون منجر شدن به رفتار جنسی و تولید مثل	۴۶۰-۱۹۷-۱۹۶-۱۸۳-۱۶۴-۱۰۲-۱۶-۱۵
	به کارگیری روش‌های علمی - بهداشتی برای افزایش لذت جنسی	-۱۶۸-۱۶۶-۱۵۳-۱۳۷-۱۳۲ -۱۹۸-۱۹۵-۱۹۰-۱۷۷-۱۷۴-۱۷۳ -۲۴۵-۲۴۴-۲۴۳-۲۴۰-۲۳۲-۲۱۵ -۲۸۲-۲۸۱-۲۶۵-۲۵۰-۲۴۹-۲۴۸ ۵۶۳-۴۹۹
	لذت بردن از همسر با هدف دستیابی به سعادت	-۴۸۱-۲۸۶-۲۸۵-۲۷۷-۱۳۵-۱۲۱ ۷۴۸-۷۳۱-۷۲۱-۷۱۹-۷۱۸-۵۱۳
	توجه به ارگاسم و افزایش تمرکز در رابطه جنسی	-۴۶۷-۲۸۷-۲۲۹-۲۲۸-۱۹۶-۷۳ ۶۵۲-۵۷۹-۵۷۴-۵۴۶-۵۴۵-۵۴۴
	ایجاد محیط ایمن برای رفتار جنسی	-۲۹۷-۲۹۴-۲۷۱-۲۷۰-۲۰۹-۲۰۲ ۴۵۶-۴۵۴-۴۵۳-۴۲۹
	دوری از محیط‌های زمینه‌ساز آسیب‌های جنسی	-۳۷۱-۳۷۰-۳۶۹-۲۲۱-۱۵۰-۱۲۸ -۶۵۵-۶۳۱-۵۴۰-۵۳۴-۵۳۱-۴۲۲ ۷۴۵-۶۹۴-۶۶۵-۶۶۴
	ابراز وجود و پاسخ به نیاز جنسی	-۴۶۱-۴۴۷-۱۸۰-۱۷۱-۱۷۰-۱۱ -۴۵۰-۴۲۴-۳۹۲-۲۸۹-۲۸۴-۴۶۲ -۵۷۵-۵۶۹-۵۶۴-۵۴۳-۵۲۶-۵۱۸ ۷۳۲-۶۶۰-۶۵۲
رفتار جنسی متنهادانه	تعهد و وفاداری به همسر	-۲۶۷-۲۶۶-۲۳۰-۱۹۰-۱۷۳-۱۳۹-۴ -۷۲۶-۵۴۱-۴۸۵-۴۸۴-۳۹۷-۳۹۳ ۷۵۹-۷۵۸-۷۵۶-۷۳-۷۲۷
	تأمین امنیت جنسی همسر	-۳۵۷-۳۵۶-۳۵۵-۳۵۳-۳۵۱-۲۰۱ ۴۳۰-۴۲۹-۳۶۷
	مسئولیت‌پذیری نسبت به همسر در رابطه جنسی	-۲۹۸-۲۹۰-۲۵۵-۲۴۷-۱۴۹-۱۳۰ ۷۵۱-۶۵۱-۵۴۷-۴۸۳-۴۸۰-۳۶۸

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	شماره کدهای باز
رعایت مرزهای روابط جنسی	اجتناب از بدرفتاری، فریب‌کاری، خشونت و بهره‌کشی جنسی	۴۶۲-۴۱۵-۳۶۲-۳۶۱-۳۴۷-۳۴۶-۱۴
	تلاش برای جبران رفتارهای جنسی ناسالم	-۷۰۳-۴۸۶-۴۱۰-۳۵۹-۳۲۰-۱۵۵ ۷۰۴
	مشخص نمودن حدود هر فرد برای روابط جنسی	-۴۹۴-۴۵۵-۳۵۸-۲۰۱-۱۳۱-۹۴-۹۳ ۷۲۵-۶۵۰-۶۴۳
	پوشش مناسب برای همسر و دیگران	-۳۷۸-۳۵۲-۲۲۰-۱۴۷-۱۴۵-۱۴۳ -۴۹۵-۴۹۳-۴۳۳-۴۳۲-۴۳۱-۳۸۱ ۵۳۲-۵۰۶-۴۹۸-۴۹۶
	تعیین مرزهای سالم و ناسالم بودن رابطه جنسی	-۳۱۲-۳۰۹-۲۷۲-۲۷۱-۲۲۵-۲۰۹ -۵۳۰-۵۰۹-۴۷۷-۴۱۳-۳۳۶-۳۲۰ ۷۳۴-۵۳۷
	رعایت رازداری زناشویی	-۵۶۷-۵۵۲-۳۵۴-۲۷۰-۲۰۲-۲۰۰ ۵۶۸
پیامد	سلامت و بهداشت دستگاه جنسی	-۱۲۲-۱۱۹-۱۱۸-۱۱۴-۱۱۲-۹۵-۶۵ -۴۵۹-۴۵۸-۴۵۷-۴۴۵-۱۹۱-۱۴۱ ۶۴۸-۶۱۵-۵۹۸-۴۶۴-۴۶۳-۴۶۱
	مراقبت‌های بهداشتی قبل و بعد از رابطه جنسی	-۱۸۹-۱۸۷-۱۸۶-۱۶۹-۸۴-۶۲-۹ -۲۳۰-۲۱۴-۲۱۳-۲۱۲-۲۱۱-۲۱۰ ۵۹۶-۵۵۸-۵۵۰-۵۴۹-۳۰۰
	مراقبت‌های دوران بارداری و پس از زایمان	-۶۰۶-۶۰۴-۲۶۴-۲۵۹-۱۸۸-۱۱۰ ۶۱۲-۶۱۰-۶۰۸-۶۰۷
	افزایش سلامت با رفتار جنسی سالم	-۵۸۹-۵۸۴-۵۸۳-۵۴۸-۴۳۵-۴۳۴ ۶۶۱-۵۹۷-۵۹۵-۵۹۰
	سلامت جسمانی و روانی با رعایت چهارچوب‌های دینی در امور جنسی	-۳۸۲-۲۴۲-۹۲-۹۰-۵۸-۵۳-۵۱-۴۷ ۶۱۹-۴۹۲-۴۴۴-۴۴۳
	انحرافات جنسی زمینه‌ساز کاهش سلامت	۶۲۶-۵۷۳-۵۱۴-۴۰۶-۳۹۴-۳۴۱

در بخش کمی، به علت حجم گسترده کدگذاری‌های باز، خلاصه‌ای از مستندات مربوط به هر مبانی، مؤلفه، راهبرد و پیامد در اختیار کارشناسان قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۲) می‌آید.

جدول ۲: شاخص روابط محتوایی مدل

بنده	بنزان متراقبه گاهی	بنزان محوری ۱۹	بنزان متراقبه مبانی با	بنزان متراقبه مبانی با	بندان	مبانی
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	رفتار جنسی مسئولانه	انتخاب‌بگری با امکان تأثیرات ناخودآگاه
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	تأثیرات ناخودآگاه در رفتار جنسی	
معتبر	۱	۱	۱	۱	رابطه جنسی با هدف فرزندآوری	
عدم اعتبار		۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۶۳	داشتن اختیار برای برقراری رابطه جنسی	
معتبر	۱	۱	۱	۱	افکار، امیال و رفتار جنسی مبتنی بر منوبیت خداشو	خدمات‌محوری در فعال‌سازی افکار، امیال و رفتار جنسی
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	نگرش عبادی به افکار، امیال و رفتار جنسی	
معتبر	۱	۱	۱	۱	سيطره علم و قدرت خداوند در افکار، امیال و رفتار جنسی	
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	تعیین محدودیت و جزئیه برای تخطی از چهارچوب‌های دین‌مدارانه در امور جنسی	
معتبر		۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱	رفتار جنسی با رعایت چهارچوب ارزش‌های اجتماعی	رعایت هنجارهای اجتماعی
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	نقش خانواده و دوستان در هدایت رفتار جنسی	
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	پیامدهای اجتماعی اختلالات و انحرافات جنسی	
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	حیامحوری	پیوستاری بودن
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	بروز تمایلات جنسی (تحریک محورانه)	
معتبر		۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۰	تمرکز بر شکل‌گیری هویت جنسی	
معتبر	۱	۱	۱	۱	پیشگیری و کنترل رفتارهای جنسی	
معتبر	۱	۱	۱	۱	شکل‌دهی عادت برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های جنسی	
معتبر		۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱	بیان مسائل جنسی در قالب تمثیل، داستان و معرفی الگو	

معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	حیامحوری	چشمگیری و اندیشه‌گذاری
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	بروز تمایلات جنسی (هشیارانه)	
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	تمرکز بر تداوم هویت جنسی	
معتبر	۱	۱	پیشگیری و کنترل رفتارهای جنسی	
معتبر	۱	۱	شکل‌دهی عادت برای پیشگیری از اختلالات و انحرافات جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با تغییرات جسمانی و روانی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	یادگیری مقدمات مسائل جنسی	
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	حیامحوری	چشمگیری و اندیشه‌گذاری
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	لزوم آماده‌سازی دانش جنسی پیش ازدواج	
معتبر	۱	۱	شناخت چرخه جنسی	
عدم اعتدال	۰/۵۴	۰/۵۴	شناخت میل و نیاز جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	شناخت دستگاه جنسی و فرایند زادآوری	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با ویژگی‌های همسر	
معتبر	۱	۱	شناخت انحرافات جنسی و راهکارهای مقابله با آن	
معتبر	۱	۱	شناخت اختلالات جنسی و راهکارهای مقابله با آن	قانونمندی امور جنسی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با تفاوت زن و مرد در مسائل جنسی	
عدم اعتدال	۰/۴۵	۰/۴۵	آشنایی با اهداف تشکیل خانواده	
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	آشنایی با حقوق جنسی زن و مرد	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با آداب دینی مرتبط با امور جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	فطری بودن میل و نیاز جنسی	
معتبر	۱	۱	زمان‌مند و مکان‌مند بودن رابطه جنسی	
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	نقش تعزیه و مزاج در لقا، تعیین جنسیت و ویژگی‌های فرزند	

نتیجه	CVI میزان تابعه کارهای محوری ۱ و ۲	CVI میزان مطابقت راهبرد با مستاندات	راهنمدها
معتبر	۱	۱	کنترل میل جنسی با رفتارهای دینی
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	جلوگیری از پیش‌داوری در مسائل جنسی
معتبر	۱	۱	مراقبت از تخیلات و اندیشه‌های جنسی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	کنترل انحراف جنسی با رفتارهای جایگزین
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	اعتدال در ارضای نیازهای جنسی
معتبر	۱	۱	مدیریت میل و رفتار جنسی با تعذیب
معتبر	۱	۱	آگاهی از پیامدهای رفتار جنسی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	برنامه‌ریزی برای رفتار جنسی
عدم	۰/۷۲	۰/۷۲	درنگ در فکر، تصمیم و رفتار جنسی
معتبر	۱	۱	همسرگرینی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	ازدواج موقت مانع از انحرافات جنسی
معتبر	۱	۱	آماده‌سازی پیشینی برای مقابله با آسیب‌های جسمی و روانی
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	نظرات‌گری بر فکر، هیجان و رفتار جنسی
نتیجه	CVI میزان تابعه کارهای محوری ۱ و ۲	CVI میزان مطابقت راهبرد با مؤلفه	مؤلفه‌ها
معتبر	۱	۱	رفتار جنسی صمیمانه
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	ایجاد هیجانات مثبت در رفتار جنسی سالم
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	دوری از هیجانات منفی در رفتار جنسی سالم
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	مشکلات عاطفی در رفتار جنسی ناسالم

عاطفه محور بودن رفتار جنسی

معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	لذت‌بری جنسی بدون منجر شدن به رفتار جنسی و تولید مثل	لذت‌بری سعادت‌محور
معتبر	۱	۱	به کارگیری روش‌های علمی - بهداشتی برای افزایش لذت جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	لذت بردن از همسر با هدف دستیابی به سعادت	ایمن‌سازی محیطی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	توجه به ارگاسم و افزایش تمرکز در رابطه جنسی	
معتبر	۱	۱	ایجاد محیط ایمن برای رفتار جنسی	ایمن‌سازی محیطی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	دوری از محیط‌های زمینه‌ساز آسیب‌های جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	ابراز وجود و پاسخ به نیاز جنسی	رفتار جنسی متعهدانه
معتبر	۱	۱	تعهد و وفاداری به همسر	
معتبر	۱	۱	تأمین امنیت جنسی همسر	رفتار جنسی متعهدانه
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	مسئولیت‌پذیری نسبت به همسر در رابطه جنسی	
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	اجتناب از بدرفتاری، فربیکاری، خشونت و بهره‌کشی جنسی	رعايت مرزهای روابط جنسی
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	تلاش برای جبران رفتارهای جنسی ناسالم	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	مشخص نمودن حدود هر فرد برای روابط جنسی	رعايت مرزهای روابط جنسی
عدم	۰/۶۳	۰/۶۳	تعیین مرزهای سالم و ناسالم بودن رابطه جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	پوشش منابع برای همسر و دیگران	پیامد
معتبر	۱	۱	رعايت رازداری زناشویی	
پیامد				
معتبر	۱	۱	سلامت و بهداشت دستگاه جنسی	سلامت جنسی سعادت‌محور
معتبر	۱	۱	مراقبت‌های بهداشتی قبل و بعد از رابطه جنسی	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	مراقبت‌های دوران بارداری و پس از زایمان	سلامت جنسی سعادت‌محور
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	افزایش سلامت با رفتار جنسی سالم	
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	سلامت جسمانی و روانی با رعايت چهارچوب‌های دینی در امور جنسی	انحرافات جنسی زمینه‌ساز کاهش سلامت
معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	انحرافات جنسی زمینه‌ساز کاهش سلامت	

پیامد

طبق این محاسبه، در سؤال اول از مجموع ۷۸ کدمحوری ۱، ۷۳ کد توسط کارشناسان تأیید و تعداد ۵ کد محوری ۱ نمره کافی را نیاورده و حذف شدن که اختلالی در تأیید اصل مبانی، مؤلفه‌ها، راهبردها و پیامد ایجاد نکرد. تمام یافته‌های مورد تأیید در سؤال پرسش اول، میزان تناسب آنها با کدمحوری مرحله دوم در پرسش دوم نیز توسط کارشناسان تأیید شد. از سوی دیگر برخی کارشناسان با توجه به نزدیکی مفهومی مؤلفه ایمن‌سازی محیطی و مرزهای روابط جنسی، پیشنهاد تلفیق این دو مؤلفه را با عنوان رعایت مرزهای جنسی داشتند که بر همین اساس مؤلفه‌های آموزش جنسی به چهار مؤلفه تقلیل یافت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی دارای پنج مبنای دو راهبرد، چهار مؤلفه و یک پیامد می‌باشد. این مدل نظری از چهار بخش کلی تشکیل شده است که اجزای آن عبارت‌اند از:

#### بخش اول:

مبانی (خدمات‌گری در افکار، امیال و رفتار جنسی، انتخابگری با امکان تأثیرات ناخودآگاه، پیوستاری بودن، رعایت هنجرهای اجتماعی و قانونمندی امور جنسی)؛

#### بخش دوم:

راهبردها (مهارگری و آینده‌نگری)؛

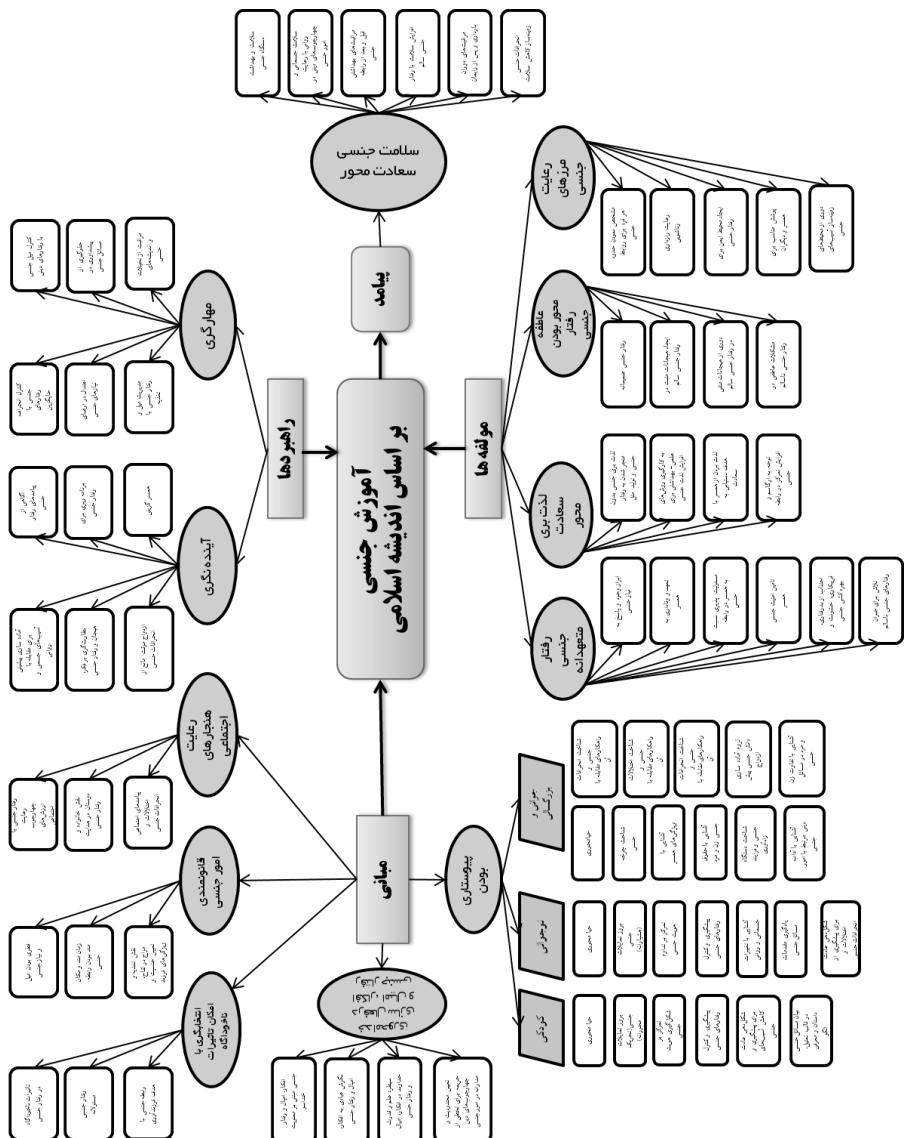
#### بخش سوم:

مؤلفه‌ها (عاطفه محور بودن رفتار جنسی، لذت‌بری سعادت‌محور، رفتار جنسی متوجهانه، رعایت مرزهای جنسی)؛

#### بخش چهارم:

پیامد (سلامت جنسی سعادت‌محور).

با توجه به این یافته‌ها مدل نظری نهایی آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی را بدین شکل می‌توان تعریف نمود: «آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی فرایندی است که با توجه به انتخابگری همراه با تأثیرات ناخودآگاه، رعایت هنجرهای اجتماعی و قانونمندی الهی حاکم بر افکار، امیال و رفتار جنسی، و با به کارگیری دو راهبرد مهارگری و آینده‌نگری متناسب با دوره‌های مختلف رشدی طرح‌ریزی می‌شود. رعایت مرزها، لذت‌بری مبتنی بر سعادت، توجه به عواطف، تعهد و مسئولیت‌پذیری در رفتار جنسی از جمله مؤلفه‌های آموزش جنسی می‌باشد که نتیجه آن سلامت جنسی سعادت‌محور خواهد بود».



#### نمونه ۱: مدل نظری نهایی آموزش حنسی بر اساس اندیشه اسلامی

بِحَثٍ وَ نَتْيَجَهُ گِيرى

در تبیین یافته‌های پژوهش ابتدا می‌پایست به چند نکته مهم اشاره نمود: قرآن کریم و منابع اصیل اسلامی به عنوان مهم‌ترین منبع برای تدوین مدل آموزش جنسی در نظر گرفته می‌شود. نیاز جنسی در اسلام بذیر فتنه و به آن اهمیت داده شده است. برای همین در کتاب پاسخ‌دهم، به سایر نیازهای، نشادی‌

انسان، مهیا نمودن شرایط بهینه پاسخ‌دهی به این نیاز نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد (بقره: ۱۸۷ و ۲۲۳). قرآن به عنوان منبعی از معارف الهی برای همه ابعاد وجودی رهنماوهای دارد که بعد جنسی هم در آن مورد غفلت قرار نگرفته است. خداوند انسان‌ها و همه جانداران را به صورت جفت آفرید (نساء: ۱؛ سوری: ۱۱؛ روم: ۲۱) تا حیات بشر و دیگر انواع جانداران تداوم یابد و تولید نسل اتفاق بیفتد، از طرفی رفتار جنسی در قالب ازدواج در چارچوب نظام فقهی اسلام مورد تأکید و توصیه بوده و وسیله تکامل فرد و کسب آرامش و رشد، تلقی شده است. اسلام نه تنها میان معنویت و بهره‌مندی از لذات جنسی منافاتی نمی‌بیند؛ بلکه بهره‌مندی مشروع از آن را شرط تکامل معنوی انسان و یکی از بهترین راه‌های دستیابی به سعادت واقعی می‌داند.

بنابراین بایستی دانش جنسی متناسب با مبانی پیوستاری بودن آموزش جنسی، به روش‌های متناسب در محتوای آموزش جنسی تبیین شود. خداوند پتانسیل‌های مختلف و متفاوتی را برای زن و مرد در سنین مختلف رشدی قرار داده است (نساء: ۳۴)، که به‌واسطه این تفاوت‌های فردی و نقش‌های جنسی و جنسیتی، راهبردهایی متناسب با آن برای افراد مطرح می‌شود تا تضمین زندگی سالم فردی اتفاق بیفتد. بنابراین داشتن راهبردها، محتواها و فرصت‌های یادگیری در زمینه افکار، امیال و رفتار جنسی سالم در سنین مختلف رشدی در آموزش جنسی باید مورد توجه قرار گیرد. وجود چنین دیدگاهی، زمینه فکری آموزش جنسی را به صورتی سازگار با کرامت انسانی فراهم می‌آورد، بر خلاف آنچه در بسیاری از کشورهای غربی در زمینه آموزش جنسی یافت می‌شود.

در واقع اندیشه اسلامی مدل آموزش جنسی را تشکیل می‌دهد که در مقایسه با سایر رویکردهای موجود، اولاً وسیع‌تر و جامع‌تر است؛ ثانیاً به دور از افراط و تفريط‌هایی است که در این مورد وجود دارد؛ بنابراین این فرض تقویت می‌شود که مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی هم از حیث مبانی، مؤلفه‌ها، راهبردها و پیامد نسبت به تبیین آموزش جنسی از سایر مدل‌های موجود از وسعت و عمق بیشتری برخوردار است.

مبانی شناسایی شده در مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی یکی از شاخص‌های تفاوت با مدل‌های موجود است. مدل‌های موجود به دلیل مبانی خود، به نادیده انگاشتن جنبه‌های اخلاقی و معنوی در طراحی مدل آموزش جنسی رسیدند؛ درحالی که آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی منشا الهی دارد و در تلاش است تا به رفتار جنسی، رنگ عبادی بدهد و خشنودی خدا را نیز جلب کند. بر همین اساس حکم تکوینی در زمینه افکار، امیال و رفتار جنسی را خداوند متعال صادر می‌کند که موجب تنظیم قواعد و عوامل تکوینی آن می‌گردد، و حکم تشریعی خداوند، مدل آموزش جنسی را مشخص می‌سازد؛ بنابراین محوریت خداوند متعال، تنها خاستگاهی است که می‌تواند آموزش جنسی را بر اساس آن طرح‌بیزی نمود.

هر محتوایی در خصوص افکار، امیال و رفتار جنسی که مدل آموزش جنسی را پایه‌ریزی می‌کند، اگر از خاستگاه حکم خداوند متعال صادر نشده باشد، بی‌تردد ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

سوین، وارن و هلل (۲۰۰۴) رویکرد لیرال را یکی دیگر از مبانی نظری آموزش جنسی دانسته و بر این باورند که این رویکرد بر بهبود شرایط انتخاب فرد تأکید زیادی دارد و باید علائق و خواسته‌های فرد در آموزش جنسی لحاظ شوند. مسئله جنسی وقتی بروز می‌کند که در مجموعه آموزش‌ها و داشت‌های جنسی که به فرد منتقل می‌شود، فردیت شخص لحاظ نشود. در این دیدگاه اقتدار به سمت فرد و خواسته‌های او منتقل می‌شود؛ بنابراین آن الگویی از رفتار جنسی مشروع است که مطابق علائق و خواسته‌های فرد باشد. محققانی مانند مکنوس هیرشفیلد، آلفرد کینزی، ویلیام مسترز و ویرجینیا جانسون به عنوان پیشگامان این مدل نظری به‌شمار می‌روند (رك: کینزی، پامری و مارتین، ۱۹۴۸؛ کینزی، پامری، مارتین و گبهارد، ۱۹۵۳؛ مسترز و جانسون، ۱۹۶۶). بنابراین آموزش‌های جنسی که در مدل‌های نظری موجود وجود دارد، مبتنی بر مبانی و دیدگاه فردگرایانه می‌باشد (تالوکدر، ۲۰۱۹). ازانجایی که رویکردهای موجود اولمانیستی بوده و یک بعدی به انسان می‌نگردد، به شکوفاسازی و کمال نهایی فرد رسیدن به مقام توحید و عبودیت الهی توجهی ندارند.

خسروی و باقری (۱۳۸۷) بر این باورند که آموزش ارزش‌ها همواره بخش مهمی از اهداف نظام‌های آموزشی است؛ زیرا این نظام‌ها بهمنزله بخشی اساسی از کار خود، در پی آن‌اند که فرهنگ و ارزش‌های آن را به نسل آینده انتقال دهند. اما آنچه در این میان اهمیت بیشتری دارد، این است که چگونه می‌توان ارزش‌های مورد نظر را در زمینه مسائل جنسی درونی کرد. بر همین اساس در تنظیم مدل آموزش جنسی برای دستیابی به این امر، مبانی پیوستاری بودن مطرح شده است که در سایر مدل‌های آموزش جنسی مورد توجه قرار نگرفته است. در مدل‌های آموزش جنسی موجود با تمرکز بر دوره کودکی و نوجوانی به آموزش مستقیم جنسی و بدون در نظر گرفتن درونی‌سازی آن توجه شده است (مایمونا، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، چنین نیست که روش‌های مربوط به مبانی پیوستاری بودن، در جریان آموزش یکباره و به صورت مستقیم به داده‌های جنسی بپردازد. ترتیب روش‌ها و محتوای آن کاملاً بر اساس ظرفیت و ویژگی‌های ذهنی و روانی فرد در هر دوره رشدی متفاوت می‌باشد که در این قسمت بهره‌گیری از اندیشه اسلامی چاره‌ساز خواهد بود.

روش‌های آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی با توجه به بعد پیوستاری آن به روش‌های مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. این شیوه‌ها روی یک طیف یا محور قرار می‌گیرند، به‌طوری که از قطب شیوه‌های غیرمستقیم تا شیوه‌های نیمه‌مستقیم و قطب شیوه‌های مستقیم تنظیم می‌شوند؛ بنابراین درجه متفاوتی از میزان مستقیم و غیرمستقیم بودن در آنها بسته به دوره رشدی فرد وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر مدل‌های آموزش جنسی موجود هنجارمحور می‌باشد (بلکی، هنسی و فیش بین، ۲۰۰۲) و با توجه به عدم ثبات هنجارها در دوره‌های گوناگون و سنین مختلف، مدل آموزش جنسی برآمده از آن نیز متغیر بوده و به یک نسبیت‌گرایی منجر می‌شود؛ درحالی که مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی بر اساس هنجارهای اجتماعی شکل نگرفته است و با توجه به منابع اصیل ارزشی تدوین شده است؛ از همین‌رو مدل تدوین شده ملاک محور است؛ ملاکی که بر مبنای آموزه‌های اصیل اسلام تعیین گردیده است و به واسطه گذر زمان و تغییر هنجارهای اجتماعی تغییر نمی‌کند. ملاک مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی با ابعاد اعتقادی، اخلاقی و احکامی دینی همخوانی و سازگاری دارد. در عین حال یکی دیگر از تفاوت‌های مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های موجود، به مبنای رعایت هنجارهای اجتماعی به جای طراحی مدل آموزش جنسی بر اساس هنجارهای اجتماعی بر می‌گردد. بر اساس اندیشه اسلامی، آموزش جنسی، ملاکی را تعیین می‌کند که بر اساس آن به معیارها و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه نیز توجه می‌شود؛ درحالی که آموزش‌های جنسی موجود بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی جوامع مختلف و با طرح یک چهارچوب و قانون کلی مانند آموزش جنسی در دوره کودکی و نوجوانی برای جلوگیری از بارداری ناخواسته و پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی، نسخه وحدی برای تمامی فرهنگ‌های مختلف در نظر می‌گیرند (گیلیام و همکاران، ۲۰۱۶).

هدف اصلی آموزش جنسی پس از جنگ جهانی دوم، ممانعت از گسترش بیماری‌های مقاربتی، بهویژه سیفلیس و سوراک بوده است (دلامتر، ۲۰۰۷). بررسی متون درسی آن زمان؛ مثلاً دستگاه تولید مثل خرگوش‌ها یا گردهافشانی گیاهان گل‌دار، حاکی است که بسیاری از مدارس در سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در باب آموزش جنسی با اختیاط سخن گفته‌اند (فرمہنی فراهانی، ۱۳۸۵). آموزش جنسی در دهه هفتاد، از پایه دگرگون شد و در درس زیست‌شناسی درباره دستگاه تولید مثل بحث شد. علاوه بر این، در این سال‌ها شیوه‌های جلوگیری از بارداری به صورت گستردۀ آموزش داده می‌شد. در این دوره بیشتر بر ارائه دقیق اطلاعات تأکید می‌شد و هدف از طراحی مدل‌های آموزش جنسی، کاهش ناآگاهی، جرم و خیانت، شرم و حیا و اضطراب و نگرانی بود. در دهه هشتاد، آموزش جنسی با هدف گستردۀ تری دنبال شد. استقبال فزاینده از اندیشه فمینیستی<sup>۱</sup> منجر به افروzen برنامه‌هایی شد که شاگردان را به بررسی نقش زنان و مردان در جامعه تشویق می‌کرد. هدف آن بود که دانش‌آموزان اصل تفاوت‌های جنسی و همچنین میزان آن را درک کنند. همزمان با آن، برنامه‌های آموزش جنسی اهدافی از قبیل کسب مهارت برای تصمیم‌گیری، برقرار کردن رابطه با دیگران، ایفای نقش پدری و مادری و تعیین خط مشی در زندگی شخصی را دنبال می‌کرد. آزادی‌های جنسی در این دهه، باعث نگرانی و هراس والدین شد و شیوع

بیماری ایدز به این نگرانی دامن زد (هلیسون، ۲۰۰۲). سراسیمگی در وضع قانون و صدور بخش‌نامه‌های دولتی در خصوص آموزش جنسی، که تا امروز هم ادامه دارد، ثابت کرده است که آموزش‌های جنسی موجود به ارزش‌های اخلاقی و الهی توجهی نکرده است؛ از این‌رو یکی از تفاوت‌های شاخص مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های دیگر، توجه به پیامد مدنظر این مدل می‌باشد.

برنامه جامع آموزش جنسی و آموزش جنسی برای جلوگیری از خطر؛ از جمله برنامه‌هایی است که رویکرد لیبرال بر آن حاکم است (موران، ۲۰۰۰). در چنین برنامه‌هایی موضوعاتی همچون آناتومی جنسی، تولید مثل، روش‌های پیشگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربی، گسترش و حفظ ارتباطات جنسی، خودارضایی و همجنس‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرند (ایروین، ۲۰۰۲). مدل نظری حاکم بر این برنامه‌ها بیشتر نگاهی کارکرده‌گرا داشته و سعی در جلوگیری بارداری‌های ناخواسته و یا انتقال بیماری‌های آمیزشی دارد (مک لارن، ۱۹۹۲). مفاهیم کلیدی این گفتمان آمیزش امن و آمیزش بی‌خطر است (براون و تاورنر، ۲۰۰۱). بنابراین در مدل‌های موجود دستیابی به هدف نهایی خلت یعنی دستیابی به سعادت توجهی نشده است و بیشتر به اهداف واسطه‌ای؛ همچون فراهم کردن بستر مناسب برای رشد جنسی سالم، شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود و دیگران، ارضای صحیح و بهنجار غریزهٔ جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی و آماده‌سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی توجه شده است (جورجیو، ۲۰۱۷). در صورتی که دستیابی به هدف نهایی مدل موجود فرایندی است که پیش از تولد شروع می‌شود و همه مراحل تحول زندگی فرد را دربر می‌گیرد. منظور از هدف‌های واسطه‌ای، وضعیت‌های مطلوبی هستند که واسطه و زمینه‌ساز نیل به هدف نهایی‌اند. این هدف‌ها خود دو دسته‌اند: هدف‌های کلی و هدف‌های رفایی. اهداف رفتاری خود زمینهٔ تحقق و دستیابی اهداف کلی را فراهم و تسهیل می‌کنند. پیامد آموزش جنسی مبتنی بر اندیشهٔ اسلامی دستیابی به کمالات شایسته و رضوان الهی است؛ از همین‌رو همهٔ مبانی، راهبردها و مؤلفه‌های مربوط به آموزش جنسی بایستی در راستای وضع مطلوبی باشند که همان خشنودی و رضایت خداوند است. هر فرد با قرار گرفتن در مسیر رسیدن به سعادتمندی خویش، امکانات، خواسته‌ها، افکار، امیال و رفتار جنسی خود را جهت‌دهی کرده و بین باورها، انگیزه‌ها و فعالیت‌های خود، آنچه بیشترین هماهنگی را ایجاد می‌نماید و در درجات قرب الهی قرار می‌گیرد را مورد توجه قرار می‌دهد.

یکی دیگر از جنبه‌های مقایسهٔ مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های موجود، راهبرد آینده‌نگری است. آینده‌نگری یک جهت‌گیری شناختی به آیندهٔ فردی در یک چهارچوب استدلال عملی است که به افراد در جهت رسیدن به اهداف بلندمدت‌شان کمک‌های مؤثری می‌کند. افراد آینده‌نگر، به‌طور حساب‌شده و دوراندیشانه به عواقب تصمیمات و اعمالشان توجه می‌کنند و اهداف بلندمدت را برای رسیدن به لذت‌های کوتاه‌مدت قربانی نمی‌کنند و در ذهنشان آنچه را که در مجموع بیشترین

رضایت را به دنبال خواهد داشت، نگه می‌دارند (خاکبازان و رفیعی‌هنر، ۱۳۹۶). در رویکردهای موجود مهم‌ترین هدف آموزش جنسی، پیشگیری از بارداری و پیشگیری از بیماری‌های آمیزشی می‌باشد (بیزرا، ۲۰۰۵؛ پرایس و همکاران، ۲۰۰۳؛ کتینگ، ۲۰۱۹؛ شیرای، تسوجیمورا، عبدالحامد و هوری، ۲۰۱۷؛ بیومونت، مگیور، ۲۰۱۳؛ کوتولا، ۲۰۱۰)؛ در حالی که راهبرد آینده‌نگری در مدل موجود با اهداف عالیه دستیابی به سلامت جنسی سعادت‌محورانه تنظیم شده است.

رویکرد انتقادی یکی دیگر از مدل‌های حاکم بر آموزش جنسی است که کمیس و همکاران (۱۹۸۳) معتقدند. تمرکز اساسی این رویکرد ایجاد عدالت و برابری در جامعه است. این گرایش تمايل دارد تا شرایطی فراهم آورد که صدای گروه‌های در حاشیه قرار گرفته و اقلیت‌های جنسی مانند همجنس‌گرایان و دوجنسی‌ها نیز شنیده شود. این دیدگاه به افاد این امکان را می‌دهد تا به طور فعالانه در مقابل گرایش‌ها و ارزش‌های مسلط جامعه در امور جنسی احساس مسئولیت کنند. مطابق این دیدگاه روابط جنسی غیرهمجنس‌گرا مبتنی بر خواست نظام قدرت است. قدرت همان عاملی است که موجب ایجاد بی‌عدالتی و تبعیض شده و باید به تمام صور با آن مبارزه کرد (کوماشیرو، ۲۰۰۲). بنابراین رفتارهای جنسی ناسالم که در مدل‌های آموزش جنسی موجود مطرح می‌شود با انحرافاتی که در رویکرد دینی وجود دارد، متفاوت است. بر اساس اندیشه اسلامی، تمامی رفتارهای جنسی می‌باشد در جهت رشد و تعالی او و دستیابی به سعادت باشد و از همین رو دامنه وسیعی از رفتارهایی همچون خودارضایی، همجنس‌گرایی، ارتباط با نامحرم و رفتارهای این‌چنینی به عنوان انحراف شناخته می‌شود؛ در حالی که در مدل‌های موجود، رفتار جنسی‌ای انحراف محسوب می‌گردد که کنش‌وری فردی و اجتماعی او را مختل نماید (کیلی، ۲۰۰۲).

همچنین در مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی، مؤلفه رفتار جنسی متعهدانه شناسایی می‌شود که فرد می‌باشد لذت جنسی را به شیوه متعهدانه و مسئولانه و در چهارچوب دینی در زندگی رعایت کند؛ از این‌رو رفتار جنسی بین دو نفر فقط در چارچوب ازدواج شرعی ( دائم یا موقت) قبل پذیرش است؛ در حالی که مدل‌های آموزش جنسی موجود، با تمرکز به جلوگیری از بارداری ناخواسته و پیشگیری از سقط و بیماری‌های مقاربی، جهت‌گیری خود را درخصوص رفتار جنسی دو نفر بر اساس میل و علاقه فرد تعیین می‌کنند (هندایان، پاندیا، پوترا، واتی، وینستیا و ریزکی، ۲۰۱۹)؛ از همین‌رو رابطه دو همجنس یا دو غیرهمجنس فقط به گونه‌ای باشد که از بیماری‌های مقاربی و بارداری ناخواسته محفوظ باشند.

مدل‌های آموزش جنسی فرویدیسم رادیکال (فیلز و تولمن، ۲۰۰۶؛ فاین و مک کلند، ۲۰۰۶)، فمنیسم رادیکال و فمنیسم فرهنگی (هکمن، ۱۹۹۹) از دیگر مدل‌های آموزش جنسی بهشمار می‌رود

که رویکرد انتقادی بر آن حاکم است؛ به عنوان نمونه فمنیست‌های رادیکال، تولید مثل انسانی را که توسط نهادهایی چون ازدواج و دگرجنس‌خواهی اجباری و مفهوم مادری کنترل و جامعه‌پذیر شده‌اند، به شدت مورد نقد قرار می‌دهند. آنها به دنبال باز تعریف ساختارهای اجتماعی به شکلی هستند که فرهنگ، معنویت، هنر، دانش، لذت و بدن زنانه را مورد حمایت قرار دهد. به این ترتیب لذت جنسی مستقل از مردان به صورت فردی یا روابط جنسی دو زن یا روابط جنسی با مردان به‌طوری که شخصیت زن حفظ شود، مورد تأکید قرار می‌گیرد (بابر و موری، ۲۰۰۱)؛ درحالی که مدل موجود که بر اساس اندیشه‌ای اسلامی طراحی شده است، یک مدل آموزش جنسی میان‌نرو می‌باشد که ضمن اینکه انگیزه جنسی را به عنوان یک نیروی ذاتی مهم می‌شمارد، مهارگری آن را نیز مورد توجه قرار داده است و از همین روی روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج همچون همجنس‌گرایی را نادرست تلافی می‌کند. آموزش جنسی بر اساس اندیشه‌ای اسلامی، لزوم مراعات و اعتدال و اجتناب از افراط و تغفیر و رهبری امور فطری را توصیه می‌کند. مدل موجود نه خواهان طغیان و سرکشی و مرزن‌شناسی امور جنسی است و نه حامی سرکوبی افکار، امیال و رفتار جنسی؛ بلکه پیوسته در راهبری آنها در سنین مختلف و هدایتگری آنها می‌کوشد.

بر همین اساس یکی دیگر از تمایزهای مدل‌های موجود آموزش جنسی به مؤلفه رعایت مرزها مرتبط می‌شود. کیفیت رفتارهای جنسی از نظر زمان، مکان و کیفیت رابطه در مدل‌های موجود بر اساس اصل لذت می‌باشد و از همین‌رو در هر مکانی و به هر کیفیتی می‌توانند رفتار جنسی خود را انجام دهند یا از هر وسیله‌ای برای تحریک بیشتر خود یا شریک جنسی خویش بهره ببرند (شارما، ۲۰۲۰)، اما بر اساس اندیشه‌ای اسلامی، آزادی بی‌حدودمرز جنسی جایگاهی در مدل آموزش جنسی ندارد و افکار، امیال و رفتارهای جنسی باید با ایمن‌سازی محیطی و رعایت مرزهای جنسی همراه با توجه به لذت مبتنی بر سعادت صورت پذیرد؛ از همین‌رو اسلام، قواعد و ضوابط خاصی برای برخورد با افکار و امیال جنسی پیش‌بینی کرده است.

از دیگر تفاوت‌های شاخص مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های موجود، توجه به بعد سعادت‌نگری در لذت‌بری جنسی است. در مدل‌های آموزش جنسی موجود فرد برای دستیابی به لذت جنسی بیشتر، می‌تواند از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی همچون عکس‌ها، فیلم‌ها، متن‌ها و ابزارهای مختلف بهره ببرد (بایز، سیرز و فوستر، ۲۰۱۳)؛ در صورتی که مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی به لذت‌بری مبتنی بر سعادت فرد توجه می‌کند؛ بدین صورت که رسیدن به بالاترین لذت‌های جنسی زوجی می‌باشد به گونه‌ای باشد که آنان را از مسیر قرب الهی و کمال نهایی خود دور نکند؛ از این‌رو راهبرد مهارگری فقط برای پیش از ازدواج بیان نمی‌شود و فرد بعد از ازدواج نیز با مهارگری در لذت‌های ممنوعه و آسیب‌زا، خود را در مسیر کمال و سعادت نگه می‌دارد.

بلیر و منک (۲۰۰۹) به رویکرد محافظه کارانه در آموزش جنسی اشاره داشتند و معتقدند تمرکز اساسی مدل آموزش جنسی بر انتقال ارزش‌های جنسی حاکم به متربیان است. چارچوب و استخوان‌بندی امر جنسی اغلب به طور پیشینی و توسط یک قدرت مرجع خارجی تعیین می‌شود. بنابراین مدل‌های آموزش جنسی موجود بر کنترل‌های بیرونی بیشتر از کنترل‌های درونی تمرکز دارد. بر اساس اندیشه اسلامی خداوند انسان را به کنترل درونی مجهز ساخت، که در صورت به کارگیری آن و استفاده صحیح از آن، گام مهمی در جهت به کمال رسیدن و سعادتمندی او می‌باشد. از جمله این قوای ارزشمند درونی که ریشه در فطرت آدمی دارد، حیا می‌باشد که یکی از بعاید مورد توجه در مدل آموزش جنسی موجود است.

در مجموع می‌توان اذعان داشت که مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی جامع‌تر و در عین حال تسهیل‌کننده مسیر فرد برای دستیابی به هدف غایی آفرینش یعنی رسیدن به سعادت می‌باشد. یافته‌های حاصل از این پژوهش، بستر مناسبی برای تدوین برنامه آموزش جنسی برای دوره‌های تحولی مبتنی بر این مدل را فراهم کرده است. پیشنهاد می‌شود کتاب راهنمای مدل آموزش جنسی با تأکید بر مبانی قرآن، احادیث و کلام اندیشمندان مسلمان تألیف و در اختیار معلمان و مریبان تربیتی و مدارس قرار دهند. طراحی مدل نظری آموزش جنسی بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با روان‌شناسان اسلام‌شناس از دیگر پیشنهادات پژوهشی به شمار می‌رود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود بر اساس مدل نظری طراحی شده، برای درمان اختلالات و انحرافات جنسی، مداخله درمانی و بسته آموزشی طراحی شود.

## منابع

قرآن کریم.

- ابوعاشق، عبدالمنعم ابراهیم (۱۴۰۰). تربیت البنات فی الاسلام. مصر: مكتبة اولاد الشیخ للتراث.
- اسلامی، حمیدرضا (۱۳۸۵). نگاهی به تعلیم و تربیت در سیرة نبوی. تهران: بقیه العترة، مرکز علمی فرهنگی جنات.
- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۹). تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام. تهران: نسل نوآندیش.
- امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت. تهران: انتشارات اسلامی.
- ایزانلو، امید و زارع، محبوبه (۱۳۹۴). ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه، با تأکید بر آیه ۵۸ سوره نور با تکیه بر بررسی تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت. هماشی ملی اشراف اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. مشهد.
- بخشی، افسر (۱۳۷۵). نگاهی به تربیت جنسی فرزندان. مجله ندای صادق، ۴(۳)، ۶۵-۷۰.
- بنیانی، محمدرضا (۱۳۹۷). الگوی سلامت جنسی همسران بر اساس منابع اسلامی، ساخت بسته آموزشی و بررسی اثر آن بر رضایت جنسی و رضایت زناشویی. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۵). تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی. تربیت اسلامی، ۲(۳)، ۸۹-۱۱۳.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۶). دین و مهارت‌های خویشنده داری جنسی. مجله حدیث زندگی، ۴(۳)، ۵۴-۱۰۱.
- پورامینی، محمدباقر (۱۳۸۳). تربیت جنسی در سیرة نبوی. تربیت اسلامی، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۸۲.
- تهدیبی، نسرین و جوادیان، امیر (۱۳۸۴). مراحل رشد انسان و تربیت جنسی کودکان از نظر اسلام. دومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی. دانشگاه شاهد. تهران.
- ثبت، حافظ (۱۳۷۹). درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه. مجله تربیت اسلامی، ۴(۴)، ۵۹۳-۵۶۰.

- ثابت، حافظ (۱۳۸۲). تربیت جنسی. مجله معرفت، ۶(۶۹)، ۱۰۵-۱۰۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. مصحح: مؤسسه آل الیت. قم: مؤسسه آل الیت.
- خاکبازان، نوید و رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۶). تبیین سازه «حزم» (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی. معرفت، ۱۰(۲۶)، ۷۵۱-۷۵۶.
- خسروی، زهره و باقری، خسرو (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی. مطالعات برنامه درسی، ۸(۳)، ۱۰۵-۱۱۰.
- دولی، مهدی و بنی سی، پری ناز (۱۳۸۴). تربیت جنسی در اسلام. دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی. دانشگاه شاهد، کلینیک سلامت خانواده. تهران.
- رضازاده، فاطمه بیگم (۱۳۶۹). نظام جنسی کودک و نوجوان در اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- رفیعی، بهروز (۱۳۷۹). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سمت.
- ریحانی‌اصل، فروغ و خیاطان، فلور (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های جنسی بر طرح‌واره‌های جنسی زنان، عزت نفس جنسی و رضایت جنسی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. فصلنامه پرستاری، مامایی و پیراپزشکی، ۴(۴)، ۵۵-۴۵.
- ستوده‌نیا، محمدرضا و رمضانی، ملیحه (۱۳۹۴). بررسی روش‌های تربیت جنسی در قرآن با تأکید بر رویکرد روان‌شناسی شناختی. همایش ملی اشراق‌اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. مشهد.
- سعادت فرد، فاطمه‌السادات؛ خلوتی جابری، سمیه؛ قلتاش، عباس و سعادت فرد، زهره‌السادات (۱۳۹۴). بررسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام. کنفرانس علمی پژوهشی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران. عباسی، مهدی (۱۳۹۶). الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی. قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- عبدالرؤوف، عبدالغفور (۱۴۱۴). دراسات فی علم النفس الاسلامی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- علم‌الدین، محمد (۱۹۷۱). التربية الجنسية بين الواقع و علم النفس والدين. قاهره: الهيئة المصرية العامة للتأليف والنشر.
- فاکر مبیدی، محمد و فاکر، اعظم (۱۳۹۲). تربیت جنسی از نگاه مفسران فرقین. دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۱(۱)، ۴۲-۵۱.
- فرمیه‌نی فراهانی، محسن (۱۳۸۵). درآمدی بر تربیت جنسی در متون دینی اسلام. پژوهش‌های تربیت جنسی، ۳(۶)، ۱۷۸-۱۴۱.
- فیضیه‌ی، علی نقی (۱۳۸۷). بررسی احادیث در زمینه راهکارهای تربیتی به منظور پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی نوجوانان و جوانان. تربیت اسلامی، ۳(۶)، ۵۶-۲۷.
- فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۷). آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شنختی. تربیت اسلامی، ۷(۷)، ۸۰-۵۱.
- قطب، محمد (۱۳۷۵). روش تربیتی اسلام. ترجمه محمد‌مهدی جعفری. شیراز: دانشگاه شیراز.
- کجیف، محمدباقر (۱۳۸۴). رفتارشناسی جنسی در اندیشه دین. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۳(۷)، ۱۱۳-۱۴۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحكم و المعاوظ. مصحح: حسین حسنی پیرجندي. قم: دارالحدیث.
- میردی، کتابیون؛ حسن پورا زاغدی، سیده بتول، و امیری فراهانی، لیلا (۱۳۹۶). آگاهی و نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی کودکان پیش دستانی. نشریه پرستاری ایران، ۳۰(۱۰۶)، ۴۵-۳۵.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- مشایی، ناهید و شاهد، اکرم (۱۳۹۴). عوامل و راهکارهای خودکنترلی و نقش آن در تربیت جنسی مبتنی بر آموزه‌های دینی. همایش ملی اشراق‌اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. مشهد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۷). سلامت و اختلال جنسی همسران: رویکرد اسلامی و روان‌شنختی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. مصحح: مؤسسه آل الیت. قم: مؤسسه آل الیت.

- Ajzen, I. & Madden, T. J. (1986). Prediction of goal-directed behavior: attitudes, intentions, and perceived behavioral control. *Journal of Experimental Social Psychology*, 22, 453-474.
- Ali, S. R., Liu, W. M. & Humedian, M. (2004). Islam 101: Understanding the Religion and Therapy Implications. *Professional Psychology: Research and Practice*, 35(6), 635-642.
- Allen, L. (2005). 'Say everything': exploring young people's suggestions for improving sexuality education. *Journal Sex Education*, 4, 389-404.
- Bandura, A. (1998). Health promotion from the perspective of social cognitive theory. *Psychology and Health*, 13, 623-649.
- Cankaya, Seyhan & Alan Dikmen, Hacer. (2019). The Impact of Engaged Couples' Sexual Knowledge and Beliefs on Their Beliefs and Attitudes Towards Marriage. *Turkish Journal of Family Medicine and Primary Care*, 427-437.
- Chandra-Mouli, Venkatraman, Gómez Garbero, Lucía, Plesons, Marina, Lang, Iliana & Vargas, Esther (2018). Evolution and Resistance to Sexuality Education in Mexico. *Global Health: Science and Practice*.
- Clonan-Roy, Katherine. (2019). Latina Girls' Sexual Education in the (New) Latinx Diaspora. *Girlhood Studies*, 12, 65-81.
- Davies, Christian. (2020). Poland's Law and Justice Party targeting sex education. *The Lancet*. 395, 17-18.
- DeLamater, J. (2007). Gender Equity in Formal Sexuality Education in: Handbook for Achieving Gender Equity through Education. Edited by Susan S. Klein. second edition. Routledge.
- DiClemente, C. C. & Prochaska, J. O. (1982). Self-change and therapy change of smoking behavior: a comparision of change in cession and maintenance. *Addictive Behaviours*, 7, 133-142.
- Dilorio, C., McCarty, F., & Denzmore, P. (2006). An Exploration of Social Cognitive Theory Mediators of Father-Son Communication About Sex. *Journal of Pediatric Psychology*, 31(9), 917-927.
- Donald, D. R., Lazarus, S. & Lolwana, P. (2006). Educational Psychology in Social Context (3rd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Ezer, Paulina, Kerr, Lucille, Fisher, Christopher, Heywood, Wendy & Lucke, Jayne. (2019). Australian students' experiences of sexuality education at school. *Sex Education*, 19, 1-17.
- Fisher, J. D. & Fisher, W. A. (1992). Changing AIDS-Risk Behavior. *Psychological Bulletin*, 111, 435-474.
- Garzón-Orjuela, Nathaly, Samacá-Samacá, Daniel, Moreno-Chaparro, Jaime, Ballesteros-Cabrera, Magnolia & Eslava-Schmalbach, Javier (2020). Effectiveness of Sex Education Interventions in Adolescents An Overview.
- Georgiou, Dora (2017). Factsheet: Compehensive Sexuality Education in Cyrus.
- Gilliam, M., Jagoda, P., Heathcock, S., Orzalli, S., Saper, C., Dudley, J. & Wilson, C. (2016). Life Changer: A pilot study of a game-based curriculum for sexuality education. *Pediatr Adolesc Gynecol*, 29, 148-153.
- Handayani, Penny, Pandia, Weny, Putri, Agustin, Watt, Lidia P., Vincentia & Rizky, Agatha. (2019). Sexual Education for Parents and Teachers of Teenagers with Special Needs. MITRA: Jurnal Pemberdayaan Masyarakat.
- Herat, Joanna, Plesons, Marina, Castle, Chris, Babb, Jenelle & Chandra-Mouli, Venkatraman. (2018). The revised international technical guidance on sexuality education - A powerful tool at an important crossroads for sexuality education. *Reproductive Health*.
- Jahan, Rowenok. (2019). Knowledge of Sex Education among Urban and Rural Adolescents.
- Kehily, M. J. (2002). Sexing the subject: teachers, pedagogies and sex education. *Sex Education: sexuality, society and learning*, 2 (3), 215-231.
- Kenig, N. & Kostovski, D. (2019). Gender differences in the effects of comprehensive sexuality education. *Journal for ReAttach Therapy and Developmental Diversities*, 2(1), 40-50.
- Koch, Ronel, Kitching, Ansie & Yates, Hannelie. (2019). Adolescent girls' voices on their need for sexuality education: A cry for mutual sexual emancipation. *HTS Teologiese Studies / Theological Studies*, 75, 1-8.

- Kramer, Alisha (2019). Framing the Debate: The Status of US Sex Education Policy and the Dual Narratives of Abstinence-Only Versus Comprehensive Sex Education Policy. *American Journal of Sexuality Education*.
- Leung, Hildie, Shek, Daniel, Leung, Edvina & Shek, Esther (2019). Development of Contextually-relevant Sexuality Education: Lessons from a Comprehensive Review of Adolescent Sexuality Education Across Cultures. *International Journal of Environmental Research and Public Health*.
- Mahmodi GH, Hassanzadeh R, HeidariG (2007). The effect of sex education on familyhealth on Mazandran medical university students. *Ofogh-e-Danesh Journal*; 13(2), 64-71.
- Maimunah, Siti (2019). Importance of Sex Education from the Adolescents' Perspective: A Study in Indonesia. *Open Journal for Psychological Research*, 3, 23-30.
- McGee, Michael, Haffner, Debra, Podgurski, Mary & Wilson, Pamela (2019). Past to Future: Creating a Lifelong Career in Sexuality Education—a Panel from the 2017 National Sexuality Education Conference. *American Journal of Sexuality Education*, 1-9.
- McKay, A., Byers, E .S., Voyers, S. D., Humphreys, T. P. & Markham, C. (2014). Ontario parents' opinions and attitudes towards sexual health education in the schools. *Canadian Journal of Human Sexuality*, 23(3), 159–166.
- Nagpal, A. N., Fernandes, C. (2015). Attitude of parents toward sex education. *The Int J Indian Psychol*, 2(4), 38-43.
- Naz, R. (2014). Sex education in Fiji. *Sexuality & Culture*, 18, 664–687.
- Owisi, Yasmin (2019). Educate, Not Titillate: LGBTQ Issues in Sex Education.
- Polit, Denise F., & Beck, Cheryl Tatano (2006). The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. *Research in nursing & health*, 29(5), 489–497.
- Prochaska, J., & Diclemente, C. (1983). Stages and processes of self-change of smoking: Toward an integrative model of change. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 51, 390–395.
- Puolimatka, Tapio (2019). Dietrich von Hildebrand's Criticism of Amoral Sex Education. *Acta Paedagogica Vilnensis*, 43, 128-140.
- Rowe, D., Sinclair, James, Hirano, Kara & Barbour, Josh (2018). Let's Talk About Sex Education. *American Journal of Sexuality Education*, 13, 205-216.
- Sand, Logan (2019). Removing Judgement: Discussing BDSM in Adult Sexuality Education. *American Journal of Sexuality Education*, 14, 1-10.
- Sanjakdar, F., Allen, L., Rasmussen, M. L., Quinlivan, K., Brömdal, A. & Aspin, C. (2015). In search of critical pedagogy in sexuality education: Visions, imaginations, and paradoxes. *Review of Education, Pedagogy, and Cultural Studies*, 37(1), 53-70.
- Sharma, Rajni (2020). Vital Need for Sex Education in Indian Youth and Adolescents. *The Indian Journal of Pediatrics*.
- Sharon, Dganit, Gonen, Ayala & Linetsky, Ira (2020). Factors Influencing Nursing Students' Intention to Practice Sexuality Education in their Professional Work. *American Journal of Sexuality Education*, 1-17.
- Shirai, M., Tsujimura, A., Abdelhamed, Amr & Horie, Shigeo (2017). Sexuality education in Japanese medical schools. *International journal of impotence research*.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2014). Basic of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. 3nd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Talukder, Ali (2019). Pedagogy of democratization: revisiting two classroom examples of critical pedagogy and Islamic pedagogy. *Pedagogies: An International Journal*, 1-15.
- UNESCO (2009) the rationale for sexuality education . in : international technical guidance on sexuality education: an evidence- informed approach for schools ,teachers and helth educators. *Paris*, 14(1), 2-6.
- UNESCO, U., UNICEF, & UNAIDS, W. (2009). International Technical Guidance on Sexuality Education: an Evidence-informed approach for schools, teachers and health educators, 1.
- Webster, C. R. and Teltingator C. J. (2016). Lesbian, gay, bisexual, and transgender families. *Pediatric Clinics*, 63(6), 1107-1119.
- Wight, D. & Fullerton, D. (2013). A review of interventions with parents to promote the sexual health of their children. *Journal of Adolescent Health*, 52(1), 4–27.

## طراحی بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی و امکان‌سنگی در افزایش بهزیستی روانی

### Development of an educational-psychological package for spiritual self-esteem with an Islamic approach and its Feasibility study in mental well-being

محمد قنبری / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران

محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

محمد فرهوش / دکتری روان‌شناسی دانشگاه سمنان، ایران

✉ Mohammad Ghanbari / Master of Family Counseling, Institute of Higher Education in Ethics and Training, Qom, Iran  
m1.qanbari@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Mohammad Farhoosh / PhD in Psychology, Semnan University, Iran

#### چکیده

This research was done with the main goal of designing a spiritual self-esteem educational package with an Islamic approach and its feasibility in increasing mental well-being. In line with the goal, a mixed research approach was used, which includes qualitative techniques to analyze the content of Islamic sources and identify the key components of strengthening spiritual self-esteem. In the qualitative part, it led to the design and organization of nine training sessions, each of which examined and strengthened different aspects of spiritual self-esteem. The content validity of package was confirmed by experts. In the quantitative part, The research has investigated the effectiveness of the educational package using an experimental design and

این پژوهش با هدف اصلی طراحی بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی و امکان‌سنگی آن در افزایش بهزیستی روانی انجام شده است. در راستای این هدف، از رویکرد تحقیق آمیخته استفاده شده که شامل تکنیک‌های کیفی برای تحلیل محتواهای منابع اسلامی و شناسایی اجزای کلیدی تقویت عزت نفس معنوی می‌باشد. در بخش کیفی به طراحی و تنظیم نه جلسه آموزشی منجر شده است که هریک به بررسی و تقویت جنبه‌هایی از عزت نفس معنوی پرداخته شد. روایی محتواهای این جلسات توسط کارشناسان تأیید گردید. در بخش کمی این پژوهش با استفاده از یک طرح آزمایشی و تخصیص تصادفی با نمونه آماری ۲۰ نفر، به دو گروه گواه و آزمایش، اثربخشی بسته آموزشی را

random allocation with a statistical sample of 20 people into two control and experimental groups. To evaluate the effect of the package, Riff's psychological well-being questionnaire (1989) was used in two steps of pre-test and post-test sessions, and the data were analyzed using covariance analysis. The findings showed that spiritual self-esteem is an important psychological factor that affects health and quality of life, and this educational package of spiritual self-esteem with an Islamic approach can effectively help increase mental well-being.

**Key words:** spiritual self-respect, sense of worth and empowerment, spirituality, educational package, psychological - mental well-being.

مورد بررسی قرار داده است. برای ارزیابی تأثیر بسته از پرسشنامه بهزیستی روانی ریف (۱۹۸۹) در دو نوبت پیش آزمون و پس آزمون استفاده شده و داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند که عزت نفس معنوی یک عامل روان‌شنختی مهم و اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی به شمار می‌رود و این بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی می‌تواند به طور مؤثری به افزایش بهزیستی روانی کمک نماید.

**کلیدواژه‌ها:** بسته آموزشی، عزت نفس معنوی، رویکرد اسلامی، امکان‌سنجی، بهزیستی روان‌شنختی.

## مقدمه

بهزیستی روانی از موضوعات مهم که دارای اهمیت فراوانی در جوامع مختلف است. بهزیستی روانی بیانگر آن است که افراد چه احساسی از خودشان دارند و شامل پاسخ‌های هیجانی افراد، رضایتمندی از زندگی و قضاوت درباره کیفیت زندگی می‌شود. بهزیستی روانی ساختار مهمی است که در سطح پایین منجر به افسردگی و انزوای اجتماعی و باعث فقدان احساس رضایت و اعتماد به نفس و احساس بوده و به کاهش سلامت روانی و جسمی منجر می‌شود (کینگ،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱).

عزت نفس که به عنوان ارزیابی فرد از خودش تعریف می‌شود، نقش مهمی در تعیین سطح بهزیستی روانی فرد دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که عزت نفس بالا با احساسات مثبت‌تر، پایین‌تر بودن سطوح استرس و اضطراب و بهبود کیفیت زندگی مرتبط است. در مقاله‌ای منتشر شده در «مجله روان‌شناسی بالینی»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۲۲، محققان بر اهمیت ادغام معنویت در برنامه‌های درمانی برای تقویت عزت نفس و بهبود بهزیستی روانی تأکید کرده‌اند. آنها بیان می‌کنند که فرایندهای شناختی مثبت از جمله ارزیابی‌های مثبت از خود می‌تواند به عنوان مکانیزم‌های محافظتی عمل کند که به فرد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی بهتر کنار بیاید.

1. King

2. Journal of Clinical Psychology

در کتاب «روان‌شناسی عزت نفس»<sup>۱</sup> اثر براندن<sup>۲</sup> (۲۰۲۱)، عزت نفس به عنوان «یکی از اساسی‌ترین نیازهای روان‌شناختی برای شکوفایی و پیشرفت انسان»، که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین عزت نفس مثبت و بهزیستی روانی است، توصیف شده. براندن استدلال می‌کند که عزت نفس نه تنها بر احساس خوشبختی تأثیر می‌گذارد؛ بلکه بر توانایی فرد برای مقابله با مشکلات و بحران‌های زندگی نیز اثر می‌گذارد. مقاله‌ای در سال ۲۰۲۱ با عنوان «مجله مطالعات شادی»<sup>۳</sup> به بررسی چگونگی تأثیر عزت نفس بر عناصر مختلف بهزیستی روانی می‌پردازد. در این مقاله، عزت نفس به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای بهزیستی عمومی معرفی شده و تأکید می‌شود که افزایش عزت نفس می‌تواند به طور قابل توجهی به افزایش سطوح سلامت روان و رضایت از زندگی کمک کند.

در دهه‌های اخیر نیز، توجه به ابعاد معنوی و روان‌شناختی زندگی انسان‌ها و تأثیر آنها بر سلامت کلی افزایش یافته است. تحقیقات نشان داده‌اند که عزت نفس معنوی، که ناشی از ارزش‌های درونی و باورهای معنوی است، می‌تواند نقش مهمی در بهزیستی روانی افراد ایفا کند. با این حال، بیشتر مطالعات موجود تمرکز خود را بر رویکردهای غربی به سلامت روانی و عزت نفس متمرکز کرده‌اند و کمتر به تأثیرات ابعاد معنوی عزت نفس پرداخته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر رویکردهای اسلامی به عزت نفس معنوی، سعی دارد تا فهم عمیق‌تری از چگونگی تأثیر این عنصر بر بهزیستی روانی فرد ارائه دهد و بدین ترتیب، دیدگاه جامع‌تری نسبت به توسعه مداخلات مؤثر روان‌شناختی و معنوی فراهم آورد. این بررسی نه تنها به پر کردن شکاف‌های موجود در ادبیات می‌پردازد؛ بلکه می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و درمانی که بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی شکل گرفته‌اند کمک کند؛ در نتیجه به ارتقای سطح عمومی سلامت جوامع در کشورهای اسلامی منجر شود.

در طول قرون گذشته بسیاری از روان‌شناسان اتفاق نظر دارند که عزت نفس از نیازهای اساسی انسان است. در ادبیات روان‌شناختی مطالب مفصلی درباره عزت نفس وجود دارد و تا امروز تحقیقات و مطالعات زیادی درباره عزت نفس و ارتباط آن با متغیرهای متعدد دیگر انجام گرفته است که بیشتر تحقیقات این مطلب مهم و اساسی را تأیید می‌کنند که عزت نفس بالا از عوامل مثبت و مؤثر در بهداشت روانی و عزت نفس پایین، از عوامل مستعدکننده ناراحتی‌های روانی است. عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن، این حس از مجموع افکار، احساسات، عواطف و تجربیاتمان در طول زندگی ناشی می‌شود. همه افراد، صرف‌نظر از سن، جنسیت، زمینه فرهنگی، جهت و نوع کاری که در

1. The Psychology of Self-Esteem

2. Nathaniel Branden

3. Journal of Happiness Studies

زندگی دارند، نیازمند تقویت عزت نفس هستند. پژوهشگران عزت نفس را عنصر اصلی موفقیت در عرصه زندگی می‌دانند که بر رفتارها، انتخاب‌ها و تصمیمات انسان تأثیر می‌گذارد و در صورت پایین بودن آن، مشکلات هیجانی و رفتاری در افراد پدید می‌آید (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

کوئینک همان عزت نفس را یکی از نیازهای معنوی می‌شمارد (کوئینک، ۱۹۹۸، سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸)، و تحقیقات فورنیر،<sup>۱</sup> گریف<sup>۲</sup> و هیرمن<sup>۳</sup> این‌طور نشان می‌دهد که بین معنویت و افزایش عزت نفس نیز ارتباط دوسویه و معنادار مثبتی وجود دارد (فورنیر، ۱۹۹۸، گریف و هیرمن، ۲۰۰۴، یاکوشکو، ۲۰۰۵). برخی دیگر نیز ارزیابی مثبت فرد از خویش و احساس ارزشمندی نفس را راه نیل به فضای اخلاقی می‌دانند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸؛ عباسی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵). عزت نفس به معنای داشتن احساس ارزشمندی در آموزه‌های اسلامی، از مهم‌ترین عوامل ترک گناه و دین‌داری محسوب می‌شود.

عزت نفس با بسیاری از متغیرهای شناختی، هیجانی و رفتاری ارتباط بالایی دارد. وجود احساس ارزشمندی خود باعث شکل‌گیری شخصیتی منسجم و سالم شده و احساس ثبات، فردیت و هدفمندی می‌دهد و شخص را در بهداشت آوردن شخصیت دین‌دار، بهنجار و عامل به ارزش‌های اخلاقی کمک خواهد کرد. پژوهش‌هایی به نقش معنویت در عزت نفس کلی پرداختند. این پژوهش‌ها رابطه عزت نفس و معنویت را نشان داده‌اند. «عزت نفس معنوی» به عنوان یک سازه مستقل نیز بررسی گردیده است. عزت نفس معنوی به معنای احساس ارزشمندی به‌واسطهٔ فرا رفتن از زندگی مادی روزمره و احساس توانمندی در جستجوی امر قدسی و یکپارچه شدن با آن تبیین کرده‌اند. عزت نفس معنوی بر اساس منابع اسلامی یعنی فرد مسلمان خودش را بنده ارزشمند خداوند بداند و در مسیر تقرب به خدا احساس توانمندی کند، احساس کند با تلاش می‌تواند به‌مراتب بالای معنویت و قرب خدا دست یابد (فرهوش، ۱۳۹۶). پژوهش‌های داخلی نیز نقش عزت نفس و معنویت در بهداشت و سلامت روانی و جسمی و تعامل ابعاد روان‌شنختی و معنوی آدمی در ایجاد نگرش‌های مثبت و سازگاری را مؤثر دانسته‌اند (گودرزی، سهرابی و فرخی، ۱۳۹۱).

در این پژوهش، هدف اصلی طراحی یک بسته آموزشی - روان‌شنختی مبتنی بر سازه عزت نفس معنوی است که بر اساس آموزه‌های اسلامی مرتبط با احساس ارزشمندی و توانمندی فرد توسعه یافته است (فرهوش، ۱۳۹۶). این تحقیق با توجه به وجود خلاصه‌ای کاربردی در این زمینه، سعی دارد تا با رویکردی

1. Quenk.

2. Fournier

3. Griff

4. Hiermann

اسلامی، به دسته‌بندی و تحلیل این آموزه‌ها پردازد و بسته‌ای آموزشی را ارائه دهد. در بخش نهایی پژوهش به امکان‌سنجی اثربخشی این بسته در تقویت بهزیستی روانی افراد می‌پردازد، تا اطمینان حاصل شود که آموزه‌های به کاررفته در بسته می‌توانند به طور مؤثری به ارتقای بهزیستی روانی کمک کنند.

## روش و ابزار پژوهش

این پژوهش در واقع از روش تحقیق آمیخته استفاده می‌کند؛ یعنی ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی به کار گرفته شده است. این نوع تحقیق امکان می‌دهد که هم از داده‌های عمیق و توصیفی کیفی و هم از تجزیه و تحلیل‌های آماری کمی بهره برده شود، که این خود می‌تواند به اعتباربخشی به نتایج تحقیق کمک کند. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی<sup>۱</sup> است. پژوهش‌های کاربردی با استفاده از زمینهٔ فراهم‌شده از طریق تحقیقات بنیادی برای رفع نیازمندی‌های بشر، بهبود و بهینه‌سازی ابزارها و روش‌ها در جهت توسعهٔ رفاه، آسایش و ارتقای سطح زندگی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰، ص. ۸۰).

روش کار بدین‌گونه بود که ابتدا در ارتباط با هر مؤلفهٔ عزت نفس معنوی، آموزه‌ها و موضوعاتی با رویکرد اسلامی مرتبط استخراج شد؛ سپس تأثیر آموزه‌ها بر تقویت هریک از مؤلفه‌های عزت نفس معنوی، توسط پژوهشگر تحلیل و تألیف شد؛ سپس مجموعهٔ آموزه‌ها در فرمی به کارشناسان ارائه شد که بررسی کنند در هر مؤلفه کدام آموزه‌ها موجب تقویت آن مؤلفه می‌شود.

آموزه‌های مرتبط با هر مؤلفه جمع‌آوری و تحلیل شد؛ سپس بستهٔ عزت نفس معنوی در قالب اهداف، تکنیک‌ها و تکالیف طراحی گردید و به کارشناسان ارائه شد و اهداف و تکنیک‌ها و تکالیف هر جلسه به لحاظ «روایی محتوا»<sup>۲</sup> مورد ارزیابی قرار گرفت.

در مرحلهٔ امکان‌سنجی از مقیاس بهزیستی روانی ریف (۱۹۸۰) استفاده گردید و با روش آزمایشی با آزمون تحلیل کواریانس، ابتدا نرمالیتی داده‌ها با آزمون کولموگروف – اسمنیونوف بررسی گردید؛ همچنین با استفاده از نتایج حاصل از آزمون لوین، پیش‌فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها مورد بررسی قرار گرفت، و در نهایت امکان اثرباری بستهٔ عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی بر ارتقای بهزیستی روانی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعهٔ آماری این پژوهش طلاب مدارس حوزهٔ علمیهٔ قم و نمونهٔ آماری ۱۰ نفر به عنوان گروه آزمایش و ۱۰ نفر به عنوان گروه گواه از طلاب قم در سال ۱۴۰۰ می‌باشدند که با مراجعه به مشاور مدرسه به صورت تصادفی به گروه آزمایش و گواه انتساب داده شدند.

1. Practical

2. Content validity

## یافته‌های پژوهش

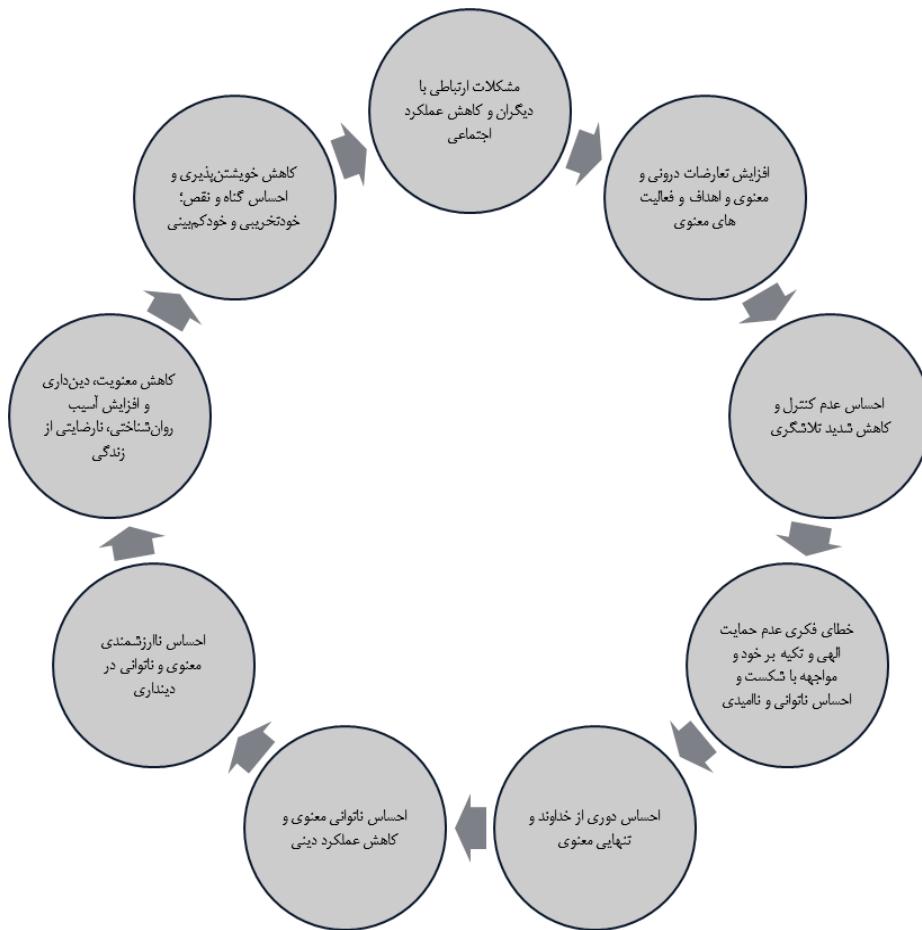
یافته‌های این پژوهش نشان داد که بسته آموزشی روان‌شنختی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی که در نه جلسه طراحی شده، به بررسی و امکان‌سنجی تأثیر آن بر بهزیستی روان‌شنختی می‌پردازد. در تحقیقات انجام‌شده توسط فرهوش در سال ۱۳۹۶، سازه عزت نفس معنوی بر پایه متون اسلامی و با استفاده از نظریه زمینه تبیین شده است. به منظور رسیدن به این ابعاد، آموزه‌های اسلامی که به ارزشمندی و شایستگی فرد در جنبه معنوی مرتبط هستند، جمع‌آوری و دسته‌بندی شده‌اند، و سازه پیشنهادی عزت نفس معنوی در هفت عنصر مختلف تدوین گردیده است.

به منظور یافتن راهکارهای جزئی و دقیق و مداخله روشن‌مinded جهت افزایش عزت نفس معنوی، حلقه معیوب و ناسالم روان‌شنختی فقدان عزت نفس معنوی و آثار آن در بهزیستی روانی در ارتباط با هر مؤلفه و جلسه مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرند تا بتوان راهکارهایی را بر اساس مداخله در این محورها ارائه داد. از تلفیق جلسات، الگوی کلی برای طراحی بسته به دست آمد.



شکل ۱: الگوی کلی بسته عزت نفس معنوی و امکان‌سنجی آن با بهزیستی روانی

در ادامه سعی گردید تا ترتیبی منطقی بر اساس توجیه نظری مابین مؤلفه‌ها و جلسات کشف گردد که در جدول ذیل ارائه گردید.



### چرخه کاهش بهزیستی روانی و عزت نفس معنوی

در مواجهه فرد با مشکلات معنوی و نارضایتی در زندگی، چرخه آسیب‌ها و کاهش بهزیستی روانی در شخص شکل می‌گیرد. با توجه به پژوهش می‌توان با معکوس‌سازی آن و افزایش احساس توانمندی و ارزشمندی معنوی، ادامه چرخه معیوب را متوقف و فرایند رشد بهزیستی روانی را تقویت نمود.

### ساختار کلی بسته

پیش از طراحی جزئیات بسته، ساختار کلی آن که عبارت‌اند از: اهداف، مکانیزم تغییر، محتوا و مراحل و تکنیک‌های کلی به قرار ذیل تنظیم گردید که در جدول (۱) قابل مشاهده است.

## جدول ۱: ساختار کلی اهداف، مکانیزم و فرایند بسته

<p>به طور کلی بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری بر اساس:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>افزایش باور به توانمندی معنوی</li> <li>تقویت احساس نزدیکی به خداوند</li> <li>افزایش احساس کنترل</li> <li>ایجاد یکپارچگی و هدفمندی معنوی</li> <li>افزایش باور به بهرمندی از حمایت الهی و توکل</li> <li>افزایش ارتباط کریمانه با مردم</li> <li>اصلاح تحریف‌های شناختی نسبت به خود و خویشتن‌پذیری</li> <li>جهت تقویت عزت نفس معنوی و افزایش بهزیستی روانی</li> </ul>	<span style="font-size: 2em;">بازسازی</span> <span style="font-size: 1em;">نمایش</span>
<p>۱. تغییر معرفتی در ارتباط با ارزش و توان خود و نسبت خود و خداوند و جایگاه در هستی      ۲. تغییر معنوی در ارتباط با خدا و خود      ۳. تغییر هیجانی بر اساس باورهای معنوی      ۴. تغییر رفتاری بر اساس باورها و احساسات نسبت به خود و خداوند در ارتباط و رفتار با خود و دیگران</p>	<span style="font-size: 2em;">بازسازی</span> <span style="font-size: 1em;">نمایش</span>
<p>۱. تبیین      ۲. آسیب‌شناسی      ۳. فراهم آوردن زمینه‌های تجربه معنوی      ۴. شناخت عوامل افزاینده و کاهنده احساس ارزشمندی و توانمندی معنوی      ۵. بررسی موقعیت‌های آسیب‌زا بهزیستی روانی      ۶. آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها و کاهش عزت نفس معنوی و بهزیستی روانی      ۷. بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های عزت نفس معنوی      ۸. آموزش راهکارهای عزت نفس معنوی به طور تفصیلی توسط درمانگر / مری / استاد - بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری با استفاده از تکنیک‌ها، تمرین و تثبیت و کمک به برنامه‌ریزی معنوی</p>	<span style="font-size: 2em;">آسیب‌شناسی</span> <span style="font-size: 1em;">بررسی</span>
<p>۱. تبیین، مشارکت جمعی (بحث گروهی)، بارش فکری، پرسشگری سفراطی،      متقاعدسازی، گفت‌و‌گویی تطبیقی      ۲. تکرار و توجه به آموزه‌ها و همراه با مراقبه و تأمل درون و خارج از جلسه      ۳. تمرین‌های شناختی رفتاری برآمده از آموزه‌ها، درون و خارج از جلسه</p>	<span style="font-size: 2em;">آسیب‌شناسی</span> <span style="font-size: 1em;">بررسی</span>

بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی در نه جلسه طراحی گردید و با تمرکز بر سازه هفت مؤلفه‌ای عزت نفس معنوی در جلسات اول به معرفی بسته و ایجاد یک رابطه آموزشی، درمانی با شرکت‌کنندگان و انگیزه‌سازی پرداخته شد و در جلسات بعدی به ترتیب به مؤلفه‌های باور به توانمندی

معنوی، توکل و امداد الهی، احساس کنترل، یکپارچگی معنوی، ارتباط کریمانه با مردم و خویشتن‌پذیری پرداخته شد، که به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۲: خلاصه بسته عزت نفس معنوی

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکاليف
۱	جلسة اول: معرفی بسته عزت نفس معنوی ایجاد رابطه آموزشی و درمانی با شرکت‌کنندگان و آشنایی با سیکل معیوب و آثار فقدان بهزیستی روانی و عزت نفس معنوی ایجاد انگیزش و حس مثبت معنوی	اجرای فنون ارتباطی: احترام، گوش کردن فال، ایجاد احساس امنیت، پاسخ‌دهی به نیاز مخاطبین، پذیرش بی‌قیدوشرط و ایجاد انگیزه و امید نسبت به رشد و تغییر. تبیین آثار فقدان عزت نفس معنوی و پیامدهای فقدان بهزیستی روانی بیان آثار عزت نفس معنوی در کیفیت زندگی شرکت‌کنندگان و انگیزش و امید آنان برای افزایش عزت نفس معنوی ارزیابی بینش و آگاهی شرکت‌کنندگان تبیین قوانین کارگاه و وظایف مخاطبین ارزیابی عمومی از میزان عزت نفس معنوی همدلی با مشکلات کمبود عزت نفس معنوی شرکت‌کنندگان	تهیه گزارشی از نشانگان فقدان یا پایین بودن عزت نفس معنوی و توجه به این بعد از عزت نفس در بینش فرد در زندگی معنوی خود و همچنین بهزیستی روان‌شناختی گزارش انواع پیامدهای رفتاری و عاطفی فقدان عزت نفس معنوی در رفتارهای معنوی خود (اعتقادات، بینش‌ها + صفات + اعمال عبادی و معنوی و بهزیستی روانی) گزارش موارد و موقعیت‌هایی که احساس عزت نفس معنوی داشتید یا احساس فقدان عزت نفس معنوی دارید و همچنین بهزیستی روان‌شناختی انجام آزمون عزت نفس معنوی و بهزیستی روان‌شناختی ریف
۲	جلسة دوم: تقویت باور به توانمندی معنوی و قابلیت‌های خویش برای رشد معنوی، برتری و جایگاه آدمی در هستی، آشنایی با عوامل تقویت باور به توانمندی معنوی	ثبت توانایی‌ها / دارایی‌های معنوی، یا مرور ذهنی جهت‌دار، یا بحث و گفت‌وگو جهت آگاهی و توجه به توانمندی‌ها و امکانات معنوی و استعداد ویژه برای تقریب به خدا و تقویت باور به توانمندی معنوی، توجه به توانایی فکری و جسمی اعطایی از جانب خدا برای تصرف در عالم ماده و تقویت آن، شناخت و توجه به نعم الهی	مراقبت روزانه بر فعالیت‌های معنوی و عبادی، مراقبة تأملی، تفکر در موضوع جایگاه انسان در هستی و توانمندی‌های رشد معنوی ثبت آن در جدول روزانه عزت نفس معنوی، مطالعه و تدبیر در قرآن و روایات و ادعیه به صورت روزانه، توجه و تکرار جملات تقویت‌کننده باور به توانمندی معنوی انسان، نمونه‌یابی و مطالعه زندگی اسوه‌های کرامت نفس، مراقبت تأملی توجه و شکر از نعمت هدایت،

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکالیف
۳	جلسه سوم؛ تقویت احساس نزدیکی به خدا شناخت نزدیکی و جایگاه عظیم انسان در کنار انسان و خداوند، احساس انس و خداوند، احساس انس و قرب، تقویت احساسات عرفانی و نزدیکی با خدا در هنگام مناجات و عبادت و تلاوت قرآن و متون عرفانی و هنگام مشاهده نشانه‌ها و نعم الهی در طبیعت	تبیین نسبت و رابطه عبد و مولا (انسان و خداوند)، تبیین اهمیت خودسازی و ترک گناه، تبیین نقش درک مراتب ایمان و بندگی و اجرای فرامین الهی، تقویت کیفی عبادات بهخصوص نماز، تبیین اهمیت و نقش علاقه به حق و تخلق به اخلاق الهی / اراثه فرازهای مناجاتی دعای عرفه و ابوحمزه و شناخت و محبت و توسل به اهل بیت	خواندن مناجات محبین با ملاحت و آرامش و نوجه به معانی زیبای آن، گفت‌وگویی محاوره‌ای و ساده با خداوند و اهل بیت در تک‌تک موقیت‌های روزمره، تکرار آرام و با توجه ذکر «یا رحیم»، «یا قریب»، «یا حبیب»، «یا رفیق من لارفیق له» و جمیوعه از اذکاری که از محور حیی و انس با خداوند دارند، توصیف و تصور زیبا و پر احسان از نعمات الهی به فرد / زیبایی‌های طبیعت / داستان سیب و سلول‌های آن (نامه عاشقانه)، توجه به تک‌تک نفس‌ها و جزء‌جزء نعمی که تناول می‌کند؛ آنها را هدایای پرمحبت از خدا ببیند و به این حس زیبای محبتی توجه داشته باشد
۴	جلسه چهارم؛ تقویت باور به بهرهمندی از حمایت الهی و توکل، آشنایی با مفهوم توکل و اثار آن، تقویت شناخت و باور به ساحت ربوبیت و حمایتگری خداوند و درونی‌سازی آن، افزایش احساس توانمندی به واسطه واگذاری کار به خدا + (احساس آرامش) افزایش توانایی مقابله با مشکلات، انعطاف و کاهش ترس و اندوه برآمده از احساس ناتوانی	واگذاری امور و مشکلات به خدا / القا آرامش و اعتمادبه نفس و احساس توانمندی و احساس بهرهمندی از برای و پشتیبانی خداوند، مناجات با خدا در هنگام مشکلات و ابراز توکل (آن کسانی که این اتفاق علیینا صبریاً...) + راهکارهای شناختی و معرفتی (تقویت ایمان، یقین به حقانیت خدا، اعتماد به خدا، باور به حکمت و مصلحت خدا) توجه به اراده اراده و قابل حل مشکلات، بازخوانی و توجه به خاطرات و تجربه‌های مثبت گذشته، استعانت به میر و نماز، تقویت توانایی مقابله، انعطاف و مهارت حل مسئله / رویکرد هیجان‌مدار مثبت و مسئله‌دار مثبت معنوی	مواقت تأملی و روزانه بر توجه به نصرت، امداد و حمایت الهی در هر مشکل، تکرار ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل» همراه با توجه به تکیه گاه، تکرار ذکر «الاحوال و الاقوة الا بالله» همراه با توجه به اراده کامل خداوند در واگذاری امور به او، مطالعه حکایت‌های قرآنی توکل (داستان حضرت ابراهیم و نمرود) مرور روایات و زندگی نامه شخصیت‌ها و علمای برجهسته اخلاق با محوریت توکل، مطالعه کتاب‌ها در باب توکل؛ توکل به خدا؛ راهی بهسوسی حرمت خود و سلامت روان - شجاعی، کتاب رضایت از زندگی / الغوی شادکامی - عباس پسندیده
۵	جلسه پنجم؛ احساس کنترل، تقویت باور به نقش اراده و تلاش و تقویت احساس توانمندی و ارزشمندی، تقویت باور به نقش تلاش در جایگاه بهتر در آخرت	تبیین جایگاه اراده نسبت به عوامل دیگر در زندگی و نقش تلاش محوری و فرایندگرایی به عنوان ملاک ارزش‌گذاری خداوند و تلاش برای ایجاد موقیت‌های و تجربه معنوی هدف‌گذاری رفتارهای معنوی کوچک و پایدار در امور زندگی	مداومت بر یک فعالیت معنوی روزانه، ورزش (تقویت اراده)، شناخت، ارتباط و مراوده با انسان‌های مؤمن و موفق، مطالعه کتاب گام‌های موقیت در پرتو قرآن کریم - محمدعلی انصاری، مطالعه کتاب جوان و انتخاب بزرگ - اصغر طاهرزاده، مطالعه کتاب خودمهارگری اسلامی . رفیعی هنر

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکاليف
۶	جلسه ششم؛ هدفمندی معنوی و یکپارچگی معنوی توجه به هدفی معنوی در زندگی، بعد معنوی دادن به مسائل روزمره کاهش حسرت گذشته و ترس از آینده، کاهش دوگانگی و تعارضات درونی، شناخت و تقویت اخلاق، کاهش نیاز به دیگران در منبع احساس ارزشمندی معنوی	تبیین مبانی و مفهوم یکپارچگی و ارائه راهکاری شناختی و عملی در رفع دوگانگی معنوی تبیین لزوم وجود معنا در زندگی و تعارضات درونی	برنامه‌ریزی روزانه عبادی و اخلاقی / جدول مشارطه و مراقبه، انجام واجبات و مستحبات به صورت روزانه و مستمر، عدم تفکیک کارهای عبادی و فعالیت‌های روزانه و توجه به عبودیت تمامی فعالیتها، تهیه لیستی از تعارضات درونی و تفکر در آنها، تهیه لیستی از موقعيت‌ها و رفتارهایی مخدوش به ریا و تفکر در آن، مطالعه حدیث دوم در باب ریا کتاب چهل حدیث اخلاقی امام خمینی <sup>۱۴</sup>
۷	جلسه هفتم؛ ارتباط کریمانه با مردم، تقویت احساس ارزشمندی معنوی فرد به‌واسطه معاشرت نیکو به عنوان عمل صالح، تقویت لذت رفتار کریمانه با دیگران، تقویت احساس ارزشمندی معنوی فرد به‌واسطه توجه به محبت بین فردی به عنوان پیامد خوشروی با دیگران	تفکیک بین فعل و فاعل، شخصیت و رفتار دیگران و افزایش تاب‌آوری، تبیین آداب معاشرت و یادگیری فنون گفت‌و‌گو، توجه‌بخشی به جایگاه مؤمنین در منظر خداوند، تبیین اهمیت و نقش مراوده و معاشرت با افراد بالایمان و بالاخلاق و خیر، تبیین اهمیت احترام و تواضع نسبت به دیگران و نقش آن در احساس ارزشمندی، تبیین اهمیت مدارا با مردم و ایجاد محبت و علاقه بین خود و خانواده و دوستان، تبیین نقش برآوردن نیازهای مردم و یاری آنها و احساس یگانگی و خویشاوندی و برادری در تقویت احساس ارزشمندی و توانمندی معنوی، ارزیابی مثبت عمل صالح و توجه به لذت رفتار کریمانه و محبت دیگران به او	بخشیدن خطای دیگران، راهکارهای تقویت خوش‌روی، محبت و مهربانی با مردم و اطعام و هدیه و صدقه، خواندن و توجه به معانی و منطق کریمانه فقرات دعای «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ...» <sup>۱۵</sup> ، توجه به نکات مثبت عالی در اطرافیان و توجه به حس مثبت بین فردی و تفکیک افعال منفی از ذات افراد، صلة رحم و افزایش مراوده با خانواده‌های مذهبی و اخلاقی‌مدار، مطالعه سیروس‌لوک رفتاری و اخلاقی ائمه اطهار، مشارکت در امور خبریه و نیکوکاری، خوش‌رفتاری با اعضای خانواده و دوستان، تمرین استناد خوش‌بینانه (غیرخصوصانه) به صورت روزانه و ثبت آنها در جدول روزانه عزت نفس معنوی

۱۴. «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ، اللَّهُمَّ أَشْيِعْ كُلَّ جَانِعٍ، اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غُرْبَانٍ، اللَّهُمَّ افْضِلْ ذِيَنَ كُلُّ مَدِينٍ، اللَّهُمَّ فَرُّجْ عَنْ كُلُّ مَكْرُوبٍ، اللَّهُمَّ رُدْ كُلُّ غَرَبٍ، اللَّهُمَّ فَكَّ كُلَّ أَسْيٍ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ» (شیخ عباس قمی، ۱۳۵۹ق)

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکالیف
۸	جلسه هشتم؛ خویشتن پذیری، تبیین خطاهای اصلاح تحریف‌های شناختی کاهنده عزت نفس معنوی، تقویت روحیه تلاشگری در مقابل نتیجه‌گرایی، تبیین کمال‌گرایی افراطی، افزایش محبت معنوی به خود از راه توبه	راهکارهای اصلاح تحریف‌های شناختی و تفکرات افراینده عزت نفس معنوی، جایگزینی تلاش محوری بهجای نتیجه‌گرایی تبیین آسیب‌های کامل‌گرایی و راهکارهای خروج از آن	تهیه لیست از خطاهای شناختی نسبت به عزت نفس معنوی خود، استغفار از گناهان و توجه به محبت خداوند نسبت به توبه کاران، توجه به تکیک بین انجراب از رفتار خطا و شخصیت، تهیه لیست از نقاط قوت و نقاط ضعف و عادات روزمره، تهیه لیست ناکاملی‌ها و تصمیم‌گیری در مورد آنها (مهارت تصمیم‌گیری و بستن پرونده‌های باز) تنظیم جدول ارزیابی هیجانات، تنظیم و تکمیل جدول مدیریت احساسات، موقعیت‌ها و رفتار، احساس نشاط
۹	جلسه نهم؛ جمع‌بندی و راهکارهای حفظ و ثبت دستاوردها، ارزیابی از میزان عزت نفس معنوی و بهزیستی روان‌شناسی، افزایش خودآگاهی بعد از عزت نفس، ارزیابی میزان رضایت‌مندی مخاطبین از دوره جمع‌بندی و پیگیری	مراقبت‌شناختی و باور به احساس توأم‌نمدی و ارزشمندی معنوی، مراقبت عاطفی و هیجانی و رفتاری نسبت به عزت نفس معنوی، بازخوانی افکار بنیادی مخدوش و مضر به عزت نفس معنوی، هم‌افزایی و پیش‌بینی موقعیت‌هایی کاهنده عزت نفس معنوی	ثبت و تدوین محتوای دوره عزت نفس معنوی و مرور ماهانه آن، مطالعات پایدار و کوتاه کتاب‌های معرفی شده در بسته، ارائه راهکارهای حفظ و تداوم عزت نفس معنوی و بهزیستی روان‌شناسی، معرفی کتب مرتبط با مؤلفه‌های عزت نفس معنوی، معرفی و سوق‌دهی ارتباط با استاید اخلاق و تربیت

در مرحله بررسی روایی بسته عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی نتایج در اختیار ۱۱ خبره قرار گرفت که از روایی مطلوب برخوردار بوده و بر این اساس ضریب نسبی روایی محتوا برای تمامی جلسات، بزرگ‌تر از مقدار مورد نیاز بر اساس جدول لاوشه بوده و ضریب نسبی روایی محتوا برای همگی جلسات بیش از ۰/۵ بود و به تأیید کارشناسان رسیده است؛ همچنین شاخص روایی محتوا تمام جلسات از ۰/۷۹ بیشتر بوده و به تأیید خبرگان رسید و به غیر از جلسه ششم و هفتم، در تمام جلسات جمع تعداد کارشناسانی که گزینه کاملاً مرتبط با مرتبه اما نیاز به بازبینی را انتخاب نموده‌اند، به ۱۱ می‌رسد (بنابراین  $CVI=1$ )، و تنها این تعداد در دو جلسه، به ده رسیده است که با این حال  $CVI$  برابر با ۰/۹۱ شده است و لذا شاخص روایی محتوا تمام جلسات با اختلاف زیادی از ۰/۷۹ بیشتر شده و مورد تأیید می‌باشد.

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش بر اساس امکان‌سنجی بسته بر بهزیستی روان‌شناسی در بحث فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس، ابتدا نرمالی داده‌ها با آزمون کولموگروف -

اسمیرنوف بررسی شد، از آنجاکه سطح معناداری در تمامی متغیرها بیش از  $0/05$  بود ( $P < 0/05$ )، نرمال بودن متغیرها تأیید شد. نتایج حاصل از آزمون لوین نشان داد، پیش‌فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها برقرار است ( $P > 0/05$ )؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون ام باکس (همسانی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس) پیش‌فرض برابری کوواریانس‌ها در همه تحلیل‌ها را تأیید کرد (آزمون لامبدای ویلکز).

بهمنظور بررسی پیش‌فرض همگنی شبیه رگرسیون نیز تعامل متغیرهای وابسته و همپراش بررسی شد، نتایج نشان داد که ( $P > 0/05$ ) است و پیش‌فرض همگنی شبیه رگرسیون برقرار است؛ بنابراین تمامی پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری برقرار است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه‌ها	متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۱/۱	۱۴/۵	۱/۶	۱۰/۳	آزمایشی	استقلال
۱/۶	۱۱/۳	۱/۶	۱۰/۳	گواه	
۲/۶	۱۶/۵	۲/۴	۹/۸	آزمایشی	تسلط بر محیط
۲/۴	۱۰/۸	۲/۴	۹/۸	گواه	
۳/۰	۱۴/۸	۳/۲	۱۱/۶	آزمایشی	رشد شخصی
۳/۲	۱۲/۶	۳/۲	۱۱/۶	گواه	
۲/۷	۱۵/۰	۱/۹	۱۰/۰	آزمایشی	ارتباط مثبت با دیگران
۱/۹	۱۱/۰	۱/۹	۱۰/۰	گواه	
۲/۴	۱۵/۸	۴/۰	۹/۸	آزمایشی	هدفمندی در زندگی
۴/۰	۱۰/۸	۴/۰	۹/۸	گواه	
۲/۳	۱۵/۵	۳/۰	۹/۹	آزمایشی	پذیرش خود
۳/۰	۱۰/۹	۳/۰	۹/۹	گواه	
۹/۶	۹۰/۰	۹/۲	۶۱/۳	آزمایشی	بهزیستی کل
۹/۲	۶۷/۳	۹/۲	۶۱/۳	گواه	

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) متغیرهای پژوهش

متغیر	واسته	مقدار	Df فرضیه	df خطا	F	سطح معناداری	مجدور آتا
آزمون اثر پیلاتی		۰/۹۵۳	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳
آزمون لامبدای ویلکز		۰/۰۴۷	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳
آزمون اثر متالینگ		۲۰/۰۶۲	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روحی		۲۰/۰۶۲	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳

همان‌طور که نتایج در جدول (۳) مشاهده می‌شود، تفاوت دو گروه آزمایشی و گواه در مؤلفه‌های بهزیستی در مجموع معنادار است. به عبارت دیگر، بین آزمودنی‌هایی که مداخلات عزت نفس معنوی را دریافت کرده‌اند، در مرحله پس‌آزمون، حداقل به لحاظ یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان این تفاوت ۹۵ درصد می‌باشد؛ یعنی ۹۵ درصد تفاوت‌های فردی در متغیرها، مربوط به تفاوت بین گروه‌ها می‌باشد. جهت تعیین متغیرهایی که پس‌آزمون با پیش‌آزمون تفاوت معنادار دارد، آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره انجام شد. نتایج در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری (آنکوا) متغیرهای پژوهش

منبع تغییرات	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	ضرایب آتا
گروه	استقلال	۴۲/۲۵۰	۱	۴۲/۲۵۰	۱۷/۴۸۳	۰/۰۲۵	.۰/۸۵۴
	تسلط بر محیط	۴۹/۵۰۰	۱	۴۹/۵۰۰	۱۶/۵۰۷	۰/۰۱۰	.۰/۷۷۷
	رشد شخصی	۱۱/۰۲۵	۱	۱۱/۰۲۵	۳/۹۹۵	۰/۰۸۵	.۰/۳۶۱
	ارتباط مثبت با دیگران	۳۴/۰۰۰	۱	۳۴/۰۰۰	۲۳/۰۳۶	۰/۰۰۴	.۰/۸۱۵
	هدفمندی در زندگی	۵۳/۰۴۷	۱	۵۳/۰۴۷	۴/۷۵۴	۰/۰۹۲	.۰/۵۳۴
	پذیرش خود	۷۵/۶۲۵	۱	۷۵/۶۲۵	۱۳/۷۱۶	۰/۰۱۰	.۰/۶۹۰
	کل بهزیستی	۲۰۷۰/۲۵۰	۱	۲۰۷۰/۲۵۰	۵۰/۱۸۸	۰/۰۰۰	.۰/۸۷۸

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌های تعدیل شده پس‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه در نمرات مؤلفه‌های بهزیستی روانی معنادار بوده است و شرکت‌کنندگان در گروه عزت نفس معنوی به‌طور معناداری بیش از شرکت‌کنندگان در گروه گواه، در تسلط بر محیط، ارتباط مثبت با دیگران، پذیرش خود و بهزیستی روانی افزایش داشته‌اند. بر اساس پس‌آزمون میزان تأثیر عزت نفس معنوی در افزایش تسلط بر محیط ۷۸ درصد، ارتباط مثبت با دیگران ۸۱ درصد، پذیرش خود ۶۹ درصد، بهزیستی روانی کل ۸۸ درصد است ( $P<0.001$ ).

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که بسته آموزشی روان‌شناسی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی از روانی مطلوبی برخوردار است. عزت نفس معنوی بر اساس منابع اسلامی؛ یعنی فرد به لحاظ معنوی احساس ارزشمندی کند؛ همچنین در مسیر تقرب به خدا، احساس توانمندی کند؛ احساس کند با تلاش می‌تواند به مراتب بالای معنویت و قرب خدا دست یابد. سازه عزت نفس معنوی از هفت مؤلفه تشکیل شده است:

۱. باور به توانمندی معنوی؛ ۲. توکل و امداد الهی؛ ۳. احساس نزدیکی به خدا؛ ۴. احساس کنترل؛ ۵. یکپارچگی معنوی؛ ۶. ارتباط کریمانه با مردم؛ ۷. خویشن پذیری. پژوهش نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌های تعدیل شده پس آزمون دو گروه آزمایش و گواه در نمرات مؤلفه‌های بهزیستی روانی معنادار بوده است و شرکت کنندگان در گروه عزت نفس معنوی به طور معناداری بیش از شرکت کنندگان در گروه گواه، تغییرات مثبتی داشتند که بر اساس پس آزمون میزان تأثیر عزت نفس معنوی در افزایش تسلط بر محیط، ارتباط مثبت با دیگران، پذیرش خود و بهزیستی روانی کل مثبت و افزاینده بوده است.

مطالعات نشان‌گر این نکته است که عزت نفس معنوی یک عامل روان‌شناختی مهم اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی بهشمار می‌رود. با افزایش عزت نفس معنوی، احساس توانمندی و ارزشمندی و عزت نفس کلی در فرد به وجود می‌آید و تغییرات مثبتی در تمامی ابعاد زندگی معنوی و روزمره خود؛ همچون پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش برای کسب موقفيت، داشتن اعتماد به نفس بالا، بلند همت بودن و تمایل به داشتن سلامت بهتر در فرد پدیدار می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با توجه به افزایش عزت نفس کلی نیز با نتایج تحقیق بک و همکارانش همخوانی داشته است، بهطوری که عزت نفس می‌تواند رابطهٔ متضاد و معکوسی با مشکلات روان‌شناختی داشته باشد، بهطوری که در برخی از این تحقیقات نمونه‌ها با داشتن مشکلات روان‌شناختی از عزت نفس بالایی برخوردار بودند؛ همچنین در تعدادی از مطالعات بین عزت نفس با مشکلات و اختلالات سلامت روانی، روابط علیٰ کاملاً واضح و منطقی گزارش نشده است.

پژوهش‌هایی به نقش معنویت در عزت نفس کلی، رابطهٔ هوش معنوی و عزت نفس کلی، رابطهٔ مؤلفه‌های هوش معنوی و عزت نفس کلی پرداختند (برای نمونه تاج‌آبادی هرات و کارگریان مرغوب‌تی، ۱۳۹۴، فراهنگ‌پور، نوربخش و مولوی، ۱۳۹۴). این پژوهش‌ها رابطهٔ عزت نفس و معنویت را نشان داده‌اند، «عزت نفس معنوی» به عنوان یک سازهٔ مستقل نیز بررسی گردیده است (فرهوش، ۱۳۹۶).

پژوهش‌هایی نیز به لحاظ نظری آثار معنوی عزت نفس تبیین شده است؛ مانند نرم‌خوبی، وفاداری، پایاندی به عهد و پیمان، ساده‌زیستی و بی‌توجهی به جلوه‌های دنیا، بخشودگی (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۹، ص ۶۰۲)، دوری از ریا و خودنمایی (ابن‌فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۰)، دوری از گناه و معصیت (رایزن، ۱۳۸۸؛ به نقل کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۵)، اما اکثر پژوهش‌های میدانی تنها به لحاظ روان‌شناختی به آثار مثبت «عزت نفس» توجه کرده‌اند؛ مانند تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله (امیرپور، ۱۳۹۱؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۲)، خویشن‌داری (مدانلو، حقانی و جعفری‌پور علوی، ۱۳۸۰؛ عارفی، ۱۳۸۹)، سازگاری اجتماعی (ظاهری و همکاران، ۱۳۸۵؛ اصل فتاحی و نجارپور استادی، ۱۳۹۰)، کاهش درگیری ذهنی و کشمکش فکری با اطرافیان (آزادمرزآبادی،

هوشمندجا و پورخلیل، ۱۳۹۱؛ ارلان، سرچهانی و سرچهانی، ۱۳۹۳)، کاهش خشم و پرخاشگری (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰؛ پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۰؛ کرمی، بهارلو، زارعی و ثابت، ۱۳۹۲)، کاهش خودشیفتگی، خودبرتربینی و اغراق در توانمندی‌ها (براندن، ۱۳۸۸، ص ۲۲؛ بساکنژاد، ۱۳۸۸؛ یزدی و مختاری، ۱۳۹۰؛ پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۰)، کاهش خودکمی‌بینی و غرب‌زدگی (عبدی، ۱۳۹۰)، کاهش احساس تنهایی (احدى، ۱۳۸۸)، کاهش جرم (ذیحی و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۲)، کاهش احساس شرم و گناه (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲)، اما به اهداف و فن‌ها و روش‌های تقویت عزت نفس معنوی نپرداختند (فرهوش ۱۳۹۶).

برخی پژوهش‌ها نیز به راهکارهای تقویت عزت نفس کلی پرداختند، مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: دل‌بستگی ایمن، نوع رویکرد تربیتی والدین (لیم و لی،<sup>1</sup> ۲۰۱۷)، جایگاه اقتصادی اجتماعی، سلامت جسمی، عوامل شخصیتی و روابط اجتماعی فرد (وان سوست و همکاران،<sup>2</sup> ۲۰۱۷)، آموزش مهارت زندگی (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ خالدیان، ۱۳۹۲)، تقویت جرئت‌آموزی (بهپروه و حجازی، ۱۳۸۶)، کیفیت زندگی (زکی، ۱۳۸۶)، آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی (برخوری و همکاران، ۱۳۸۸)، آموزش بازسازی شناختی (کتیابی و همکاران، ۱۳۸۹؛ وطن‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰) و آموزش مهارت‌های اجتماعی (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۹). در جمع‌بندی می‌توان گفت رویکرد غالب در این پژوهش‌ها توجه به عوامل و راهکارهای روان‌شنختی نسبت به عزت نفس کلی بوده است و به ابعاد و عوامل تقویت‌کننده عزت نفس معنوی توجه نشده است. در این پژوهش راهکارهای فوق به معنویت با رویکرد اسلامی آمیخته شده و عزت نفس معنوی را نیز تقویت نموده و اثربخشی بیشتر را شکل می‌دهد.

محدودیت‌ها هر پژوهشی در مسیر اجراء ناگزیر از رویارویی با مسائلی است که تفسیر، تبیین و تعمیم‌یافته‌های آن را با محدودیت مواجه می‌کند. پژوهشگر باید با صرف وقت و انرژی لازم متناسب با شرایط پژوهش سعی نماید مشکلات و محدودیت‌های پژوهش را به حداقل رساند. علاوه بر این هر تحقیقی از ابتدای امر یعنی انتخاب موضوع تا مراحل اجرا، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری دارای محدودیت‌هایی است. بیان محدودیت‌ها در پژوهش به محققانی که قصد تحقیق در زمینه‌های مختلف را دارند، کمک می‌کند تا با دیدی باز و آگاهی از موانع، کمبودها و محدودیت‌های تحقیق به امر پژوهش در زمینه‌های مشابه بپردازند. پژوهش حاضر نیز از این امر استثنای نبوده است. در ادامه به برخی از محدودیت‌های پژوهش حاضر اشاره می‌گردد.

1. Lim, Y., & Lee, O.

2. Von Soest, T. et al

هرچند نتایج پژوهش نشان داد که بسته آموزشی عزت نفس معنوی در جلسات از روایی مطلوب برخوردار است و اهداف مورد نظر را برآورده می‌نماید؛ اما برای سنجش اثرگذاری آن، نیاز به بررسی‌های بیشتر، اجرا و آزمایش تجربی آن در بین افراد و بوم‌های مختلف است.

در این پژوهش سلسله جامع استناد روایاتی که مبنای استخراج راهکارها بودند، مورد بررسی قرار نگرفته است. البته تلاش شده است تا از منابع دست اول روایی استفاده گردد؛ همچنین به راهکارها و اعمال مؤثرهای که برای افزایش عزت نفس معنوی از جانب م Gusman صادر شده بودند، اکتفا گردید؛ لذا از دستورات غیرمؤثره ولو مجرب، چشمپوشی شد.

عدم وجود تحقیقات مشابه در کشور و حتی خارج از کشور از مهم‌ترین محدودیت‌ها این پژوهش است که امکان مقایسه نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات مشابه را امکان‌پذیر نکرد. دشواری دسترسی به مخاطبین و جلب رضایت آنان جهت شرکت در دوره و تکمیل پرسشنامه‌ها نیز از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید؛ بهویژه در سال‌های کرونا در کشور حضور افراد بسیار محدود است.

مقیاس بهزیستی روانی، در خارج از کشور طراحی شده و اگرچه روایی و پایایی آنها در پژوهش‌های داخلی به اثبات رسیده؛ لکن همچنان نگرانی از بابت عدم تطابق آنها با فرهنگ بومی وجود دارد. حجم نمونه تنها ۲۰ نفر بود که اگرچه طبق معیارها برای امکان‌سنجی کافی و طبق قواعد روش آزمایشی بود؛ اما اگر تعداد حجم نمونه به تعداد بیشتری افزایش می‌یافتد، نتایج بهتری به دست می‌آمد.

با توجه به موانع و محدودیت‌های این پژوهش، پیشنهادهای ذیل می‌تواند راهگشا باشد: اثرگذاری این بسته، به روش آزمایشی یا شبیه‌آزمایشی مورد سنجش محققان واقع گردد تا علاوه بر تأیید نظری مورد تأیید تجربی نیز قرار گرفته و کاربردی تر گردد.

بر اساس منابع اسلامی، راهکارها و مفاهیم دارای پتانسیل بالایی برای تغییر در ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری انسان می‌باشند و می‌توان از کلیدوازه کرامت نفس سخن به میان آورد. بدین خاطر خوب است که بسته‌های دیگری از این سازه به منظور راهکارهای کسب فضائل و یا دفع رذائل و همچنین درمان بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی طراحی گرددند تا کرامت نفس و عزت نفس معنوی نیز هم‌تراز دیگر سازه‌های مفاهیم اسلامی، مقبولیت عام یابد.

همان‌طور که در مباحث فقهی، شهرت می‌تواند جابر ضعف سند باشد، به نظر می‌رسد در مباحث این تحقیق نیز تجربه موفق عزت نفس معنوی با تبیین اسلامی، می‌تواند جابر ضعف راهکارها باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود از راهکارهای و روش‌های ضعیف‌السند و حتی غیرمؤثره نیز در این راستا استفاده گردد. نهایتاً اگر تجربه موفقی در پی داشتند، به کار گرفته شوند والا طرد گردد.

با انجام تحقیقاتی مقایسه‌ای، اثرگذاری بسته عزت نفس معنوی و تأثیر آن بر بهزیستی روانی، با دیگر بسته‌ها و پروتکل‌ها سنجیده گردد.

پیشنهاد می‌شود که اجرای این تحقیق در سایر جوامع و مقایسه نتایج حاصل با یکدیگر انجام گیرد.

پیشنهاد می‌شود اجرای این تحقیق با دامنه سنی گسترده‌تر به منظور مطالعه تأثیر متغیرهای دیگر بر

بهزیستی روان‌شنختی انجام گیرد.

با توجه به تحقیقاتی که انجام شده و اثرات مثبت بهزیستی روانی و عزت نفس معنوی بر سرنوشت افراد و موققت آنها ثابت شده است و از طرفی مشخص شده بهزیستی روان‌شنختی قابل رشد است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با گذاشتن کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها به صورت آموزش خانواده در آموزش و پرورش، زمینه‌های سلامت روانی و عزت نفس معنوی به آنها آموزش داده شود تا زمینه افزایش و رشد بهزیستی روان‌شنختی در والدین افزایش یابد.

با توجه به نتایج تحقیق سعی شود مهارت‌های بهزیستی روان‌شنختی در بین نوجوانان بیشتر تقویت شود.

بر اساس نتایج، افرادی که میزان تحصیلاتشان کمتر بوده، مهارت‌های بهزیستی روان‌شنختی پایینی داشته‌اند؛ بنابراین مناسب است با اطلاع‌رسانی درست و به موقع و آموزش آنان نسبت به این مهارت‌ها، بهره‌مندی آنان را بیشتر نمایند.

## منابع

قرآن کریم.

آذری‌باجانی، مسعود؛ سالاری‌فر، محمدرضا؛ عیاسی، اکبر؛ کاویانی، محمد و موسوی اصل، سیدمه‌دی (۱۳۸۷).

روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). المذهب البار في شرح المختصر النافع. قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اردلان، محمدرضا؛ سرچهانی، زهرا و سرچهانی، مجتبی (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با کیفیت زندگی کاری و بلوغ معلمان ابتدایی ناحیه ۲. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۷(۵)، ۸۱.

امیدی، حمید؛ ساجدی، فیروزه؛ رستمی، رضا و بخشی، عنایت‌الله (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی و توانمندسازی کودکان استثنایی. نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی، ۲۹(۲)، ۳۷-۲۷.

امیرپور، بزو (۱۳۹۱). رابطه تفکر انتقادی و ابعاد آن با شادکامی و عزت نفس اجتماعی دانشجویان. دوماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۳(۵)، ۱۴۳-۱۴۷.

براندن، ناتانیل (۱۹۸۷). تقویت و خودبواری. ترجمه الهام مبارکی‌زاده. تهران: پل.

بهپژوه، احمد و حجازی، مسعود (۱۳۸۶). تأثیر برنامه جرئت‌آموزی گروهی در افزایش میزان جرئت‌ورزی و عزت نفس دانش‌آموزان کم‌جرئت. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۶(۲۳)، ۷.

پیوسته‌گر، مهرانگیز، بیزدی، سیده منور و مختاری، لیلا (۱۳۹۰). رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحوالی آن در دختران نوجوان. مطالعات روان‌شنختی، ۷(۱)، ۱۳۰-۱۴۷.

تاج‌آبادی، هرات و کارگریان، مروستی (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی. توانمندسازی کودکان استثنایی، ۲۹(۲)، ۲۷-۳۷.

- حسینی نسب، سیدداود؛ مصراًبادی، جواد و آقا جان زاده، ناهید (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه تبریز. *آموزش و ارزشیابی*, ۳، ۴۷-۶۴.
- خالدیان، م. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس افراد معتاد به مواد مخدر. *مجله روان‌شناسی اجتماعی*, ۱(۹)، ۱۵۱-۱۵۶.
- ذبیحی، لیلا، و زارعی، طهمورث (۱۳۸۹). رابطه بین عزت نفس و ارتکاب جرم در بین افراد زندانی و غیرزندانی مرد سنین ۵۵-۱۵ ساله. *اصلاح و تربیت*, ۱(۹)، ۳۶-۴۴.
- سالاری فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدي و دولتخواه، محمد (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سردم، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- شهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل (۱۳۹۲). هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن. تهران: آوای نور.
- شفیعی، حسن و صفاری نیا، مجید (۱۳۹۰). خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان. *فرهنگ مشاوره*, ۲(۶)، ۱۲۲-۱۲۶.
- فرهوش، محمد (۱۳۹۵). نقش و جایگاه عزت نفس در تربیت اخلاقی. پایان‌نامه مرکز تخصصی اخلاق حوزه علمیه قم.
- فرهوش، محمد (۱۳۹۶). عزت نفس معنوی و ساخت پرسش نامه آن بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت. قم.
- کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان (۱۳۸۹). سیری در سپهر اخلاق. قم: صحیفه خرد.
- کتبی‌ای، زیلا؛ حمیدی، هوشگ؛ یاریان، سجاد؛ قبیری، سعید و سیدمousوی، پریسا (۱۳۸۹). مقیاسه کیفیت زندگی، تنبیگی و سلامت روان در معتادان و غیرمعتمدان مبتلا به HIV و افراد سالم. *فصلنامه علوم رفتاری*, ۴(۲)، ۱۳۵-۱۴۰.
- کرمی، سمیه (۱۳۹۳). راهکارهای قرآن برای تحقق سبک تربیتی مبتنی بر تکریم شخصیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی. قم.
- گودرزی، کورش؛ شهرابی، فرامرز و فرجی، نورعلی (۱۳۹۱). اثربخشی تعاملی هوش معنوی و آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود نگرش‌های دانشجویان نسبت به مهارت‌های زندگی. *فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی*, ۷(۴).
- لطیفی، مرضیه؛ تقی‌یسی، محمدحسین؛ افکاری، محمداسحق و اعظم، کمال (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر عزت نفس و کاهش خشونت خانگی علیه زنان شهر گرگان. *تحقیقات نظام سلامت*, ۸(۶)، ۴۰-۱۰.
- ظاهری، اکرم؛ باغبان، ایران و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی عزت نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان. *دانشور رفتار*, ۱(۱۲)، ۵۹-۵۶.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۹). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. تهران: فرهنگ اسلامی.
- وطن‌خواه، حمیدرضا؛ نیک‌آمال، میترا و نیک‌شعاع، لیلا (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش بازسازی شناختی بر درمان‌گی آموخته‌شده و عزت نفس دانشجویان. *تحقیقات روان‌شناسی*, ۳(۱۰)، ۵۵-۶۶.

Branden, N. (2021). *The Psychology of Self-Esteem: A Revolutionary Approach to Self-Understanding that Launched a New Era in Modern Psychology*.

Hudson, W. (1982) *The clinical measurement package: A field manual*. Homewood .IL: Dorsey.

Koeing, H. G. (2008). Religious attitudes and practices of hospitalized medically ill older adult. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 13(4), 25-38.

Koeing, Horold (1994). *Aging and God*. New York: The Haworth Pastoral Pewss.

Lim, Y. & Lee, O. (2017). Relationships between Parental Maltreatment and Adolescents' School Adjustment: Mediating Roles of Self-Esteem and Peer Attachment. *Journal of child and family studies*, 26(2), 393-404.

Nugent, W. R. & Thomas, J. W. (1993). Validation of clinical measure of self-esteem. *Research on Social Work Practice*, 3(2), 208-218.

von Soest, T., Wagner, J., Hansen, T. & Gerstorf, D. (2017). *Self-Esteem Across the Second Half of Life: The Role of Socioeconomic Status, Physical Health, Social Relationships, and Personality Factors*.



## اثربخشی برنامه مشاوره معنویت درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های تک والد

### The effectiveness of spiritual therapy counseling program on academic excitement and academic self-concept of students Single parent families

رضا شبیناری فر / کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

سهیل هاشمی / کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

سجاد قاسمی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

زینب امیدواری / کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

Reza Sheibanifar / Master of School Counseling, Islamic Azad University, Arak, Iran

Rezasheybani1996@yahoo.com

Soheil Hashemi / Master of School Counseling, Islamic Azad University, Arak, Iran

Sajjad Ghasemi / Master of Educational Psychology, Islamic Azad University, Arak, Iran

Zeinab Omidvari / Master of Educational Psychology, Islamic Azad University, Arak, Iran

#### Abstract

**Background and Aim:** Children from single-parent families are facing many problems, among which is disruption in their children's academic performance. This research was conducted with the aim of determining the effectiveness of spiritual therapy counseling program on academic excitement and academic self-concept of students from single-parent families. **Methods:** The research was a semi-experimental one of pre-test, post-test with a control group. The statistical population was the students of the second intermediate section of Borujerd city in the academic year of 1400-1401, who were selected by available sampling method. The purpose to be obtained, 30 students were selected

#### چکیده

کودکان خانواده‌های تک والد با مشکلات متعددی روبرو هستند که از جمله آنها اختلال در عملکرد تحصیلی فرزندان است. این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی برنامه مشاوره معنوی درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های تک والد صورت گرفت. پژوهش حاضر از نظر روش شناسی نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش را دانشآموزان مقطع متوسطه دوم شهر بروجرد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای این منظور تعداد ۳۰ نفر از دانشآموزان انتخاب و به صورت تصادفی در دو

and placed randomly in two experimental and control groups. Then 8 training sessions of spiritual intervention were implemented for the experimental group and the control group did not receive any intervention. For the pre-test and post-test, all the subjects completed the tools used, the academic self-concept of Baysanchi (2004), the academic excitement of Pakran et al. (2005). Results: Then the data was analyzed using covariance analysis test. The findings indicated that spiritual therapy has made a significant difference on the components of academic excitement and academic self-concept of the experimental group. Conclusion: The results of data analysis showed that the counseling program based on spiritual therapy was effective in reducing academic excitement and increasing students' academic self-concept.

**Key words:** Spiritual therapy, academic self-concept, academic excitement, single parent students, divorce.

گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند؛ سپس ۸ جلسه آموزشی مداخله معنوی در مورد گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون، تمام آزمودنی‌ها، ابزارهای مورد استفاده، خودپندازه تحصیلی بی‌سین چی (۲۰۰۴)، هیجان تحصیلی پکران و همکاران (۲۰۰۵) را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها بیانگر این بود که معنوی درمانی بر مؤلفه‌های هیجان تحصیلی و خودپندازه تحصیلی گروه آزمایش تقاضت معناداری ایجاد کرده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که برنامه مشاوره مبتنی بر معنوی درمانی بر کاهش هیجان تحصیلی و افزایش خودپندازه تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** معنویت درمانی، خودپندازه تحصیلی، هیجان تحصیلی، دانش‌آموزان تک والد، طلاق.

## مقدمه

کودکان خانواده‌های تک والد که تنها به‌وسیله مادر اداره می‌شوند، استرس روانی، مشکلات شخصیتی، مشکلات مدرسه، پرخاشگری و عدم سازگاری با گروه هم‌سن را در مقایسه با سایر کودکان بیشتر تجربه می‌کنند (مهری، ۲۰۱۵). عدم فهم و ادراک جدا زندگی کردن والدین، بهداشت روانی پایین‌تر و استفاده بیشتر از شیوه مقابلۀ هیجانی و اجتنابی، پرخاشگری بیشتر، ترس کودک از طردشدن، تغییرات در شرایط زندگی، خجالت، احساس گناه، نگرانی در رابطه با جدایی‌های بعدی و ترس ماندگار از مشکل ناشناخته و اعتمادبه‌نفس پایین از اضطراب کودک نشئت می‌گیرد (لد، ۲۰۱۵؛ یحیی‌زاده و حامد، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد آسیب‌های فرزندان خانواده‌های طلاق در

1. Mahi, A.
2. Laird, J.

حوزه‌های عملکرد فردی (تحصیلی، شناختی، عاطفی، هیجانی)، میان‌فردی و خانوادگی نمود پیدا می‌کند (کاویان، خجسته کاشانی و تهمامی، ۱۳۹۵)؛ همچنین طلاق برای فرزندان نیز آسیب‌هایی به همراه دارد (لیئوید، سیلر و کارنی،<sup>۱</sup> ۲۰۱۴؛ پارکر، دورانت و هسلتون،<sup>۲</sup> ۲۰۲۱). افسردگی، اضطراب جدایی، مشکلات تغذیه، مشکلات خواب، انزواطلبی، ناسازگاری، پرخاشگری، افت عملکرد تحصیلی، مشکلات رفتاری، مشکلات با همسالان و مشکلات اضطرابی از جمله آسیب‌های طلاق برای فرزندان است (سان و ژاو،<sup>۳</sup> ۲۰۱۶). مطالعات اخیر در مورد ویروس کرونا نشان داده که اضطراب ناشی از بیماری کرونا و قرنطینه‌سازی خانواده‌ها، سلامت روان خانواده‌ها و کودکان را مستعد بروز نشانه‌های اختلالات روان شناختی می‌سازد (شهیاد و محمدی، ۱۴۰۰). شبیانی‌فر و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیق خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای انگیزش تحصیلی، نگرش به مدرسه فرزندان طلاق با همتایان عادی در همه‌گیری کرونا»، یافته‌هایی‌شان حاکی از این بود که بین دو گروه آزمایش و گواه، در همه مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی و مؤلفه‌های نگرش نسبت به مدرسه، تفاوت معناداری وجود دارد. آنچه مهم است، این است که همه‌گیری کرونا می‌تواند بر عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیرگذار باشد. طلاق در خانواده‌ها می‌تواند سبب افت تحصیلی و ضعف خودپندازه دانشآموزان شود. یکی از ابعاد خودپندازه، خودپندازه تحصیلی است که به بازنمایی‌های ذهنی توانایی‌های فرد در مدرسه و محیط‌های تحصیلی و یا بازنمایی‌های مرتبط با پیشرفت تحصیلی اشاره دارد. به عبارت دیگر، خودپندازه تحصیلی به خودارزیابی یک فرد در مورد قلمرو و توانایی‌های ویژه تحصیلی اشاره دارد (اسلامی، غفاری، موسی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۹).

در طول دو دهه گذشته خودپندازه به عنوان یک رفتار انگیزشی مهم و تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی افراد مطرح شده است، و یک مفهوم کلی است که به معنای تصورات فرد از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خود است (کوپر، کریگ و برونل،<sup>۴</sup> ۲۰۱۸). مهتا (۱۹۶۹) نیز انگیزه تحصیلی را به عنوان عملکرد تحصیلی دانشآموز، هم در برنامه‌های آموزشی و هم مشارکت در این برنامه‌ها تعریف کرده است. به اعتقاد وی، انگیزه تحصیلی پیامد یادگیری دانشآموزان است؛ یعنی در کلاس‌ها، دانشآموزان به طور کارآمدی قابلیت‌هایی را شکل می‌دهند و درنتیجه آن یادگیری اتفاق می‌افتد، و نتیجه یادگیری نیز تغییر الگوی رفتاری دانشآموزان از طریق موضوعات درسی مختلف است. پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشگاهی نیز اطلاق می‌شود (دلیرناصر

1. Lloyd, G. M., Sailor, J. L., Carney W.

2. Parker, G. Durante, K. M. Hill, S. E. & Haselton, M. G.

3. Sun, A. Zhao, Y.

4. Cooper, K. M., Krieg, A. & Brownell, S.

و حسینی نسب، ۱۳۹۴). بی‌انگیزگی یک موضوع جدی تحصیلی است که توجه بسیاری از محققان در حوزه‌های تحصیلی را به خود جلب نموده است؛ امری که با عوامل متعدد شناختی، هیجانی، رفتاری و شخصیتی فراغیران ارتباط دارد (نوشاد،<sup>۱</sup> ۲۰۰۸) و کلید مهم درک مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان؛ همچون افت تحصیلی، انصراف از تحصیل، مردودی‌ها، تجدیدی‌ها و... محسوب می‌شود (قافله‌باشی و همکاران، ۱۳۹۴). جینگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان داد که دانش‌آموزان با خودپنداره تحصیلی پایین، خودشان را به عنوان افرادی با صلاحیت و قابلیت پایین درک می‌کنند، که چنین برداشت منفی از توانمندی‌ها منجر به بروز هیجانات منفی از جمله اضطراب امتحان در موقعیت‌های آموزشی می‌شود (راست‌روشن و محمدی، ۱۳۹۸)؛ از این‌رو بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت خاصی برخوردار است. طیف مخالف انگیزه تحصیلی، مسئله افت تحصیلی است؛ مسئله‌ای که می‌تواند منجر به ترک تحصیل شود و رفتارهای منفی را برای افراد به دنبال داشته باشد؛ بنابراین پیشگیری از شکست تحصیلی و متعاقب آن، بهبود کیفیت آموزشی و بازده تحصیلی دانش‌آموزان، در گرو توجه به متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی است که هیجان تحصیلی نمونه‌ای از این عوامل است.

از نظر علامه طباطبایی (۱۳۸۵) نیز سیر باطنی و حیات معنوی انسان یک رشته واقعیت‌های بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده، و بسیار اصلی‌تر، واقعیت‌دارتر و پهناورتر از جهان ماده و حس است. جعفری و همکاران (۱۳۸۸) معنویت را دو بعد می‌دانند؛ بعد اول، معنویت مذهبی است که در آن مفهوم فرد از وجود مقدس یا واقعیت غایی که در آن به سبک و سیاق مذهبی بیان می‌شود و بعد دوم، معنویت وجودی که در آن تجربیات روان‌شنختی خاص که در واقع ارتباطی با وجود مقدس یا غایی ندارند، مد نظر می‌باشد.

عظیمی، امین‌زاده دانا و شریعتمدار (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «اثریخشی معنویت درمانی اسلامی بر تعلل‌ورزی و اشتباق تحصیلی دانشجویان پرستاری»، به این نتیجه رسیدند که معنویت درمانی اسلامی در کاهش میزان تعلل‌ورزی تحصیلی و همچنین افزایش میزان اشتباق تحصیلی مؤثر بوده است. اقدامی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شنختی و درگیری تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی»، دریافت که نیازهای اساسی روان‌شنختی به نحو مثبت خودکارآمدی و درگیری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند و خودکارآمدی تأثیر مستقیم بر درگیری تحصیلی دارد. سماوی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه درگیری‌های تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بندرعباس» نشان داد که پیشرفت تحصیلی می‌تواند به وسیله ابعاد درگیری تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی و

1. Noushad, P.

2. Jing, H.

انگیزش تحصیلی به شکل معناداری پیش‌بینی شود. ویمر<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیرات در ابعاد مختلف خودپندازه تحصیلی در بهبودی قبلی دانشجویان پس از یک رویداد استرس‌زا»، یافته‌ها حاکی از آن است که تمرکز روی توانایی‌های شخصی خود (به عنوان مثال استاندارد عملکرد داخلی) با الگوهای سازگارتر پاسخ در شرایط چالش برانگیز مرتب است؛ درحالی که به نظر می‌رسد تمرکز روی مقایسه‌های اجتماعی مانع مقابله سازگار با استرس دانشگاهی می‌شود. آبیولا و آکومولافه<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «اثر روش خود مدیریتی بر خودپندازه دانشآموزان مدارس متوسطه» که در بین چهل دانشآموز با هدف مطالعه اثرات روش خودمدیریتی در افزایش خودپندازه دانشآموزان متوسطه انجام شده، نتایج نشان داد، روش خودمدیریتی به طور قابل توجهی خودپندازه تحصیلی را در دانشآموزان مدارس متوسطه افزایش می‌دهد.

یکی از عوامل انگیزشی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشآموزان، هیجان‌های تحصیلی آنان است. هیجان تحصیلی به عنوان هیجان‌هایی که مستقیماً در پیوند با فعالیت‌های پیشرفت یا پیامدهای پیشرفت هستند، تعریف می‌شود (زیدنر،<sup>۳</sup> ۲۰۰۷). هیجان‌های تحصیلی طبق ارزش آنها (مثبت یا منفی بودن یا خوشایند ناخوشایند بودن) و درجهٔ فعالیت (فعال بودن یا غیرفعال بودن) تقسیم می‌شوند (پکران، ایلویت و مایر،<sup>۴</sup> ۲۰۰۹؛ لیننبرینک و پینتریچ،<sup>۵</sup> ۲۰۱۹). پیری للهلو، پناه‌علی و اقدسی (۱۳۹۹) در تحقیق خود با عنوان «اثربخشی معنویت‌درمانی مبتنی بر خودآگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی و قضاوت اخلاقی دانشآموزان سال اول پسر دوره دوم متوسطه» به این نتیجه رسیدند که با استفاده از معنویت‌درمانی مبتنی بر خودآگاهی می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی و قضاوت اخلاقی دانشآموزان را بهبود بخشدند. بشربور، عیسیزادگان، زاهد و احمدیان (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه خودپندازه تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانشآموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری و عادی»، پایین بودن خودپندازه تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانشآموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری را نشان دادند و به نقش مهم متغیرهای مدرسه‌ای در عملکرد یادگیری این دانشآموزان اشاره کردند. شبیانی‌فر، هاشمی، کریمی و حمیدی‌پور (۱۴۰۲) در تحقیق خود با عنوان «همسنگی خودپندازه تحصیلی و هیجان تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های طلاق و منسجم در دوره پساکروننا»، یافته‌هایشان در پژوهش حاکی از این بود که دانشآموزان خانواده‌های طلاق خودپندازه تحصیلی و هیجان تحصیلی پایین‌تری نسبت به دانشآموزان

1. Wimmer, S.

2. Abiola, F. & Akomolafe, M.

3. Zidner, A.

4. Pekrun, R., Elliot, A. J. & Maier, M.

5. Linnenbrink, E. A. & Pintrich, P. R.

خانواده‌های منسجم دارند. توجه به خودپندارهای تحصیلی و هیجان تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های طلاق در پیشرفت تحصیلی آنان مؤثر است. حیات، اسمی، رضایی و نبیئی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «رابطه هیجان‌های تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز» به این نتیجه رسید که بین هیجان‌های مثبت (لذت، امید، افتخار) با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌دار و بین هیجان‌های منفی (خشم، اضطراب، نالمیدی، شرم، خستگی) با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه منفی و غیرمعنی‌دار وجود دارد. پکران و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان «مدل اثرات متقابل، ارتباط بین احساسات و دستاوردها در طول زمان»، احساسات مثبت (لذت، غرور) پیشرفت‌های بعدی نمرات پایان سال و نمرات آزمون را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، خودپندارهای تحصیلی و هیجان تحصیلی در بین دانشآموزان از اهمیت زیادی برخوردار است. بررسی و مطالعه روی فرزندان طلاق موضوعی است که نیازمند بحث‌های دقیق‌تر و موشکافانه‌تر است؛ بنابراین دلیل نمی‌شود دانشآموزی که فرزند طلاق است از تحصیل دور بماند؛ بلکه باید مورد بحث بیشتری قرار بگیرند تا اگر این دانشآموزان در امر تحصیل با مشکل مواجه هستند، این مشکلات کمتر شود. از آنجاکه طلاق منجر به تغییرات عمدی‌های در ساختار خانواده و الگوهای روابط بین اعضای خانواده می‌گردد، می‌توان انتظار داشت که موجب کاهش اثربخشی عملکرد تحصیلی فرزندان طلاق گردد. خلاصه‌ای پژوهشی در زمینه فرزندان خانواده‌های طلاق و همچنین با توجه به اینکه کمتر مطالعه‌ای در زمینه متغیرهای یادشده وجود داشت، از دلایل انجام این پژوهش بود. برخی از مطالعات قبلی انجام‌شده حاکی از آن است که فرزندان تک والد، نسبت به سایر کودکان، احساس نزدیکی کمتری با پدران خود دارند؛ همچنین می‌پنداشند که حمایت کمتری را از طرف والد نسبت به افراد دیگری دریافت می‌کنند. شرایط بحرانی همه‌گیری کرونا مشکلاتی را در خانواده‌ها به وجود آورد که بر روی عملکرد تحصیلی فرزندانشان تأثیرگذار است. آثار منفی ناشی از کرونا و به مدرسه نرفتن فرزندان در مشکلات رفتاری آنها و تعاملاتشان با والدین و مدرسه مؤثر خواهد بود. نظر به اینکه هیچ پژوهشی با متغیرهای یادشده بر روی دانشآموزان خانواده‌های تک والد یافت نشد، از دلایل انجام این تحقیق بود. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که برنامه مشاوره معنوی درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپندارهای تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های تک والد چه اثری دارد؟

## روش پژوهش

در مطالعه حاضر از روش تحقیق نیمه‌آزمایشی و طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشآموزان مقطع متوسطه دوم بروجرد در سال

تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند. بدین منظور حجم نمونه شامل ۳۰ دانشآموز (۱۵ دانشآموز از گروه آزمایش و ۱۵ دانشآموز از گروه کنترل) می‌باشد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. پس از آن از اعضای گروه آزمایش خواسته شد، به مدت ۸ جلسه به صورت هفت‌های ۴۵ دقیقه وارد درمان شوند. کلیه آزمودنی‌ها تمام ابزار پژوهش را در دو نوبت (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) تکمیل کردند و همچنین پس از اتمام مداخله، بار دیگر هر دو گروه به‌وسیله ابزارهای پژوهش آزمون شدند.

معیارهای ورود به نمونه پژوهش عبارت بودند از: ۱. سلامت کامل روحی دانشآموزان و عدم سابقه مصرف داروی روان‌پزشکی در شش ماه اخیر؛ ۲. رضایتمندی وی برای شرکت در آزمون؛ ۳. اختلافات خانوادگی پدر و مادر که منجر به طلاق شده است، که این معیارها از طریق خودگزارشی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پس از جمع‌آوری در نرمافزار اکسل کدگذاری شد و سپس از طریق نرمافزار SPSS نسخه ۲۱ همبستگی بین متغیرها مشخص شد.

### مقیاس خودپندازه تحصیلی (ASC)

پرسشنامه حاضر در سال ۲۰۰۴ توسط بی‌پسن چی پس از اجرا بر روی ۱۶۱۲ دانشآموز دوره ابتدایی ساخته شد. تمرکز پرسشنامه حاضر بر سنجش خودپندازه دانشآموزان دوره ابتدایی و راهنمایی است و بر این اساس خودپندازه را در سه سطح عمومی، آموشگاهی و غیرآموشگاهی مورد سنجش قرار می‌دهد.

**نمره‌گذاری پرسشنامه:** پرسشنامه حاضر از نوع خودگزارشی است که شامل ۱۵ عبارت بوده و پاسخ‌ها به صورت مقیاس لیکرتی چهارگزینه‌ای طراحی شده است. آزمودنی‌ها می‌توانند پاسخ‌های خود را از میان گزینه‌های ۴. کاملاً موافق، ۳. موافق، ۲. مخالف، ۱. کاملاً مخالف انتخاب کنند. حداقل نمره آزمودنی در این آزمون ۱۵ و حداکثر آن ۶۰ است. بالاتر بودن نمره آزمودنی نسبت به سایر آزمودنی‌ها نشان‌دهنده خودپندازه مثبت‌تر وی نسبت به سایرین است. ضریب الگای کرونباخ سه عامل در پژوهش بی‌پسن چی (۲۰۰۴)، خودپندازه عمومی، آموشگاهی و غیرآموشگاهی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۲ و ۰/۸۲ است. ضریب خی یا کای دو که نشان‌دهنده همبستگی درونی عبارات آزمون بوده و در حالات مختلف از نظر آماری، سطح معنادار را نشان می‌دهد؛ همچنین این پرسشنامه به‌وسیله مرعشیان و همکاران (۲۰۱۲) در نمونه ۳۶ نفره استفاده شده که ضریب الگای کرونباخ آن ۹۲٪ بوده است.

### مقیاس هیجان تحصیلی (AEQ)

این ابزار به‌منظور اندازه‌گیری هیجان‌های تحصیلی دانشآموزان توسط پکران و همکاران (۲۰۰۵) طراحی و ساخته شده است. این پرسشنامه از نوع خودگزارشی و مداد کاغذی است که در سه قسمت،

شامل بخش هیجان‌های مربوط به کلاس، هیجان‌های مربوط به یادگیری و هیجان‌های مربوط به امتحان تهیه شده است. بخش مربوط به هیجان امتحان تحت عنوان «پرسش‌نامه هیجانات امتحان» منتشر یافته و یک بخش کامل و مجزا از پرسش‌نامه را تشکیل می‌دهد. در هر قسمت ۸ زیرمقیاس وجود دارد. زیرمقیاس‌های مربوط به کلاس که شامل ۸۰ سؤال است و هشت هیجان را اندازه‌گیری می‌کنند: لذت از کلاس، امیدواری، غرور (افتخار)، عصبانیت (خشم)، اضطراب، شرم، نامیدی و خستگی (بی‌حصلگی). قسمت مربوط به هیجانات امتحان که شامل ۷۷ سؤال است عبارت‌اند از: لذت از امتحان، امیدواری، غرور، عصبانیت، اضطراب، آرامش، شرم و نامیدی. هیجانات مربوط به یادگیری که شامل ۷۵ سؤال است: لذت از یادگیری، امیدواری، غرور، عصبانیت، اضطراب، شرم، نامیدی و خستگی را اندازه‌گیری می‌کنند. در این پرسش‌نامه دانش‌آموzan تجربیات هیجانی خود را در یک مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی می‌کنند.

پژوهش پکران و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ محاسبه شده برای خردۀ مقیاس‌های پرسش‌نامه از ۰/۹۵ تا ۰/۷۵ به دست آمده است، که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول این ابزار است. کدیور و همکاران (۱۳۸۸) این پرسش‌نامه را در جامعه دانش‌آموzan دیرستانی ایران مورد اعتباریابی قرار داده و پایایی مقیاس هیجان‌های مربوط به کلاس این پرسش‌نامه را نیز بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۴ گزارش نموده‌اند.

## روش اجرا

پس از ارزیابی آزمودنی‌ها، برنامه مداخله معنوی طراحی شده توسط وزیری، لطفی کاشانی و اکبری (۱۳۹۶) توسط پژوهشگر ارائه شد. در پژوهش حاضر بررسی روایی محتوایی جلسات توسط اساتید دارای مدرک دکترای روان‌شناسی به کار رفت و مقدار روایی ۰/۹۸ به دست آمد، که حاکی از روایی محتوایی قابل قبولی بوده است؛ همچنین بررسی اثربخشی برنامه با توجه به پیشینهٔ پژوهش‌های انجام‌شده روایی آن را تأیید می‌کند. برنامه مشاوره معنویت درمانی شامل هشت مؤلفه روانی - معنوی: توکل و توصل به خدا، نیایش و دعا، شکر، صبر و تحمل، بخشش و نادیده گرفتن خشم، ارتباط با خدا و گفتوگوی درونی با خدا، خودآگاهی و گوش دادن به ندای درونی، خواندن متون مقدس و استفاده از کتاب‌های مذهبی و معنوی است. پس از آن از اعضای گروه آزمایش خواسته شد، به مدت ۸ جلسه به صورت هفت‌های ۴۵ دقیقه وارد درمان شوند. خلاصه مراحل درمان در تمامی جلسات به این صورت بود که ابتدا با اهداف هر مرحله آشنا شده و در بعضی جلسات نکاتی گفته می‌شد که در طول هفته انجام دهنند.

## خلاصه جلسات برنامه معنویت درمانی

### جلسه اول

**هدف:** آشنایی اعضا با یکدیگر، اطلاع از دلایل تشکیل گروه و آشنایی با قوانین گروه.

**فرایند:** اعضا خود را معرفی می‌کنند. قوانین گروه مبتنی بر محترمانه ماندن، احترام به نظر یکدیگر و تحمل دیدگاه‌های متفاوت، تعداد و زمان جلسات و حضور مداوم تا انتهای درمان مطرح می‌شود.

### جلسه دوم

**هدف:** آگاهی از معنای ضمنی و شخصی معنویت و تعریف آن از نظر هریک از اعضا، بررسی وجود اعتقاد به نیروی برتر و مقدس در اعضا.

**فرایند:** طرح سؤال معنویت چیست؟ آیا به نیروی مقدس معتقدید؟ در مقابل این نیرو چه کاری دوست دارید انجام دهید؟ چه کاری انجام می‌دهید؟ اعمالی که انجام می‌دهید چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟ کدام رفتار در شما احساس خوب ایجاد می‌کند؟ این اقدامات در برابر مشکلات و کنار آمدن با آنها چطور به شما کمک می‌کند؟ آیا تا به حال شده که این کارها برای شما مشکل ایجاد کند؟

### جلسه سوم

**هدف:** خودمشاهده‌گری و توضیح مراقبه.

**فرایند:** آنچه در این هفته در رابطه با اعمال معنی انجام دادید و احساستان را بیان کنید (یادداشت‌برداری درمانگر از موارد مشترک مانند دعا، بخشنیدن، تأمل، صبر و...)، بیان احساسات و هیجانات ناشی از این اعمال و تأکید بر احساس اعضا در مقابل هریک از این عملکردها، آموزش تکنیک مراقبه و تمرین روزانه آن تا انتهای درمان.

### جلسه چهارم

**هدف:** توضیح تجربیات افراد از مراقبه و تمرکز بر موضوع خاص، بررسی اثرات مراقبه، فرایند مراقبه چه احساسی در شما ایجاد می‌کرد؟ هدف ارائه مفهوم پایان‌نایذیری و اتصال به نیروی لایزال.

**فرایند:** آیا کسی را که دوست داشتید از دست داده‌اید؟ احساستان در حال حاضر نسبت به آن فرد چیست؟ آیا کسی در اطرافتان هست که در سنی باشد که ممکن است از دست بدھید؟ این از دست دادن چه معنایی برایتان دارد؟ آیا دیدگاهی معنی یا مذهبی در رابطه با این از دست دادن دارید؟ از نظر معنوی یا مذهبی چه توضیحی دارید؟ از دست دادن‌ها چه تأثیری بر ما می‌گذارد؟ تأکید بر اینکه هفتۀ بعد از بخشش خود و دیگران و احساس معنی که در این حس داریم، صحبت خواهیم کرد.

### جلسه پنجم

**هدف:** فهم بخشدگی.

**فرایند:** چه کسی از هفتة قبل تا به حال در مورد بخشنده فکر کرده؟ چه کسانی را قرار است ببخشیم؟ بخشنده کسانی که با آنها رابطه‌ای نداریم، بخشنده کسانی که با آنها رابطه داریم، بخشنده چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟ بخشنده چه احساسی را در دیگران ایجاد می‌کند؟ طلب بخشنده از کسی که در رابطه با او خطای مرتكب شدیم و اینکه بخشیده شویم، چه احساسی در ما ایجاد می‌کند؟ برای اینکه احساس بخشدگی کنید، چه کارهایی انجام می‌دهید؟ توضیح دهید (مواردی مانند دعا و... توسط درمانگر یادداشت و جمع‌بندی می‌شود) کدامیک را تا هفتة بعد انجام دهیم؟

تمرین مراقبه و خواندن دعای زیر همه با هم:

خدایا! من در پیشگاه تو آنها ی را که مرا اذیت کرده‌اند یا آسیبی متوجه من ساخته‌اند، می‌بخشم. تو قادر مطلقی، من آنها را به تو واگذار نمی‌کنم و از تو هم برای آنها طلب بخشنده می‌کنم.

خدایا! من آنها ی را که نسبت به من بدی کرده بودند، بخشیدم و از تو برای آنها طلب بخشنده کردم. از تو هم می‌خواهم تا مرا مورد عفو و بخشنده خود قرار دهی. من اطمینان دارم که توسط تو بخشدگی خواهم شد؛ چون تو بخشنده‌ترین بخشنده‌گانی.

**تکلیف:** خواندن این دعا هر روز بعد از مراقبه تا انتهای درمان.

### جلسه ششم

**هدف:** بخشنده و تعمیم آن به کنترل خشم.

**فرایند:** توضیح در مورد اهمیت بیان نیروی آزارنده خشم به دیگران و درخواست کمک.

### جلسه هفتم

**هدف:** بررسی تجربیات ناشی از بخشدگی.

**فرایند:** بیان احساس مثبت و تجربیات ناشی از بخشنده و عملکردهای معنوی.

انجام این اعمال در شما چه تغییری ایجاد کرده است؟ چگونه می‌توانیم این احساسات را در خودمان ثابت نگه داریم؟ چه اقداماتی وجود دارد که ما را در این راه کمک می‌کند؟

تمرین مراقبه و خواندن دعای زیر همه با هم:

خدایا! ما دعا می‌کنیم تا فکر و عمل ما را در مسیر تجربه جدیدی که کسب کرده‌ایم هر روز بیشتر از روز قبل در مسیر خودت پایدار نگه داری.

خدایا! از اینکه چشم‌های مرا به خودم و پیرامونم باز کردی از تو سپاسگزارم.

**تکلیف:** هر روز بعد از تمرین مراقبه و دعای بخشن این دعا را تکرار کنند.

### جلسه هشتم

**هدف:** شکر و توجه به تغییرات مثبت ناشی از معنویت و معناده‌ی به تجربیات سخت.

**فرایند:** نام بردن نعمت‌هایی که در زندگی فرد وجود دارد، کمک به پیدا کردن معنا در آنجه ناخوشایند درک می‌کنند و شکرگزاری.

### یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد که ۸۰ درصد تعداد دانشآموزان بر مبنای جنسیت پسر هستند؛ همچنین ۷۵ درصد والدین بین ۳۰-۴۰ سال بودند. ۵۰ درصد تحصیلات والدین دبیلم، ۳۸ درصد لیسانس و ۱۲ درصد فوق لیسانس بودند، و مدت زمان طلاق آنان بیشتر از ۲ سال بود. دانشآموزان نیز با مادر خود زندگی می‌کردند. جدول (۱) و (۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای خودپندازه تحصیلی و هیجان تحصیلی را در دو گروه آزمایش و کنترل رائمه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که دانشآموزان گروه آزمایش در خودپندازه تحصیلی (۴۵/۲۲) میانگین بالاتری نسبت به دانشآموزان گروه کنترل (۲۵/۷۷) دارند؛ همچنین میانگین هیجان تحصیلی در دانشآموزان گروه آزمایش نسبت کمتری به دانشآموزان گروه کنترل را نشان می‌دهد. نتایج داده‌های توصیفی حاکی از آن است که در بعضی از مؤلفه‌های خودپندازه تحصیلی نمره‌های پس‌آزمون در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل می‌باشد که به معنی افزایش این مؤلفه‌هاست.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در گروه کنترل

متغیر	میانگین خودپندازه تحصیلی	میانگین هیجان تحصیلی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
خودپندازه تحصیلی	۲/۲۳	۲۵/۴۰	۱/۹۵	۲۵/۷۷	خودپندازه عمومی				
	۱/۹۵	۲۱/۷۰	۲/۲۳	۲۰/۹۰	خودپندازه آموزشگاهی				
	۱/۳۸	۲۵/۶۰	۲/۰۴	۲۵/۶۵	خودپندازه غیرآموزشگاهی				
	۲/۰۴	۱۲/۳۱	۱/۳۳	۱۳/۳۷	لذت از کلاس				
هیجان تحصیلی	۱/۰۳	۲۴/۹۷	۱/۳۸	۲۴/۹۷	خشم				
	۱/۱۱	۱۶/۳۱	۱/۰۲	۱۸/۳۲	اضطراب				
	۱/۱۰	۲۲/۴۲	۱/۰۳	۲۲/۴۲	شرم				
	۱/۰۲	۸/۷۲	۱/۱۰	۷/۷۲	غزور				
	۱/۳۸	۱۸/۲۰	۱/۰۲	۱۸/۳۲	نامیدی				
	۱/۰۳	۱۸/۲۲	۱/۱۱	۱۸/۲۰	خستگی				

جدول ۲: یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در گروه آزمایش

متغیر	میانگین	پیش‌آزمون	میانگین	پس‌آزمون	انحراف معیار
خودپندازه تحصیلی	۲۵/۱۲	۲/۱۱	۴۵/۲۲	۴۵/۲۲	۲/۱۵
	۲۰/۰۱	۱/۹۰	۳۰/۰۵	۳۰/۰۵	۱/۵۴
	۱۶/۳۲	۲/۳۴	۳۴/۷۲	۳۴/۷۲	۱/۲۱
	۱۸/۳۲	۱/۰۲	۳۸/۳۲	۳۸/۳۲	۱/۰۲
	۲۹/۶۰	۱/۵۴	۲۸/۶۰	۲۸/۶۰	۱/۳۱
	۲۲/۴۲	۱/۰۳	۱۲/۴۲	۱۲/۴۲	۱/۴۴
	۲۶/۹۵	۱/۲۱	۱۶/۴۵	۱۶/۴۵	۱/۱۶
	۱۲/۰۵	۱/۳۱	۱۱/۲۵	۱۱/۲۵	۱/۰۳
	۲۲/۰۵	۱/۰۲	۱۱/۰۵	۱۱/۰۵	۱/۰۹
هیجان تحصیلی	۱۲/۰۵	۱/۱۶	۱۲/۳۵	۱۲/۳۵	۱/۱۳

به منظور بررسی تأثیر برنامه مشاوره معنوی درمانی در هیجان تحصیلی و خودپندازه تحصیلی دانش‌آموzan از تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. قبل از استفاده از آزمون، از پیش‌فرض‌ها جهت اطمینان استفاده شد. نتایج آزمون لامبای ویلکز نشان داد که بین دو گروه حداقل در یکی از مؤلفه‌های خودپندازه تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(5, 48) = 22/948$  و  $P < 0.05$ )، و همین‌طور بین دو گروه حداقل در یکی از مؤلفه‌های هیجان تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(3, 45) = 19/150$  و  $P < 0.05$ ). با توجه به نتایج بدست‌آمده از آزمون‌های باکس، لامبای ویلکز و لوئن، تحلیل‌های مربوط به اثرات بین‌آرزومندی‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست‌آمده در جدول (۳) قابل مشاهده است. بر اساس جدول (۳)، بین دو گروه آزمایش و کنترل در همه مؤلفه‌های خودپندازه تحصیلی دانش‌آموzan به شرح زیر تفاوت معنادار وجود دارد:

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خودپندازه عمومی تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(1, 760) = 58/58$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان خودپندازه عمومی در گروه آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۶ درصد واریانس خودپندازه عمومی را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خودپندازه آموزشگاهی تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(1, 650) = 58/58$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان خودپندازه آموزشگاهی در گروه آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۲ درصد واریانس خودپندازه آموزشگاهی را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خودپندازه غیرآموزشگاهی تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(1, 623) = 58/58$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان خودپندازه غیرآموزشگاهی در گروه

آزمایش به طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۰ درصد واریانس خودپندازه غیرآموزشگاهی را تبیین می‌کند.

جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات گروه بر مؤلفه‌های خودپندازه تحصیلی و هیجان تحصیلی

منابع	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور ایتا
گروه خطأ	خودپندازه عمومی	۲۱۸/۹۰۰	۱	۲۱۸/۹۰۰	۱۱/۷۶۰	۰/۰۲۶	-۰/۵۶۷
	خودپندازه آموزشگاهی	۳۳۶/۹۰۰	۱	۳۳۶/۹۰۰	۱۷/۶۵۰	۰/۰۲۶	-۰/۵۲۲
	خودپندازه غیرآموزشگاهی	۲۲۹/۷۵۶	۱	۲۲۹/۷۵۶	۱۵/۶۲۳	۰/۰۰۵	-۰/۵۰۲
	لذت از کلاس	۲۰۲/۲۲۵	۱	۲۰۲/۲۲۵	۱۴/۳۳۶	۰/۰۰۱	-۰/۵۹۸
	خشم	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۰۳/۲۲۵	۱۶/۳۶۷	۰/۰۰۱	-۰/۱۵۷
	اضطراب	۲۰۲/۲۲۵	۱	۲۰۲/۲۲۵	۱۸/۳۵۹	۰/۰۰۱	-۰/۲۳۹
	شرم	۲۰۲/۲۲۵	۱	۲۰۲/۲۲۵	۱۵/۴۰۹	۰/۰۰۱	-۰/۲۲۸
	غزور	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۰۳/۲۲۵	۱۲/۴۳۷	۰/۰۰۱	-۰/۲۰۰
	نامیدی	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۰۳/۲۲۵	۱۳/۵۱۹	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۹
	حستنگی	۲۰۲/۲۲۵	۱	۲۰۲/۲۲۵	۱۵/۶۹۱	۰/۰۰۱	-۰/۲۵۴
	خودپندازه عمومی	۶۶/۶۷۲	۵۸	۱۸/۰۱۹	-	-	-
	خودپندازه آموزشگاهی	۹۱/۳۱۹	۵۸	۲۷/۴۹۳	-	-	-
	خودپندازه غیرآموزشگاهی	۸۲/۳۲۷	۵۸	۲۴/۶۶۸	-	-	-
	لذت از کلاس	۷۹/۴۳۲	۵۸	۱۹/۱۹۴	-	-	-
	خشم	۷۴/۶۵۴	۵۸	۲۹/۳۹	-	-	-
	اضطراب	۷۵/۲۲۸	۵۸	۲۷/۸۹	-	-	-
	شرم	۸۲/۹۸۴	۵۸	۲۶/۲۷	-	-	-
	غزور	۸۰/۳۵۸	۵۸	۲۶/۹۳	-	-	-
	نامیدی	۷۷/۷۸۶	۵۸	۲۳/۴۶	-	-	-
	حستنگی	۷۸/۳۱۸	۵۸	۲۷/۹۷	-	-	-

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان لذت از کلاس تفاوت معنادار وجود دارد ( $P < 0.05$ )، به این صورت که میزان لذت از کلاس در گروه آزمایش به طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۹ درصد واریانس لذت از کلاس را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خشم تفاوت معنادار وجود ندارد ( $P > 0.05$ )، به این صورت که میزان خشم در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه ۱۵ درصد واریانس خشم را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان اضطراب تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(1, ۳۵۹) = ۱۸/۳۵۹$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان اضطراب در گروه آزمایش به طور معناداری کمتر از گروه کنترل باشد. متغیر گروه  $۲۳/۹$  درصد واریانس اضطراب را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان شرم تفاوت معنادار وجود ندارد ( $F(1, ۴۰۹) = ۱۵/۴۰۹$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان شرم در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه  $۲۲/۸$  درصد واریانس شرم را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و گواه در میزان غرور تفاوت معنادار وجود ندارد ( $F(1, ۴۳۷) = ۱۲/۴۳۷$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان غرور در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه  $۲۰/۰$  درصد واریانس غرور را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان نالامیدی تفاوت معنادار وجود دارد ( $F(1, ۵۱۹) = ۱۳/۵۱۹$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان نالامیدی در گروه آزمایش به طور معناداری کمتر از گروه کنترل باشد. متغیر گروه  $۳۱/۹$  درصد واریانس نالامیدی را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خستگی تفاوت معنادار وجود ندارد ( $F(1, ۶۹۱) = ۱۵/۶۹۱$  و  $P < 0.05$ ). به این صورت که میزان خستگی در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه  $۲۵/۴$  درصد واریانس خستگی را تبیین می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی برنامه مشاوره معنویت درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداشة تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های تک والد انجام گرفت. نتایج بیانگر این بود که برنامه مشاوره معنویت درمانی بر برخی مؤلفه‌های هیجان تحصیلی و خودپنداشة تحصیلی گروه آزمایش تفاوت معناداری ایجاد کرده است. نتایج با یافته‌های ویمر (۲۰۱۹)، عظیمی و همکاران (۱۳۹۷)، زنگی‌آبادی (۱۳۹۷) و اقدامی (۱۳۹۷) همسو بود. تعدادی از مطالعات همسو در زمینه خودپنداشة تحصیلی نیز نشان می‌دهند که سطح خودپنداشة در بین فرزندانی که والدین آنها از هم جدا شده‌اند، پایین‌تر از کودکانی است که با والدین خود زندگی می‌کنند. نتایج این پژوهش با پژوهش ویمر (۲۰۱۹) هم راستاست. در خصوص این فرضیه می‌توان گفت که فرزندان خانواده‌های منسجم، استقلال و اختیار بیشتری در زندگی دارند و این استقلال و خودمختاری سبب می‌شود که در درس‌ها پیشرفت بیشتری داشته و مشغله‌های فکری کمتری داشته باشند. انگیزه نیرویی است که توسط هدف، هدایت و به برانگیختگی افراد منجر و ادامه رفتار را تا دستیابی به هدف موجب می‌شود، و از آنجایی که رفتار هر فردی ناشی از

انگیزه اوت و انگیزه به طور مستقیم در چگونگی انجام یک فعالیت نقش دارد، این انگیزه در دانشآموزان خانواده‌های منسجم بیشتر است و حتی در امر یادگیری و آموزش نیز داشتن انگیزش تحصیلی تعیین کننده کیفیت و کمیت بسیاری از متغیرهای تحصیلی است. یکی از عوامل مهمی که به ارتقای خودپندازه تحصیلی دانشآموزان کمک می‌کند، معنویت است. ایمان به خدا داشتن، تحمل افراد را در سختی‌ها افزایش می‌دهد و آنان را در برابر چالش‌ها یاری می‌کند. باورهای معنوی امید و آرامش را فراهم می‌نماید و می‌تواند سلامتی را برای انسان به دنبال داشته باشد که در خودپندازه دانشآموزان و درک از خودشان مؤثر است. داشتن معنا و هدف زندگی و امیدواری به کمک خدا از جمله منابعی هستند که خودپندازه را تقویت کرده و می‌تواند در مواجهه با شرایط دشوار زندگی دانشآموزان تک والد مفید باشد. برنامه مشاوره مبتنی بر معنوی درمانی برای رساندن فرد به آرامش، یک مجموعه از راهکارهای بینشی را فراهم می‌نماید. در جمع‌بندی می‌توان گفت معنوی درمانی باعث می‌شود دانشآموزان معنای زندگی را دریابند و از رفتارهای عقلانی پیروی کنند.

همچنین با توجه به یافته‌های دوم پژوهش بین دو گروه آزمایش و کنترل، از بین مؤلفه‌های هیجان تحصیلی دانشآموزان، در میزان لذت از کلاس تفاوت معناداری وجود داشت، اما در سایر مؤلفه‌های خشم، اضطراب، شرم، غرور، نالمیدی و خستگی تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج تا حدودی با یافته‌های پژوهش حیات (۱۳۹۶)، پیری الله لو و همکاران (۱۴۰۰) و شبانی فر و همکاران (۱۴۰۲) هم‌راستاست. تشنهای ناشی از شروع همه‌گیری کرونا و تغییرات قابل ملاحظه ایجادشده در خانواده، باعث بروز مشکلات فراوانی برای فرزندان طلاق می‌شود که یکی از تبعات برخورد با این بحران، افزایش هیجان تحصیلی در دانشآموزان خانواده‌های طلاق است؛ همچنین بر طبق نتایج برنامه مشاوره مبتنی بر معنویت درمانی هیجان تحصیلی در فرزندان طلاق را کاهش می‌دهد. در خصوص تبیین این فرضیه می‌توان گفت هیجان تحصیلی و مؤلفه‌های آن؛ از جمله لذت از کلاس به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی و ادراکات افراد از این عوامل است، که در سطح خانواده و نظامهای آموزشی و اجتماعی گسترده‌اند. بنابراین عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده در محیط‌های آموزشی (معلم، شیوه ارزشیابی، تجارب یادگیری، تکالیف، تشویق و تنبیه، اهداف آموزشی) از طریق تأثیر بر ادراک دانشآموزان از محیط کلاس، مواد و موضوع‌های درسی بر هیجان آنان پیرامون تحصیل و پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. هیجان دانشآموزان درباره تحصیل می‌تواند در جهت‌گیری‌های آنها در فعالیت‌های یادگیری تأثیر عمدی داشته باشد. دانشآموزان وقتی موضوع درس را لذت‌بخش و مفید بدانند، بر یادگیری تمرکز کرده و هدف تکلیف‌مداری را دنبال خواهند کرد. هیجان افراد درباره تحصیل و مدرسه در انتخاب

اهداف آنها مؤثر است. دانش‌آموزان زمانی در کلاس احساس امنیت و راحتی خواهند کرد که احساس کنند می‌توانند در کلاس فعالانه درگیر شده و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند. وقتی دانش‌آموز احساس کند معلم هر لحظه قصد ارزیابی او را دارد، احساس اینمی نمی‌کند و درنتیجه جوی تنش‌زا ایجاد خواهد شد. فرزندان طلاق به سبب تک والدی شدن آنها و تغییر در شیوه هیجان آنها نسبت به محیط اطراف، از همتایان عادی تا حدودی فاصله می‌گیرند و این امر ممکن است نسبت به مدرسه نگرش خوبی نداشته باشند و این شبهه برای آنها ایجاد شود که مدرسه جای آنها نیست. برنامه مشاوره مبتنی بر معنویت درمانی باعث کاهش تنش و پریشانی‌های فرد می‌شود. آرامشی که ناشی از برنامه‌های معنوی است در هیجان دانش‌آموزان اثرگذار است و آن را کنترل می‌کند. توکل به خدا عامل تقویت فرد در هیجان‌هاست؛ درنتیجه دانش‌آموزی که به خدا برای حل مشکلش توسل می‌یابد کمتر تحت تأثیر اضطراب خواهد بود و هیجان خود را کنترل می‌کند.

با توجه به اینکه برنامه مشاوره مبتنی بر معنوی درمانی تأثیر معنی‌داری بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تک والد دارد، توصیه می‌شود معنویت درمانی در خانواده تک والد مورد توجه قرار گیرد و همچنین این درمان در بازسازی زندگی پس از طلاق می‌تواند مؤثر باشد. مهم‌ترین محدودیت پژوهش این است که به خاطر در دسترس بودن نمونه قابل تعیین نیست. از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش مربوط به سن و جنس شرکت‌کنندگان است؛ لذا انجام پژوهش‌های تکمیلی با سنین مختلف پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- اسلامی، اسماعیل؛ غفاری، عذر؛ موسی‌زاده، توکل؛ هاشمی، تورج و فتحی‌آذر، اسکندر (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش متمرکز بر تعديل جهت‌گیری یادگیری معلمان بر خودکارآمدی معلمان و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان پایه چهارم. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷(۳۷)، ۲۶-۳۱.
- اقدامی، زهرا و یوسفی، فریده (۱۳۹۷). رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شنختی و درگیری تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵(۲۹)، ۳۷-۴۲.
- بسپور، سجاد؛ عیسی‌زادگان، علی؛ زاهد، عادل و احمدیان، لیلا (۱۳۹۲). مقایسه خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری و عادی. *محله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۵(۴۶-۴۷).
- پیری‌للہ‌لو، جمال؛ پناه‌علی، امیر و اقدسی، علی نقی (۱۳۹۹). اثربخشی معنویت درمانی مبتنی بر خودآگاهی بر بهزیستی روان‌شنختی و ابراز وجود. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شنختی*، ۱۵(۵۹)، ۳۰۸-۳۱۴.
- جعفری، عیسی؛ دهشیری، غلامرضا؛ سهرابی، فرامرز و نجفی، محمود (۱۳۸۸). رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان دانشجویان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۸(۳۱)، ۷۸-۸۵.
- حیات، علی‌اصغر؛ اسمی، کرامت؛ رضایی، ریتا و نبیئی، پریسا (۱۳۹۶). رابطه هیجان‌های تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانشجویان پژوهشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۴(۹)، ۲۹-۲۰.
- خجسته‌مهر، رضا؛ عباس‌پور، ذبیح‌الله؛ کرایی، امین و کوچکی، رحیم (۱۳۹۱). تأثیر برنامه موقفيت تحصیلی بر عملکرد و خودپنداره تحصیلی، نگرش نسبت به مدرسه، یادگیری شیوه موقفيت در مدرسه و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۱(۱)، ۲۷-۴۵.

- دلیرناصر، نرگس و حسینی‌نسب، سیداداود (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشآموزان ابتدایی مدارس عادی و هوشمند شهر تبریز. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*, ۸(۲۹)، ۳۱-۴۲.
- راستروشن طبیبی، آناهیتا و محمدی، عیسی (۱۳۹۸). نقش نگرش‌های ناکارآمد و خودپناره تحصیلی در پیش‌بینی اختصار امتحان دانشآموزان. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*, ۴(۸)، ۷۷-۹۱.
- زنگی‌آبادی، معصومه؛ صادقی، مسعود و قدمپور، عزت‌الله (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش راهبردهای پردازش هیجان‌مدار بر هیجان تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانشآموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر کرمان. *مجله علوم روان‌شناسی*, ۱۷(۶۷)، ۴۰۶-۴۹۹.
- سماوی، سیدعبدالوهاب؛ ابراهیمی، کلثوم و جاودان، موسی (۱۳۹۵). بررسی رابطه درگیری‌های تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانشآموزان دیبرستانی شهر بندرعباس. *راهبردهای شناختی در یادگیری*, ۴(۷)، ۷۱-۹۲.
- شیبانی‌فر، رضا؛ کریمی، ایمان؛ هاشمی، سهیل و حمیدی‌پور، رحیم (۱۴۰۲). همسنجی خودپناره تحصیلی و هیجان تحصیلی دانشآموزان خانواده‌های طلاق و منسجم در دوره پساکرون. پژوهش در روان‌درمانی کودک و نوجوان، ۱۲(۴)، ۴۵-۶۵.
- شیبانی‌فر، رضا؛ هاشمی، سهیل؛ کریمی، ایمان و کریمی، الهام (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای انگیزش تحصیلی، نگرش به مدرسه فرزندان طلاق با همتایان عادی در همه‌گیری کرونا. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره*, ۴(۲)، ۹۵-۱۱۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۵). معنویت تشیع. قم: تشييع.
- عظیمی، داریوش؛ امین‌زاده دانا، محمد و شریعتمدار، آسیه (۱۳۹۷). اثربخشی معنویت درمانی اسلامی بر تعلل ورزی و اشتیاق تحصیلی دانشجویان پرستاری. *راهبردهای توسعه در آموزش پرستشکی*, ۲(۵)، ۹۷-۱۰۸.
- قافله‌باشی، مهدیه؛ موسوی، سیده فاطمه و گلشنی، فاطمه (۱۳۹۴). فرسودگی تحصیلی در دانشجویان: نقش پیش‌بینی کننده‌های کمال‌گرایی و هدف‌گزینی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*, ۱۲(۲۲)، ۴۳-۱۳۳.
- کاویان، مینا؛ خجسته کاشانی، امیر و تهمامی، الهام (۱۳۹۵). کمک‌های اولیه روان‌شناسی برای کودکان طلاق: یک مطالعه مروعی. *رویس روان‌شناسی*, ۵(۳)، ۸۵-۲۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- وزیری، شهرام؛ لطفی کاشانی، فرج و اکبری، محمدماساعیل (۱۳۹۶). *راهنمای معنویت‌درمانی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- یحیی‌زاده، حسین و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*, ۲(۲)، ۹۱-۱۲۰.

- Abiola, F. & Akomolafe, M. J. (2013). Effects of Self-Management Technique on Academic Self- Concept of Under-Achievers in Secondary Schools. *Journal of Education and Practice*, 4(6), 138-141
- Cooper, K. M., Krieg, A. & Brownell, S. E. (2018). Who perceives they are smarter? Exploring the influence of student characteristics on student academic self-concept in physiology. *Advances in physiology education*, 42(2), 200-208.
- Jing, H. E. (2007). Analysis on the relationship among test anxiety, self-concept and academic competency. *Journal of Educational Psychology*, 5(1), 48-51.
- Laird, J. (2015). effect of divorce on children's outcomes [Online]. Available from: URL: <http://www.econ.ku.dk/Kalender/seminarerepru/21052015/>
- Linnenbrink, E. A., & Pintrich, P. R. (2019). Motivation as an enabler for academic success. *School psychology review*, 31(3), 313-327.
- Lloyd G. M., Sailor J. L., Carney W. (2014). A phenomenological study of post-divorce adjustment in midlife. *J Divorce Remarriage*, 55(6), 441-50.
- Mehta, A. P. (1969). Achievement motive in high school boys. Monographs of National Council of Educational Research and Training (NCERT), *New Delhi*, 61, 12-14
- Noushad, P. P. (2008). From teacher burnout to student burnout. Retrieved from ERIC Database. (ED502150).
- Parker, G. Durante, K. M. Hill, S. E. & Haselton, M. G. (2021). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current opinion in psychology*.

- Pekrun, R., Elliot, A. J. & Maier, M. A. (2009). Achievement goals and achievement emotions: Testing a model of their joint relations with academic performance. *Journal of educational Psychology*, 101(1), 115.
- Pekrun, R., Lichtenfeld, S., Marsh, H. W., Murayama, K. & Goetz, T. (2017). Achievement emotions and academic performance: Longitudinal models of reciprocal effects. *Child development*, 88(5), 1653-1670
- Shahyad, S., Mohammadi M. T. (2021). Strategies to Promote the Mental Health of Children and Teenagers during the COVID-19 Pandemic: A Narrative Review. *J Mar Med*; 3(4), 142-152(Persian).
- Sheibanifar, R., Hashemi, S., Karimi, I. & Karimi, E. (2023). A comparative study of academic motivation, attitudes toward school for divorced children with normal counterparts in the Corona epidemic. *Applied Research in Consulting*, 4(13), 95-111.
- Sheibanifar, R., Karimi, I., Hashemi, S. & Hamidipoor, R. (2023). Comparison of academic self-concept and academic excitement of students from divorced and united families in the post-corona era. *Research in Child and Adolescent Psychotherapy*, 2(1), 45-56.
- Sun, Ang, Zhao, Yaohui (2016). Divorce, abortion, and the child sex ratio: The impact of divorce reform in China". *Journal of Development Economics*, Volume 120.
- Wimmer, S., lackner H. K., papousek I., paechter M. (2019) The effects of different dimensions of academic self-concept on previous student improvement after a stressful.12:2019, 1031-1040.

## شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با تأکید بر منابع اسلامی

### The Indices of the Girls' Pre-marriage Readiness with an Emphasis on Islamic Sources

فائزه سادات موسوی / کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران

هادی حسین‌خانی / استادیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

عبدالاحد اسلامی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران

**Faezeh Sadat Mousavi** / Master of Family Studies, Institute of Higher Education in Ethics and Education, Qom, Iran  
fzmosavi1400@gmail.com

**Hadi Hosseinkhani** / Assistant Professor, Department of Ethics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

**Abdolahad Eslami** / Assistant Professor, Department of Psychology, Institute of Higher Education in Ethics and Education, Qom, Iran

#### Abstract

Marriage and choosing one's spouse forms the foundation of the families. Considering widespread social and cultural changes in the society and the existing educational impairments, debate on pre-marriage readiness, especially in girls, is very essential, and practical studies in this sphere are of considerable importance. The present study aimed at investigating the indices of the girls' pre-marriage readiness with an Islamic approach. The study was conducted with a qualitative method in order to discover and specify the indices of girls' readiness before marriage. The necessary data were gathered using Islamic sources (the Quran and traditions). The indices of readiness were obtained in seven spheres, including the following types of readiness: religious, cognitive, moral, emotional, social, economic, physical

#### چکیده

با توجه به تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی در جامعه و سخت‌تر شدن امر ازدواج، بحث از آمادگی‌هایی پیش از ازدواج، به ویژه در دختران بسیار ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با رویکرد اسلامی تدوین گردیده است. این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و کیفی به منظور کشف و تعیین شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران انجام گرفته و اطلاعات مورد نیاز با شیوه داده‌پذاری کتابخانه‌ای از منابع اسلامی (قرآن و روایات) گردآوری شد. بر اساس نتایج تحقیق شاخص‌های آمادگی در ۷ حوزه به دست آمد که عبارت‌اند از: آمادگی‌های دینی، شناختی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، جسمی و جنسی. در هریک از این محورها، شاخص‌های آمادگی تعریف و زیرمولفه‌های مناسب تبیین گردید. در نهایت روایی محتوایی یافته‌ها مورد ارزیابی کارشناسان

and sexual. In each of these lines, the indices of readiness were defined and the proper sub-components were explained. Finally, the experts evaluated the content validity of the findings, and the results showed that the indices of readiness for girls' marriage enjoy desirable level of content validity.

**Key words:** index, pre-marriage readiness, Islamic sources.

قرار گرفت و نتایج نشان داد که شاخص‌های آمادگی ازدواج دختران از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار می‌باشند.

**کلیدواژه‌ها:** شاخص‌های ازدواج، آمادگی پیش ازدواج، ازدواج دختران.

## مقدمه

ازدواج<sup>۱</sup> امری مطابق با طبیعت، فطرت و عقل است که از دیدگاه اسلام به منظور ارضای نیازهای عاطفی، جنسی، تکامل و رشد ارزش‌های اخلاقی، تربیت فرزند صالح و در نهایت رسیدن به آرامش روان تحقق می‌یابد (بخیاری، شرف‌الدین و بستان، ۱۳۹۰). در اسلام آفرینش زن و مرد از یک خمیرماهی است و آیات قرآن نشان می‌دهند بین آن دو پیوندی الهی وجود دارد که در سایه ازدواج، این همبستگی به صورت عهدی محکم در می‌آید (نساء: ۲۱) و آن دو مایه آرامش یکدیگر می‌شوند (روم: ۲۱؛ خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

تشکیل خانواده و ازدواج نخستین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی است که در آن شریک زندگی فرد انتخاب می‌شود و معمولاً موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (کارو و همکاران، ۲۰۱۴<sup>۲</sup>). موفقیت در ازدواج، وابسته به وجود شرایطی است و یکی از این شرایط، وجود سطحی از آمادگی‌های متعدد شناختی، اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و جنسی پیش از ازدواج می‌باشد. این آمادگی‌ها زمینه‌ساز ازدواج موفق هستند، به طوری که پس از آن، بهداشت روان و سلامت شخصیت فرد تأمین می‌گردد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹<sup>۳</sup>).

آمادگی را می‌توان برای تبیین و اندازه‌گیری نوع خاصی از رفتار به کار برد و اطلاع از حالت آمادگی امکان پیش‌بینی آن نوع رفتاری را فراهم می‌سازد که در صورت فعال شدن، آمادگی می‌تواند اتفاق افتد؛ از این‌رو آمادگی برای ازدواج شاخص مهمی برای اقدام به ازدواج و زمان حرکت در جهت ازدواج رسمی است. آمادگی ازدواج عبارت است از ارزیابی ذهنی فرد از آمادگی برای پذیرش مسئولیت‌ها و چالش‌های ازدواج (لارسون، ۱۹۸۸<sup>۳</sup>). بسیاری از طلاق‌ها بدین دلیل رخ می‌دهد که

1. Marriage

2. Carr

3. Larson

زوجین برای ازدواج آماده نبوده و رابطه خوبی ندارند (اولسون،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱، به نقل از: قلیلی رنانی، ۱۳۹۱). شناخت‌های لازم آن دسته از نگرش‌ها و آگاهی‌هاست که وجود آنها تا حد زیادی تضمین‌کننده سلامت ازدواج بوده و موجب استحکام و پایداری زندگی مشترک می‌شود و نبود آنها سلامت ازدواج و زندگی مشترک را با تهدیدهای جدی مواجه می‌سازد. امیر مؤمنان<sup>۲</sup> درخصوص ضرورت وجود شناخت در آغاز تمام امور می‌فرمایند: «ای کمیل! هیچ حرکت و اقدامی نیست جز آنکه تو در آن نیازمند شناخت و آگاهی هستی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). اگر زن و شوهر به وظایف خویش آشنا بوده و به آنها عمل کنند، محیط خانه باصفاً و دوست‌داشتنی خواهد شد. عوامل مختلفی در به وجود آمدن اختلاف‌های خانوادگی نقش دارند؛ عواملی همچون مسائل اقتصادی، تربیت خانوادگی، محیط زندگی و دخالت‌های بیجاوی دیگران. یکی از عوامل ناسازگاری و اختلافات داخلی، آشنا نبودن زن و شوهر به وظایف زناشویی خود و عدم آمادگی برای ایجاد زندگی مشترک است که برای بر عهده گرفتن هر مسئولیت و انجام هر کاری آشنایی و آمادگی، شرطی اساسی است و کسی که اطلاعات کافی و آمادگی قابلی نداشته باشد، نمی‌تواند کاری را به گونه‌ای مطلوب انجام دهد. برای زندگی مشترک زناشویی نیز تخصص و آمادگی و اطلاعات کافی لازم است (امینی، ۱۳۸۷).

آماده شدن برای ازدواج رویکرد نسبتاً تازه‌ای برای پیشگیری از نارضایتی و شکست در زندگی زناشویی است و مبتنی بر این دیدگاه است که زوج‌ها می‌توانند یاد بگیرند که چگونه ازدواج‌های موفق پایداری داشته باشند و هدف زیربنایی بسیاری از رویکردهای آماده‌سازی نیز کمک به قوی‌تر شدن پیوندهای زناشویی است (اولسون<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). در این زمینه، مرکز ملی تحقیقات ازدواج سالم بیان می‌کند که آمادگی افراد برای ازدواج و نگرش‌های اشتباه، عواملی هستند که می‌بایستی در مداخلات قبل از ازدواج شناسایی شوند؛ چراکه آمادگی کافی قبل از ازدواج بهطور مثبت نه تنها روی ازدواج؛ بلکه روی انسان و نسل‌های آینده نیز مؤثر است (پولی،<sup>۴</sup> ۲۰۱۱).

با توجه به روایت امیر مؤمنان<sup>۵</sup> متوجه می‌شویم که در روایات هم آمادگی‌های پیش از ازدواج دختران متفاوت از پسران است. ایشان در روایتی بهترین زنان را دارای پنج ویژگی می‌دانند، این ویژگی‌ها عبارت است از: «آسان‌گیری، نرم‌خوبی، سازگاری، تلاش برای خشنودی شوهر و خاموش کردن شعله خشم او و در نهایت حفظ مال و آبروی شوهر در زمانی که او حضور ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق). پذیرش کامل و سالم هویت و نقش زن در خانواده و انجام با کیفیت وظایف، مسئولیت‌ها و

1. Olson

2. Olson

3. Poley

دستیابی به اهداف عالی ازدواج، منوط به ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است که بسیاری از آن را دختران پیش از ازدواج باید به دست آورند؛ از این‌رو بررسی شاخص‌های این آمادگی امری ضروری می‌باشد.

شلالوند (۱۳۹۸) تدوین الگوی آمادگی برای ازدواج دانشجویان پسر را انجام داده است. یافته‌های پژوهش او نشان از تجسم آمادگی برای ازدواج به مثابة پختگی یا بلوغ دارد. این مسئله متأثر از برخی شرایط علی نظیر ادراک پختگی روانی، ادراک گسترش ظرفیت شناختی، ادراک پختگی در جنبه عاطفی و ادراک پذیرش تعهد و رشد طرح‌واره‌ای آمادگی ازدواج هست. ادراک نیاز به حمایت خانواده، پختگی در جنبه مالی و اقتصادی و نگرش مثبت یا منفی به ازدواج از جمله عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آمادگی ازدواج دانشجویان محسوب می‌شود.

قلیلی رنانی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود به شناسایی معیارهای آمادگی برای ازدواج از دیدگاه جوانان، والدین و کارشناسان، ارائه معیارهای بومی آمادگی و بررسی میزان آمادگی جوانان در شهر اصفهان پرداخت. از نتایج بخش کیفی تحقیق ۱۱ مفهوم کفایت عقلی، آمادگی اخلاقی، مدیریت هیجان، آمادگی شخصیتی، سلامت روان‌شناسی، نقش‌های مربوط به خانواده، مهارت ارتباط، آمادگی جسمی، آمادگی مالی، آمادگی خانوادگی و آمادگی اجتماعی برای معیارهای آمادگی ازدواج به دست آورد.

در این پژوهش‌ها آمادگی‌های دختران به‌طور مجزا بررسی نشده و با توجه به منابع اسلامی نیستند. موفقیت در ازدواج نیز با آن همه آثار و نتایج، مستلزم آمادگی طرفین ازدواج است. چه بسا بدون آمادگی، نه تنها ازدواج به نتایج مثبتی نرسد؛ بلکه آسایش و آرامش پیش از ازدواج را نیز سلب کند. بر این اساس، احراز آمادگی فرد لازمه موفقیت در ازدواج به شمار می‌رود. اما سؤال اساسی آن است که این آمادگی با چه شاخص‌هایی تعیین می‌شود؟ و به دلیل تفاوت‌های زنان و مردان در ابعاد گوناگون، شاخص‌های آمادگی در دو جنس نیز متفاوت می‌باشد. پژوهش در زمینه شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج، گام مهمی در ازدواج موفق و نجات از سردرگمی دختران و سلامت جامعه خواهد بود. بنابراین هدف تحقیق حاضر آن است که شاخص‌های آمادگی ازدواج در دختران و چگونگی احراز آنها را با تأکید بر منابع اسلامی استخراج کند.

## روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ رویکرده، کیفی است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کیفی داده‌بنیاد استفاده شد و روش توصیفی زمینه‌یابی به منظور بررسی روایی محتوایی به کار رفت. جامعه متنی پژوهش، کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در متون اسلامی (آیات و روایات) و مرتبط با حوزه معنایی آمادگی پیش از ازدواج دختران است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، محتوای آشکار و نهان متون اسلامی در قرآن و روایات تجزیه و تحلیل شدند. این کار با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها انجام گردیده است. بدین منظور کلیدوازه‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران در قرآن و کتاب‌های حدیثی جست‌وجو، جمع‌آوری و کدگذاری گردید و شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با رویکرد اسلامی تنظیم شد و در نهایت روایی محتوایی یافته‌ها مورد ارزیابی کارشناسان قرار گرفت؛ همچنین جامعه آماری پژوهش در بخش توصیفی در بررسی روایی محتوایی را کارشناسان خبره‌ای تشکیل می‌دهند که در حیطه فهم و استباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح می‌باشند.

### یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به شاخص‌ها، آموزه‌های اسلام که با ازدواج و دختران مرتبط‌اند جمع‌آوری و دسته‌بندی شدند و همان‌طور که در شکل (۱) قابل ملاحظه است در هفت شاخصه اصلی تدوین گردید، تا بررسی‌های کارشناسی و آماری صحت آنها را ارزیابی کنند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: آمادگی دینی، شناختی، اخلاقی، عاطلفی، اجتماعی، جسمی، جنسی و اقتصادی.

هریک از این شاخص‌ها تعریف و مؤلفه‌های مناسب برای هر شاخصه تعیین شدند.



شکل ۱: شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران

## ۱. آمادگی‌های دینی

**باليمان بودن:** فرد باليمان به خدا، دين را محور زندگی خود قرار داده و به سعادت اخروی بيش از رفاه دنيوي اهميت مي‌دهد، در انجام وظايف ديني اش تلاش مي‌کند و در صورت کوتاهی در اين زمينه، پشيمان شده و توبه مي‌کند، محبت اولياي الهي را در دل داشته و به رهنماوهای آنان عمل مي‌کند و به ازدواج و انتخاب همسر نگاهی ديني دارد (حسين خاني، ۱۳۸۹). گرچه ايمان يك مسئله معنوی است و بيشتر به رابطه فرد با خداوند ارتباط پيدا مي‌کند؛ اما تأثير اين ارتباط آنچنان است که بر تمامي ابعاد شخصيت فرد هويدا و باز است. فرد باليمان با کسی ارتباط دارد که مظهر لطف و صفات، ارتباط با کسی است که سرچشمۀ عدالت و احسان است، تلاش برای نزديک شدن به کمال مطلق و مطلق کمال است، پيروري از فرمان کسی است که جز به نيكى فرمان نمي‌دهد و جز به دوری از زشتی دستوری نمي‌دهد (يزدانى، ۱۳۸۸).

**انگيزه الهي در ازدواج:** با توجه به نقش دين داري در سعادت زندگي زناشوبي، مي‌توان برخورداري از انگيزه الهي در ازدواج را نخستين گام بهمندي از ولایت خداوند (محمدى رى شهرى، ۱۳۸۷) و زمينه‌ساز تحصيل ساير معيارهای آمادگي ازدواج (كليني، ۱۳۶۵) بهشمار آورد.

**داشتن ملاک‌های اسلامي در انتخاب همسر:** اگر خداوند مي‌گويد مؤمن را با هيجق کس ديگر مبادله نکنيد، به دليل ارزش و اهميت و خدمات فراوانی است که يك مؤمن به همنشين عطا مي‌کند، و اگر مي‌گويد با بي دين ازدواج نکنيد، به دليل همان خطری است که بهواسطه فساد و باطل از وجود يك بي دين به ديگري مي‌رسد. هرچند ممکن است آن بي دين در اوج ثروت و زيباىي باشد؛ اما آنچه را از انسان مي‌گيرد بيش از تمام چيزهایي است که به انسان مي‌دهد.

**نگرش به ازدواج با هويت عبادي:** رسول اکرم ﷺ مي‌فرمایند: «مردي که با زن ازدواج نماید و زنی که با مرد عقد زناشوبي بیندد، هرکدام نصف دين خود را حفظ نموده‌اند» (بروجردی، ۱۳۸۰)؛ يعني هويت مرد برای زن در نکاح و نيز هويت زن برای مرد در ازدواج، يك هويت ديني است، نه غريزي و آميزش حيواني که در هر نر و ماده‌اي یافت مي‌شود؛ همچنين پيامبر گرامي اسلام ﷺ مي‌فرمایند: «هيج جوانی نيسست که در عنفوان جوانی ازدواج نماید، مگر آنکه شيطان مراقب وي ناله برمى آورد که دو سوم دين خود را از من حفظ نموده است. بنده خدا بعد از ازدواج باید درباره يك سوم ديگر دين خود پرهيز کار باشد» (بروجردی، ۱۳۸۰).

در اين حال مرد يا زن جوان که پيوند زندگي مشترك را مي‌بندد، با اين عمل بخش مهم دين خود را حفظ مي‌نماید. چنین نگرش ملکوتی به زن و نگاه الهي به ازدواج و بيش آسماني به تشکيل کانون مشترك زناشوبي، هرگز مرد را وابسته يا آزاد نمي‌بیند و زن را نيز از نگاه وابستگي و ابزاری مصون مي‌داند (جوادى آملى، ۱۳۷۵).

**پاییندی به قواعد و قوانین دین:** آیه ۵ سوره تحریم بر دین داری زن تأکید دارد: «امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیرباکره و باکره». اینها از جمله مواردی است که قرآن کریم به عنوان مشخصه‌های یک زن شایسته ذکر می‌کند که با توصل به این اعمال، دین خود را کامل و تعالی روحی و روانی و به تبع آن شایستگی‌های اخلاقی و فکری را نصیب خود کرده‌اند (طالبزاده ذرفولی و همکاران، ۱۴۰۰).

**همیاری با همسر در انجام وظایف دینی:** بازترین شاخصی که امیرمؤمنین در مورد همسرشان حضرت زهرا در اولین روز زندگی مطرح می‌فرمایند، کمک ایشان در طاعت خداوند است و چه خوب است که دختران این شاخص را در خود پرورش دهند و هدف خود از ازدواج بدانند. رسول خدا صبح اولین روز عروسی وارد حجه شدند و از حضرت علی پرسیدند: «همسرت را چگونه یافته؟ او در جواب عرض کرد: بهترین کمک است بر اطاعت از خدا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

## ۲. آمادگی‌های شناختی

**شناخت اهداف ازدواج:** قرآن کریم با آیه «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۳۱) فلسفه ازدواج را روشن کرده است. ازدواج هدفی را دنبال می‌کند و آن آرامش و تسکین آدمی است؛ بنابراین تمام ملاک و معیارها در این مسیر قرار می‌گیرد.

**خودشناسی:** یکی از گام‌های مهم برای اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک این است که فرد بداند چه کسی است و چه ویژگی‌هایی دارد، اعم از ویژگی‌های جسمی و شخصیتی (افکار، باورها، اهداف و آرزوها، احساسات، توانایی‌ها، نقاط ضعف و...) و ویژگی‌های خانوادگی و موقعیتی اقتصادی، فرهنگی، تحصیلی و... با شناختی که از مسئله ازدواج به دست آورده است، بفهمد آیا برای آن آمادگی لازم را دارم یا نه؟ کشف کند که از ازدواج واقعاً چه انتظاری دارد و قصد و انگیزه‌اش چیست؟ برای رسیدن به این اهداف در ازدواج چه کسی مناسب اوست و بهاصطلاح با چه ملاک‌ها و معیارهایی می‌توان فرد مناسب خود را تعیین کند؟

امام علی می‌فرمایند: «همانا چنانچه نفوس متناسب هم باشند بینشان الفت ایجاد می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۹ق). افراد زمانی قادر خواهند بود فرد مناسبی را برای زندگی خود پیدا کنند که خود فرد مناسبی شده باشند

**شناخت جایگاه زن:** زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است؛ یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و فرموده این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن.

جامعه‌ای که قرآن در او حاکم است، جامعه عاطفه است و سرش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آن مادرها هستند، چه بخواهیم چه بدانیم و چه ندانیم اصول خانواده درس رافت و رقت می‌دهد و رفت در همه مسائل کارساز است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

**شناخت جایگاه مادری:** در متون دینی گرامیداشت مقام مادران مایه ورود بهشت است، چه اینکه خط مشی و کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت نقش تعیین کننده‌ای دارد و از حضرت رسول اکرم در این باره دو مطلب رسیده است: یکی آنکه «الجنة تحت أقدام الأمهات» و دیگر آنکه «اگر مشغول نماز مستحبی هستی، وقتی پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن و اگر مادرت تو را خواند، نماز را قطع نما». البته قطع نافله حرام نیست، لیکن در حالت جواز قطع یا رجحان آن یکسان نیست و از این جهت نیکی نسبت به مادر افضل از احسان نسبت به پدر است؛ چنان‌که از رسول گرامی اسلام رسیده است (بروجردی، ۱۳۸۰)، و سر ترجیح آن هم در تحمل رنج‌های فراوان مادر تعییر شده است و نیز گرامیداشت خاله، خواهر مادر در نبود و فقدان مادر به منزله تکریم مادر تلقی شده است (بروجردی، ۱۳۸۰).

آیات قرآن که در مورد حق‌شناسی از والدین آمده است بر دو قسم است: یک قسم حق‌شناسی مشترک پدر و مادر را بیان می‌کند و قسم دیگر آیاتی است که مخصوص حق‌شناسی مادر است. مادران فرزندانشان را دو سال شیر می‌دهند (بقره: ۲۳۳) که مستقیماً کودک از مادر تعذیه می‌کند، مادر مسئول حفظ دو نفر است و دو تکلیف دارد: یکی برای خود و دیگری برای کودک. پدر در اصل نطفه موظف است حلال بخورد و اگر بعداً مبتلا به حرام شد، ارتباط تنگاتنگی با پرورش کودک ندارد؛ زیرا غذای حرام پدر در جهاز گوارشی پدر هضم می‌شود، اما غذای مادر در دستگاه گوارشی او تبدیل به شیر می‌شود و کودک تعذیه می‌کند؛ لذا او موظف است به کودک حلال بدهد و خود حلال بخورد، این در مورد تعذیه جسمانی. در غذای روحانی نیز چنین است، اگر مرد خاطره، خیال و هوس بدی در سر بپروراند خود را می‌سوزاند. خیال گناه و خاطره تلخ در درون مرد علیه خود ایست، اما خیال باطل و حرام و اندیشه گناه و خاطرات تلخ برای زن علیه دو نفر خواهد بود. اگر مادری بداند که اندیشه‌های او در کودک اثر می‌گذارد، اندیشه‌ها و بیان‌های خود را تعالی بیشتر می‌بخشد. بنابراین مسئولیت زن در این سی ماه به مراتب بیش از مرد است، و هر که مسئولیتش بیشتر باشد در صورت عمل به آن توجهش به خدا بیشتر است، و هر که توجهش به خدا بیشتر بود و عمل کرد موفق‌تر است. هر کس مسئولیت بیشتری دارد نشانه آن است که اگر به این مسئولیت‌ها با دید تکریم بنگرد به خدا نزدیک‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

**شناخت تفاوت‌های مرد و زن:** قرآن کریم تفاوت‌های زن و مرد را این‌چنین بیان می‌کند: «مردان مانند زنان نیستند» (آل عمران: ۳۶). زن و مرد با وجود اشتراکات زیادی که در هویت انسانی، ویژگی‌های

جسمانی، استعداد و توان بالقوهای که در رسیدن به کمال و هدف از آفرینش خود دارند، دارای تفاوت‌های زیادی نیز می‌باشند. تفاوت‌های بین زن و مرد امری جدی و انکارناپذیر است. دانستن این تفاوت‌ها به هریک از همسران کمک می‌کند تا روابط خود را با دیگری به نحوی مناسب تنظیم نمایند و ضمن بهره‌مندی از تفاهم بیشتر، از بروز اختلافات و نارضایتی‌ها پیشگیری نمایند (ربانی، ۱۳۹۶).

آگاهی از توانمندی‌های ویژه زن و مرد باعث می‌شود که هریک از آنان در نقش و جایگاهی متناسب قرار گیرند و استعدادهای خود را در آن عرصه‌ها شکوفا کنند و خود نیز از رضایتمندی برخوردار شوند (پناهی، ۱۳۹۸). اگر تفاوت‌هایی در استعدادهای زنان مشاهده می‌شود، در راستای شکل‌گیری نظام احسن و بر زمین نماندن وظایف اجتماعی و خانوادگی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

مردها کلی نگر هستند و زن‌ها جزئی نگر؛ به این معنا که معمولاً مردان در زندگی روزمره به ریزه‌کاری‌ها و جزئیات کاری ندارند یا متوجه آن نیستند. در مقابل، زنان به جزئیات و ظرافت‌ها توجه بیشتری دارند. جزئی نگری زنان را آماده مریبگری و ایفای بهتر نقش مادری می‌کند و کلی نگری مدیران خوبی از مردها می‌سازد (محمدی صیفار، ۱۳۹۴). مردها در مسائل زندگی و حل مشکلات روبروکرد مسئله‌دار دارند و بر اساس تفکر و استفاده از عقل خود مسائل را حل می‌کنند و در مقابل، زن‌ها در مواجهه با استرس و مشکلات، هیجان‌دار هستند (مهکام، ۱۳۹۹).

### شناخت نقش‌ها در خانواده

**نقش مرد:** مدیریت کل خانواده، نقش اقتصادی و پرداخت نفقة، نقش تربیتی.

**نقش زن:** مدیریت منزل، آرامبخش بودن، نقش جنسی، نقش تربیتی.

**شناخت وظایف زن:** جهاد زن خوب شوهرداری کردن است. مردی به رسول خدا عرض کرد همسری دارم که وقتی وارد منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و آنگاه که خارج می‌شوم بدرقام می‌کند، وقتی مرا غمناک می‌بیند می‌گوید برای چه غصه می‌خوری؟ اگر به خاطر رزق است که خداوند تعهد آن را داده است، و اگر غم آخرت را داری، خدا غصه‌ات را زیادتر کند. رسول خدا فرمود: «همانا خداوند کارگزارانی دارد و این زن یکی از کارگزاران خداست، این زن با این عملی که انجام می‌دهد ثواب نصف شهید را دارد» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

**هوشمندی و سلامت روان:** در منابع اسلامی ضمن تأکید بر ویژگی کفایت عقلانی زن، از ازدواج با زنان کودن به دلیل رنج آور بودن معاشرت با ایشان و نیز ناتوانی آنان در تربیت صحیح فرزند جلوگیری شده است (کلینی، ۱۳۶۵). کفایت عقلانی با برخورداری از ویژگی‌هایی مانند: قدرت تشخیص، فهم و درک و تجزیه و تحلیل صحیح مفاهیم، اتخاذ تصمیم‌های مناسب، بجا و حکیمانه در موقعیت‌ها و شرایط

مختلف، استقلال فکری، انتظار واقع‌بینانه داشتن از خویشتن و دیگران بر اساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، قدرت غلبه بر احساسات و هیجان‌ها و کشش‌های نفسانی و... قابل تشخیص خواهد بود (افروز، ۱۳۸۳).

### ۳. آمادگی‌های اخلاقی

حسن خلق: از جمله ارزش‌های مهم اخلاقی که موجب رضایتمندی زناشویی می‌گردد، حسن خلق است. به دلیل اهمیت فوق العاده این ویژگی، امام رضا<sup>ؑ</sup> ازدواج با فرد بداخل‌الخلق را روان‌دانسته و از آن نهی می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵). امام صادق<sup>ؑ</sup> حسن خلق را عبارت از فروتنی، نیکو گفتاری و خوش‌رویی می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۵): همچنین با توجه به تأثیر گفتار و مهارت‌های ارتباطی در روابط همسران، بر پرهیز از بدزبانی به همسر تأکید شده است (صدقوق، ۱۴۰۰ق؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). پیامبر اسلام<sup>ؐ</sup> نیز در زمینه دوری از زخم‌زبان و بددهنی می‌فرمایند: «وقتی زنی به شوهر خود گوید از تو خیری ندیدم، اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود» (پاینده، ۱۳۸۳). همین‌طور امام صادق<sup>ؑ</sup> در این زمینه می‌فرمایند: «ملعون است، ملعون، آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگین کند و خوشبخت است، خوشبخت، آن زنی که شوهر خود را احترام نهد و آزارش ندهد و در همه حال از او فرمان برد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). در جایی دیگر پیامبر اکرم<sup>ؐ</sup> در این زمینه می‌فرمایند: «وای بر زنی که شوهرش را ناراحت کند و خوش باشد از دین داری بزرگ‌ترین زنی که شوهرش از او راضی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). خوش‌خلقی بعد از دین‌داری بزرگ‌ترین خصیصه مثبتی است که هر فردی به‌ویژه بانوان باید داشته باشد.

عفت و پاکدامنی: عفت به معنی حفاظت نفس از تمایلات و شهوت‌های نفسانی است (مصطفوی، ۱۳۷۵). وجود این خصلت در زنان آن چنان از اهمیت برخوردار است که دارنده آن از جمله برترین زنان بهشمار آمده (طوسی، ۱۳۶۵). آیات قرآن کریم با عنایت ویژه به خصیصه پاکدامنی در پیش از ازدواج، مردان و زنان جامعه اسلامی را به ازدواج با افراد پاک‌دامن فراخوانده (مائده: ۵؛ نساء: ۲۴) و ایشان را از وصلت با فاسقان بر حذر داشته است (نور: ۳ و ۲۶). پیشوایان اسلامی نیز ضمن آنکه همسانی را در عفاف دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۵)، در دعاهای خود برخورداری از پاک‌دامن‌ترین همسران را از خداوند طلب کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵).

از دیگر ارزش‌های قابل توجه در موضوع عفاف آن است که مرد و زن داوطلب ازدواج، چشم خود را از مشاهده صحنه‌های حرام بپوشانند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

عفت در گفت‌و‌گو با نامحرم هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک گفت‌و‌گو اهمیت دارد (احزاب: ۳۲). باید ادای کلمات و طرز سخن گفتن به‌گونه معروف و دور از هرگونه عشه‌گری باشد تا زمینه فساد و ارتباط نامشروع فراهم نشود؛ همچنین در سخنان خود باید به مقدار ضرورت بسند کنند و از به درازا کشیدن کلام و روبدل کردن مطالب غیرضروری پرهیز نمایند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۶).

**دوری از روابط دوستانه با جنس مخالف:** کسانی که روابط دوستانه با جنس مخالف دارند نیز از صلاحیت لازم برای آمادگی پیش از ازدواج برخوردار نیستند (نساء: ۲۵؛ مائدہ: ۵). گسترش روزافروزن این‌گونه روابط می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و دشواری‌ها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی شود؛ همچون افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج و افزایش فرزندان نامشروع که تا اندازه‌ای پی‌آمد این‌گونه روابط پیش از ازدواج است، می‌تواند نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌هایی بنیادی روبه‌رو سازد.

رعایت پوشش و حجاب شرعی یکی از راههای حفظ عفت و پاک‌دامنی در جامعه، خانواده و فرد است. خداوند در آیه ۳۱ سوره نور به پیامبر دستور می‌دهد:

و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را فروگیرند و دامن‌های خود را حفظ کنند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند؛ جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به آن ندارند، یا کوکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نیز چنان پایی بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان! همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید.

خداوند در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: «ای پیامبر! به زنان و دخترات و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را فروت گیرنده، برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است». پیامبر اکرم در حدیث دیگر می‌فرمایند: «بهرترین زنان شما خود را از نامحرم می‌پوشانند» (طوسی، ۱۳۶۵).

اهتمام به حضور در منزل و خودداری آنان از خروج بی‌مورد: بخش دیگری از ارزش‌های اخلاقی مورد نظر اسلام در قلمرو آمادگی پیش از ازدواج این موضوع است و یکی از زمینه‌های مهم تحقق عفاف در قلمروهای پیش‌گفته است، این موضوع نیز به عنوان شاخصی برای تشخیص عفت زن محسوب می‌شود (احزاب: ۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۵).

پرهیز از خودآرایی در برابر نامحرم: به اظهار زیبایی‌های زن که باید مستور باشد، «تبرج» می‌گویند (طبرسی، ۱۴۱۸ق). قرآن شریف در دو جا زنان را از خودنمایی و تبرج برحدز داشته است: خداوند در آیات خود خطاب به زنان پیامبر فرموده است: «و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید» (احزاب: ۳۳). این دستور گرچه در قرآن شریف به لحاظ اهمیت و موقعیت

ویژه‌ای که زنان پیامبر ﷺ در میان مردم داشتند، متوجه زنان رسول خدا ﷺ شده است؛ ولی دلیلی بر اختصاص آن به زنان پیامبر ﷺ نداریم و مورد آیه نمی‌تواند مخصوص باشد.

در آیه ۶۰ سوره نور به زنان سالم‌مند در کیفیت پوشش تخفیف داده است، مشروط به اینکه از این کار قصد تبرج و خودنمایی نداشته باشد؛ بنابراین تبرج به طور مطلق، برای همه زنان، خواه زنان پیامبر باشند یا غیر آن و خواه جوان باشند یا مسن، ممنوع است و استثنای ندارد. این دستور بدان سبب است که زن ممکن است دستور پوشش را رعایت کند و با سروگردان پوشیده در بیرون از منزل حاضر شود، اما با هیئتی که جلب توجه می‌کند، تحریک شهوت می‌کند. این کار خودنمایی و به نمایش گذاشتن زیبایی‌ها برای به طمع انداختن دیگران است که در فرهنگ قرآن بدان «تبرج» گفته شده است. دستور پوشش گرچه زنان را از بی‌حجابی منع می‌کند؛ اما برای منع تبرج و جلوگیری از خودنمایی کافی نیست؛ زاین رو دستور پوشش به مکملی نیاز داشت که جلوی این‌گونه ظاهر شدن زنان را بگیرد، آیات یادشده مکمل و متمم حکم پوشش است.

رسول گرامی ﷺ نهی فرمودند از اینکه زن برای غیر همسر خود آرایش کند و زنی را که مرتکب چنین عملی شود، سزاوار عذاب و آتش دانسته‌اند و نهی کردند از اینکه زن لباسی بپوشد که در میان مردم انگشت‌نما باشد و همه به او نگاه کنند (نوری، ۱۳۶۵).

رسول خدا ﷺ دو گروه را اهل دوزخ دانست، در توصیف گروه دوم فرمودند: «زنانی که به ظاهر پوشیده‌اند، اما در واقع برهنه و بی‌حجابند، با زرق و برق خود را به مردم نشان می‌دهند و هوس‌های آنان را به سوی خود جذب می‌کنند، موهای سرشان همچون کوهان شتر عربی است» (صدقق، ۱۴۰۴ق). این روایات گرچه از نظر سند، محل تأمل‌اند و نمی‌توان به تنهایی به آنها استناد کرد؛ اما مضامین آنها موافق با آیات نهی از «تبرج» است و می‌توان به عنوان مؤید از آنها بهره جست (طاهرنیا، ۱۳۸۵).

**سازگاری و نرم‌خوبی:** امیر مؤمنان علیؑ نرم‌خوب دوستی و صمیمیت، پوشیده ماندن عیوب، از بین رفتن کینه و دشمنی و... از آثار و برکات رفق و مداراست. در زندگی خانوادگی اگر رفق و مدارا نباشد، تندي و خشونت سراسر زندگی را فرا خواهد گرفت؛ چراکه در طول زندگی مشترک، موارد فراوانی یافت می‌شود که رفتار و گفتار همسر، مطابق میل انسان نیست و در صورت عدم مدارا با همسر، هریک از این موارد می‌تواند زمینه‌ای برای بروز خشونت و درگیری میان افراد خانواده باشد؛ درحالی‌که با رفق و مدارا می‌توان بسیاری از اختلافات را حل کرده، آرامش و صمیمیت را در محیط خانواده حاکم نمود.

**سهل‌گیری:** امیرالمؤمنین علی در مورد آسان‌گیری در زندگی فرمودند: «زندگی و کارها را آسان گیرید و دشوار نکنید، سبک بگیرید و سنگین نکنید» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۹ق). همسران پیامبر بعد از پاره‌ای از جنگ‌ها که غنایم سرشاری در اختیار مسلمین قرار می‌گرفت، تقاضاهای مختلفی از پیامبر داشتند: اسلامه تقاضای کنیز خدمتگزاری کرد، میمونه حلهای خواست، زینب (دختر جحش) پارچه‌یمنی تقاضا کرد، حفصه جامه مصری، جوپریه لباس مخصوص و سوده گلیم خیری از پیامبر اعظم خواستند. پیامبر که می‌دانست در برابر این گونه درخواست‌ها که معمولاً پایانی ندارد و چه عاقبی برای بیت نبوت دربر دارد، از جواب آنها سرباز زد و مدتی از همسرانش کناره‌گیری کرد، تا اینکه آیات ۳۱-۲۸ سوره احزاب نازل شد و با لحن قاطع و درعین حال توأم با رافت و رحمت به آنها هشدار داد:

اگر زندگی پرزرق و برق دنیا می‌خواهید، می‌توانید از پیامبر جدا شوید و به هر کجا می‌خواهید بروید. اگر به خدا و رسول او و روز جزا دلسته‌اید و به زندگی ساده و افتخارآمیز خانه پیامبر قانع هستید، بمانید و از پاداش‌های بزرگ پروردگار  
برخوردار شوید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰)

بنابراین وجود ویژگی سهل‌گیری در تمامی ابعاد و مراحل زندگی مانند ازدواج و مراسمات آن، طول زندگی و مسائل مالی و اقتصادی مانند ساده‌زیستی در خانواده بسیار ضروری می‌باشد. **مطیع بودن و عدم لجبازی:** یکی دیگر از آمادگی‌های اخلاقی مطیع بودن است؛ یعنی روحیه لجبازی و زیربار نرفتن نداشته باشد و قبل از ازدواج بتواند از والدین و بزرگسالان که صلاح او را می‌خواهند پیروی کند، همان‌طور که در روایات تأکید شده است. پیامبر اسلام می‌فرمایند: «می‌خواهی تو را از بهترین گنجینه مرد خبر دهم؟ زن پارسا که وقتی به او نگرد مسرور شود و همین که به او فرمان دهد اطاعت کند» (پاینده، ۱۳۸۳)، و در حدیثی دیگر با تأکید بیشتر می‌فرمایند: «اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند، به زن دستور می‌دادم شوهرش را سجده کند» (کلینی، ۱۳۶۵). این دستور ایشان فقط به این دلیل است که راه سعادت خانواده، تبعیت زن از شوهر است. از طرفی زن به خاطر احساساتی بودن به شدت در معرض خطر و سوءاستفاده قرار دارد و لذا مهم‌ترین چیزی که می‌تواند از انحراف زنان جلوگیری کند، تبعیت آنان از شوهرانشان است.

یکی از رفقارهای ناپسندی که می‌تواند خوشبختی و سعادت را از زندگی زناشویی دور کند، لجبازی است. لجبازی هم موجب نفرت افراد از فرد لجباز می‌شود و هم در زندگی زناشویی بسیار مشکل‌آفرین است. از طرفی احادیث معصومین نیز به شدت لجبازی را برای بانوان منع کرده است و این خصلت را امری قبیح در برابر شوهر می‌دانند. پیامبر می‌فرمایند: «بهترین زنانタン زنی است که با محبت، فرزندآور و سازگار باشد و بدترین آنان زنی است که لجباز باشد» (نوری، ۱۴۰۸ق).

**بدین نبودن:** متأسفانه یکی از مشکلاتی که امروزه در روابط میان زنان و شوهرانشان بسیار به چشم می‌خورد، حساسیت بیش از حد زنان نسبت به شوهرانشان است. در واقع نوعی غیرت زنانه که به حد افراط کشیده شده و تبعات بسیار ناگواری را در روابط زوجین ایجاد کرده است. این غیرت و حساسیت زنانه که در بسیاری از موارد به دور از هرگونه ریشه و پایه منطقی و عقلایی است، مردان را بسیار می‌آزارد. امیر مؤمنان حضرت علی<sup>ؑ</sup> در این زمینه می‌فرمایند: «غیرت زن، کفر آور، و غیرت مرد نشانه ایمان اوست» (سید رضی، ۱۴۱۴ق).

**صبور بودن:** بی‌صبری در مقابل مشکلات زندگی می‌تواند بحران‌ساز و فاجعه‌آفرین باشد. زنان اگر نتوانند در مقابل سختی‌های زندگی صبوری به خرج دهند، و نیز اگر نتوانند در مقابل برخی رفتارهای خشن مردان صبر پیشه کنند، در زندگی زناشویی به شدت به مشکل بر می‌خورند. به همین دلیل امام باقر<sup>ؑ</sup> صبر را برای زن نوعی جهاد در راه خدا معرفی می‌کنند و در حدیثی در این زمینه می‌فرمایند:

خداآوند متعال برای مردان جهاد را مقرر داشت و برای زنان نیز جهاد را منظور داشت و  
جهاد مردان آن است که مال و جان خوبیش را در راه خدا ایثار کنند، ولی جهاد زنان آن  
است که بر ادبیت‌های شوهر و غیرت‌ورزی‌های او صبر کنند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

صبر در برابر ناملایمات زندگی، صبر در برابر برخی بدخلقی‌ها، صبر در برابر مشکلات مالی، صبر برای تربیت فرزند و بسیاری صبرهای دیگر، همه و همه ضامن حفظ زندگی زناشویی و هدایت آن به سمت سعادت و خوشبختی است. پس با اینکه باید صبر پیشه کنند تا بتوانند به اهداف خود در زندگی دست یابند، در غیر این صورت روزهای تیره و تاری در زندگی آنان رقم خواهد خورد (طالبزاده دزفولی و همکاران، ۱۴۰۰).

**دوری از قهر و پرخاشگری:** یکی از علل افول عشق و علاقه بین زوجین و حتی نفتر، قهر و مشاجره بین آنان می‌باشد. در حدیثی امام صادق<sup>ؑ</sup> می‌فرمایند: «از ازدواج با زن پرخاشگر دوری کن» (کلینی، ۱۳۶۵)، و همچنین حضرت الیاس فرمود: «ازدواج ممکن با ناشره؛ زنی که در کردار و گفتار بر شوی خویش بلندی می‌کند» (فیض کاشانی، ۱۴۲۸ق).

البته زنانی هستند که در برابر شوهران خود، کلامشان را به بی‌حرمتی نمی‌گشایند. چنین زنانی می‌دانند شوهر به عنوان حامی اصلی خانواده وظایف خطیری به عهده دارد و لذا با شوهر خود در انجام وظایفش همراه می‌شوند و در صورت ضرورت برای حصول نتیجه بهتر در زندگی زناشویی به گفت و گوی منطقی متوصل می‌شوند، نه اینکه با ادبیات توهین‌آمیز شوهرشان مورد خطاب قرار دهند، لجاجت پیشه کنند و با رفتارهای نامناسب و سپس قهر کردن کانون خانواده را به خطر اندازند (مطیری و همکاران، ۱۴۰۰).

**اهل گذشت و بخشش:** علت تأکید خداوند بر عفو و گذشت به دلیل اثراتی است که بر جسم و

روان انسان می‌گذارد. امام صادق<sup>ع</sup> می‌فرمایند: «بهترین زنان شما زنی است که اگر خشمگین شد یا خشم بر او غلبه پیدا کرد به شوهر خود بگوید اختیار من به دست توست، هرگز نخواهم خواهید تا از من راضی شوی» (صدقه، ۱۴۰۴ق). بر اساس آیات و روایات، عفو و گذشت از فضائل والای اخلاقی و از صفات محظوظ نزد خداوند است. پاداش عفوکننده بر عهده خداوند بوده و این خصلت از نشانه‌های بزرگواری در دنیا و موجب سعادت در آخرت است. گذشت، انسان را از عذاب الهی نجات داده و او را به سیره اهل بیت (ع) نزدیک می‌سازد؛ درحالی که عدم گذشت، نشان‌دهنده کاستی درونی، بیماری قلب و تسلط نفس سرکش بر انسان است.

**رازداری:** یکی دیگر شاخص‌های آمادگی‌های پیش از ازدواج این است که دختر بداند باید در زندگی زناشویی رازدار همسر باشد و بتواند اسرار همسرش را حفظ کند و اگر این طور نباشد مانند زنان نوح و لوط مورد شماتت قرآن قرار می‌گیرد (تحریم: ۱۰) و هلاک می‌شود (نمل: ۵۷).

و در آیه ۳ سوره تحریم به رازدار بودن همسر تأکید می‌شود تا همسرش بتواند اسرارش را به او بگوید و بیان برخی مطالب برای تمام افراد خانواده، ضرورتی ندارد (قرائتی، ۱۳۷۶).

مسئله رازداری یکی از مهم‌ترین شرایط یک همسر باوفاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰).

#### ۴. آمادگی‌های عاطفی

اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می‌آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود، و دنیای کنونی حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان لبها به بازار بیاید و غریزه را تأمین کند. زن وقتی با سرمایه غریزه به جامعه آمد دیگر معلم عاطفه نیست، فرمان شهوت می‌دهد نه دستور گذشت و شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد. لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید، ولی با حجاب بیاید؛ یعنی بیاید که درس عفت و عاطفه بدهد نه اینکه درس شهوت و غریزه بیاموزد (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

**صمیمیت و مهروزی:** در روایات دینی به موضوع صمیمیت بین همسران و آثار آن به خصوص در مورد دختران پرداخته شده است. پامبر اعظم<sup>ع</sup> می‌فرمایند: «اینکه مردی به همسرش بگوید تو را دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود» (کلینی، ۱۴۰۷ق). هر اندازه تبادل عواطف بین زن و شوهر حس همدى و قدرت ابراز علاقه و محبت به همسر بیشتر باشد، خانواده از استحکام بیشتر و بالندگی بهتری برخوردار خواهد بود (پناهی، ۱۳۹۸).

امام صادق<sup>ع</sup> درباره ویژگی‌های عاطفی همسر مناسب می‌فرمایند: «بهترین بانوان زنانی هستند که برای شوهران خود مهربانند، در امر دنیا و آخرت مددکار آنها هستند و در زندگی برای آنها مشکل نمی‌آفینند» (صدقه، ۱۴۰۴ق).

**تمایزیافتگی از خانواده:** در منابع دینی نیز به تمایزیافتگی به خوبی توجه شده است. هنگامی که دو نفر ازدواج کردند باید برای خانواده خود و والدین خود احترام قائل شوند. رسول اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «بهرترین زنان امت من کسانی هستند که در برابر خانواده خود نفوذناپذیر و در برابر همسر خود انعطاف‌پذیر باشند» (نوری، ۱۴۰۸ق)؛ یعنی زمانی که پای ارتباط با همسر در برابر تعامل با والدین به میان می‌آید، نسبت به خانواده خود نفوذناپذیر و نسبت به همسر خود انعطاف‌پذیر هستند (پسندیده، ۱۳۹۳).

از مهم‌ترین جلوه‌های استقلال و تمایزیافتگی از خانواده، استقلال در انتخاب همسر است. شخصی که این آمادگی را دارد و می‌تواند بر اساس سلایق و معیارهای فردی خود، همسری را برگزیند، احساس رضایت بیشتری از زندگی خواهد داشت نسبت به فردی که دیگران بر اساس سلایق خود برای او همسری را انتخاب کنند. روایات دینی استقلال جوان در تصمیم‌گیری برای ازدواج را به رسمیت شناخته‌اند؛ به عنوان مثال امام صادق ع بنده‌ی خواهی که به ایشان عرض کرد: می‌خواهم با دختری ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم فرد دیگری را برایم انتخاب کرده‌اند. فرمود: «با فردی که دوست داری ازدواج کن و به فردی که والدین انتخاب کرده‌اند توجه نکن» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

**تعهد و وفاداری:** به عنوان یکی از صفات همسر شایسته لحاظ شده و از ازدواج با ساکنین برخی از مناطق جغرافیایی به دلیل وجود رگه‌هایی از عدم وفاداری در آنان، نهی به عمل آمده است (صدق، ۱۴۰۰ق؛ کلینی، ۱۳۶۵). خداوند در قرآن کریم ازدواج را به میثاق و تعهد دادن تعبیر کرده است: «و زنان از شما میثاق محکمی گرفتند» (نساء: ۲۱). منظور از میثاق در آیه خطبه عقد و نکاح است که خوانده شده و به موجب آن لازم است مرد مهر زن را پرداخت نماید؛ همچنین برخی منظور از میثاق محکم را تعهد مرد به خوش‌رفتاری و معاشرت به نیکی با زن می‌دانند، به طوری که اگر مرد از ادامه زندگی مشترک منصرف شد، باید همسرش را به نیکی طلاق دهد و از هرگونه رفتار برخلاف مقام انسانی زن اجتناب نماید (طباطبائی، ۱۳۶۳). در متون اسلامی برای هریک از زن و مرد حقوق و تکالیفی مشخص شده است (سالاری ف، ۱۳۹۹). فردی که می‌خواهد وارد عرصه زندگی مشترک شود باید این آمادگی را داشته باشد که در کنار لذت‌های عاطفی و جنسی که از همسر خود می‌برد، خود را به رعایت تکالیف و مسئولیت‌هایی که بر عهده‌اش آمده، ملزم نماید.

**قدردان بودن:** امام صادق ع در حدیثی می‌فرمایند: «بهرترین زنان شما آن زنی است که چون به او چیزی داده شود سپاسگزاری کند و اگر به او چیزی داده نشود راضی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). پیامبر اسلام ﷺ نیز در این زمینه می‌فرمایند: «وقتی زنی به شوهر خود گوید از تو خیری ندیدم، اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود» (پاینده، ۱۳۸۳).

## ۵. آمادگی‌های اجتماعی

**صلة رحم:** فرزندان متولدشده از یک زن خواه بدون فاصله و خواه با فاصله نسبت به یکدیگر رئوف و مهربان بوده و پیوند فطری خود را در پرتو تعالیم دینی شکوفا می‌نمایند و در مكتب دین حفظ این پیوند و فراموش نکردن آن از واجبهای مهم بهشمار آمده و اگر کسی این پیوند فطری و دینی را قطع نماید از رحمت ویژه الهی محروم خواهد شد؛ زیرا صلة رحم از چیزهایی است که خداوند به آن امر فرموده و درباره قاطعان چیزی که باید وصل شود، لعن و نفرین الهی و عده داده شده است (بقره: ۲۷؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵).

**مهارت‌های ارتقاباتی:** شامل مهارت ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی و گوش دادن فعال است. اهمیت ارتباط کلامی از این جهت بیشتر می‌شود که خداوند به طور مستقیم مؤمنین را به برقراری روابط کلامی زیبا و نیکو با همه انسان‌ها حتی اگر مسلمان نباشند، فرمان داده است، آنجا که می‌فرماید: «با همه انسان‌ها به نیکویی سخن بگویید» (بقره: ۸). شفافیت، مستدل بودن، واقعیت و اهمیت داشتن، از خصوصیات کلام و قاطعیت در لحن کلام جزو عناصر تشکیل‌دهنده قول سدید هستند.

## ۶. آمادگی‌های جسمی و جنسی

**توانایی باروری:** با توجه به اینکه از دیدگاه منابع اسلامی یکی از کارکردهای مهم تشکیل خانواده، پرورش فرزندان مؤمن است (بقره: ۲۷)، و در روایات از فرزند با تعابیری چون میوه‌دل، نوردیده (شجاعی، ۱۳۸۵)، مایه خوشبختی (کلینی، ۱۳۶۵)، کسی که انسان را یاری می‌کند، و نیز مایه ثواب اخروی (حر عاملی، ۱۴۱۲ق)، و رحمت و غفران الهی (حر عاملی، ۱۴۱۲ق) یاد شده است (شجاعی، ۱۳۸۵)، یکی از ابعاد جسمانی قابل توجه در آمادگی پیش از ازدواج، توجه به توanایی باروری می‌باشد. اهمیت این ویژگی تا آنجا در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته (کلینی، ۱۳۶۵) که فرد را از ازدواج بازنی که از جهت خصوصیات گوناگون دینی، اخلاقی، و... مطلوب تشخیص داده شده، ولی نابارور می‌باشد، برحدر داشته‌اند (کلینی، ۱۳۶۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷)؛ همچنین در مقام مقایسه بین زیبایی ظاهری و توانمندی باروری، به گونه‌ای روش امکان فرزندآوری زن ترجیح داده شده است (صدقوق، ۱۴۰۴ق؛ حسین‌خانی، ۱۳۸۹).

**سن مناسب:** در اسلام سن مشخصی برای ازدواج دختران مقرر نشده است، اما بر حسب برخی روایات، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین، نامطلوب قلمداد شده است (نوری، ۱۴۰۸ق؛ حر عاملی، ۱۴۱۲ق؛ بستان، ۱۳۸۸). در عین حال، بر اساس منابع اسلامی ازدواج در صغر سن می‌تواند زمینه ناسازگاری همسران را فراهم نماید (کلینی، ۱۳۶۵).

**میل جنسی:** در کنار عفیف بودن زن، برخورداری وی از شهوت جنسی ویژگی همسر مطلوب بهشمار آمده (کلینی، ۱۳۶۵). برای زمینه‌سازی در جهت ایجاد ارتباط مطلوب جنسی علائمی ذکر شده (صدقه، ۱۴۰۴ق) و از برقراری پیوند با زنانی که تمایلی در این خصوص ندارند، ممانعت به عمل آمده است (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

**کترول میل جنسی:** قرآن کریم دستور کترول و مدیریت میل جنسی را چنین بیان می‌کند: «و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند» (نور: ۳۳). دستور به عفت‌ورزی در این آیه علی‌رغم قدرت میل جنسی و سختی عفت‌ورزی، همان‌گونه که از واژه استعفاف بر می‌آید و نشان از سختی کار عفت‌ورزی است، دلیلی است که انسان از نگاه خداوند حکیم توان مدیریت این میل و عفت‌ورزی را دارد و بنمایه‌های درونی لازم برای کترول آن مانند کشش به سوی کمالات عالی و پلید دانستن انحرافات را دارد (حجرات: ۷): بهخصوص که فضل الهی نیز طبق این آیه شامل حال کسانی که عفت‌پیشه می‌کنند خواهد شد، و به فرموده امیر مؤمنان علیَّ «اجر مجاهد شهید در راه خداوند بیشتر از کسی نیست که قادر به گناه باشد و نکند، چیزی نماند که انسان عفیف فرشته‌ای از فرشتگان الهی به حساب آید» (سید رضی، ۱۴۱۴ق).

## ۷. آمادگی‌های اقتصادی

**باور به فضل خداوند:** قرآن کریم اعضای جامعه اسلامی را به زمینه‌سازی برای ازدواج مردان و زنان بی‌همسری که از شایستگی لازم برای ازدواج برخوردارند، فراخوانده است و در عین حال، نه تنها تمکن مالی را شرط این شایستگی ندانسته؛ بلکه ازدواج را برای افراد بی‌بضاعت موجب استغنا و برخورداری آنان از فضل الهی دانسته است (نور: ۳۲؛ طبرسی، ۱۴۱۴ق). بر اساس این نگرش، اولیای الهی مردان بدون همسر را به ازدواج ترغیب کرده، و ترک ازدواج از ترس فقر را بدگمانی به خدا دانسته (کلینی، ۱۳۶۵) و آن را موجب جدا شدن از مسیر پیشوایان دین به حساب آورده‌اند (الهندي، ۱۳۹۷، به نقل از: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷).

**ثروت محور نبودن:** همچنین پیشوایان دین از انتخاب همسر صرفاً به انگیزهٔ ثروتمندی برحدز داشته و متذکر این نکته شده‌اند که خداوند چنین افرادی را به دارایی همسر واگذار (طوسی، ۱۳۶۵) و به آن پناهنده می‌کند (طوسی، ۱۳۶۵)، و از تحت عنایت خود خارج می‌کند و ثروت همسر ممکن است او را به طغیان کشاند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷).

**امانت‌داری:** محافظت از امانت‌های مالی یکی از ویژگی‌های همسر مطلوب از دیدگاه اسلام بهشمار می‌رود. از ویژگی‌های زنان صالح آن دانسته شده که زنانی [در برابر نظام خانواده] خاضع‌اند که در غیاب

همسر، اسرار و حقوق او را که خدا برای او قرار داده، حفظ می‌کنند (نساء: ۳۴). پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی این مسئولیت زنان را توضیح داده و آن را حفاظت در مورد خویشتن و اموال شوهران معرفی می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۵).

**توجه به روزی حلال و حرام:** طلب روزی حلال از همسر از دیگر ویژگی‌های مطرح در این باره است. آنجا که خداوند به شیطان رخصت داد تا در ثروت و فرزندان پیروانش مشارکت جوید (اسراء: ۶۴)، راوی از امام باقر ع مفهوم این مشارکت را جویا شد. آن حضرت مشارکت شیطان را در چیزهایی دانستند که با مال حرام در ارتباط است (مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ از این‌رو افرادی که مشارکت شیطان را در دارایی و فرزندانشان برنمی‌تابند، لازم است در مورد رعایت حلال و حرام در کسب و کار همسر دقت لازم را به خرج دهند.

**قناعت:** در منابع اسلامی، برخی ویژگی‌های اقتصادی زنان نیز در ازدواج مورد توجه قرار گرفته است. در این میان خصیصه قناعت از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که در دعای امیرالمؤمنین ع بهره‌مند شدن از همسر قانع از خداوند متعال درخواست شده است (راوندی، ۱۴۰۵ق). این دعا با ازدواج آن حضرت با فاطمه زهرا ع به اجابت رسید و همسری نصیب آن حضرت شد که الگویی جاودانه برای قناعت و ساده‌زیستی بود (حسکانی، ۱۴۱۱ق). قناعت و رضایت زن به وضع موجود تا آن حد مورد تأکید پیشوایان اسلام قرار دارد که امام صادق ع در تقسیم‌بندی زنان به سه گروه، از جمله بدترین آنان افرادی را معرفی می‌کنند که اندک را نمی‌پذیرند و بسیار را ناچیز می‌شمرند (صدقوق، ۱۴۰۴ق). از این گروه زنان نه نماز واجب و نه نافله پذیرفته نمی‌شود تا آنکه توبه کرده و از همسر خویش به اندازه توانش طلب کنند (مشکینی، ۱۴۲۴ق).

**کم هزینه بودن:** پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «زنی مبارک است که هزینه‌اش کم باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). منظور از «مؤنه» در این روایت، ممکن است هزینه‌های عادی زندگی باشد؛ یعنی زن هر روز به دنبال مد جدیدی نباشد و همواره به سراغ زر و زیور نرود و در مخارج، اسراف و زیاده‌روی نکند. در منابع اسلامی، کم‌هزینه بودن زن از برکت او و سنتگینی مخارج او از شومی وی به حساب آمده است (طبرسی، ۱۳۷۰). پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی اش مجبور کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

**مهریه اندک و نگاه ارزشی به آن:** از دیگر ویژگی‌های زن شایسته در نگاه اسلام، اندک بودن میزان مهریه وی عنوان شده است (صدقوق، ۱۴۰۴ق). گزارش‌های فراوان در سرتاسر کتاب‌های حدیثی و فقهی، تردیدی بر جا نمی‌نهد که مهر اندک و سبک، پسندیده و مورد سفارش اسلام است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). از سوی دیگر، مهریه سنتگین به جای آنکه عمل به دستور قرآن (نساء: ۴)

و باعث برکت ازدواج شود (شیبانی، ۱۴۱۴ق، به نقل از: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷)؛ موجب شومی (کلینی، ۱۳۶۵) و زمینه‌ساز عداوت (طبرسی، ۱۳۷۰) بین همسران و خانواده‌های آنان می‌گردد (طالبزاده ذرفولی، ۱۴۰۰).

**پرهیز از منت‌گذاری:** از دیدگاه اسلام، تأمین نیازهای مالی خانواده برعهده مرد است، زنان نیز در صورت تمکن اقتصادی می‌توانند بخشی از بار زندگی را به دوش کشند. اما آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است، آن است که این همیاری نباید موجب منت‌گذاری بر همسر شده و روزی به رخ او کشیده شود. رسول خدا در حدیثی فرمود: «هر زنی که به دارایی خود بر شوهرش منت نهد و بگوید تو از ثروت من می‌خوری، اگر تمام آن ثروت را هم در راه خدا صدقه بدهد، خداوند از او نمی‌پذیرد، مگر آنکه شوهرش از او راضی شود» (طبرسی، ۱۳۷۰)، و در روایتی دیگر فرمود:

اگر همه طلا و نقره‌های زمین را زن به خانه شوهرش ببرد، سپس روزی از روزها بر سر او بزند و بگوید تو کیستی؟ این دارایی مال من است، اعمالش بر باد می‌رود؛  
اگرچه از عابدترین مردمان باشد، مگر آنکه توبه کند و از سخشن برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷).

**دوری از تجمل‌گرایی:** تجمل‌گرایی نشان‌دهنده دغدغه فرد در خصوص مهربه بالا، مراسم مجلل ازدواج، جهیزیه چشمگیر و وسائل تشریفاتی زندگی است. باید از ازدواج با زنی که به طور افراطی هزینه می‌کند، پرهیز کرد؛ چون ممکن است به یک کانون کشمکش در ازدواج تبدیل شود. علاوه بر آن، این امر حاکی از روحی مادی‌گرایی و شخص ابله که او را برای ازدواج انتخاب می‌کند، محتملاً به خاطر امر غیرضرور زندگی متحمل بدھی بسیار گردد (حسین‌خانی، ۱۳۸۹). همچنان که پرهیز از دنیاطلبی و تفاخر به جلوه‌های مادی از معیارهای زن شایسته قلمداد شده است (احزاب: ۲۸؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۲۸ق).

## بررسی روایی پژوهش

ساخcess‌های پیشنهادی به همراه توضیحات لازم در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان آگاه به علوم اسلامی (دارای مدرک سطح چهار حوزه) و همچنین صاحب‌نظر در روان‌شناسی (دارای مدرک دکترای روان‌شناسی) قرار گرفت تا اعتبار و میزان مطابقت آن با اهداف موردنظر ارزیابی شود؛ درنتیجه CVI هریک از جلسات بر اساس نظرات آنها مورد محاسبه قرار گرفت.

ضریب نسبی روایی محتوا برای تمامی شاخص‌ها، بزرگ‌تر از مقدار مورد نیاز بر اساس جدول لاآوشه می‌باشد و برابر با ۹۷ درصد شده است. با این حال ضریب نسبی روایی محتوا برای همگی شاخص‌ها بیش از ۵/۰ است. این رقم، ضریب مورد نیاز به‌ازای ۱۰ کارشناس است و از آنجاکه هرچه تعداد کارشناسان

بیشتر گردد، ضریب مورد نیاز کوچک‌تر می‌شود؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که CVR های به دست آمده به ازای ۱۰ کارشناس، قطعاً بزرگ‌تر از مقدار مورد نیاز در جدول لاوشه خواهد بود و لذا به تأیید کارشناسان رسیده است و همچنین شاخص روایی محتوای تمام شاخص‌ها CVI با روابط ۹۶۸ شده است و لذا شاخص روایی محتوای تمام شاخص‌ها با اختلاف زیادی از ۶۲٪ بیشتر شده و لذا به تأیید رسیده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با تأکید بر منابع اسلامی بدین شرح می‌باشد:

آمادگی‌های دینی جزو آمادگی‌های لازم برای ازدواج می‌باشد که با نتایج حسین‌خانی (۱۳۸۹)، معصومی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. با توجه به آیات و روایت بالیمان بودن لازمه ازدواج است و تووانایی انجام اعمال دینی که بر زندگی اثر مثبت دارد. در این مورد فرد دین را محور زندگی خود قرار داده، به سعادت اخروی بیش از رفاه دنیوی اهمیت می‌دهد، در انجام وظایف دینی اش تلاش می‌کند و در صورت کوتاهی در این زمینه، پشیمان شده و توبه می‌کند، محبت اولیای الهی را در دل دارد و به رهنماههای آنان عمل می‌کند و به ازدواج و انتخاب همسر، نگاهی دینی دارد و انگیزه او از ازدواج با نگاه الهی است نه مادی و به همسرش در انجام وظایف دینی کمک می‌کند.

آمادگی‌های شناختی هم جزو آمادگی‌های لازم برای ازدواج می‌باشد که با نتایج حسین‌زاده (۱۳۹۷)، رفیعی (۱۳۹۴)، قلیلی رنانی (۱۳۹۱) و کارول و همکاران (۲۰۰۹) نزدیکی زیادی دارد و این شناخت‌ها شامل: آشنایی با هدف ازدواج که رسیدن به آرامش است و خودشناسی برای اینکه بداند چه کسی برای ازدواج با او مناسب است. دختران باید بدانند اسلام جایگاه ویژه‌ای برای آنان قائل است و می‌توانند با انجام وظایف خود به بالاترین مقامات نزد خداوند دست یابند. از مهم‌ترین وظایف زن خوب شوهرداری کردن است و هرگاه مادر شود با وجود تحمل سختی‌ها پاداش بسیاری کسب خواهند کرد. در خانواده به هریک از زن و مرد برای اینکه امورات خانواده به خوبی بگذرد، باید به نقش‌های خود شناخت داشته تا به خوبی از پس آن برآیند. هر فرد باید فraigیرد در هر موقعیتی واکنش‌های زن یا مرد ممکن است متفاوت باشد و باید در این موقع همسر را درک کرد. در منابع اسلامی ضمن تأکید بر ویژگی کفایت عقلانی زن، از ازدواج با زنان کودن به دلیل رنج‌آور بودن معاشرت با ایشان و نیز ناتوانی آنان در تربیت صحیح فرزند جلوگیری شده است.

آمادگی اخلاقی از جمله مهم‌ترین آمادگی‌های پیش از ازدواج از دیدگاه اسلام محسوب می‌شود و با نتایج صاحبدل (۱۳۹۴)، شلالوند (۱۳۹۸) و ربانی (۱۳۹۶) تطابق دارد. در این پژوهش توصیه‌های پیشوایان دینی درخصوص توجه به وجود ارزش‌های اخلاقی در بین داوطلبان ازدواج ارائه شده است و

عبارت‌اند از: حسن خلق، سازگاری و نرم‌خوبی، پاک‌دامنی، پرهیز از خودآرایی در برابر نامحرم، پرهیز از ارتباط دوستانه با جنس مخالف، عفت زن در نگاه و گفت‌و‌گو با نامحرم، رعایت پوشش شرعی، پرهیز از پرخاشگری و قهر، مطیع بودن، سهله‌گیری، بدین‌بودن، گذشت، رازداری و صبور بودن.

آمادگی‌های عاطفی نیز جزو آمادگی‌های لازم برای ازدواج دختران می‌باشد که با نتایج ربانی (۱۳۹۶)، دانیالی (۱۳۹۶) شباهت دارد. در این پژوهش به مهروزی و صمیمیت، تمایزیافتنگی، وفاداری و تعهد، قدردان بودن پرداخته شده است.

آمادگی‌های اجتماعی جزئی دیگر از آمادگی‌های لازم برای ازدواج دختران است که با نتایج معصومی (۱۳۹۵) و قلیلی رنانی (۱۳۹۱) انطباق دارد. نتیجه آنکه مهره اصلی خانواده و محبت را زن به عهده دارد و باید تلاش کرد که در جوامع، عواطف حاکم شود. از دیگر مؤلفه‌های آمادگی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی است.

آمادگی جسمی و جنسی از دیگر آمادگی‌های لازم برای ازدواج دختران است که با نتایج قلیلی رنانی (۱۳۹۱) تشابه دارد. در اسلام سن مشخصی برای ازدواج دختران مقرر نشده است، اما بر حسب برخی روایات، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین، نامطلوب قلمداد شده است. در عین حال، ازدواج در صغیر سن می‌تواند زمینه عدم سازگاری همسران را فراهم نماید. به موقع ازدواج کردن، توانایی باروری بیشتر و بهتر را فراهم می‌کند. از دیگر آمادگی‌های لازم رسیدن به بلوغ جنسی و میل جنسی است که تا قبل از ازدواج باید بتواند خود را کنترل کند.

آمادگی‌های اقتصادی هم یکی دیگر از آمادگی‌های ضروری برای ازدواج دختران می‌باشد که با نتایج صاحبدل (۱۳۹۴)، به پژوهه (۱۳۸۰) همخوانی دارد. هرچند که تأمین مایحتاج زندگی و کسب درآمد بر عهده مرد است؛ اما بانوان هم در برابر این درآمد وظایفی دارند که با توجه به آیات و روایات عبارت‌اند از: باور به فضل خداوند، ثروت محور نبودن، توجه به روزی حلال و حرام، پرهیز از تفاخر به امور دنیوی، مهریه اندک، قناعت، امانت‌داری، پرهیز از منتگزاری، کم هزینه بودن.

میزان روایی محتوایی در CVR به‌ازای ۱۰ کارشناس، به تأیید رسیده است و همچنین شاخص روایی محتوایی تمام شاخص‌ها CVI برابر با ۹۶.۸ شده است و شاخص روایی محتوای تمام شاخص‌ها با اختلاف زیادی از ۶۲٪ بیشتر شده و لذا تأیید شده است.

گستردگی و سختی کار استنباط شاخص‌ها، مانع از آن شد که از شیوه‌های کیفی دیگر از جمله مصاحبه با متخصصین حوزه ازدواج برای انجام دیدگاه ارائه شده سود جسته شود و این موضوع یک محدودیت پژوهشی محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات تکمیلی تدوین بسته آموزشی آمادگی‌های پیش ازدواج دختران صورت پذیرد و در یک مطالعه طولی، اثربخشی این بسته آموزشی بر سطح رضایت از زندگی زناشویی دختران بررسی گردد؛ همچنین ساخت مقیاس برای سنجش میزان

آمادگی پیش از ازدواج دختران و انجام مصاحبه و روش‌های کیفی برای عوامل مؤثر بر آمادگی پیش از ازدواج دختران از جمله پیشنهادهای پژوهشی می‌باشد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. نهج‌البلاغه (۱۴۱۴ق). ترجمه محمد دشتی. قم: هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف القول عن آل الرسول. قم: جامعه مدرسین.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۳). مبانی روان‌شناسی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- امینی، ابرهیم (۱۳۸۷). همسرداری. قم: بوستان کتاب.
- بخیاری، محمدعزیز؛ شرف‌الدین، سیدحسین و بستان، حسین (۱۳۹۰). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۰). جامع/حدیث الشیعه. قم: المهر.
- بهپژوه، احمد (۱۳۸۰). عوامل مؤثر در ازدواج موفق (پیش از ازدواج). مجله علوم تربیتی پیوند، ۲۶۳، ۶۲۳.
- پایینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج‌الاصحاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول). تهران: دنیای دانش.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۳). رضایت زناشویی. قم: دارالحدیث.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۸۶). اهمیت ازدواج و سن مناسب آن. در: مجموعه مقالات تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۸). جوانی، فصل شکفتن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۹). غررالحكم و دررالکلم. قم: دارالكتاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). زن در آینه جمال و جلال‌الله. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه‌ی التحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حسکانی، حاکم (۱۴۱۱). شواهد التنزیل لقواعد التفصیل. تهران: مؤسسه طبع و شعر.
- حسین خانی، هادی (۱۳۸۹). معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسین خانی، هادی (۱۳۹۳). فرایند همسرگزینی. قم: بنشاسته.
- حسین‌زاده (۱۳۹۷). بررسی کیفی نقش باورهای مرتبط با ازدواج در آمادگی برای ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری زردانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل. خانواده‌پژوهی، ۱۰(۱)، ۶۱-۶۰.
- دانیالی، زینب (۱۳۹۴). مطالعه آمادگی ازدواج دانشجویان متاهل دانشگاه شهید چمران اهواز: یک مطالعه کیفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- راوندی، سیدفضل‌الله (۱۴۰۵ق). النواود للراوندی. قم: دارالكتاب اسلامی.
- ربانی، محسن (۱۳۹۶). تهییه ستّه آموزشی آمادگی‌های پیش از ازدواج با نگرش به منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه اخلاق و تربیت.
- رفیعی، اعظم؛ اعتمادی، عذر؛ بهرامی، فاطمه و جزایری، رضوان سادات (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش آمادگی بر انتظارات زناشویی و مؤلفهای آن در دختران عقد کرده شهر اصفهان.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۹). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سالاری‌فر، محمدصادق؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدي و دولتخواه، محمد (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶). نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- سلالوند، عشت (۱۳۹۸). *تدوین الگوی آمادگی برای ازدواج دانشجویان پسر*. پایان نامه دکتری تخصصی مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- صاحبی، حسین؛ زهراکار، کیانوش و دلاور، علی (۱۳۹۶). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق، یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره.
- صادق، محمد بن علی (۱۴۰۰). *الامالی*. بیروت: اعلمی.
- صادق، محمد بن علی (۱۴۰۴). من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسین حوزة علمیة قم.
- طالبزاده دزفولی، مریم؛ کریمی نیا، محمد‌مهدی؛ مددمالکی، علی و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). ویژگی زنان برتر از دیدگاه اسلام با تأکید بر آیه ۵ سوره تحریم. مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۲۸-۱۳.
- طاهری نیا، احمد (۱۳۸۷). پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ارتباط گفتاری زن و مرد نامحروم از دیدگاه کتاب و سنت. نشریه معرفت، ۱۶(۱۱)، ۱۰۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیة قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). متن و ترجمه کتاب نفیس مکارم الاخلاق. ترجمه و نگارش: محمدحسین رحیمیان. قم: مؤمنین.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحكام*. تهران: دار الكتب الاسلامية.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۸). *المحة البيضاء*. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
- قادربور، رزگار: احمدی، سیدمحمد و اعتمادی، عذرنا (۱۳۹۰). جزوی آموزشی مشاوره پیش از ازدواج. دانشگاه اصفهان.
- قراتی، محسن (۱۳۷۶). *تفسیر نور*. قم: مؤسسه در راه حق.
- قلیلی رانی، زهره (۱۳۹۱). بررسی و تدوین میغارهای یومی آمادگی برای ازدواج از دید جوانان، والدین و کارشناسان ازدواج و ارزیابی میزان آمادگی ازدواج در جوانان شهر اصفهان. پایان نامه دکتری مشاوره خانواده. دانشگاه اصفهان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الكافی*. تهران: دار الكتب الاسلامية.
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۳۹۷). *کنز العمال فی سنن الاقوال والاعمال*. تصحیح: صفوۃ السقا. بیروت: مکتبة التراث الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی صیفی، مهدی؛ علی محمدی، کاظم و حسین خانی، هادی (۱۳۹۴). از تفاوت تا تفاهم؛ آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد. قم: مؤسسه فرهنگی هنری طریق معرفت تقلیل.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مشکینی، علی (۱۴۲۴). *تحریر المواقع العددیة*. قم: الهادی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطیری، رباب؛ انصاری مقدم، مجتبی و کریمی نیا، محمد‌مهدی (۱۴۰۰). آمادگی‌ها و پیش‌نیازها در ازدواج موفق از منظر قرآن و حدیث. پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۲۵(۲)، ۲۸-۱۳.
- معصومی، مریم (۱۳۹۵). بررسی برداشت‌های دختران و پسران مجرد درباره آمادگی‌های لازم برای ازدواج. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الكتب الاسلامية.
- مهکام، رضا و شریف‌بیزدی، سعید (۱۳۹۹). *رسانیا، همسرشناسی*. قم: معارف.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستحبط المسائل*. بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- یزدانی، محمود (۱۳۸۸). یک انتخاب مناسب (همسرگزینی در بیست گام). مشهد: آهنگ قلم.
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, 2;76(5):930-948
- Larson, J. H. (1988). Factors influencing college students' perceived readiness for marriage. *Family Perspective*, 22, 145-157.
- Olson, D. H., Defraim, J. & Olson, A. K. (1998). *Building Relationship marital attitudes and readiness for marriage of single young adult*
- Olson, d.h. (2001). Rational for the premarital education bill. State of Minnesota. relations, 36, 5-10.

## پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تابآوری

### The Prediction of Life-Satisfaction based on Self-Control and Resilience

سعید عبادی / دانشجوی دکتری مشاوره خانواده مجتماع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

حسن تقیان / استادیار گروه روان‌شناسی مجمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

زهراء قمری دوزنده / کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشکده هدی، قم، ایران

Saeed Ebadi / PhD Student in Family Counseling, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran sebadi2477@gmail.com

Hassan Taghian / Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran

Zahra Qamari Douzandeh / Master of General Psychology, Hoda Faculty, Qom, Iran

#### Abstract

This research was conducted with the aim of investigating the role of self-control and resilience in predicting life satisfaction. The research method of the study is descriptive of correlational types. The population included all the students of Tehran University By convenient sampling method. 381 students (109 men and 272 women) were selected. Data analysis was done through Pearson's moment correlation coefficient and linear regression. Data collection tools include Life satisfaction scale 'scale of resilience and scale of self-control'. Research findings showed that there is a positive and significant correlation between the variables of life satisfaction and self-control and resilience, and the two variables of resilience and self-control explain 31% of the variance of the variable of life satisfaction. This finding is in contrary to the stereotype that maintains self-

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش خودمهارگری و تابآوری در پیش‌بینی رضایت از زندگی انجام شد. این مطالعه به روش توصیفی و از نوع همبستگی طراحی گردید و جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه تهران تشکیل دادند. نمونه‌ای شامل ۳۸۱ دانشجو (۱۰۹ مرد و ۲۷۲ زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش‌های ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون خطی انجام پذیرفت. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد رضایت از زندگی، مقیاس تابآوری و مقیاس خودمهارگری جمع آوری شد. نتایج یافته‌های تحقیق، همبستگی مثبت و معناداری بین هر دو متغیر پیش‌بین (خودمهارگری و تابآوری) با رضایت از زندگی نشان داد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که این دو متغیر در مجموع ۳۱ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها بیانگر آن است که

restraint reduces the possibility of enjoying life's pleasures and impairs life satisfaction.

**Key words:** Satisfaction with life, self-control, resilience.

تقویت خودمهارگری و تاب آوری می‌تواند به عنوان راهبردی مؤثر در افزایش رضایت از زندگی مورد توجه قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت از زندگی، خودمهارگری، تاب آوری.

## مقدمه

هدف اصلی و نهایی روان‌شناسی بهبود کیفیت زندگی بشر از طریق مطالعه فرایندها و مکانیسم‌های ذهن و رفتار بشر است (استرنبرگ،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱). از طرفی هر انسانی بیشترین زمان عمر خود را در کانون خانواده سپری می‌کند؛ لذا کیفیت روابط و کنش و واکنش مطلوب میان اعضای خانواده، به‌طوری که خشنودی اعضا را برآورده سازد اهمیت بسیاری دارد (عقیلی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان بحث رضایت از زندگی<sup>۲</sup> نیز در راستای بهبود کیفیت زندگی بشر مطرح می‌شود و جزء بی‌همتای بهزیستی ذهنی است (عقیلی و دیگران، ۱۴۰۱).

رضایت از زندگی به معنای ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی خود بر اساس معیارهای انتخاب شده توسط خودش است. طبق نظریه ساختاری دینر رضایت از زندگی به عنوان مؤلفه شناختی (ذهنی) بهزیستی در نظر گرفته می‌شود و رضایت کلی زندگی را نشان می‌دهد (دینر و ریان،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹). این مقوله در واقع، یک فرایند داوری است که افراد کیفیت زندگی خود را بر اساس ملاک‌های منحصر به فرد خود ارزیابی می‌کنند. رضایت از زندگی یک صفت پایدار و عینی نیست؛ بلکه به تغییرات موقعیتی حساس بوده و بر اساس برداشت و دیدگاه خود افراد در نظر گرفته می‌شود (شیخی، هونم، احمدی و سپاهمنصور، ۱۳۹۰)، و درحقیقت به یک فرایند قضاوتی - شناختی اشاره دارد (دینر، امونز، لارسن و گریفین،<sup>۴</sup> ۱۹۸۵) که در آن افراد، کیفیت زندگی خود را بر اساس مجموعه‌ای از ملاک‌ها ارزشیابی می‌کنند (پاوت<sup>۵</sup> و دینر، ۱۹۹۳). اگرچه اشخاص مختلف در زمینه مؤلفه‌های مهم یک زندگی خوب از قبیل سلامت و روابط موفق با یکدیگر توافق دارند؛ اما به این مؤلفه‌ها وزن‌های متفاوتی می‌دهند (دینر و دیگران، ۱۹۸۵). نظریه‌های رضایت از زندگی معتقدند که رضایت از زندگی منعکس کننده توازن بین آرزوهای فرد و وضعیت فعلی او و

- 
1. Sternberg, R.
  2. Satisfaction With Life Scale(SWLS)
  3. Diener, E. & Ryan, K.
  4. Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., Griffin, S.
  5. Pavot, W.

کسب شادکامی در نتیجهٔ رسیدن به اهداف است (مورگانتی، نیهرک و هالیکا،<sup>۱</sup> ۱۹۸۰). رضایت از زندگی به‌وسیلهٔ کاهش دادن تنش‌ها و رضایت از اهداف و نیازهای زیستی و روان‌شناختی در افراد شکل می‌گیرد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند رضایت از زندگی از نگرش و ارزیابی خوش‌بینانه عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی خود یا برخی از جنبه‌های زندگی همچون زندگی خانوادگی، شغلی، اوقات فراغت، درآمد و عزت نفس بالا نشست می‌گیرد؛ به عنوان مثال رحمتی، هوشیاری، صفورابی (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند، رضایت از زندگی با عزت نفس و جهت‌گیری مذهبی درونی، بیرونی فردی و بیرونی اجتماعی و کل رابطهٔ مثبت و معنادار دارد. پژوهش‌های مختلف نشان دادند، رضایت از زندگی با رفتارهای مرتبط با سلامت ارتباط دارد (زانگ و همکاران،<sup>۲</sup> ۲۰۱۸). نظر به اهمیت این سازه در سلامت روان، پژوهشگران ضمن مطالعهٔ عمیق آن، تلاش کرده‌اند راه‌های افزایش رضایت از زندگی را کشف نمایند؛ از این‌رو در سال‌های اخیر تحقیقاتی با هدف ساخت بسته‌های مداخله‌های تأثیرگذار بر رضایت از زندگی و یا کشف متغیرهای مرتبط با این سازه رو به افزایش است. به طور نمونه تبریزیان، صالحی و رفیعی هنر (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که بستهٔ آموزشی امید مبتنی بر شکرگزاری اسلامی امکان استفاده برای افزایش رضایت از زندگی دختران جوان محله‌های محروم شهر قم را دارد.

با مراجعه به منابع اسلامی نیز روشن می‌شود که در اندیشهٔ اسلامی «رضاء» در زمرة مفاهیم اساسی است که جزء بسیار مهم سعادت و شادکامی شمرده شده است (پسندیده، ۱۳۹۵)؛ همچنین رضایتمندی رابطهٔ تنگاتنگی با دین و ایمان دارد. در روایتی از امام علی<sup>۳</sup> رضامندی یکی از اركان چهارگانه ایمان شمرده شده است<sup>۴</sup> (ابن‌شعیه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۳)، و در روایتی دیگر از ایشان نقل شده است: «سه چیز در هر کس باشد، در حقیقت خیر دنیا و آخرت نصیبیش گشته است: خشنودی به قضا، شکیبایی بر گرفتاری و سپاسگزاری در آسایش»<sup>۵</sup> (لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۲)؛ از سوی دیگر طبق برخی روایات، کسی که راضی نباشد، کفر در دین او نفوذ کرده است<sup>۶</sup> (لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۳)، و باید در آخرت منتظر شدیدترین عذاب‌ها باشد<sup>۷</sup> (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۷).

1. Morganti, J. B., Nehrke, M. F. & Hulicka, I. M.

2. Zhang, X., Zhou, X., Lin, M. & Sun, J.

۳. «الإِيمَانُ عَلَى أَربَعةِ أَركَانٍ التَّوْكِيدُ عَلَى اللَّهِ وَالتَّشْوِيقُ إِلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالرُّضَا بِقَضَائِ اللَّهِ وَأَرْكَانُ الْكُفْرِ أَرْبَعةُ الرَّعْبَةُ وَالرَّهْبَةُ وَالْغَضَبُ وَالشَّهْوَةُ»

۴. «ثَلَاثُ مَنْ كَنَّ فِيهِ فَقَدَ رُزْقَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ هُنَّ الرُّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالشُّكْرُ فِي الرَّحْمَةِ»

۵. «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِالْقَضَاءِ دَخَلَ الْكُفْرَ دِينَهُ»

۶. «أَشَدُ النَّاسِ عذابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَسَخَّطُ لِقَضَاءِ اللَّهِ»

یکی از متغیرهایی که می‌تواند با رضایت از زندگی ارتباط داشته باشد، تابآوری<sup>۱</sup> است. تابآوری یکی از سازه‌های مهم و مطرح در روان‌شناسی مثبت است که به رشد فرد و تجربه وی از شرایط نامطلوب اشاره دارد (مارگالیت و کلیمن،<sup>۲</sup> ۲۰۰۶، به نقل از: فلاحتی سیچانی، ۱۳۹۱). مستن و گارمزی،<sup>۳</sup> (۱۹۹۰، به نقل از: کانر و دیویدسون،<sup>۴</sup> ۲۰۰۳). تابآوری را یک فرآیند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده تعریف کرده‌اند. البته تابآوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نیست؛ بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود است. تابآوری توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی در شرایط خطرناک است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). این مقوله جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی یافته است؛ از این‌رو آن را به عنوان عامل حافظ سلامت روانی فرایندهای ارتقا و بهبود در نظر گرفته‌اند. افراد تابآور موقعیت‌های تنش‌زا را بررسی و با اتخاذ راه حل‌های منطقی، بر آن موقعیت‌ها چیره می‌شوند و در چنین شرایطی احساس خشنودی، خودباوری و اعتمادبه نفس می‌کنند (بکر، کاسول و اکلز،<sup>۵</sup> ۲۰۱۹). تابآوری یکی از عوامل حفاظت‌کننده است که در موفقیت افراد و جان سالم به در بردن از شرایط ناگوار نقش مهمی دارد، به طوری که بهره‌مندی از این خصوصیت باعث می‌شود افراد رفتار سازگارانه داشته باشند، رویارویی با مشکلات را برای آنها ساده‌تر می‌کند و در مواجهه با موانعی که در راه رسیدن به اهداف است، امکان برخورد مؤثر را افزایش می‌دهد (کافمن، هالahan و پولن،<sup>۶</sup> ۲۰۱۸).

در متون اسلامی با اصطلاحات متعددی همچون صبر و حلم به سازه تابآوری اشاره شده است؛ همچنان که در روایت شریفی حضرت رسول اکرم<sup>ؐ</sup> می‌فرمایند: «شَخْصٌ مُؤْمِنٌ بِالْحَلْمِ وَ نَرْمَشُ بِالْمَقَامِ عِبَادَةً كَنْدَةً شَبَّانَدَهَ دَارَ مَرِسَدَ»<sup>۷</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸)، و یا «از محبوب‌ترین راه‌ها به سوی خدا نوشیدن دو جرعه است؛ جرعه خشم را به وسیله حلم فرو بردن و جرعه مصیبت را با صبر تحمل کردن»<sup>۸</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۰)، و امام علی<sup>ؑ</sup> می‌فرمایند: «قوی‌ترین مردم کسی است که با نیروی حلمش بر غضبیش چیره شود»<sup>۹</sup> (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۴).

### 1. Resilience

2. Margalit, M. & Kleitman, T.
3. Masten, A. S., Best, K. M. & Garmezy, N.
4. Connor, K. M. & Davidson, J. R.
5. Baker, D. A., Caswell, H. L. & Eccles, F. J.
6. Kauffman, J. M., Hallahan, D. P., Pullen, P. C. & Badar, J.

۷. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيُذْرِكَ بِالْحَلْمِ وَ الَّذِينَ دَرَجَةُ الْعَالِيَدُ الْمُتَهَجَّدُ».

۸. «مَنْ أَخْبَرَ السَّبِيلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حُرْعَانَ حَرْعَةً غَيْظَ تَرَدُّهَا بِحَلْمٍ وَ حَرْعَةً مُصِيبَةً تَرَدُّهَا بِصَبَرٍ».

۹. «فَوَى النَّاسُ مَنْ قُوَى عَلَى عَصَمَيْهِ بِحَلْمِهِ».

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با رضایت از زندگی، خودمهارگری<sup>۱</sup> است. به عقیده بامیستر<sup>۲</sup> خودمهارگری شامل کنترل اندیشه‌ها، احساسات، خواسته‌ها و رفتارها می‌شود، به‌گونه‌ای که آنها را با مطلوب‌های شخصی یا اجتماعی مانند قوانین، قوانین اخلاقی، آرمان‌ها و هنجارهای اجتماعی مطابقت دهد. رفیعی‌هنر (۱۳۹۳) با جمع‌بندی و تحلیل مفاهیم مرتبط با خودمهارگری، هسته خودمهارگری را «توانایی بازداری پاسخ» می‌داند. با توجه به این تعاریف می‌توان «خودمهارگری» را «توانایی اجتناب از رفتار نامطلوب» دانست. خودمهارگری را توانایی پایداری در برابر وسوسه (ماگن و گراس،<sup>۳</sup> ۲۰۱۰) و انتخاب پاداش بزرگ‌تر با تأخیر، به جای پاداش کوچک‌تر آنی (بارکلی،<sup>۴</sup> ۲۰۰۴) تعریف کرد (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳). خودمهارگری یک ستون حمایت روانی در گرایشات رفتاری انسان است که مانع خطرپذیری و رفتار هیجان‌طلبانه و در نهایت منجر به کاهش رفتارهای انحرافی توسط افراد می‌گردد (علیوردی‌نیا، معمار و نصرت‌زهی، ۱۳۹۴). در چارچوب عقاید دینی خودمهارگری را می‌توان اساس فضیلت‌های اخلاقی تلقی کرد، از این جهت که مردم برای رفتار فضیلت‌مندانه و پرهیزکارانه، به خودمهارگری نیازمندند؛ لذا فضیلت‌هایی چون دوراندیشی، صبر و تقوا از خودمهارگری سرچشم می‌گیرند (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خودمهارگری بهمنزله یکی از انواع مهارت‌های اجتماعی می‌تواند میزان موفقیت در زندگی را تعیین کند و با سلامت روانی، ابراز متناسب نیازها و احساسات، روابط بین‌فردی مثبت، سازگاری روان‌شناختی، پیشرفت در تکالیف، عملکرد تحصیلی و بهزیستی رابطه مثبت و معنادار دارد (محمدی، مصیری و همکاران، ۱۳۹۱). افرادی که از خودمهارگری بالا یا توانایی برای به تعویق انداختن ارضای فوری نیازها برخوردارند، در کنترل افکار، تنظیم هیجانات و بازداری تکانه‌ها از افراد با خودمهارگری کمتر، عملکرد بهتری دارند.

در پی بررسی آیات و روایات اسلامی مربوط به مهار خویشتن و تنظیم رفتار، با مفاهیمی مواجه می‌شویم که می‌توان موضوع خودمهارگری را از آنها استنباط کرد؛ یعنی اسباب روان‌شناختی را می‌توان استنباط کرد که فرد به‌وسیله آنها، خود را از گناه حفظ کرده یا او را به‌سوی طاعتی سوق می‌دهد. از روایات اسلامی برمی‌آید که افراد، انگیزه‌هایی متنوع در خودمهارگری دارند و هر کس با توجه به انگیزشی که هم‌اکنون در روانش فعال شده است، خویشتن را در مقابل کشش‌های نفسانی مهار می‌کند. در آموزه‌های دین اسلام نیز به صورتی خاص، بر مهار خویشتن در عرصه‌های فردی و اجتماعی تأکید شده و این موضوع در قالب مفاهیمی همچون تقوا، عقل، صبر و مفاهیمی دیگر مانند

1. Self control

2. Baumeister

3. Magen, E. & Gross, J. J.

4. Barkley, R. A.

محاسبه نفس، خوف، رجا، حیا، محبت، غیرت، عفت و حلم مطرح شده است (رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹)؛ برای نمونه روایت ذیل نشان می‌دهد افراد با انگیزه‌های مختلف، به فعالیتی خاص اقدام یا از فعالیتی خودداری می‌کنند، که از آن می‌توان به وجود انگیزه‌ها در خودمهارگری اسلامی پی برد. امام علی<sup>۱</sup> در این باره می‌فرماید:

هرکس که مشتاق بهشت باشد، از شهوات دوری می‌کند و هرکس از آتش جهنم بترسد، از امور حرام روی برミ‌گرداند و هرکس به دنیا بی‌رغبت باشد، تحمل مصیبت‌ها برایش آسان می‌شود و هر آن کس که به انتظار مرگ باشد، در رسیدن به خیرات تلاش می‌ورزد<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۰).

هرچند در پژوهش‌های متعددی مستقلًاً رابطه تابآوری و خودمهارگری با متغیر رضایت از زندگی، در گروه‌های متفاوتی بررسی شده است؛ اما رابطه هم‌زمان دو متغیر خودمهارگری و تابآوری در پیش‌بینی رضایت از زندگی مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین این پژوهش قصد دارد با بررسی رابطه دو متغیر خودمهارگری و تابآوری در یک مدل رگرسیون با متغیر رضایت از زندگی مشخص کند که تابآوری و خودمهارگری در یک مدل چند درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

## روش پژوهش

از آنجاکه این تحقیق قصد دارد رابطه بین خودمهارگری و تابآوری را با رضایت از زندگی مورد بررسی قرار دهد، روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه تهران که تعدادشان ۵۲۱۲۴ نفر بوده است و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان شامل ۳۸۱ نفر از دانشجویان که ۱۰۹ مرد و ۲۷۲ زن بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. تحلیل داده‌ها از طریق ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون خطی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش شامل ابزارهای ذیل می‌باشد:

**مقیاس رضایت از زندگی:**<sup>۲</sup> این مقیاس توسط دینر و دیگران (۱۹۸۵) ساخته شد. مقیاس رضایت از زندگی جنبه شناختی شادکامی را می‌سنجد. در حقیقت این مقیاس نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها تا چه حد از زندگی خود راضی‌اند و تا چه اندازه زندگی خود را به زندگی آرمانی که برای خویش در نظر گرفته‌اند

۱. «فَمَنْ اشْتَاقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلاً عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُرْكُمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصَبَّبَاتُ وَ مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ».

2. Satisfaction With Life Scale (SWLS)

نژدیک می‌دانند. این مقیاس دارای پنج گویه است و افراد بر روی یک مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای میزان رضایت خود را از زندگی درجه‌بندی می‌کنند. نمرات گویه‌ها سپس با هم جمع می‌شوند و سطح کل رضایت از زندگی فرد تعیین می‌شود. بنابراین نمرات این مقیاس بین ۳۵-۵ متغیر است. دینر و دیگران (۱۹۸۵)، ضریب بازآزمایی مقیاس را در یک فاصلهٔ دو ماهه ۸۲/۰ و ضریب همسانی درونی مقیاس را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر ۸۷/۰ به دست آوردند. این محققان همچنین در یک تحلیل عاملی پی بردن که کلیه گویه‌های مقیاس بر روی یک عامل قرار دارند که این تک عامل ۶۶/۰ واریانس مربوطه را تبیین می‌کند. در پژوهش بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۸۳/۰، ضریب پایایی با استفاده از روش دو نیمه کردن برابر ۷۵/۰ و با روش بازآزمایی یک ماهه برابر ۶۹/۰ بدست آمد. روایی سازهٔ مقیاس رضایت از زندگی از طریق روایی هم‌گرا با استفاده از پرسش‌نامه شادکامی اکسفورد و پرسش‌نامه افسردگی بک برآورد شد. این مقیاس همبستگی مثبت با پرسش‌نامه شادکامی اکسفورد و همبستگی منفی با پرسش‌نامه افسردگی بک نشان داد.

**مقیاس تاب‌آوری (کونور و دیویدسون):**<sup>۱</sup> کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) این پرسش‌نامه را تدوین کردند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنگی این مقیاس در شش گروه، جمعیت عمومی، مراجعت‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران استرس پس از سانحه انجام شده است. سازندگان معتقدند که این پرسش‌نامه به خوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیرتاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیربالینی بوده و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد. این پرسش‌نامه ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا چهار (همیشه درست) نمره‌گذاری و نمرهٔ کل آزمون بین ۰-۱۰۰ می‌گردد. نمرات بالاتر بیانگر تاب‌آوری بیشتر آزمودنی است. نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن است که این آزمون دارای پنج عامل: (الف) تصور از شایستگی فردی (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴؛ ب) اعتماد به غراییز فردی و تحمل عاطفة منفی (۷، ۸، ۱۴، ۱۹، ۲۰؛ ج) پذیرش مثبت تعییر و روابط ایمن (۱، ۲، ۴، ۵، ۸؛ د) کنترل (۱۳، ۲۱، ۲۲؛ ه) تأثیرات معنوی (۳، ۹) است. کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۸۹/۰ و ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در فاصلهٔ چهار هفته‌ای را ۸۷/۰ گزارش کردند. این مقیاس در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. او ضریب آلفای کرونباخ را ۸۹/۰ گزارش کرده است. نمره‌های این مقیاس با نمره‌های مقیاس سرسختی کوباسا همبستگی مثبت و معنادار و با نمره‌های مقیاس استرس ادراک شده

1. The Connor - Davidson Resilience Scale (CD-RISC).

کو亨 و مقیاس آسیب‌پذیری نسبت به استرس شیهان، همبستگی منفی و معناداری داشتند، که این نتایج حاکی از اعتبار هم‌زمان این مقیاس است. روایی این مقیاس به روش‌های تحلیل عوامل و همسانی درونی، در گروه‌های مختلف عادی و آسیب‌پذیر احراز گردید (محمدی، ۱۳۸۴).

**فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری - BSCS (تاججنی، ۲۰۰۴)**: مقیاس خودمهارگری در سال ۲۰۰۴ توسط تاججنی و همکاران تهیه شده است. فرم کوتاه آن شامل ۱۳ ماده است که در طیف لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (یک به معنای کاملاً مخالفم، دو به معنای مخالفم، سه به معنای نظری ندارم، چهار به معنای موافقم و پنج به معنای کاملاً موافقم) می‌باشد. در این پرسشنامه سوالات شماره‌های (۱۳، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲) به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان پرسشنامه را بر روی دو گروه از دانشجویان دورهٔ کارشناسی اجرا کردند و اعتبار آن را با روش ضربی‌الافای کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۰ گزارش کردند (تاججنی، بامیستر و بون، ۲۰۰۴). بررسی‌های مالونی و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند از زمان ساخت مقیاس خودمهارگری توسط تاججنی و همکاران در سال ۲۰۰۴، اکثر تحقیقات حوزهٔ خودکنترلی با استفاده از فرم کوتاه مقیاس تاججنی انجام شده است. اعتبار نسخهٔ فارسی این مقیاس از روش آلفای کرونباخ ۰/۰۸ گزارش شده است (سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۱).

### یافته‌های پژوهش

در جدول (۱) ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

تاب‌آوری	خودمهارگری	رضایت از زندگی	
		۱	رضایت از زندگی
	۱	۰/۲۲۴***	خودمهارگری
۱	۰/۱۷۰***	۰/۰۱۷***	تاب‌آوری

$$P \leq 0/01 ***$$

یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد بین دو متغیر رضایت از زندگی و خودمهارگری همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد ( $r = 0/214$ )؛ بنابراین رابطهٔ بین دو متغیر مستقیم است و با افزایش مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز کاهش می‌یابد. مقدار متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد و با کاهش مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز کاهش می‌یابد. بین دو متغیر رضایت از زندگی و تاب‌آوری نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد ( $r = 0/427$ )، که نشان‌دهندهٔ رابطهٔ مستقیم این دو متغیر است.

به منظور بررسی پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس متغیرهای خودمهارگری و تاب‌آوری از رگرسیون خطی استفاده شده است. قبل از انجام تحلیل رگرسیون پیش‌فرضهای این روش آماری بررسی شدند. بر اساس نتایج جدول (۱) وجود رابطه خطی بین متغیرهای تحقیق تأیید شد. آزمون کلموگروف – اسمیرنوف ( $P = 0.05 > 0.01$ ) نشان داد توزیع باقیمانده‌های رگرسیون نرمال است. عدم وجود همخطی چندگانه با استفاده از شاخص تورم واریانس<sup>۱</sup> و تولرانس<sup>۲</sup> بررسی شد.  $VIF = 1.05 < 5$  نشان‌دهنده عدم وجود همخطی چندگانه است.

در جدول (۲) نتایج رگرسیون خطی ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب‌آوری

Mdl	B	خطای استاندارد	بتا	سطح معنی‌داری	F (P)	R <sup>2</sup> تعديل شده
مقدار ثابت	-0.751	1.793	-0.419	.676	115/160 (.0001)	.311
خودمهارگری	-0.119	-0.38	0.128	.002		
تاب‌آوری	-0.214	-0.15	0.512	.000		

دو متغیر خودمهارگری و تاب‌آوری به صورت همزمان قادر به پیش‌بینی رضایت از زندگی هستند ( $P = 0.0001$ ,  $F = 115/160$ ). رابطه هر دو متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک، مثبت و معنی‌دار است. بر اساس ضرایب استاندارد بتا می‌توان گفت در پیش‌بینی رضایت از زندگی، تاب‌آوری نقش بیشتری نسبت به خودمهارگری داشته است. دو متغیر تاب‌آوری و خودمهارگری ۳۱ درصد از واریانس متغیر رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب‌آوری بود. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که دو متغیر تاب‌آوری و خودمهارگری ۳۱ درصد از واریانس متغیر رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها با پژوهش‌های انجام‌شده توسط خلعتبری (۱۳۸۹)، ارزانی (۱۳۹۴)، کرمی (۱۳۹۵)، بخشایش (۱۳۹۵) همسو و همخوان بود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که در سال‌های اخیر روان‌شناسی مثبت‌گرا با شعار توجه به استعدادها و توانمندی‌های انسان مورد توجه حوزه‌های مختلف روان‌شناسی قرار گرفته است. این رویکرد هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که

1. VIF

2. Tolerance

بهزیستی و شادکامی انسان را فراهم می‌کند؛ از این‌رو عواملی که موجبات تطابق هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی را سبب گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد می‌باشند. در این میان تابآوری جایگاه ویژه‌ای مخصوصاً در حوزه‌های روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی خانواده و بهداشت و سلامت روانی به خود اختصاص داده است (کمپل و همکاران، ۲۰۰۶).<sup>۱</sup> تابآوری فرایند توایی‌یا پیامد سازگاری موققت‌آمیز، علی‌رغم شرایط چالش‌برانگیز و تهدید‌کننده تعريف شده است. تابآوری با در نظر داشتن توأم شرایط استرس‌زا و توایی‌یا ذاتی افراد برای پاسخگویی، دوام آوردن و رشد نرمال در حضور شرایط استرس‌زا مطرح می‌شود. مفهوم تابآوری یک راه حل امیدبخش و خوشایند است (کاظمی، ۱۳۸۸، به نقل از: خلعتبری و بهاری، ۱۳۸۹). هیچ انسانی در گذر زندگی از آسیب‌پذیری روانی مصون نیست ندارد. عوامل استرس‌زا شدید که معمولاً پیش‌بینی‌اند تهدید‌کننده سلامت روانی می‌باشند و انسان‌ها در شرایط استرس‌زا یکسان واکنش نشان نمی‌دهند. تحقیقات نشان داده است که یکی از دلایل این واکنش‌های متفاوت مفهوم تابآوری است. مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد رضایت از زندگی یک راه مهم برای اهداف معتبر است. وقتی مردم شاد هستند به نظر می‌رسد که تفکرانشان بیشتر فراغ اندیشه و خلاق است. در مقابل، افرادی که شاد نیستند مضطرب می‌باشند. به نظر می‌رسد دید توانی و تفکر خشک را به نمایش بگذارند. از طرفی مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تعییرپذیری بیشتری دارند. زنان ۵۰ درصد بیشتر از مردان از اضطراب و روان رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی از زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند. شاید این مهم‌ترین دلیل کم بودن رضایت از زندگی زنان نسبت به مردان باشد (آیزنک، ۱۳۷۸).

یکی دیگر از نتایج تحقیق نشان داد خودمهارگری نیز رابطه مثبت و معناداری با رضایت از زندگی دارد. این نتیجه با پژوهش شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت خودمهارگری به عنوان مکانیزم مقاومت در برابر لذات آنی، با کاهش وسوسه‌های ناسالم و تمرکز بر آرمان‌ها و سرمایه‌گذاری بر رفتارهای خلاقانه برای رسیدن به اهداف بلندمدت، باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود (چیونگ و دیگران، ۲۰۱۵)؛<sup>۲</sup> همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وجود از پیش‌بینی کننده‌های مثبت رضایت از زندگی است. افراد با وجود بالا، خودمهارگری بالایی دارند و در دستیابی به اهدافشان برنامه‌ریزی و متعهدانه عمل می‌کنند که این بهنوبه خود موجب افزایش رضایت از زندگی می‌شود (هیز و جوزف، ۲۰۰۳).<sup>۳</sup> این یافته برخلاف این باور کلیشه‌ای است که خودمهارگری و

1. Campbell-Sills, L., Cohan, S. L. & Stein, M. B.

2. Cheung, T. T., Gillebaart, M., Kroese, F. & De Ridder, D.

3. Hayes, N. & Joseph, S.

خویشتنداری امکان بهره بردن از لذت‌های زندگی را کاهش می‌دهد و رضایت از زندگی را خدشه‌دار می‌کند. از جمله محدودیت‌های پژوهش عدم کنترل ویژگی‌های شخصیتی بود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده این ویژگی‌ها به عنوان متغیرهای متعامل در نظر گرفته شود.

## منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ارزانی، غلامحسین و باصری، احمد (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت از زندگی با تأکید بر هویت دینی، با قدرت تاب‌آوری و امید به زندگی در کارکان یک واحد نظامی و انتظامی. *فصلنامه روان‌شناسی نظامی*، (۲۴)، ۲۳-۳۳.
- آیینک، مایکل دبلیو (۱۳۷۸). همیشه شاد باشی. ترجمه زهراء چلونگر. تهران: نسل نوآندیش.
- بخشایش، علیرضا (۱۳۹۵). رابطه تاب‌آوری و کیفیت دوستی با رضایت از زندگی در داش آموزان. *فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، (۷)، ۱۴۵-۱۵۸.
- یانی، علی‌اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد و گودرزی، حسنه (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS). *روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)*، (۱۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵). *الگوی اسلامی شادکامی*. قم: دارالحدیث.
- تبیزیان، فائزه؛ صالحی، میین و رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۹). تدوین بسته آموزشی امید مبتنی بر شکرگزاری و امکان سنجی آن در افزایش رضایت از زندگی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، (۱۴)، ۷۵-۹۳.
- تمیمی‌امدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غیرالحكم و دررالکلام*. قم: دارالكتب الاسلامی.
- خلعتبری، جود و بهاری، صونا (۱۳۸۹). ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، (۲)، ۸۳-۹۴.
- رحمتی، امین؛ هوشیاری، جعفر و صفواری‌پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸). میانجیگری عزت نفس در رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، (۱۴)، ۱۱۹-۱۳۸.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری. *روان‌شناسی و دین*، (۱)، ۳۱-۴۲.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول‌زاده طباطبایی، سید‌کاظم (۱۳۹۳). تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی. *روان‌شناسی و دین*، (۳)، ۵-۲۶.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما و جواهیری، عابدین (۱۳۹۱). خودمهارگری: ظرفیتی واحد یا دوجهی؟ تمایز بین وجوده بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، (۶)، ۵۶-۷۵.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه و عباسی، نرجس (۱۳۹۸). خودمهارگری و رضایت از زندگی در بزرگسالی در حال ظهور: نقش واسطه‌ای هیجان‌های هشیار شرم و گناه. *روان‌شناسان ایرانی*، (۶)، ۳۹-۵۱.
- شیخی، منصوره؛ هومن، خیدرعلی؛ احمدی، حسن و سپاه‌منصور، مژگان (۱۳۹۰). مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی (اندیشه و رفتار)*، (۵)، ۱۵-۲۶.
- عقلی، مجتبی؛ نانو، طیبه؛ بابایی، انسیه و پورشقیعی، مژگان (۱۴۰۱). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس سبک زندگی اسلامی، شکیبایی و تحمل ناکامی در بین زنان. *دین و سلامت*، (۱۹)، ۲-۱۵.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ معمار، رحمت‌الله و نصرت‌زهی، سیمین (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه دین‌داری، خودکنترلی و رفتار انحرافی. *فصلنامه راهبر/اجتماعی فرهنگی*، (۱۶)، ۷-۴۳.
- کرمی، جهانگیر؛ سنجابی، امیر و کریمی، بروانه (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس تاب‌آوری و شادکامی در سالمندان. *مجله روان‌شناسی پیری*، (۴)، ۲۲۹-۲۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الكافی*. تهران: دارالكتب الاسلامیه.
- لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عيون الحكم و الم渥اعظ*. قم: دارالحدیث.
- محمدی مصیری، فرهاد؛ شفیعی‌فرد، یعقوب؛ داوری، مژده و بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱). نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان. *مجله روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی*، (۸)، ۳۹۷-۴۰۴.

محمدی، مسعود (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوءصرف مواد. پایان نامه دکتری روان‌شناسی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- Baker, D. A., Caswell, H. L. & Eccles, F. J. (2019). Self-compassion and depression, anxiety, and resilience in adults with epilepsy. *Epilepsy & Behavior*, 90, 154-161.
- Barkley, R. A. (2004). *Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder and Self-Regulation: Taking an Evolutionary Perspective on Executive Functioning*.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S. L. & Stein, M. B. (2006). Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. *Behaviour research and therapy*, 44(4), 585-599.
- Cheung, T. T., Gillebaart, M., Kroese, F. & De Ridder, D. (2014). Why are people with high self-control happier? The effect of trait self-control on happiness as mediated by regulatory focus. *Frontiers in psychology*, 5, 722.
- Connor, K. M. & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*, 18(2), 76-82.
- Diener, E. & Ryan, K. (2009). Subjective well-being: A general overview. *South African journal of psychology*, 39(4), 391-406.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R.J., Griffin, S. (1985) The satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*, 49, 71- 75.
- Hayes, N. & Joseph, S. (2003). Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. *Personality and Individual differences*, 34(4), 723-727.
- Kauffman, J. M., Hallahan, D. P., Pullen, P. C. & Badar, J. (2018). *Special education: What it is and why we need it*. Routledge.
- Magen, E. & Gross, J. J. (2010). Getting our act together: Toward a general model of self-control. *Self-control in society, mind and brain*, 335-53.
- Margalit, M. & Kleitman, T. (2006). Mothers' stress, resilience and early intervention. *European Journal of Special Needs Education*, 21(3), 269-283.
- Masten, A. S., Best, K. M. & Garmezy, N. (1990). Resilience and development: Contributions from the study of children who overcome adversity. *Development and psychopathology*, 2(4), 425-444.
- Morganti, J. B., Nehrke, M. F. & Hulicka, I. M. (1980). Resident and staff perceptions of latitude of choice in elderly institutionalized men. *Experimental Aging Research*, 6(4), 367-384.
- Pavot, W. & Diener, E. (1993). Review of the satisfaction with life scale. *Psychological Assessment*, 5, 164-172.
- Sternberg, R. J. (2001). What is the common thread of creativity? Its dialectical relation to intelligence and wisdom. *American Psychologist*, 56(4), 360.
- Zhang, X., Zhou, X., Lin, M. & Sun, J. (2018). Shufflenet: An extremely efficient convolutional neural network for mobile devices. In Proceedings of the IEEE conference on computer vision and pattern recognition (p. 6848-6856).

## پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی

### Predicting Family Efficiency Based on Couples' Differentiation, and Emotional Empathy with the Mediating Role of Marital Boundaries

فاطمه شیرچی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

جعفر هوشیاری / استادیار روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

**Fatemeh Shirchi** / PhD student in psychology, Bint Al-Huda Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran

**Jafar Hoshyari** / Assistant Professor of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran j.houshyari@yahoo.com

#### Abstract

This study aimed to predict family efficiency based on couples' differentiation and emotional empathy, with the mediating role of marital boundaries. The research employs a descriptive-correlational method, through convenience sampling from the population of all married men and women in Qom, Iran, comprising 165 people. The study utilizes Safouraei's Family Efficiency Questionnaire and Inventory(1388), Self-Differentiation Inventory by Skowron(1998), The Questionnaire Measure of Emotional EmpathyMehrabian & Epstein, 1972), and the Houshyari's Spouse Boundaries Questionnaire(2020). Data were analyzed using Pearson correlation, structural equation modeling. The results show there is a positive and significant relationship between couples'

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی با روش توصیفی از نوع همبستگی صورت گرفت. نمونه آماری با روش نمونه‌گیری در دسترس از میان جامعه آماری تمام مردان و زنان متاهل شهر قم، به حجم ۱۶۵ نفر به دست آمد. برای انجام پژوهش از پرسشنامه‌های سنجش کارآمدی خانواده صفورائی، مقیاس تمایزیافتگی اسکورون، همدلی عاطفی مهرابیان و اپستین و مرزهای زوجینی هوشیاری استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد بین تمایزیافتگی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین همدلی عاطفی زوجین و کارآمدی

differentiation and family efficiency. In addition, there is a positive and significant relationship between couples' emotional empathy and family efficiency. Marital boundaries partially mediated the relationship between self-differentiation and family efficiency and fully mediated the relationship between emotional empathy and family efficiency.

**Key words:** family efficiency, Differentiation of self, couples' emotional empathy, marital boundaries.

خانواده رابطهٔ مثبت معنی‌داری وجود دارد. مرزهای زوجینی در رابطهٔ بین تمایزیافتگی خود و کارآمدی خانواده به صورت جزئی نقش میانجی دارد؛ همچنین مرزهای زوجینی در رابطهٔ بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده به صورت کامل نقش میانجی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** کارآمدی خانواده، تمایزیافتگی، همدلی عاطفی زوجین، مرزهای ارتباطی زوجینی.

## مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، اولین بستر شکل‌گیری بنیادهای رفتاری، مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است که مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بسیاری قرار داشته است. خانواده دارای کارکرد سالم، سهم سازنده‌ای در سلامت جامعه (جعفری، شریفی و هوشیاری، ۱۳۹۸) و تضمین‌کنندهٔ کیفیت زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است (رسولی، ۱۳۹۵). کارکرد خانواده به زمینه‌هایی مانند توانایی خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انسباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اشاره (بخشی‌بور و دیگران، ۱۳۹۱) و کارآمدی خانواده<sup>۱</sup> نیز به میزان موفقیت در این زمینه‌ها بستگی دارد (آذربایجانی و شجاعی، ۱۴۰۱). به بیان دیگر، کارآمدی خانواده عبارت است از ایفای مناسب نقش‌ها و وظایف خانواده در برایر اعضا خود و به تعبیر واضح‌تر تحقیق تکالیف که توسط اعضا و زیرمنظمه‌های آن صورت می‌گیرد (هیلی، ۱۹۷۶<sup>۲</sup>). از نظر صفورائی (۱۳۸۸) کارآمدی خانواده عبارت است از وضعیتی که در آن خانواده با پاییندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینهٔ کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در بعد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند. جامعهٔ آرمانی اسلامی جامعه‌ای است که ازدواج هدفمند در آن رواج داشته باشد و گرایش به تشکیل خانواده به عنوان ارزش و موضوعی بالاهمیت مورد توجه قرار گیرد. روشن است که بنای خانواده در صورتی مایهٔ آرامش اعضا آن خواهد شد که حفاظت از کارآمدی آن

1. efficient family

2. Haley, J.

همچون اصل تشکیل آن مورد توجه سازندگان و صاحبان سیستم خانواده قرار گیرد، در غیر این صورت خانواده به کانونی تنش‌زا و آزاردهنده تبدیل خواهد شد و اعضای آن هر لحظه آرزوی خراب شدن و یا خراب کردن آن را دارند (صفورائی، ۱۳۹۲). این هدف زمانی محقق خواهد شد که تأثیر متغیرها و عوامل گسترده‌ای که در کارآمدی خانواده نقش دارند و از طریق آنها می‌توان کارایی سازنده خانواده را پیش‌بینی کرد، تبیین و مشخص شود. یکی از این متغیرها تمایزیافتگی<sup>۱</sup> زوجین است. تمایزیافتگی یک شاخص کلیدی عملکرد خانواده (کاظمیان و دلاور، ۱۳۹۱) و مهم‌ترین مفهوم نظریه سیستم‌های خانواده بوئن<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. بوئن (۱۹۷۸) تمایزیافتگی خود را به عنوان درجه‌ای که در آن فرد قادر است بین کارکرد عقلانی - هیجانی (درون روانی) و صمیمیت - خودمنخاری (برون روانی) در روابط تعادل برقرار کند، تعریف می‌کند. تمایزیافتگی پایین اعضا از خانواده اصلی‌شان باعث اضطراب و استرس در آنها می‌شود و کارکرد فردی و اجتماعی افراد را به خاطر اضطراب مختل می‌کند و منجر به احساس بی‌کفایتی و درنتیجه خودبازرگانی ضعیف و عزت نفس پایین می‌شود. عدم تمایزیافتگی در این افراد از طریق بالا بردن سطح اضطراب باعث کاهش کیفیت زندگی آنها (احدی و علیزاده اصل، ۱۳۹۰) و ناکارآمدی<sup>۳</sup> خانواده می‌شود. زوج‌های تمایزیافتگه قادر نیستند فردیت و استقلال خود را از خانواده پدری خود حفظ نمایند و احتمال بیشتری دارد تا ازدواج آنها به شکست بیانجامد (بوهلندر، ۱۹۹۵، به نقل از: طالبی و غباری بناب، ۱۳۹۱). در مقابل افراد تمایزیافتگه تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند. آنها می‌توانند مسئولیت بیشتری را در انتخاب جهت‌گیری‌های خود در زندگی پیذیرند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی، کنترل خود را از دست ندهند و منطقی و مسئولانه تصمیم‌گیری نمایند (گلدنبرگ و گلدنبرگ،<sup>۴</sup> ۲۰۰۹)، هیل<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) نشان داد که تمایزیافتگی به طور معنی‌داری با رضایت زناشویی ارتباط دارد و افراد متأهل با تمایزیافتگی بالا، رضایت زناشویی بالاتری را گزارش می‌نمودند. یافته‌های پژوهش هاووس و مالینکروود<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) نیز حاکی از آن است که با افزایش سطح تمایزیافتگی و استقلال از خانواده اصلی، رضایت زناشویی بالاتر می‌رود. اسکورون<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) در مورد ارتباط مثبت سطح تفکیک خود با کیفیت روابط نشان داد که تمایز بالا، کیفیت روابط زناشویی خوب را پیش‌بینی می‌کند؛ همچنین وی دریافت فقط

1. Differentiation of self

2. Bowen, M.

3. Dysfunction

4. Goldenberg, H. & Goldenberg, A.

5. Hill, A.

6. Haws, W. & Mallinckrodt, B.

7. Skowron, E.

بعد جدایی عاطفی و واکنش عاطفی پیش‌بینی کننده اختلاف زناشویی است. در پژوهش دیگر اسکورون و فریدلندر<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) گزارش شده کسانی که واکنش عاطفی و جدایی عاطفی پایینی نشان می‌دهند و تمایز خود بالایی دارند، به گونه‌ای چشمگیر در پیوند زناشویی رضایت بیشتری تجربه می‌کنند. پژوهش نصری (۱۳۹۹)، بخشی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸)، فعله‌کار و دیگران (۱۳۹۸)، افضلی و باباخانی (۱۳۹۸)، سلیمی علیجه، پذیرا، و نامور (۱۳۹۸) گویای آن است که بین تمایزیافتگی و کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

از دیگر متغیرهایی که می‌تواند کارآمدی خانواده را پیش‌بینی کند، همدلی عاطفی<sup>۲</sup> زوجین است. این عامل روان‌شنختی بالقوه (توگنتی<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۱۹) را اولین بار لیپز<sup>۴</sup> در اوایل قرن بیستم در پژوهش‌های روان‌شناسی به کار برده است (ایکر،<sup>۵</sup> ۲۰۱۳). همدلی<sup>۶</sup> سائق و توانایی فهم حالات، هیجان‌ها و افکار دیگران و پاسخ‌دهی به آنها با هیجان‌های مناسب و همخوان؛ یا به عبارتی توانایی سهیم شدن در احساسات دیگران و گرایش به تجربه نیابتی حالات هیجانی آنهاست (استوکس، لیشر و دکر،<sup>۷</sup> ۲۰۰۹). ههمدلی دارای دو بعد شناختی و عاطفی است؛ همدلی شناختی،<sup>۸</sup> به معنای درک و فهم احساس دیگری است و همدلی عاطفی به معنای ارتباط عاطفی با دیگران و سهیم شدن در حالات عاطفی آنهاست؛ از این‌رو به نظر می‌رسد همدلی عاطفی مستلزم وجود همدلی شناختی است؛ زیرا در غیاب همدلی شناختی، همدلی عاطفی نیز وجود نخواهد داشت (دیویس،<sup>۹</sup> ۱۹۸۳). همدلی عاطفی عنصری ضروری برای عملکردهای موقیت‌آمیز بین‌شخصی محسوب می‌شود (سوسا<sup>۱۰</sup> و دیگران، ۲۰۱۰). برانگیختگی عاطفی لازمه برانگیختگی فرد برای کمک به دیگران است و تجربه همدلی با حالات عاطفی دیگران با کارهای انسان‌دوسانه و کمک کردن به دیگران در ارتباط است (تامسون و بارنت،<sup>۱۱</sup> ۱۹۹۵). افراد در یک ارتباط همدلانه می‌توانند عواطف و احساس‌های خود را مدیریت و رفتار خود را با انتظارات افراد جامعه هماهنگ سازند (دواارت، پیتنو - گئورا و کروز،<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۶). این امر به‌ویژه

1. Friedlander, M.
2. affective empathy
3. Tognetti, A.
4. Lipps, T.
5. Ickes, W.
6. Empathy.
7. Stocks, E., Lishner, D. & Decker, S.
8. Cognitive empathy
9. Davis, M.
10. Sousa, A.
11. Thompson, M. & Barnatt, S.
12. Duarte, J., Pinto-Gouveia, J. & Cruz, B.

در زمینه روابط زن و مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارکیستر و استیونسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای مقیاس‌های نقش‌های خانوادگی و همراهی عاطفی به وفور و به طور مکرر با طلاق در ارتباط است. در ایران پژوهش زینعلی و بشری (۱۳۹۹) حاکی از آن است که بین روابط عاطفی نسبتاً مطلوب و مطلوب با کارآمدی رابطه معنادار وجود دارد؛ همچنین بین روابط عاطفی نامطلوب با کارآمدی رابطه وجود ندارد. نادری، مولوی و نوری (۱۳۹۴) نیز نشان دادند که همدلی و بخشودگی از مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت زناشویی هستند؛ همچنین کریمی وردنجانی (۱۳۹۵) بر نقش تعهد زناشویی و همدلی زناشویی در میانجیگری بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی تأکید کرد.

پیش‌بینی کارآمدی بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی در تحقیقاتی بررسی شده است، اما مکانیزم اثر دو متغیر پیش‌بین در متغیر ملاک مشخص نیست. به نظر می‌رسد تمایز و همدلی از طریق بهبود مرزهای زوجینی، باعث افزایش کارآمدی می‌شود. اصطلاح مرز<sup>۲</sup> در خانواده، نخستین بار در نظریه ساختاری از سوی مینوچین<sup>۳</sup> مورد توجه قرار گرفت (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). الیز<sup>۴</sup> و مینوچین (۱۹۹۰) معتقدند:

مرزهای زوجینی خانواده خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که زیرمنظومه زوجینی را از سایر زیرمنظومه‌ها و بیرون خانواده تمایز کرده و کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با یکدیگر و با بیرون از زیرمنظومه خود را معین می‌کند.

کارکرد مرز، تمایز کردن محدوده و وظایف زیرمنظومه عملکردی ویژه دارد و از اعضای خود انتظارات بهخصوص را طلب می‌کند. تکوین مهارت‌های بین‌فردی در منظومه‌ها به آزادی زیرمنظومه از مداخله سایر زیرمنظومه‌ها بستگی دارد؛ مثلاً قابلیت تطابق و سازگاری مکمل بین زن و شوهر با شرایط جدید، مستلزم آزادی از مداخله فamilی آنها، بچه‌ها و گاه کل «برون خانواده» است (مینوچین، ۱۹۷۴).

روان‌شناسان سیستمی مانند مینوچین (۱۹۷۶) و جی‌هی‌لی (۱۹۷۶) وجود مرزهای شفاف و تصریح شده خانوادگی را از ضروریات کارآمدی خانواده می‌دانند، و مینوچین یکی از علل اختلال کارکرد خانواده را مرزهای نامشخص یا انعطاف‌ناپذیر دانسته و خانواده با مرزهای به‌هم‌تنیده و گستته را ناکارآمد می‌داند (مینوچین، ۱۹۷۶).

1. Arkister, J. & Stevenson, H.

2. Boundary

3. Minuchin, C.

4. Elizur, J.

از سوی دیگر خانواده، زیرمنظومه‌ها و مرزهای آن از موضوعات مهمی است که در آموزه‌های اسلامی با اهمیت و فراوانی بالا به آن پرداخته شده است و ماهیت و محتوای مرزها به روشنی بیان شده است (بستان، ۱۳۹۲). مراد از مرزهای خانواده در رویکرد قرآنی عبارت است از آموزه‌های الزامی و غیرالزامی قرآنی که با هدف تعیین گستره و کیفیت تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر و با بیرون از خود بیان شده و دارای کارکرد مرزی است (هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۹). تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خردسیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است؛ چنانچه نتایج پژوهش پیازس، بلایز و بلو<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) شاهوران‌فرد (۱۳۹۴) و شاهسوار و کچویی (۱۳۹۸) نشان داد که بین مؤلفه‌های کارآمدی خانواده با مرزهای بیرونی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌های تقيان و قاسمی (۱۳۹۹) نیز بیانگر آن است که میان تعهد زناشویی با مرزهای زوجینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنان که تحقیقات بسیاری، مشکلات مرزی، دخالت خانواده همسر، اقوام و خوبیان را به عنوان مهم‌ترین علل طلاق و فروپاشی کانون خانواده دانسته‌اند. نتایج تحقیق عزیزی و دیگران (۱۳۹۵) نیز نشان داد، روابط زوجین با خانواده همسر را آسیب‌هایی نظری مرزبندی‌های نادرست، انتظارات و توقعات بیجا، آزار و اذیت‌های کلامی و رفتاری، عدم توزیع متوازن قدرت، وابستگی‌ها و... می‌تواند تهدید کند و موجبات درگیری‌ها و اختلافات بین زوجین را فراهم آورد که با نتایج تحقیقات شعبانی (۱۳۸۲)، ملتافت و احمدی (۱۳۸۱)، زرگر و نشاطدوست (۱۳۸۶) و بنی جمال و دیگران (۱۳۸۳) همسو است.

با اینکه تحقیقات بسیاری در زمینه کارآمدی خانواده صورت گرفته، با توجه به نقش بنیادین و بی‌بدیل خانواده در ساختار یک جامعه کارآمد و سازنده، شناسایی دیگر عوامل دخیل در کارآمدی خانواده ضروری به نظر می‌رسد؛ همچنین با توجه به اهمیت وجود تمایزیافتگی، همدلی عاطفی و مرزهای ارتباطی در زوجین و تأثیر آن بر کارآمدی خانواده و فقدان پژوهش در این زمینه، ضروری بود که کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی با میانجیگری مرزهای زوجینی مورد بررسی قرار گیرد؛ از این‌رو هدف پژوهش فوق بررسی پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی است.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش، کارآمدی خانواده به عنوان متغیر ملاک، تمایزیافتگی متغیر

1. Piazzesi, C., Blais, M & Belleau, H.

پیش‌بینی اول، همدلی عاطفی زوجین متغیر پیش‌بین دوم و مرزهای ارتباطی زوجین به عنوان متغیر میانجی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوجین متاهل شهر قم در سال ۱۴۰۰ بود که با استفاده از فرمول تاباچنیک و فیدل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، ۱۶۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

**مقیاس سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام (SFEQ):**<sup>۲</sup> پرسشنامه ۷۹ سؤالی سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام (SFEQ) توسط صفورائی (۱۳۸۸) و برگرفته از آیات و روایات اسلامی تهییه و اعتباریابی شد. پرسشنامه دارای سه شاخص بینشی، اخلاقی و حقوقی و در مجموع دارای ده مؤلفه است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ازدواج و رضایت جنسی، خوشبینی و رضامندی، نقش‌ها و مرزها، مدیریت مالی، فرزند و فرزندپروری، واقع‌بینی و اعتماد متقابل، تعهد و مسئولیت‌بذیری، کنترل رفتار، جهت‌گیری مذهبی، صمیمیت و همدلی. طبق گزارش صفورائی (۱۳۸۸)، ضریب همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹۱، شاخص بینشی ۰/۸۹۲ و شاخص حقوقی ۰/۷۶۷ است؛ همچنین اعتبار پرسشنامه از طریق دو نیمه کردن بر اساس ضریب اسپیرمن برآون ۰/۸۳۴ و بر اساس ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۳۳ به دست آمده است. هوشیاری، تقيیان و صفورائی (۱۳۹۵) با استفاده از نظریه سؤال – پاسخ، پرسشنامه فوق را مجدد هنجاریابی و در نهایت با ۶۰ سؤال ارائه کردند. برای بررسی روایی کل پرسشنامه کوتاه‌شده و مؤلفه‌های آن از همبستگی بین نمرات حاصل از کل مقیاس و مؤلفه‌ها در دو فرم اولیه و کوتاه استفاده شد. همبستگی بین دو فرم برای کل مقیاس ۰/۹۹، در مورد شاخص بینشی ۰/۹۹۶، در ارتباط با شاخص حقوقی ۰/۹۳۶ و در مورد شاخص اخلاقی ۰/۹۸۴ است. برای تعیین میزان همسانی دو فرم در طبقه‌بندی آزمودنی‌ها از میانه استفاده شد. میزان توافق در نمرة کل دو فرم ۹۹/۶ درصد، برای شاخص بینشی نیز درصد توافق دو فرم ۹۹ درصد برای شاخص حقوقی، میزان توافق مربوط به دو فرم ۸۹/۳ درصد و دو فرم در شاخص اخلاقی ۹۶/۴ درصد توافق داشته‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرم کوتاه به اندازه فرم اولیه روایی دارد (هوشیاری، ۱۳۹۵).

**مقیاس تمایزیافتگی اسکورون و فریدلندر (R-DSI):**<sup>۳</sup> این پرسشنامه توسط اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) تهییه و سپس توسط اسکورون و اسمیت<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه دارای ۴۶ گویه است و تمرکز اصلی آن بر روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است.

1. Tabachnick, B. & Fidell, L.

2. Safarayi Family Efficiency Questioner based on Islamic view

3. Differentiation of Self Inventory Revised

4. Schmitt, A.

این پرسشنامه یک نمره کل (تمایزیافتگی خود) و چهار خرده‌آزمون واکنش عاطفی،<sup>۱</sup> گریز عاطفی،<sup>۲</sup> آمیختگی با دیگران<sup>۳</sup> و موقعیت من<sup>۴</sup> را دربر می‌گیرد. اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) همبستگی درونی پرسش‌ها را با آلفای کرونباخ برای پرسشنامه و خرده‌آزمون‌های آن چنین به دست آوردنده: کل پرسشنامه ۰/۸۸، واکنش عاطفی ۰/۸۳، گریز عاطفی ۰/۰، آمیختگی با دیگران ۰/۸۲ و جایگاه من ۰/۰۰ در بررسی رشیدی (۱۳۹۵) آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۳ به دست آمد. در پژوهش بخشی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸) پایایی این ابزار و خرده‌آزمون‌های آن چنین به دست آمد: کل پرسشنامه ۰/۰، واکنش عاطفی ۰/۶۵ گسلش عاطفی ۰/۶۳، جایگاه من ۰/۴۲، آمیختگی با دیگران ۰/۰۳ را گزارش نمود. اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) در یک تحقیق بر روی ۳۱۳ دانشجوی آمریکایی، ضرایب روایی سازه پرسشنامه تمایزیافتگی خود با پرسشنامه اضطراب حالت - صفت را در کل مقیاس ۰/۶۴ (P<0.001) و برای خرده‌مقیاس‌های هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۱۶، گسلش هیجانی ۰/۵۵ و واکنش پذیری هیجانی ۰/۵۸ به دست آوردنده که همه به غیر از هم‌آمیختگی با دیگران، در سطح P<0.001 معنی‌دار بودند. اسکیان (۱۳۸۴) برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه تمایزیافتگی خود از ده نفر از صاحب‌نظران در این زمینه نظرخواهی کرد که همه آنها روایی محتوایی پرسشنامه تمایزیافتگی بهات (۲۰۰۱)، به نقل از: علیکی و نظری، (۱۳۸۷) ضریب پایایی آلفای کرونباخ کل پرسشنامه تمایزیافتگی خود را ۰/۸۱ و برای خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۸۱، گسلش هیجانی ۰/۶۹، گزارش داده‌اند.

**پرسشنامه همدلی عاطفی زوجین مهرابیان و اپستین:**<sup>۵</sup> این ابزار که مهرابیان و اپستین (۱۹۷۲) آن را طراحی نمودند، یک مقیاس ۳۳ گویه‌ای است که پاسخ‌های عاطفی فرد به واکنش عاطفی دیگران را می‌سنجد. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در نمونه‌ای متشكل از ۹۲۴ نفر بررسی شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد که نشانه همسانی درونی خوب آن است. به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۶</sup> با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای کل شرکت‌کنندگان استفاده شد. در تحلیل چرخش‌نایافته، بار عاملی اکثر گویه‌های مقیاس روی یک عامل کلی (همدلی عاطفی) قرار گرفت که ۶۷٪ واریانس کل را تبیین می‌کند. روایی همگرا و<sup>۷</sup> تشخیص

- 
1. Emotional reactivity
  2. Emotional cut off
  3. Fusion with others
  4. I-Position

5 The Empathy Scale Mehrabian, Albert & Epstein, Norman

6 exploratory factor analysis

7. convergent

افترacci<sup>۱</sup> آن از طریق اجرای همزمان سیاهه سلامت روانی<sup>۲</sup> و فهرست عواطف مثبت و منفی<sup>۳</sup> محاسبه شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره آزمودنی‌ها در مقیاس همدلی عاطفی با بهزیستی روان‌شناختی، عواطف مثبت، همبستگی مثبت و با درماندگی روان‌شناختی و عواطف منفی، همبستگی منفی دارد. این نتایج روایی هم‌گرا و تشخیص افتراقی مقیاس همدلی عاطفی را تأیید می‌کند (بشارت و دیگران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه مرزهای ارتباطی زوجینی هوشیاری (H.SBQ):<sup>۴</sup> پرسشنامه ۶۶ سؤالی مرزهای زوجینی خانواده در سال ۱۳۹۹ توسط هوشیاری بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است و شش زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی - فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی - زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه‌گیری می‌کند. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. به منظور بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گوییها بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدکننده روایی سازه و مرزهای زوجینی است و کلیه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی مرزهای درونی زوجینی است. به عنوان شاهدی بر روایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخ‌گویان با هم مقایسه شد. نتایج نشان داد به صورت معناداری میانگین نمره مرز در گروه پاسخ‌گویان دارای اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی است و پرسشنامه به خوبی توانسته بین دو گروه خانواده‌های عادی و دارای اختلال خانوادگی تفکیک قائل شود.

### یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۶۵ نفر (۹۴ زن و ۷۱ مرد) آزمودنی بود که بیشترین فراوانی ۸۸ نفر (۴/۴۳) درصد) مربوط به گروه سنی ۳۱-۴۰ سال است. ۳۷/۹ درصد پاسخ‌گویان در بازه سنی ۴۰-۳۶ سال و ۲۵/۵ درصد پاسخ‌گویان در بازه سنی ۳۵-۳۱ سال بوده‌اند. افرادی که در بازه سنی ۳۰-۲۶ سال و ۴۱-۴۵ سال بوده‌اند به ترتیب ۱۳/۹ و ۱۲/۷۷ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. هریک از دو گروه سنی ۲۰-۲۵ و ۷/۶ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. از نظر نوع تحصیلات ۴۴ نفر (۷/۲۶) سال و ۴۶-۵۰ سال، ۷/۶ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. از نظر نوع تحصیلات

- 
1. discriminat
  2. mental healthy inventory
  3. positive & negative schedule
  4. Houshyari Spousal Boundaries Questioner

درصد) تحصیلات حوزوی، ۵۴ نفر (۳۲/۷ درصد) تحصیلات دانشگاهی، ۲۳ نفر (۱۳/۹ درصد) تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و ۴۴ نفر (۲۶/۷ درصد) هیچ کدام بود. میانگین سن ازدواج پاسخ‌گویان، ۲۱ سال و میانگین مدت زمان تأهل پاسخ‌گویان ۱۵ سال با انحراف معیار ۷/۹۷ بود. نتایج مربوط به میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی بین متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کارآمدی خانواده	۱۴۰/۴	۲۰/۰۴	-۰/۱۹	-۰/۱۶
تمایزیافتنگی	۱۶۷/۸	۲۶/۸۴	۰/۴۳	۰/۵۷
همدلی عاطفی زوجین	۲۰۸/۵	۲۴/۹۹	-۰/۱۵	-۰/۲۲
مرزهای زوجینی	۲۱۴/۷	۲۳/۶۰	-۰/۶۸	۰/۴۴

میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق و زیرمقیاس‌های آن در جدول فوق ارائه شده است. از آنجاکه میزان کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق بین ۲-تا +۲ است، می‌توان گفت توزیع متغیرهای تحقیق متقارن بوده و به توزیع نرمال نزدیک است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی متغیرهای کارآمدی خانواده و تمایزیافتنگی زوجین

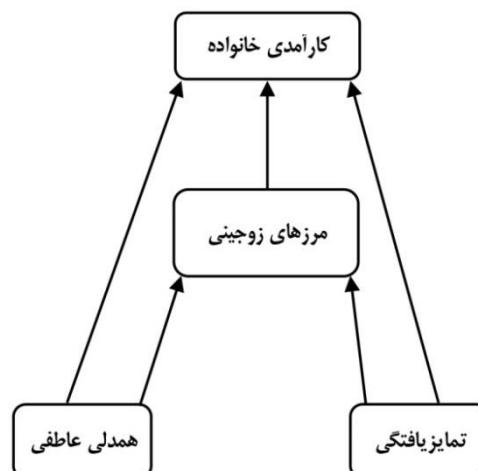
تمایزیافتنگی زوجین	همآمیختگی با دیگران	گسلش هیجانی	موقعیت من	اخلاقی	حقوقی	بینشی	کارآمدی خانواده	واکنش‌پذیری هیجانی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۰/۳۳۵***	۰/۰۷۶***	۰/۹۱۱***	۰/۸۴۸***	۰/۸۱۶***	۰/۷۸۰***	۱	۰/۹۲۶***	۰/۹۶۴***	۱							
۰/۲۶۸***	۰/۱۵۷*	۰/۲۱۶***	۰/۲۳۵***	۰/۴۶۲***	۰/۳۲۲***	۱	۰/۹۱۱***	۰/۹۶۴***	۱							
۰/۳۷۶***	۰/۳۳۱***	۰/۳۴۶***	۰/۳۷۶***	۰/۵۴۸***	۰/۳۰۱***	۱	۰/۳۳۱***	۰/۵۴۸***	۰/۴۶۲***	۱						
۰/۰۷۶	۰/۰۰۱	۰/۰۳۰	۰/۰۴۲	۰/۷۲۳***	۰/۳۶۸***	۱	۰/۰۰۱	۰/۳۶۸***	۰/۷۲۳***	۰/۴۶۲***	۱					
۰/۳۳۵***	۰/۲۳۵***	۰/۲۶۷***	۰/۲۹۰***	۰/۳۲۲***	۰/۴۶۲***	۱	۰/۹۱۱***	۰/۹۶۴***	۰/۴۶۲***	۱						
۰/۲۶۸***	۰/۱۵۷*	۰/۲۱۶***	۰/۲۳۵***	۰/۳۲۲***	۰/۴۶۲***	۱	۰/۹۶۴***	۰/۹۱۱***	۰/۴۶۲***	۱						
۰/۳۳۵***	۰/۰۷۶***	۰/۳۷۶***	۰/۳۴۶***	۰/۳۷۶***	۰/۵۴۸***	۱	۰/۹۱۱***	۰/۹۶۴***	۰/۴۶۲***	۱						
۰/۰۷۶	۰/۰۰۱	۰/۰۳۰	۰/۰۴۲	۰/۷۲۳***	۰/۳۶۸***	۱	۰/۹۱۱***	۰/۹۶۴***	۰/۴۶۲***	۱						
۰/۳۳۵***	۰/۲۳۵***	۰/۲۶۷***	۰/۲۹۰***	۰/۳۰۷***	۰/۸۹۶***	۰/۷۲۳***	۰/۳۶۸***	۰/۵۴۸***	۰/۳۰۱***	۰/۴۶۲***	۱					
۰/۳۳۵***	۰/۲۳۵***	۰/۲۶۷***	۰/۲۹۰***	۰/۳۰۷***	۰/۸۹۶***	۰/۷۲۳***	۰/۳۶۸***	۰/۵۴۸***	۰/۳۰۱***	۰/۴۶۲***	۱					

تمایزیافتنگی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. رابطه بین کارآمدی خانواده با همه زیرمقیاس‌های تمایزیافتنگی زوجین به جز زیرمقیاس «همآمیختگی با دیگران» مثبت و معنی‌دار است. بین زیرمقیاس مذکور و کارآمدی خانواده رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بین تمایزیافتنگی زوجین و هر سه زیرمقیاس کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی متغیرهای کارآمدی خانواده و همدلی عاطفی زوجین

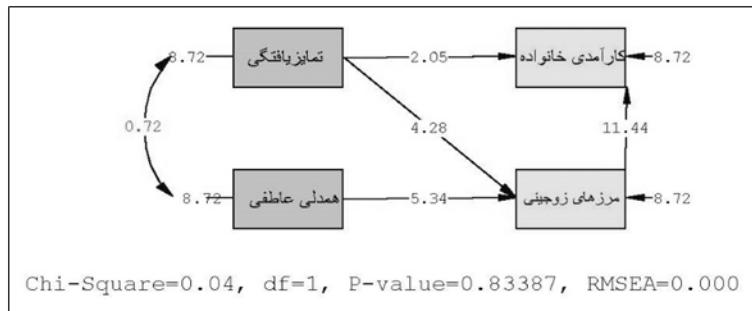
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										۱	بینشی
										۱	حقوقی
								۱		.۰/۸۱۳***	اخلاقی
							۱			.۰/۹۰۵***	کارآمدی خانواده
						۱				.۰/۰۱۲	همدلی واکنشی
					۱					.۰/۰۵۰	همدلی بیانی
				۱						.۰/۰۸۲	همدلی مشارکتی
			۱							.۰/۰۱۵	اثرپذیری عاطفی
		۱								.۰/۰۲۰	ثبات عاطفی
	۱									.۰/۰۵۹	همدلی نسبت به دیگران
۱										.۰/۰۵۸	کنترل
										.۰/۰۴۳***	همدلی عاطفی زوجین

بین همدلی عاطفی زوجین و کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همدلی عاطفی زوجین با زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده نیز رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. بین کارآمدی خانواده با زیرمقیاس‌های همدلی عاطفی به جز دو زیرمقیاس «همدلی مشارکتی» و «کنترل» رابطه معنی‌داری وجود ندارد. رابطه بین کارآمدی خانواده و همدلی مشارکتی مثبت و رابطه آن با کنترل منفی است. برای بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با کارآمدی خانواده، از تحلیل مسیر معادلات ساختاری استفاده شده است. نمودار معادلات مذکور در نمودار (۱) ارائه شده است.



نمودار ۱: مسیر پیشنهادی ارتباط بین تمایزیافتگی و همدلی با کارآمدی خانواده از طریق مرزهای زوجینی

در تحلیل صورت‌گرفته ارتباط مستقیم بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده معنی‌دار نبود که از مدل فوق حذف شد. بنابراین مدل ذیل به عنوان مدل نهایی مورد تأیید قرار گرفت.



نمودار ۲: مسیر نهایی ارتباط بین تمایزیافتگی و همدلی عاطفی با کارآمدی خانواده از طریق مرزهای زوجینی شاخص‌های برآنش مدل ( $\frac{\chi^2}{df} = 0/0.4$ , JFI = ۰/۹۹, AGFI = ۰/۹۹, IFI = ۰/۹۹, RMSEA = ۰/۰۰) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی است. جدول شماره (۲) ضرایب مسیر و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مسیرهای آزمون‌شده در نمودار مسیر

R2	اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		متغیر برون‌زا	متغیر درون‌زا
	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد		
۰/۵۲	۱۱/۴۴	.۰/۶۸	-	-	۱۱/۴۴	.۰/۶۸	مرزهای زوجینی	کارآمدی خانواده
	۴/۴۳	.۰/۳۳	۴/۰۱	.۰/۲	۰/۰۵	.۰/۱۲	تمایزیافتگی	
	۴/۸۴	.۰/۲۵	۴/۸۴	.۰/۲۵	-	-	همدلی عاطفی	
۰/۲۵	۴/۲۸	.۰/۳۰	-	-	۴/۲۸	.۰/۳۰	تمایزیافتگی	مرزهای زوجینی
	۵/۲۴	.۰/۳۸	-	-	۵/۳۴	.۰/۳۸	همدلی عاطفی	

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، سه متغیر مرزهای زوجینی، تمایزیافتگی و همدلی عاطفی از طریق مسیر آزمون شده، ۵۲ درصد واریانس کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند. مرزهای زوجینی بر کارآمدی خانواده فقط اثر مستقیم دارد، همدلی عاطفی تنها اثر غیرمستقیم دارد، اما تمایزیافتگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر کارآمدی خانواده اثر دارد. همه اثرات مستقیم و غیرمستقیم، مثبت و معنی‌دار است.

تمایزیافتگی زوجین و همدلی عاطفی بر مرزهای زوجینی فقط اثر مستقیم دارد. اثر مستقیم هر دو متغیر بر مرزهای زوجینی مثبت و معنی دار است. دو متغیر تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین ۰/۲۵ درصد از واریانس مرزهای زوجینی را تبیین می‌کنند. از آنجاکه همبستگی پرسون همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده مثبت و معنی دار بود (جدول ۳)، اما در مدل تحلیل مسیر این مسیر غیرمعنی دار شده است، می‌توان گفت مرزهای زوجینی در رابطه بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده نقش میانجی دارد و این رابطه را به صورت کامل واسطه‌گری می‌کند.

همبستگی پرسون تمایزیافتگی و کارآمدی خانواده مثبت و معنی دار بود (جدول ۲). در مدل تحلیل مسیر نیز این مسیر معنی دار شده است، اما ضریب استاندارد این مسیر کاهش یافته است، می‌توان گفت مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایزیافتگی خود و کارآمدی خانواده به صورت جزئی نقش میانجی دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی بود. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پرسون نشان داد بین تمایزیافتگی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات هیل (۲۰۰۹)، هاوس و مالینکرود (۲۰۰۷)، اسکورون (۲۰۰۰)، اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، نصری (۱۳۹۹)، بخشیزاده و دیگران (۱۳۹۸)، فعله کار و دیگران (۱۳۹۸)، افضلی و باباخانی (۱۳۹۸)، روشن‌نژاد و دیگران (۱۳۹۸)، کشاورز افشار و دیگران (۱۳۹۷) و همایی و دشت‌بزرگی (۱۳۹۷) همخوان و با پژوهش مجد و دیگران (۱۳۹۴)، قاسمی‌مقدم و علی‌آبادی (۱۳۹۳) ناهمخوان است. در تبیین نقش مؤلفه‌های تمایزیافتگی با کارآمدی خانواده می‌توان گفت تمایزیافتگی به عنوان مهم‌ترین مفهوم در نظریه خانواده بوئن (۱۹۸۷) و یکی از کارکردهای سیستم عاطفی خانواده است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. از نظر بوئن تمایزیافتگی با توجه به کارکرد بین فردی، توجه به تجربه کردن صمیمیت همراه با استقلال در روابط بین فردی و تعادل مناسب میان آنها را نشان می‌دهد (تواسون و فریدلندر،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰). فرایندی که در آن، فرد یاد می‌گیرد جهت و مسیر خود را در زندگی ترسیم کند بی‌آنکه دائمًا از رهنمودهای خانواده یا دیگران پیروی کند. این افراد با توجه به اینکه تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند مسئولیت بیشتری را در انتخاب جهت‌گیری‌های خود در زندگی بپذیرند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی، کنترل خود را از دست ندهند و منطقی و مسئولانه تصمیم‌گیری نمایند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). فرد تمایزیافتگی به خوبی با اضطرابش کنار آمده و در

برابر ناکارآمدی‌های طولانی مقاوم است و قادر به برقراری ارتباط با دیگران، بدون گم کردن «خود» یا آمیخته شدن با دیگران است (هیل، ۲۰۰۹). در مقابل، افراد تمایزناپذیر که هویت تعریف‌شده‌ای ندارند، در تنش‌ها و مسائل بین اشخاص موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و درنتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه کرده و مستعد مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). چنانچه ازدواج بر پایه معیارهای صحیح و آگاهانه صورت گیرد، به‌طوری که هریک از زوجین درحالی که به لحاظ فردی از پختگی و تمایز کافی جهت تشکیل زندگی مشترک برخوردار بوده، ازدواج فرصت ادامه رشد فردی و خانوادگی را فراهم می‌سازد. بدین صورت که پس از ازدواج هریک از همسران در راستای رشد خانوادگی می‌توانند برای دستیابی به اهداف فردی خود نیز تلاش کنند. این امر موجب رضایتمندی از پیوند زناشویی، عملکرد بهتر خانواده و در نهایت شکل‌گیری خانواده‌های کارآمد می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر این است که بین همدلی عاطفی زوجین و کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همدلی عاطفی زوجین با زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده نیز رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. بین کارآمدی خانواده با زیرمقیاس‌های همدلی عاطفی به‌جز دو زیرمقیاس «همدلی مشارکتی» و «کنترل» رابطه معنی‌داری وجود ندارد. رابطه بین کارآمدی خانواده و همدلی مشارکتی مثبت و رابطه آن با کنترل منفی است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات ارکیستر و استیونسون (۱۹۹۱)، زینعلی تاجانی و بشری (۱۳۹۹)، حیرانی و حیرانی (۱۳۹۸)، فوت، قهاری و سالمی خامنه (۱۳۹۸)، جهان‌دوست، علاءالدینی و برانی (۱۳۹۸)، جعفری و دیگران (۱۳۹۸)، کریمی وردنجانی (۱۳۹۵)، نادری و دیگران (۱۳۹۴) همخوان و با تاجیک (۱۳۹۴) ناهمسو است. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت یکی از اهداف مهم تشکیل خانواده، تأمین و ارضای نیازهای عاطفی و مقابله با بحران در این زمینه است (علی‌نی، ۱۳۹۳). ازدواج عموماً اصلی‌ترین و مهم‌ترین زمینه‌ای است که عملکرد و اثر صمیمیت و روابط اجتماعی رشدیافته در آن تجلی پیدا می‌کند (علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۸۹)، و اصولاً یکی از عوامل مهمی که انسان را به سوی ازدواج و تشکیل خانواده سوق می‌دهد، همین نیاز به عاطفه و همراهی دیگران است. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت و بهترین عامل استحکام و بقای آن برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده خصوصاً زوجین نسبت به یکدیگر است (اصلاح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۲)، به‌گونه‌ای که یکی از کارکردهای مهم خانواده، برقراری روابط عاطفی بین زن و شوهر و گسترش روابط روان‌شناختی است، که مایه آرامش هر دوی آنها می‌شود و اگر نیازهای زوجین برطرف نشود و به راه حل مثبتی جهت دستیابی به نیازهای آنها نرسند، استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و در نهایت دلزدگی زناشویی بروز پیدا می‌کند (علی‌اکبری دهکردی،

(۱۳۸۹). اهمیت این مسئله به قدری است که برقراری روابط عاطفی زوجین در منابع دینی به عنوان یکی از کارکردها و شاخص‌های کارآمدی خانواده مورد توجه ویژه قرار گرفته است. مهربانی در نگاه، گرفتن دست‌ها (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶)، اظهار مهربانی و محبت (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷)، خوش‌رفتاری و مهروزی (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۱)، ابراز علاقه و عشق در گفتار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹)، پرهیز از آزار رساندن و سخت‌گیری (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵)، همدلی عاطفی (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲)، نشستن در کنار یکدیگر (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴ق، ج ۴، ص ۲۸۷)، عشق به خانواده در راستای عشق به خداوند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷)، دفع بدی اعضای خانواده با خوبی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴ق، ج ۵۵، ص ۱۰۲)، تلاش در جهت رفع حاجت اعضای خانواده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸)، دلجویی از اعضای خانواده هنگام مورد آزار قرار گرفتن از سوی انسان (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸) و دفاع از همسر (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۲۰) از جمله تجویزات اسلامی در راستای ایجاد ارتباط هم‌لانه زوجینی است که نقش مهمی در کارآمدی خانواده ایجاد می‌کنند.

رعایت مهروزی و ارتباط عاطفی طبق دستورات اخلاقی یک امر خصوصی در زندگی شخصی نیست که فقط یک مسئله مقدس، روحانی و معنوی باشد که تنها برای زندگی اخروی فایده داشته باشد؛ بلکه همه مسائل اخلاقی، آثاری در زندگی مادی و معنوی جامعه بشری و انسانی دارد که بدون آن زندگی انسانی مفهوم خود را از دست خواهد داد. درست است که زندگی فرد نیز بدون اخلاق لطفات و شکوفایی و زیبایی ندارد؛ ولی مهم‌تر از زندگی فردی، خانواده و زندگی اجتماعی است که با حذف و یا کم‌رنگ شدن مسائل اخلاقی به سرنوشت نامطلوبی گرفتار می‌شود و کارآمدی خانواده دچار اختلال می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷). تلاش برای عمل به مقررات و قوانین بدون پشتوانه اخلاق در خانواده و بلکه باید گفت در هیچ‌جا ثمری ندارد. در مقابل، ایمان و اخلاق بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند (صفورائی، ۱۳۹۷).

از دیگر یافته‌های پژوهش آن است که مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایزیافتگی و کارآمدی خانواده به صورت جزئی نقش میانجی دارد. نتایج فوق با نتایج پژوهش تقیان و قاسمی (۱۳۹۹) همخوانی دارد. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت با توجه به اینکه خودتمایزیافتگی عبارتند از ترکیبی پیچیده‌ای از بلوغ عاطفی، توانایی تفکر منطقی در یک موقعیت عاطفی و توانایی حفظ روابط عاطفی نزدیک (دراک،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱) و توانایی است که به مالکیت و مسئولیت تمامی افکار، احساسات و انجام اعمال

بر طبق آنها به صورت آگاهانه اشاره دارد (پلگ،<sup>۱</sup> ۲۰۰۵)، افراد تمایزیافته به دلیل اینکه تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند، قادرند مرزهای ارتباطی را در روابط بین فردی حفظ نمایند. این افراد در برابر ناکارآمدی‌های طولانی مقاوم‌اند و بدون گم کردن «خود» یا آمیخته شدن با دیگران قادر به برقراری ارتباط با دیگران هستند. بنابراین ناکارآمدی درجه‌ای است که فرد یا سیستم، قادر تمایزیافتگی مناسب بوده که منتج به آمیختگی خود و بروز نشانگان روانی، فیزیکی یا اجتماعی می‌شود (هیل، ۲۰۰۹)، به گونه‌ای که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایزیافتگی هر دو زوج پایین باشد، آمیزش عاطفی بیشتری روی می‌دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود. در عوض زوج‌هایی که حداقل آمیزش عاطفی را با هم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان با هم بودن باثبات و محکم‌تری به آنها می‌دهد (بوئن، ۱۹۷۸). بنابراین با توجه به اینکه ارتباط و تأثیرگذاری سازنده هریک از زیرنظام‌های خانواده منوط به ایجاد مرزها در خانواده و بین زیرنظام‌ها با یکدیگر است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳)، تمایزیافتگی زوجین زمانی منجر به کارآمدی خانواده می‌شود که مرزهای زوجینی بهنجار محقق شده باشد.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد مرزهای زوجینی در رابطه بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده نقش میانجی دارد و این رابطه را به صورت کامل واسطه‌گری می‌کند. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت وجود ارتباطات هم‌دانه و بر پایه عاطفه و صداقت بین زوجین، یکی از مهم‌ترین عوامل تشکیل کارآمدی خانواده است (علینی، ۱۳۹۳). همدلی عاطفی به عنوان یکی از ویژگی‌های رفتار بین فردی برای برقراری ارتباط مؤثر در دنیای اجتماعی، توانایی عاطفی و شناختی حالات روانی (احساسات، افکار و انگیزه‌ها) دیگران و پاسخ‌دهی مناسب به آنها با هیجان‌های مناسب می‌باشد (کانراس، میر و بوشمن،<sup>۲</sup> ۲۰۱۸)، که باعث می‌شود تا افراد بتوانند آرا و عقاید دیگران را درک و رفتارشان را پیش‌بینی و به آنها پاسخ مناسب دهند (موسوی، خسروی و دهشیری، ۱۳۹۶). اگرچه با تحقق پیمان زناشویی، احساس علاقه، محبت و همدلی به طور تکوینی بین زوجین به وجود می‌آید؛ اما استحکام، ثبات و تکوین مهارت‌های بین فردی در منظومه‌ها به آزادی زیرمنظومه از مداخله سایر زیرمنظومه‌ها بستگی دارد. رعایت مرزها در روابط افراد موجب درک بهتری از احساس، افکار و رفتارهای یکدیگر شده و پاسخ‌دهی مناسب به آنها با هیجان‌های مناسب صورت می‌گیرد. احترام متقابل، اعتماد و صداقت، مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر، پیشرفت و توسعه فردی دو طرف، تداوم و تقویت همدلی و

1. Peleg, O.

2. Konrath, S., Meier, B. & Bushman, B.

پرورش عشق میان زوجین و در نهایت کارآمدی خانواده از جمله نتایجی است که با رعایت حد و مرزها در ارتباطات زوجینی حاصل می‌شود. در مقابل، ورود به فاصله‌های روان‌شناسی افراد موجب سلب حق آزادی، احساس عدم امنیت، احساس تنش و عدم صمیمت می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه ارتباط و تأثیرگذاری سازنده هریک از زیرنظام‌های خانواده منوط به ایجاد مرزها در خانواده و بین زیرنظام‌ها با یکدیگر است، همدلی عاطفی زمانی منجر به کارآمدی نظام خانواده می‌شود که مرزیندی و رعایت حریم همسران محقق شده باشد.

از دیگر یافته‌های پژوهش آن است که مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایزیافتگی و همدلی عاطفی با کارآمدی خانواده، نقش میانجی دارد. در تبیین نتیجه فوق می‌توان گفت در رویکرد ساختاری، خانواده به عنوان سیستمی تلقی می‌شود که از طریق خرده‌سیستم‌هایی عمل می‌کند که نیازمند ضوح و نفوذپذیری کافی مرزهاست (دوهرتی و مک دانیل، ۱۳۸۹). طبق این رویکرد تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خرده‌سیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است. توجه به مرزهای خانواده در این میان اهمیت بسزایی دارد و بهنجار بودن مرزهای خانواده به صورت طبیعی با کارآمدی خانواده ارتباط خواهد داشت؛ چراکه تعاملات قانونمند اعضای خانواده به حفظ ساختار، عدم ورود و دخالت سایرین، پیوستگی و مشارکت بیشتر اعضای خانواده، حفظ و تقویت تفرد اعضاء و کل سیستم خانواده و قانونمندی اعضاء در حل بحران‌های داخلی خانواده خواهد شد، که در نهایت برآیند کلی آن، کارآمدی بیشتر فردی و خانوادگی خواهد بود (شاهسوار و کچوبی، ۱۳۹۸). این هدف زمانی محقق خواهد شد که تأثیر عوامل مختلف روانی، معنوی و رفتاری زوجین بر کارآمدی خانواده تبیین و مشخص شود. تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین از جمله ویژگی‌های است که می‌تواند جنبه‌های خاصی از عملکرد زوجین را در زمینه‌های گوناگون در بستر خانواده روش‌ن سازد. چنان‌که گذشت بین تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با مرزهای زوجینی و بالتع با کارآمدی زندگی زناشویی رابطه وجود دارد و عدم آنها پیش‌بینی‌کننده اختلاف زناشویی بوده است. در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرم‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تحمل کنند. به سخن دیگر، برای اینکه مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ نمایند (بوئن، ۱۹۷۸)، انعطاف‌پذیری بیشتری را در نقششان روا داشته، ارتباطات صمیمانه را مجاز می‌دانند، تفاوت از عقایدشان را تحمل می‌کنند و انفعال هیجانی کمتری را تجربه می‌کنند. چنین زوچهایی هنگام مواجهه با تضاد دارای تحمل بیشتری نسبت به اختلاف‌ها هستند و درنتیجه تهدید کمتری را احساس می‌کنند (هیل، ۲۰۰۹). این افراد ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما توسط این عواطف تحلیل

نمی‌روند و واکنش این دسته افراد کنترل شده است. زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنفس‌زا باشد، افراد تمایزیافته لزومی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند و منطقی و مسئولانه تصمیم‌گیری می‌نمایند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳).

بنابراین با توجه به اینکه ارتباط و تأثیرگذاری سازنده هریک از زیرنظام‌ها در ساختار خانواده متوط به ایجاد مرزه‌های بهنجار در خانواده و بین زیرنظام‌ها با یکدیگر است، ویژگی‌های ارتباطی مانند همدلی عاطفی و ویژگی‌های شخصیتی همچون تمایزیافته زوجین زمانی منجر به تحقق کارکردها و درنتیجه کارآمدی نظام خانواده می‌شود که مرزبندی و رعایت حریم همسران محقق شده باشد. رعایت مرزها در روابط افراد موجب درک بهتری از احساسات، نگرش‌ها، رفتارها، انتخاب‌ها، محدودیت‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها، افکار، استعدادها، حساسیت‌ها و... با یکدیگر شده و تکلیف خود را نسبت به خود و نسبت به شریک زندگی خود می‌دانند و سعی می‌کنند هماهنگ و با رعایت مرزها رفتار نمایند. مرزها به افراد کمک می‌کنند که بین اولویت‌های خود و همسرشان تعادل برقرار کنند. نادیده گرفته شدن مرزهای زوجینی موجب سلب حق آزادی و انتخاب همسران و فضایی آکنده از تنش، نادیده انگاشته شدن، احساس حقارت و عدم صمیمت می‌شود. احترام متقابل، اعتماد و صداقت، مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر، پیشرفت و توسعهٔ فردی دو طرف، تداوم و تقویت همدلی و پرورش عشق میان زوجین و در نهایت کارآمدی خانواده از جمله نتایجی است که با رعایت حد و مرزها در ارتباطات زوجینی حاصل می‌شود. در مقابل، ورود به فاصله‌های روان‌شناسی افراد موجب سلب حق آزادی، احساس عدم امنیت شدن، احساس تنش، عدم صمیمت و عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به کارکردهای خانواده و در نهایت ناکارآمدی نظام خانواده می‌گردد؛ زیرا تحقق کارکردهای صحیح خانواده، مبتنی بر تعاملات صحیح بین اعضا و تحقق نقش‌های صحیح هریک از اعضا جهت نیل به هدف واحد است.

نهاد خانواده همواره نیازمند مراقبت می‌باشد تا رشد پیدا کند و پرورش یابد و در نهایت به کمال برسد. مراقبت از خانواده نیازمند آگاهی و دانش کافی می‌باشد. زوجین به عنوان اثربخش‌ترین اعضای این نهاد می‌توانند با یادگیری مهارت‌هایی مانند تمایزیافته‌گی، همدلی، رعایت حدود و مرزها و... به شکل موفقیت‌آمیزی عمل کنند و این نهاد نوپا را به کمال شایسته خود برسانند.

## منابع

- آذربایجانی، مسعود و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۱). روان‌شناسی در نهجه *البلاغه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
 احدی، حسن و علیزاده اصل، افسانه (۱۳۹۰). پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان دختر بر اساس متغیرهای تمایزیافته‌گی و تاب‌آوری: زن و مطالعات خانواده، ۴(۱۴)، ۴۲-۲۷.
- اسکیان، پرستو (۱۳۸۴). بررسی تأثیر سایکودرام بر افزایش تمایزیافته‌گی فرد در خانواده اصلی در دانش‌آموزان دختر دبیرستان منطقه ۵ نهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشکده روان‌شناسی و علوم نریتی، دانشگاه تربیت معلم.

- افضلی، نیلوفر و بایاخانی، نرگس (۱۳۹۸). تمایزیافتگی خود، سخترویی، سبک‌های حل تعارض و سازگاری زناشویی. هفتمنی کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران.
- بخشی‌پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمد‌رضاء؛ شیرعلی‌پور، اصغر و احمددوست، حسین (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۳(۲)، ۱۹۰-۱۹۱.
- بخشی‌زاده، فاطمه؛ سامانی، سیامک؛ خیر، محمد و شهرابی، نادره (۱۳۹۸). آزمون مدل علی تمایزیافتگی و رضایت زناشویی. زن و جامعه، ۱۰(۳)، ۳۱-۴۶.
- بستان، حسین (۱۳۹۲). نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشرات، محمدعلی؛ خدابخش، محمدرضا؛ فراهانی، حجت‌الله و رضازاده، محمدرضا (۱۳۹۰). نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی. روان‌شناسی کاربردی، ۲۵(۲)، ۲۳۷-۲۴۷.
- بنی جمال، شکوه‌السادات؛ بیزدی، سیده منوره و نفیسی، غلامرضا (۱۳۸۳). ریشه‌یابی از همپاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. علوم تربیتی و روان‌شناسی اهواز، ۱۱(۱)، ۱۴۳-۱۷۰.
- تابیک، زینب (۱۳۹۴). پیش‌بینی همدلی و کیفیت زندگی دانشجویان زن متأهل بر اساس الگوهای ارتباطی و تمایزیافتگی خود. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه الزهراء.
- تفیان، حسن و قاسمی مروج، مهدی (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده. پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۳(۱)، ۲۱-۳۷.
- جهفری، زهرا؛ شریفی، فاطمه و هوشیاری، جعفر (۱۳۹۸). رابطه هوش هیجانی و کارآمدی بیششی، اخلاقی و حقوقی خانواده در طلاق خواهر متأهل جامعه المصطفی العالمیه، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۲۲(۲)، ۴۹-۶۶.
- جهان‌دوست، سوسن؛ علاء‌الدینی، زهره و براتی، هاجر (۱۳۹۸). نقش هوش موفق و همدلی عاطفی در رضایت زناشویی با در نظر گرفتن نقش تعديل‌گر سن. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴)، ۱۵۶-۱۷۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت.
- حلى اسدی، احمد بن محمد بن فهد (۱۴۰۷ق). عادة الاعانى و نجاح الساعى. بیروت: دار الكتب اسلامی.
- حیرانی، محمدحسین و حیرانی، امیرحسین (۱۳۹۹). همبستگی خانواده با همدلی عاطفی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو، چهارمین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور رشت.
- رسولی، آراس (۱۳۹۵). تدوین الگوی کارکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارضات زناشویی زوجین. زن و جامعه، ۳(۷)، ۳۹-۶۷.
- روشن‌نژاد، نجمه؛ بیان‌فر، فاطمه و طالع‌پستد، سیاوش (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، تمایزیافتگی خود و سرخختی، روان‌شناسی بالینی، ۱۱(۱)، ۹۳-۱۰۶.
- زرگر، فاطمه و نشاطدوست، حمیدطاهر (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، خانواده‌پژوهی، ۳(۲)، ۷۷-۷۹.
- زینعلی تاجانی، شبنا و بشری، حسین (۱۳۹۹). بررسی روابط عاطفی و کارآمدی خانواده در زمان کرونا. اولین همایش ملی آسیب‌شناسی روانی. اردبیل.
- سلیمان‌زاده موسوی، مليحه‌سادات (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلستگی و مؤلفه‌های تمایزیافتگی، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی.
- سلیمانی علوجه، فاطمه؛ پذیرا، رقیه و نامور، هونم (۱۳۹۸). پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس تمایزیافتگی خود در مبتلایان به فشار خون، دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی.
- شاهسوار، محبوبه و کچوبی، فرزانه (۱۳۹۸). پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس مرزهای بیرونی خانواده و خردمندی زوجین. پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۲(۳)، ۳۵-۵۴.
- شاهوران فرد، سعیده (۱۳۹۴). مرزهای ایمن، حفظ مرزاها در خانواده‌های سالم. رشد آموزش مشاور مدرسه، ۴۰، ۵۷-۶۱.
- شعبانی، عین‌الله (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر تفاصلی طلاق در شهر تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران.

- صفورائی پاریزی، سلیمه (۱۳۹۷). بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان با کارآمدی خانواده و رضایت از زندگی و تبیین آن بر اساس منابع اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی. دانشگاه قرآن و حدیث. قم.
- صفورائی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۲). شاخص‌های کارآمدی خانواده، پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، (۱)، ۵۸-۲۹.
- صفورائی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۸). اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده. معرفت اخلاقی، (۱)، ۱۱۸-۹۱.
- طلایی، مریم و غباری بناب، باقر (۱۳۹۱). رابطه تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهروд. زن و مطالعات خانواده، (۵)، ۱۸-۱۵.
- عزیزی، آرمان؛ رحمانی، شمس‌الله؛ ویسی، فرشید؛ محمدی، فاروق و فتحی، حسام (۱۳۹۵). پیش‌بینی افزایش کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ۱۵-۱.
- علی‌اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۸۹). رابطه عملکرد جنسی زنان با سازگاری زناشویی. علوم رفتاری، (۳)، ۱۹۹-۲۰۶.
- علیکی، محمود و نظری، علی‌محمد (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، (۷)، ۲۴-۷.
- علیینی، محمد (۱۳۹۳). بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سیک‌زنگی اسلامی. اسلام و مطالعات اجتماعی، (۴)، ۱۰۷-۷۸.
- فتون، فاطمه؛ قهاری، شهربانو و سالمی خامنه، علیرضا (۱۳۹۸). سبک‌های ابرازگری هیجانی، همدلی عاطفی، رضایت زناشویی با میانجیگری سبک دلبستگی در مادران کودکان ای دی اچ دی، پرستار و پرستارکار، (۷)، ۴۰-۳۳.
- فعله کار، اشکان؛ بردن، زهرا؛ دانایی کوشان، منا؛ امانی، امید و مقدم‌فر، نصیره (۱۳۹۸). ارتباط تمایزیافتگی خود و طرح‌واردهای ناسازگار اولیه با رضایت زنان مقاضی طلاق، پژوهش پرستاری ایران، (۶)، ۲۶-۲۴.
- قاسمی مقدم، مریم و علی‌آبدی، زکیه (۱۳۹۳). بررسی میزان پیش‌بینی یزدی‌ری عملکرد خانواده توسعه تمایزیافتگی خود در بانوان متأهل شهر قم. ششمین کنگره ملی اسیب‌شناسی خانواده (و جشنواره ملی خانواده پژوهی).
- کاظمیان، سمية و دلاور، علی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تمایزیافتگی با میزان تمایل به اعتیاد در مردان متأهل. نظم و امنیت انتظامی، (۴)، ۱۱۵-۱۰۵.
- کریمی وردنجانی، محمد (۱۳۹۵). ارزیابی مدل رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجیگری تعهد زناشویی و همدلی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- کشاورز افشار، حسین؛ قربیان، الهه؛ جبلی، سید جلیل و سعادت، سید حسن (۱۳۹۷). رابطه بین تمایزیافتگی خود و طرح‌واردهای ناسازگار اولیه با مؤلفه‌های عملکرد خانواده در زنان نظامیان شهر تهران. طب نظامی، (۶)، ۲۰-۱۳۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلدنبرگ، هربرت و گلدنبرگ، آرین (۲۰۰۳). خانواده درمانی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.
- متنقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ ق). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مسجد، مریم؛ راضی، کمال؛ موسوی، مژگان و کاظمی، زینب (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ابعاد تمایزیافتگی خود با ابعاد رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علوم تحقیقات فارس. سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). میران‌الحکمة، تهران: دارالحدیث.
- مصطفی‌یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب\*\*.
- ملتفت، حسین و احمدی، حبیب (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه شیراز.
- موسوی، پانتهاء خسروی، زهرا و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۶). ساختار عاملی مدل همدلی بر اساس پرسش‌نامه بهره همدلی در یک نمونه بزرگ‌سال ایرانی. تازه‌های علم‌شناسی، (۱)، ۹۰-۷۵.

مینوچن، سالوادور (۱۹۷۴م). خانواده و خانواده درمانی. ترجمه باقر ثابی. تهران: امیرکبیر.

نادری، لیلا؛ مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان بر اساس همدلی و بخشودن. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۶(۴)، ۷۵-۶۹.

نصری، سپیده (۱۳۹۹). بررسی رابطه مهارت‌های حل تعارض و تمایزیافتگی خود با رضایت زناشویی در زنان متاهل ساکن منطقه ۵ تهران. هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.

همایی، رضوان و دشت‌بزرگی، زهرا (۱۳۹۷). همبستگی تمایزیافتگی خود و خوش‌بینی با مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی در دانشجویان پرستاری. مدیریت ارتقای سلامت، ۲۷(۲)، ۴۵-۵۸.

هوشیاری، جعفر؛ تقیان، حسن و صفورائی، محمدمهدی (۱۳۹۵). هنجاریابی مجدد پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده با استفاده از نظریه پرسش - پاسخ. پژوهش مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۰(۹)، ۹۹-۱۷.

هوشیاری، جعفر؛ صفورائی، محمدمهدی؛ جزايری، سیدحميد و تقیان، حسن (۱۳۹۹). تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و ساخت پرسش‌نامه سنجش آن، پایان نامه دکتری تخصصی. مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه.

هی‌لی، جی (۱۹۷۶م). روان‌درمانی خانواده. ترجمه باقر ثابی. تهران: امیرکبیر.

- Arkister, J. & Stevenson, H. (1991). Identifying family at risk: Exploring the MC Master family assessment device. *Journal of family therapy*, 13(4)411-421.
- Bowen, M. (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. New York: Jason Aaronson. 25-39.
- Davis, M. H. (1983). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44(1), 113-126.
- Drak, J .R. (2011). Differentiation of self inventory\_short form: creation and initial evidence of construct validity. Missouri-Kansas.
- Duarte, J., Pinto-Gouveia, J. & Cruz, B. (2016). Relationships between nurses' empathy, self-compassion and dimensions of professional quality of life: A cross-sectional study. *International Journal of Nurs Studies*, 60, 1-11.
- Elizur, J. Minuchin, c. (1990). *Institutionalizing Madness: Families, Therapy and Society*, Hardcover, Basic Books; 1st edition (December 21, 1989).
- Haws, W. & Mallinckrodt, B. (2007). Separation-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple. *American Journal of Family Therapy*, 26(4), 293-307.
- Hill A. (2009). Predictors of relationship satisfaction: the link between cognitive flexibility, compassionate love and level of differentiation. Los Angeles, California: Alliant International University; 2008.
- Ickes, William. (2013). Empathic accuracy in close relationships, p. 348-373.
- Konrath, S., Meier, B. P., Bushman, B. J. (2018). Development and validation of the Single Item Trait Empathy Scale (SITES). *Journal of research in personality*, 73, 11-22.
- Peleg, O. (2005). The relation between differentiation and social anxiety: what can be learned from students and their parents? *The American journal of family therapy*, 33, 167-183.
- Piazzesi, Chiara. Blais, Martin & Belleau, Hélène. (2019). Nouvelles frontières de l'intimité conjugale et familiale, openedition Journal, Numéros 34.
- Richards, E. (1989). Self-reports of differentiation of self and marital compatibility as related to family functioning in the third and fourth stages of the family life cycle. *Nursing Practice*, 3(3), 177-80.
- Skowron E .A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47,229-237.
- Skowron E, Friedlander M. (1998). The differentiation of self inventory: development and initial validation. *Journal of Counseling Psycho*, 28, 235-46.

- Skowron, E. A. & Schmitt, A. T. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222.
- Sousa, A. D., McDonald, S., Rushby, J., Li, S., Dimoska, A., James, C. (2010). Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury. *The role of affective responsiveness*, 47(5):526-35.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy. (2008).
- Stocks, E. L., Lishner, D. A., Decker, S. K. (2009). Altruism or psychological escape: Why does empathy promote prosocial behavior? *Europaian Journal of Social Psychology*, 39(5), 649-665.
- Thompson, M. A. & Barnett, S. T. (1995). The role of perspectivetaking and empathy in childrens Machiavellianism, prosocial behavior and motive for helping. *Journal of Genetic Psychology*, 148(3), 295-305.
- Tognetti Arnaud, Doat David, Dubois Dimitri, Romanuc Rustam (2019). Does the presence of a physically disabled person in the groupincrease cooperation? An experimental test of the empathy-altruism hypothesisCooperation between individuals with and without disabilities, Karolinska Institutet, Department of Clinical Neuroscience, Division of Psychology, Nobels väg 9, 171 65 Solna, 1-15.
- Tuason, M. T. & Fricdlander, M. L. (2000). Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in Philippine sample. *Journal of counseling psychology*, 47(1), 27-35.

## اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ (ص ۲۳۹-۲۶۳)

# پیش‌بینی جهت‌گیری دینی چرخشی بر پایه الگوی ارتباطات خانواده با نقش میانجیگر کمال‌گرایی

## Prediction of Commitment - Reflectivity Circumplex (CRC) religious orientation based on Family communications patterns (FCP) on student with the mediating role of perfectionism

مجید هزاری / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

ناصر آقابابائی / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

امیرعلی مازندرانی / استادیار گروه علوم رفتاری پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی، تهران، ایران

**Majid Hezari** / PhD student in Psychology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh, Iran

**Naser Aghababaei** / Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran [naseragha@gmail.com](mailto:naseragha@gmail.com)

**Amir Ali Mazandarani** / Assistant Professor, Department of Behavioral Sciences, Research and Development Institute for Humanities, Organization for Study and Compilation of Academic Textbooks in Islamic Sciences and Humanities, Tehran, Iran

### Abstract

The present study was conducted with the aim of predicting the religious orientation of students based on the model of family communication and the mediator role of perfectionism. The research was descriptive-correlation one. The population of the study consisted of all the students of Farhangian University of Tehran in 1401, among whom 388 participants were selected as the sample group by quota sampling and answered the questionnaires of circumplex religious orientation, perfectionism and the revised questionnaire of Family Communication Patterns. Regarding the

### چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی جهت‌گیری دینی چرخشی بر اساس الگوی ارتباطات خانواده با نقش میانجیگری کمال‌گرایی بود. ۳۸۸ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان شهر تهران به پرسشنامه‌های جهت‌گیری دینی چرخشی، کمال‌گرایی، و الگوهای ارتباطی خانواده پاسخ دادند. یافته‌های مدل‌سازی حاکی از برازش مناسب مدل پژوهش بود. یافته‌ها نشان دادند الگوی ارتباطات خانواده مستقیم و با میانجیگری کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی دانشجویان تأثیر دارند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت افراد با سبک ارتباطی گفت و شنود از مسیر کمال‌گرایی به منابع و

data analysis, structural equation modeling method was used and data were analyzed by SPSS version 24 and AMOS software. The modeling results indicated the appropriacy of the research model. Also, the results showed that the Family Communication Pattern both directly and through the mediation of perfectionism have an effect on the circumplex religious orientation of students. Based on the results of the present research, it can be concluded that people with a communication style of conversation and conformity, through perfectionism, have significant positive and negative effects on various religious orientations. Then it is suggested that the mediating role of perfectionism in the relationship between family communication patterns and circumplex religious orientation to be regarded and therapists should consider this component in their therapeutic strategies and educational models.

**Key words:** Perfectionism, Family Communication Patterns, Religious Orientation.

هدف‌های کامل معنوی و دینی می‌پردازند و تلاششان به منظور تحقق کمالات معنوی و دینی در خود را تأمین و تقویت می‌کنند وارد فرایند معناده‌ی به زندگی و هستی، ارزشمندسازی زندگی، و هدفمند کردن زندگی می‌شوند که موجب جهت‌گیری دینی متعهد - تأمل گر می‌گردد. همچنین در خانواده‌هایی با سبک ارتباطی همنوایی بستر برای رشد کمال گرایی بسیار فراهم است، به طوری که محتوای بیشتر گفت‌وشنودها را تحمیل عقاید والدین تشکیل می‌دهد و این اتفاق موجب می‌شود فرزندان دارای جهت‌گیری دینی غیرمتعهد - غیرتأمل گر و غیرمتعهد - تأمل گر شوند.

**کلیدوازه‌ها:** کمال گرایی، الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری دینی چرخشی.

## مقدمه

دین با برخی از بزرگ‌ترین فضایل و شکست‌های بشریت همراه بوده است، از این جهت نقش اساسی در زندگی و سیستم روانی انسان دارد (ویتن و لوکوف،<sup>۱</sup> ۲۰۲۲). جهت‌گیری دینی<sup>۲</sup> عبارت است از نوع دین داری افراد و اشاره دارد به انگیزه افراد از روی آوردن به دین یا روی گرداندن از آن (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۹). تعهد<sup>۳</sup> اصلی‌ترین ویژگی جهت‌گیری دینی است، اما زیربنای اینکه چرا فرد متعهد است، اغلب به طرق مختلف و به دلیل انگیزه‌های گوناگون آشکار می‌شود (ایساک<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)؛ بنابراین جهت‌گیری دینی ماهیت چندبعدی دارد. این امر منجر به ارائه

1. Vieten & Lukoff

2. religious orientation

3. commitment

4. Isaak

الگوهای متعددی از سوی محققان شده است (آلپورت و راس،<sup>۱</sup> ۱۹۶۷؛ بوریس و تارپلی،<sup>۲</sup> ۱۹۹۸؛ هتاوی،<sup>۳</sup> ۲۰۱۶؛ هیل<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲؛ کراوس و هود،<sup>۵</sup> ۲۰۱۳، به نقل از: ایساک و همکاران، ۲۰۱۷؛ آقابابائی و همکاران،<sup>۶</sup> ۲۰۱۹). در این بین مفهوم پردازی آلپورت و راس (۱۹۶۷) مبنی بر جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی یکی از گسترده‌ترین تحقیقات انجام شده است (به نقل از: پارک و ون تونگرن،<sup>۷</sup> ۲۰۲۲).

کراوس و هود (۲۰۱۳) مدل چرخشی تعهد - تأمل گر<sup>۸</sup> را به عنوان یک رویکرد جدید جهت‌گیری دینی مطرح کردند. در مدل چرخشی تعهد - تأمل گر دو بعد اساسی و متفاوت مطرح می‌شود که شامل تعهد به معنای اهمیت و محوریت ایمان و تأمل به معنای میزان تحلیل و بررسی اعتقادات دینی می‌باشد. تلاقی این دو بعد، چهار ربع را ایجاد می‌کند، هر ربع از یک یا چند مفهوم تشکیل شده است که در مجموع نوع جهت‌گیری فرد را شامل می‌شود. ربع تعهد و غیرتأمل گر<sup>۹</sup> به جهت‌گیری دینی اشاره دارد که متنضم تعهد به آموزه‌های دینی است، اما به فقدان تأمل نیز مرتبط است. این ربع شامل جهت‌گیری‌های فردیت<sup>۱۰</sup> (به طور کلی به رویکردی که فرد برای مذهب اتخاذ می‌کند مثلاً برای کسب آرامش، مراقبت، بخشش و کمک اشاره دارد)، مرکزیت<sup>۱۱</sup> (میزان اهمیت دین در زندگی فرد)، سود<sup>۱۲</sup> (میزانی که دین به عنوان روشی برای کسب ثروت، سلامتی، موفقیت و سایر خواسته‌های شخصی مورد توجه قرار می‌گیرد) و مجازات<sup>۱۳</sup> (رویکرد فرد به دین به عنوان روشی برای دوری از عذاب الهی، چه در دنیا و چه در آخرت) می‌شود. ربع غیرمتهمد و غیرتأمل گر<sup>۱۴</sup> شامل جهت‌گیری‌های اجتماعی<sup>۱۵</sup> (میزان مشارکت در دین و فعالیت‌های مذهبی با هدف دیدن آشنایان و شبکه اجتماعی) و الزام<sup>۱۶</sup> (میزان فشار اجتماعی برای انجام اعمال مذهبی) است. ربع غیرمتهمد و تأمل گر<sup>۱۷</sup> به جهت‌گیری‌های اشاره دارد که

1 Allport & Ross

2. Burris & Tarpley

3. Hathaway

4. Hill

5. Krauss and Hood

6. Park & Van Tongeren

7. commitment-reflectivity circumplex (CRC)

8. committed-unreflective

9. personal

10. centrality

11. gain

12. punishment

13. uncommitted-unreflective

14. social

15. obligation

16. uncommitted-reflective

عدم تعهد آموزه‌های دینی را با تأمل در مورد ایده‌های دینی ترکیب می‌کند و شامل شک<sup>۱</sup> (میزانی که فرد از تردیدها، عدم قطعیت‌ها و سؤالات مذهبی خود لذت می‌برد و برای آنها ارزش قائل است، می‌باشد. این جهت‌گیری نشان‌دهنده قدان تعهد مذهبی است)، تردید<sup>۲</sup> (میزان عدم اطمینانی که فرد از اعتبار عینی اعتقادات خود دارد) و گفت‌و‌گو<sup>۳</sup> (میزانی که فرد تحت تأثیر تعارض‌ها و تجربه‌های زندگی از دین خودآگاه است) می‌شود. ربع متعهد و تأمل‌گر<sup>۴</sup> شامل جهت‌گیری است که سبک زندگی و فادارانه را با عشق به یادگیری در مورد ایمان ترکیب می‌کند. مدل چرخش تعهد - تأمل (کراوس و هود، ۲۰۱۳) یک معیار واحد تحت عنوان علاقه<sup>۵</sup> (میزانی که فرد از یادگیری، خواندن، مطالعه، تجزیه و تحلیل و صحبت در مورد دین و نظریه‌های دینی لذت می‌برد) را به این ربع اختصاص داده است. فایف<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۴) اذعان داشتند یکی از عواملی که جهت‌گیری دینی دانشجویان را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد، الگوهای ارتباطی خانواده<sup>۷</sup> است.

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی دارای قواعد و اصولی خاص است و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند (آمبرسون و تو默، ۲۰۲۰). یکی از مهم‌ترین سازه‌های مربوط به خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده است (کرنز و شرودت، ۲۰۱۴). الگوی ارتباطی خانواده، ساختار ارتباطی از دنیای خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیزی به یکدیگر می‌گویند، چه کاری انجام می‌دهند و چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)، به نقل از: کامپتون و کریک، (۲۰۱۹). فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) با بررسی نظریه مکائود و چپی (۱۹۷۲) دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت‌وشنود<sup>۸</sup> و جهت‌گیری همنوایی<sup>۹</sup> را در الگوهای ارتباطی خانواده شناسایی کردند

1. doubt

2. tentativeness

3. dialog

4. committed-reflective

5. interest

6. Fife

7. family communication patterns

8. Umberson &amp; Thomeer

9. Koerner &amp; Schrot

10. Fitzpatrick

11. Compton &amp; Craig

12. Ritchie

13. McLeod &amp; Chaffee

14. conversational

15. conformity

(به نقل از: بوستویک و جانسون،<sup>۱</sup> ۲۰۱۸). جهت‌گیری گفت‌وشنود به میزانی که خانواده‌ها فضای آزاد و راحتی برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کنند، اشاره دارد. در خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌وشنود، افراد آزادانه به صورت هم‌زمان و بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی و موضوعی به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. این‌گونه خانواده‌ها زمان زیادی را صرف ارتباط با یکدیگر می‌کنند و اعضای آن یکدیگر را در جریان فعالیت‌ها، افکار و احساسات شخصی خود می‌گذارند (کونر و ماریان،<sup>۲</sup> ۲۰۰۲، به نقل از: ادزوی و ادزوی،<sup>۳</sup> ۲۰۲۰). جهت‌گیری همنوایی اشاره دارد به مقدار تأکیدی که خانواده‌ها بر روی یکسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید دارند و فرزندان ملزم به رعایت هنجارهای والدین خود هستند (کونر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲، به نقل از: الوی،<sup>۴</sup> ۲۰۲۰). موقعیت‌های متفاوتی که خانواده‌ها در طول این دو بعد دارند، می‌تواند در شکل‌گیری جهت‌گیری دینی فرزندان مؤثر باشد (فایف و همکاران، ۲۰۱۴).

هاشمی و لطیفیان (۱۳۹۱) نشان دادند در خانواده‌هایی که جهت‌گیری همنوایی غالب است، تعاملات میان اعضای خانواده بر همگونی، اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل اعضا با یکدیگر متتمرکز است و ارتباطات بین دو نسل حرف‌شنوی از والدین را منعکس می‌کند. در چنین خانواده‌هایی والدین برای فرزندان تصمیم می‌گیرند و از فرزندان انتظار می‌رود مطابق خواسته‌ها و انتظارات والدین رفتار کنند؛ درنتیجه داشتن معیارهای سختگیرانه و کمال‌گرایی<sup>۵</sup> در فرزندان مشهود است. از سوی دیگر اسبای و هافمن<sup>۶</sup> (۱۹۹۹، به نقل از: ناخیمسون،<sup>۷</sup> ۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند جهت‌گیری مذهبی با کمال‌گرایی انطباقی رابطه مثبت و معنادار و با کمال‌گرایی غیرانطباقی رابطه منفی و معنادار داشتند. همان‌طور که اشاره شد در بین عوامل روان‌شناختی تأکید زیادی بر نقش الگوهای ارتباطی خانواده در جهت‌گیری دینی افراد شده است (فایف و همکاران، ۲۰۱۴)؛ برای مثال راسموسون و تریلو<sup>۸</sup> (۲۰۱۶)، ویت و ترول<sup>۹</sup> (۱۹۹۹)، وانگ<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۱۸)، والتون<sup>۱۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، کارمو<sup>۱۲</sup> و

- 
1. Bostwick & Johnson
  2. Koerner & Mary Anne
  3. Adzovie & Adzovie
  4. Aloia
  5. psychological coherence
  6. Ashby & Huffman
  7. Nachimson
  8. Rasmussen & Troilo
  9. Vieth & Trull
  10. Wang
  11. Walton
  12. Carmo

همکاران (۲۰۲۱) و آدامز<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) با این استدلال که الگوهای ارتباطی خانواده با کمال‌گرایی و کمال‌گرایی با جهت‌گیری دینی رابطه دارد (اشبای و هافمن، ۱۹۹۹؛ جنوانی و ادیتیا، ۲۰۲۱)، به تعیین نقش غیرمستقیم الگوهای ارتباطی خانواده در جهت‌گیری دینی پرداختند. این یافته‌ها در مجموع این فرضیه را به ذهن مبتادر می‌کند که اثر الگوهای ارتباطی خانواده بر جهت‌گیری دینی بیشتر از نوع غیرمستقیم و به‌واسطه سایر متغیرها از جمله کمال‌گرایی است.

کمال‌گرایی یک ویژگی شخصیتی چندبعدی است که شامل استانداردهای غیرواقعی بالا همراه با ارزیابی بیش از حد شدید است (هویت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). در خانوادهایی که جهت‌گیری همنوایی زیادی دارند، حرف آخر را بزرگ‌ترها می‌زنند (کوروش‌نیا، ۱۳۸۹). در این خانواده‌ها از والدین انتظار می‌رود تا برای همه اعضای خانواده تصمیم‌گیری کنند و از فرزندان انتظار می‌رود تا مطابق با خواسته‌های والدین خود رفتار کنند، به‌طوری که ممکن است موجب شود آنها برای جلب پذیرش و تأیید والدین پرتوque خود استانداردهای بالا و غیرواقع‌بینانه‌ای انتخاب کنند و مدام خود را برای دست نیافن به این استانداردها سرزنش کرده و درگیر خودانتقادی‌های مخرب و شدیدی شوند (هاشمی و لطیفیان، ۱۳۹۱)؛ از سوی دیگر منطبق بر نظریه آلپورت و راس (۱۹۶۷) و کراوس و هود (۲۰۱۳) جهت‌گیری‌های دینی درونی و بیرونی یک بعد واحد هستند. با این حال تأثیر جهت‌گیری درونی بر کاهش کمال‌گرایی غیرانطباقی را می‌توان توسط فردی که دارای جهت‌گیری درونی است توضیح داد، که شامل ایمان بالغانه و توانایی درونی کردن آموzech‌های دینی است. افراد با ایمان بالغانه و آموzech‌های دینی درونی شده، بهتر می‌توانند با شرایطی که با آن رو به رو می‌شوند، کنار بیایند (اشبای و هافمن، ۱۹۹۹). می‌توان گفت افراد با نوع خاصی از کمال‌گرایی که توسط جهت‌گیری دینی بیرونی شکل می‌گیرد، تمایل دارند اعمالشان را صرفاً برای رضایت جامعه خود انجام دهند (جنونی و ادیتیا، ۲۰۲۱).

مرور پژوهش‌های پیشین نشان داد، الگوهای ارتباطی خانواده، انتظارات و جهت‌گیری دینی افراد را پیش‌بینی می‌کند (دولاهیت<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ برادشاو،<sup>۴</sup> ۲۰۲۱؛ اخوان، ۲۰۱۹؛ همچنین نحوه تعامل والدین با فرزندان و سبک‌های فرزندپروری نیز در جهت‌گیری دینی نقش تعیین‌کننده دارند (پترو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ کروک،<sup>۶</sup> ۲۰۱۸؛ فایف و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹؛

1. Adams

2. Geovani &amp; Aditya

3. Hewitt

4. Dollahite

5. Bradshaw

6. Petro

7. Krok

فولاد چنگ و قدومی‌زاده، ۱۳۹۴). برخی مطالعات حاکی از این بودند که جهت‌گیری‌های متعهد با بهزیستی ذهنی و روان‌شناختی همبستگی مثبت دارند؛ درحالی که جهت‌گیری‌های غیرمتعهد با جنبه‌های بهزیستی رابطه منفی دارند (آقابابائی و لوک،<sup>۱</sup> ۲۰۲۳)، قدومی‌زاده و فولاد چنگ (۱۳۹۴) و رضائیان و توتوونچی (۱۳۹۸) نیز اذعان داشتند، نگرش مذهبی مادر و جهت‌گیری گفت‌وشنود در الگوی ارتباطی خانواده، توان پیش‌بینی هویت دینی فرزندان را دارد. شیرچی و همکاران (۱۳۹۸) هم بر پیوند والدین و فرزندان و همچنین نقش ویژگی‌های شخصیتی نظری عزت نفس در شکل‌گیری سبک هویت دینی نوجوانان تأکید کردند.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان گفت غالب مطالعاتی که در زمینه جهت‌گیری دینی صورت گرفته است، از نظر تبار آپورتی‌ها هستند (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۹) و دارای محدودیت‌هایی نظیر عدم وضوح در مورد آنچه که مقیاس‌ها اندازه‌گیری می‌کنند هستند، که این امر هم مانع درک نظری عمیق از ساختارهای موجود و هم مانع پیش‌بینی چگونگی توسعه و تغییر ساختارها در طول زمان می‌شود؛ همچنین محدودیت در بررسی جامع جهت‌گیری دینی را دربر می‌گیرد. علاوه بر این، مطالعاتی که بر پایه جهت‌گیری دینی آپورت انجام شده است، فقط نمونه‌های مذهبی را مورد بررسی قرار داده است (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۹) و برای افراد غیرمذهبی دارای محدودیت است. از آنجایی که مدل چرخشی تعهد - تأمل دارای معیارهایی است که قابلیت بررسی نمونه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد؛ لذا پیش‌بینی می‌شود استفاده از این مدل موجب رفع کاستی‌های پژوهش‌های پیشین باشد؛ همچنین علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده در سایر متغیرهای پژوهش، در مورد نحوه و میزان تأثیر متغیرهای میانجی همچنان خلاً پژوهشی وجود دارد. علاوه بر اینکه مدل جهت‌گیری دینی چرخشی یک مدل نوین است و لازم است با متغیرهای دیگر مورد آزمایش و بررسی قرار گیرد. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا می‌توان جهت‌گیری دینی چرخشی دانشجویان را بر اساس الگوی ارتباطات خانواده و نقش میانجیگر کمال‌گرایی پیش‌بینی کرد؟

## روش پژوهش

این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی است که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات آن از روش مدل‌بایی معادلات ساختاری<sup>۲</sup> استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر تهران در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تشکیل دادند که از میان آنها ۳۸۸ نفر به صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای

1. Lueke

2. Structural equation modeling (SEM)

به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از نظر گاداگنولی ویسر<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) که پیشنهاد می‌کند در پژوهش با رویکرد الگویابی و تحلیل مسیر نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ تا ۴۵۰ نفر ضروری است، مشخص شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه و داوطلبانه جهت شرکت در پژوهش و دانشجوی دانشگاه فرهنگیان شهر تهران و ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت‌اند از: عدم تمایل به شرکت در پژوهش و بی‌دقیقی در پاسخ دادن به سوالات بود. علاوه بر راهنمایی‌های لازم که در دستورالعمل پرسشنامه‌ها ارائه شده، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات تنها در راستای اهداف مطالعه و بدون ذکر مشخصات هویتی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. پس از توضیح اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از افراد، جهت گردآوری داده‌های موردنظر از پرسشنامه کمال‌گرایی، پرسشنامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده و پرسشنامه جهت‌گیری دینی چرخشی استفاده شد.

### ابزارهای پژوهش

**پرسشنامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده<sup>۲</sup>:** پرسشنامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده در سال ۲۰۰۲ توسط کوئنر و فیتزپاتریک ساخته شده و دارای ۲۶ آیتم پنج‌گزینه‌ای از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱)، در زمینه ارتباطات خانوادگی است. این ابزار جهت‌گیری گفت‌وشنود و جهت‌گیری همنوایی خانواده را که به ترتیب ۱۵ گزاره اول و ۱۱ گزاره بعدی را تشکیل می‌دهند، مورد سنجش قرار می‌دهد. دامنه نمرات در بعد جهت‌گیری گفت‌وشنود بین ۷۵-۱۵ می‌باشد. نمرة بالاتر به معنای جهت‌گیری گفت‌وشنود در خانواده و نمرة پایین به معنای جهت‌گیری گفت‌وشنود پایین در خانواده است، دامنه نمرات در بعد جهت‌گیری همنوایی بین ۱۱-۵۵ می‌باشد. نمرة بالاتر به معنای جهت‌گیری همنوایی در خانواده و نمرة پایین به معنای جهت‌گیری همنوایی پایین در خانواده است. کوئنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) اعتبار مقیاس را ۸۹/۰ برای بعد گفت‌وشنود و ۷۹/۰ برای بعد همنوایی گزارش کردند. کوروش‌نیا (۱۳۸۹) برای بعد گفت‌وشنود آلفای ۸۷/۰ و برای بعد همنوایی آلفای ۸۱/۰ گزارش داد؛ همچنین کوئنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) این پرسشنامه را دارای روایی مطلوب از هر سه دیدگاه محتوایی، ملاکی و سازه می‌دانند. کوروش‌نیا (۱۳۸۹) با استفاده از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی، روایی مطلوبی برای این ابزار گزارش نموده است، ولی ارزش ویژه دو عامل گفت‌وشنود و همنوایی را در تحلیل عاملی به ترتیب ۶/۴۸ و ۳/۲۶ گزارش نمود که ۳۷/۴۳٪ واریانس مقیاس را ارزیابی می‌نمود. ضریب همبستگی ابعاد با نمرة کل نیز به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۴۴ بودند.

1. Guadagnoli & Velicer

2. family communication patterns instrument (RFCP)

**پرسشنامه جهت‌گیری دینی چرخشی<sup>۱</sup>:** پرسشنامه جهت‌گیری دینی چرخشی توسط کراوس و هود در سال ۲۰۱۳ ساخته شد. دارای ۶۳ سؤال می‌باشد و در طیف پنج گزینه‌ای از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱)، نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای ۱۰ مقیاس می‌باشد که در چهار ربع جدایانه اندازه‌گیری می‌شود. ربع متعدد - تأمل گر (جهت‌گیری علاقه ۶ سؤال)، ربع متعدد - غیرتأمل گر جهت‌گیری فردیت (۶ سؤال)، مرکزیت (۶ سؤال)، سود (۶ سؤال)، مجازات (۶ سؤال)، ربع غیرمتعدد - تأمل گر جهت‌گیری شک (۷ سؤال)، تردید (۶ سؤال) و گفت‌وگو (۶ سؤال) می‌باشد. ربع غیرمتعدد - غیرتأمل گر جهت‌گیری اجتماعی (۶ سؤال) و الزام (۸ سؤال). کراس و هود (۲۰۱۳)<sup>۲</sup> پایایی درونی مقیاس را بر مبنای میانگین چهار گروه نمونه امریکایی بین ۰/۷۲ (سود) و ۰/۹۱ (مرکزیت) گزارش کردند. ایساک و همکارانش (۲۰۱۷)<sup>۳</sup> در نمونه‌ای معرف از جامعه ایالات متحده میانگین ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۵ به دست آوردند. دامنه ضرایب آلفای ده مقیاس بین ۰/۷۶ (سود) و ۰/۹۵ (مرکزیت) گزارش شد. آقابابائی و همکاران (۲۰۱۹)<sup>۴</sup> ضرایب آلفای کرونباخ خردۀ مقیاس‌های نسخه فارسی این پرسشنامه را به ترتیب مرکزیت (۰/۸۷)، فردیت (۰/۸۰)، سود (۰/۸۲)، مجازات (۰/۷۸)، اجتماعی (۰/۸۵)، الزام (۰/۸۲)، شک (۰/۷۴)، تردید (۰/۶۳)، گفت‌وگو (۰/۰/۷۸)، علاقه (۰/۰/۷۸) محاسبه شد؛ همچنین پرسشنامه جهت‌گیری دینی چرخشی دارای روابی واگرا و هم‌گرایی خوبی با دیگر مقیاس‌ها و ابزار تأییدشده جهت‌گیری دینی و دین‌داری مسلمانان است (نجیبزاده و همکاران، ۱۳۹۸).

**مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران<sup>۵</sup>:** مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران توسط بشارت در سال ۱۳۸۶ ساخته شد. دارای ۳۰ سؤال است که سه بعد کمال‌گرایی خودمدار،<sup>۶</sup> کمال‌گرایی دیگرمدار<sup>۷</sup> و کمال‌گرایی جامعه‌دار،<sup>۸</sup> در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱). حداقل و حداکثر نمرة آزمودنی در زیرمقیاس‌های سه‌گانه آزمون به ترتیب ۱۰ و ۵۰ می‌باشد؛ همچنین حداکثر نمرة ممکن در این مقیاس ۱۵۰ و حداقل نمرة ۳۰ می‌باشد. نمرة بالاتر به معنای کمال‌گرایی بالاتر و نمرة کمتر به معنای کمال‌گرایی پایین‌تر است. کمال‌گرایی خودمدار دارای ۱۵ گویه، کمال‌گرایی دیگرمدار دارای ۱۱ گویه، کمال‌گرایی جامعه‌دار دارای ۴ گویه می‌باشد.

- 
1. circumplex religious orientation inventory (CROI)
  2. tehran multidimensional perfectionism questionnaire
  3. self-oriented perfectionism
  4. other-oriented perfectionism
  5. socially prescribed perfectionism

مقیاس‌هایی که از آنها برای ساخت مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران استفاده شد عبارت بودند از: «مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی فراتست<sup>۱</sup> و همکاران»، «مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی هویت<sup>۲</sup> و فلت<sup>۳</sup>»، «مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی تری - شورت<sup>۴</sup> و همکاران» و مواردی از زیرمقیاس‌های پرسشنامه‌های دیگر، مخصوصاً پرسشنامه‌های سنجش اختلال‌های خوردن. بشارت (۱۳۸۶) اعتبار محتوایی مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران را با استفاده از ضرایب توافق کنдал برای ابعاد کمال‌گرایی خودمدار ( $0/80$ )، کمال‌گرایی دیگرمدار ( $0/72$ ) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار ( $0/69$ ) محاسبه و ضریب بازآزمایی همبستگی بین نمره‌های ۷۸ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته را برای مؤلفه کمال‌گرایی خودمدار ( $0/85$ )<sup>۵</sup> برای کمال‌گرایی دیگرمدار ( $0/79$ )<sup>۶</sup> و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ( $0/84$ )<sup>۷</sup> به دست آورده است؛ همچنین همسانی درونی مقیاس کمال‌گرایی تهران را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمودنی‌ها ( $n=500$ ) برای مؤلفه‌های کمال‌گرایی خودمدار ( $0/90$ )، کمال‌گرایی دیگرمدار ( $0/91$ ) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار ( $0/81$ ) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی رضایت‌بخشی دارد.

داده‌های پژوهش حاضر پس از توصیف اولیه و بررسی مفروضه‌ها با استفاده از نسخه ۲۲ نرمافزار لیزرل و مدل‌بایی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۳۸۸ دانشجو (۲۹۵ زن) با میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب  $\pm 22/24$  سال شرکت کردند. از بین شرکت‌کنندگان ۴۴ نفر ( $11/3$  درصد) در رشته زبان‌های خارجه، ۱۹۴ نفر ( $50$  درصد) در رشته‌های علوم تربیتی، ۱۹ نفر ( $4/9$  درصد) در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، ۶۹ نفر ( $17/8$  درصد) در رشته ادبیات فارسی، ۲۹ نفر ( $7/5$  درصد) در رشته الهیات، ۱۷ نفر ( $4/4$  درصد) در رشته‌های فنی - مهندسی و ۱۰ نفر ( $2/6$  درصد) در سایر رشته‌ها مشغول به تحصیل بودند. گفتنی است که ۴ نفر از شرکت‌کنندگان رشته تحصیلی خود را تعیین ننمودند. جدول ۱ علاوه بر میانگین و انحراف استاندارد، مقادیر چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل، عامل تورم واریانس و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Frost
2. Hewitt
3. Flett
4. Terry-short

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل،  
عامل تورم واریانس و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیقی	۱. الگوی ارتباطات - گفتگوشوند	۲. الگوی ارتباطات - خدمه‌نایی	۳. کمال‌گرایی - خودمحور	۴. کمال‌گرایی - دیگر محور	۵. کمال‌گرایی - جامعه محور	۶. مذهب مشهد - تأمل گر	۷. مذهب مشهد - غیرتأمل گر - مرکزیت
۱	-	-	-۰/۰۵***	-۰/۰۲***	-۰/۰۲۷***	-۰/۰۴***	-۰/۰۷***
۲	-	-۰/۰۸	-۰/۰۲۳***	-۰/۰۲۴***	-۰/۰۳۱***	-۰/۰۳۱***	-
۳	-	-	-۰/۰۳۹***	-۰/۰۳۹***	-۰/۰۳۳***	-۰/۰۳۱***	-
۴	-	-	-۰/۰۳۹***	-۰/۰۳۹***	-۰/۰۳۳***	-۰/۰۳۱***	-
۵	-	-	-۰/۰۴۶***	-۰/۰۴۶***	-۰/۰۴۳***	-۰/۰۴۱***	-
۶	-	-	-۰/۰۴۹***	-۰/۰۴۹***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-
۷	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۸	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۹	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۱۰	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۱۱	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۱۲	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۱۳	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۱۴	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-
۱۵	-	-	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۷***	-۰/۰۴۵***	-۰/۰۴۳***	-



• / • ፭ > P\* , • / • ፯ > P\*\*

جدول (۱) ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. جهت همبستگی بین متغیرها همسو با انتظار پژوهشگران و تئورهای حوزه پژوهش بود. جدول (۱) نشان می‌دهد ارزش‌های کشیدگی و چولگی هیچ‌یک از متغیرها از محدوده بین +۲ و -۲ خارج نشده است. این مطلب بیانگر آن است که توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از نرمال بودن تک متغیری انحراف آشکاری ندارند. همچنان که جدول (۱) نشان می‌دهد که مفروضه هم خطی بودن نیز در بین داده‌های پژوهش برقرار بود؛ زیرا که مقادیر ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس برای هریک از متغیرهای پیش‌بین بالاتر از ۱۰ نبود. در این تحقیق بهمنظور ارزیابی برقراری / عدم برقراری مفروضه نرمال بودن داده‌های چندمتغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلهنیاپس»<sup>۱</sup> استفاده شد. مقادیر توزیع

### 1. Mahalanobis distance

چولگی و کشیدگی نمرات مذبور به ترتیب برابر با ۵۱/۰ و ۲۸/۰ - به دست آمد. این یافته بیانگر برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چندمتغیری در بین داده‌هاست.

### تحلیل مدل

همچنان که در شکل (۱) ملاحظه می‌شود، در پژوهش حاضر کمال‌گرایی، جهت‌گیری مذهب متعدد - غیرتأمل‌گر، جهت‌گیری مذهب غیرمتعدد - تأمل‌گر و جهت‌گیری مذهب غیرمتعدد - غیرتأمل‌گر متغیرهای مکنون بودند. چنین فرض شده است که متغیر مکنون کمال‌گرایی بهوسیله نشانگرهای خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور، متغیر مکنون جهت‌گیری مذهب متعدد - غیرتأمل‌گر بهوسیله نشانگرهای مرکزیت، فردیت، سود و تنبیه، متغیر مکنون جهت‌گیری مذهب غیرمتعدد - تأمل‌گر بهوسیله نشانگرهای شک، تردید و گفت‌وگو و متغیر مکنون جهت‌گیری مذهب متعدد - غیرتأمل‌گر بهوسیله نشانگرهای اجتماعی و الزامات سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و با به کارگیری نسخه ۲۴ نرم‌افزار AMOS و استفاده از روش برآورد بیشینه احتمال<sup>۱</sup> (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول (۲) شاخص‌های برازنده مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری

نقطه برش <sup>۲</sup>	مدل ساختاری	مدل اندازه‌گیری		شاخص‌های برازنده <sup>۳</sup>
		مدل اصلاح شده	مدل اولیه	
۱۹۷/۱۲	۱۴۷/۵۸	۱۸۳/۳۶	۱۸۳/۳۶	مجذور کای <sup>۴</sup>
-	۷۷	۴۷	۴۸	درجه آزادی مدل
-	۲/۵۶	۳/۱۴	۳/۸۲	$\chi^2/df^*$
۳<	۰/۹۲۵	۰/۹۲۹	۰/۹۰۲	GFI <sup>۵</sup>
۰/۹۰>	۰/۸۷۲	۰/۸۷۶	۰/۸۵۵	AGFI <sup>۶</sup>
۰/۸۵>	۰/۹۳۸	۰/۹۲۳	۰/۸۹۰	CFI <sup>۷</sup>
۰/۹۰>	۰/۰۶۳	۰/۰۷۴	۰/۰۸۵	RMSEA <sup>۸</sup>

1. Maximum Likelihood

۲. نقاط برش بر اساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶)

3. Chi-Square

4. normed chi-square

5. Goodness Fit Index

6. Adjusted Goodness Fit Index

7. Comparative Fit Index

8. Root Mean Square Error of Approximation

جدول (۲) نشان می‌دهد که به استثنای شاخص برازنده‌گی CFI دیگر شاخص‌های برازنده‌گی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند. با توجه به اهمیت شاخص برازنده‌گی CFI در برازش مدل، با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو نشانگر فردیت و تنبیه مدل اندازه‌گیری اصلاح و همچنان که جدول (۲) نشان می‌دهد، با این عمل شاخص‌های برازنده‌گی قابل قبول برای مدل اندازه‌گیری به دست آمد. در مدل اندازه‌گیری بارهای عاملی همه نشانگرها بزرگ‌تر از  $\frac{32}{30}$  بود؛ بنابراین می‌توان گفت همه آنها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

در مدل ساختاری پژوهش فرض شده بود که الگوی ارتباطات خانواده هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی (معهد - تأمل‌گر، متعهد - غیرتأمل‌گر، غیرمعهد - تأمل‌گر و غیرمعهد - غیرتأمل‌گر) دانشجویان اثر دارد. برای آزمون مدل مزبور روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به کار گرفته شد. همچنان که جدول (۲) نشان می‌دهد همه شاخص‌های برازنده‌گی حاصل از تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری از برازش مدل ساختاری با داده‌های گردآوری شده حمایت نمودند. جدول (۳) ضرایب مسیر مستقیم بین متغیرها را در مدل ساختاری پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۳ ضرایب مسیر مستقیم در مدل ساختاری

ضرایب مسیر مستقیم	b	S.E	$\beta$	sig
الگوی ارتباطات - گفت و شنود $\leftarrow$ کمال‌گرایی	-0/081	0/030	-0/259	0/001
الگوی ارتباطات - گفت و شنود $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	0/002	0/010	0/031	0/028
الگوی ارتباطات - گفت و شنود $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - تأمل‌گر	-0/049	0/024	-0/182	0/039
الگوی ارتباطات - گفت و شنود $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	-0/069	0/021	-0/262	0/001
الگوی ارتباطات - گفت و شنود $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - تأمل‌گر	0/127	0/021	0/248	0/001
الگوی ارتباطات - گفت و شنود $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - تأمل‌گر	0/062	0/036	0/140	0/079
الگوی ارتباطات - همنوایی $\leftarrow$ کمال‌گرایی	0/017	0/017	0/160	0/011
الگوی ارتباطات - همنوایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	0/121	0/037	0/317	0/001
الگوی ارتباطات - همنوایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - تأمل‌گر	0/121	0/037	0/288	0/001
الگوی ارتباطات - همنوایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	-0/001	0/030	-0/002	0/1890
کمال‌گرایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	0/027	0/043	0/110	0/126
کمال‌گرایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - تأمل‌گر	-0/281	0/091	-0/324	0/001
کمال‌گرایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	0/389	0/103	0/464	0/001
کمال‌گرایی $\leftarrow$ مذهب غیرمعهد - غیرتأمل‌گر	-0/309	0/083	-0/265	0/001

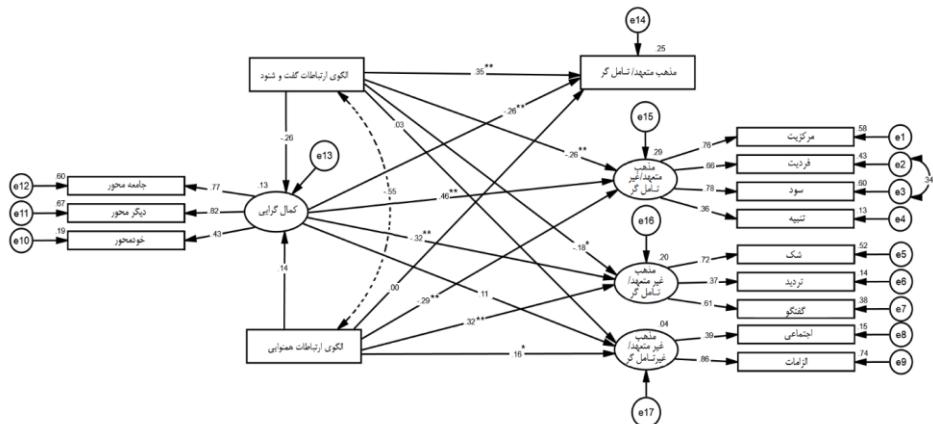
جدول (۳) نشان می‌دهد که اثر مستقیم الگوی گفت‌وشنود ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی غیرمتعدد - تأمل گر ( $\beta=-0.182$ ,  $p<0.05$ ) و متعدد - غیرتأمل گر ( $\beta=0.262$ ,  $p<0.01$ ) منفی و بر جهت‌گیری دینی متعدد - تأمل گر ( $\beta=0.348$ ,  $p<0.01$ ) مثبت و معنادار است. جدول (۳) نشان می‌دهد که اثر مستقیم الگوی همنوایی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی غیرمتعدد - غیرتأمل گر ( $\beta=0.317$ ,  $p<0.01$ ) مثبت و بر متعدد - غیرتأمل گر ( $\beta=-0.288$ ,  $p<0.01$ ) منفی و معنادار است.

در این پژوهش به منظور ارزیابی نقش میانجیگر کمال‌گرایی در تبیین اثر الگوی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی از روش بوت استراپ استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: اثر غیرمستقیم متغیرهای الگوی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی از طریق کمال‌گرایی با استفاده از روش بوت استراپ

$p$	$\beta_{ab}$	SE <sub>ab</sub>	bab	متغیرهای پیش‌بین
.125	-.028	.004	-.002	الگوی ارتباطات گفت‌وشنود <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب غیرمتعدد - غیرتأمل گر
.032	.084	.013	.023	الگوی ارتباطات گفت‌وشنود <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب غیرمتعدد - تأمل گر
.001	-.120	.013	-.032	الگوی ارتباطات گفت‌وشنود <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب متعدد - غیرتأمل گر
.001	.069	.010	.025	الگوی ارتباطات گفت‌وشنود <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب متعدد - تأمل گر
.139	.015	.004	.002	الگوی ارتباطات همنوایی <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب غیرمتعدد - غیرتأمل گر
.108	-.045	.014	-.017	الگوی ارتباطات همنوایی <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب غیرمتعدد - تأمل گر
.021	.065	.011	.024	الگوی ارتباطات همنوایی <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب متعدد - غیرتأمل گر
.080	-.037	.012	-.019	الگوی ارتباطات همنوایی <sup>a</sup> ← کمال‌گرایی <sup>b</sup> ← مذهب متعدد - تأمل گر

جدول (۴) نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم الگوی گفت‌وشنود ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی متعدد - غیرتأمل گر ( $\beta=-0.120$ ,  $p<0.05$ ) منفی و بر جهت‌گیری غیرمتعدد - تأمل گر ( $\beta=0.084$ ,  $p<0.05$ ) و متعدد - تأمل گر ( $\beta=0.069$ ,  $p<0.01$ ) مثبت و معنادار است؛ همچنین جدول (۴) نشان می‌دهد که ضریب مسیر غیرمستقیم الگوی همنوایی ارتباطات خانواده تنها بر جهت‌گیری دینی چرخشی متعدد - غیرتأمل گر ( $\beta=0.065$ ,  $p<0.01$ ) مثبت و معنادار است. در ادامه شکل (۱) مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل ساختاری پژوهش با استفاده از داده‌های استاندارد

شکل (۱) نشان می‌دهد که مجموع مجدور همبستگی‌های چندگانه برای متغیرهای جهت‌گیری دینی چرخشی متعهد - تأمل‌گر، متعهد - غیرتأمل‌گر، غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر به ترتیب برابر با  $.0/25$ ،  $.0/20$ ،  $.0/20$  و  $.0/04$  به دست آمد. این یافته بیانگر آن است که متغیرهای الگوی ارتباطات خانواده و کمال‌گرایی در مجموع ۲۵ درصد، ۲۰ درصد و ۴ درصد از واریانس جهت‌گیری دینی چرخشی متعهد - تأمل‌گر، متعهد - غیرتأمل‌گر، غیرمتعهد - تأمل‌گر، غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر را تبیین می‌کنند.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطات خانواده هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی دانشجویان تأثیر دارند؛ همچنین نتایج نشان داد که اثر مستقیم الگوی گفت‌وشنود ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی (غیرمتعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - غیرتأمل‌گر) منفی و بر جهت‌گیری دینی (متعهد - تأمل‌گر) مثبت و معنادار است و نیز اثر مستقیم الگوی همنوایی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی (غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر) و (غیرمتعهد - تأمل‌گر) مثبت و بر (متعهد - غیرتأمل‌گر) منفی و معنادار است. نتایج پژوهش‌های دولاهیت و همکاران (۲۰۱۸)، برادشاو (۲۰۲۱)، اخوان (۲۰۱۹)، پترو و همکاران (۲۰۱۸)، کروک (۲۰۱۸)، فایف و همکاران (۲۰۱۴)، کوروش‌نیا و همکاران (۱۳۸۹)، فولاد چنگ و قدومی‌زاده (۱۳۹۴)، قدومی‌زاده و فولاد چنگ (۱۳۹۴) و رضائیان و توتوچی (۱۳۹۸) به صورت تلویحی از این یافته پژوهشی حمایت می‌کنند؛ همچنین نتایج نشان دادند اثر غیرمستقیم الگوی گفت‌وشنود ارتباطات

خانواده از طریق کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) منفی و بر جهت‌گیری (غیرمتعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - تأمل‌گر) مثبت و معنادار است؛ همچنین مسیر غیرمستقیم الگوی همنوایی ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی تنها بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) مثبت و معنادار است. به این معنا است که الگوی گفت‌و‌شنود ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی به صورت منفی جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در مقابل جهت‌گیری (غیرمتعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - تأمل‌گر) را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همچنین الگوی همنوایی ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد که نتایج پژوهش‌های راسموسن و تریلو (۲۰۱۶)، ویت و ترول (۱۹۹۹)، وانگ و همکاران (۲۰۱۸)، والتون و همکاران (۲۰۲۰)، کارمو و همکاران (۲۰۲۱)، آدامز (۲۰۱۸)، فایف و همکاران (۲۰۱۴)، هاشمی و لطیفیان (۱۳۹۱)، اشیای و هافمن (۱۹۹۹)، آدامز (۲۰۱۸)، جنوانی و ادیتیا (۲۰۲۱)، آقابابائی و لوک (۲۰۲۳) و شیرچی و همکاران (۱۳۹۸) به صورت تلویحی از این یافته پژوهشی حمایت می‌کنند.

در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان گفت در خانواده‌هایی که الگوی ارتباطی گفت‌و‌شنود وجود دارد، جهت‌گیری دینی چرخشی بیشتر از نوع متعهد - تأمل‌گر است. ویژگی بارز این جهت‌گیری مقیاس علاوه است، در واقع علاقه چیزی است که افراد را به جست‌وجوی چالش‌های خاص سوق می‌دهد (به نقل از: کراوس و هود، ۲۰۱۳). در چنین خانواده‌هایی اعضای یکدیگر را به همکاری و تعامل در رابطه با موضوعات تشویق می‌کنند. هریک از اعضای خانواده فعالیت‌ها، تفکرات و احساسات خود را با دیگران در میان می‌گذارند و با همفکری هم تصمیمات مربوط به خانواده را اتخاذ می‌کنند (کرنز و شرودت، ۲۰۱۴). همین امر موجب می‌گردد اعضای خانواده به صورت آزادانه گفت‌و‌گو و ارتباط برقرار کنند (به نقل از: کامپتون و کریک، ۲۰۱۹). از آنجایی که مقیاس علاقه با سلامت روان ضعیف ارتباط ندارد؛ لذا این مقیاس بیشتر با ثبات عاطفی، سخت‌کوشی، محافظه‌کاری فرهنگی و ایدئولوژی‌های انسان‌گرایانه و دموکراتیک مرتبط است، و به نظر می‌رسد ویژگی‌های انطباقی هر دو جهت‌گیری متعهد و جهت‌گیری تأملی را داراست (کراوس و هود، ۲۰۱۳)؛ همچنین مبنی بر نتایج این پژوهش بین الگوی ارتباطی گفت‌و‌شنود خانواده و جهت‌گیری متعهد - تأمل‌گر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت در خانواده‌هایی که ارتباطات خانواده باز و نامحدود است و به کفایت ارتباطی فرزندان اهمیت داده می‌شود، والدین به پذیرش باورها و اعتقادات فرزندان خود گرایش داشته و به آنها اجازه می‌دهند به طور برابر در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی شرکت کنند (به نقل از: بوستویک و جانسون، ۲۰۱۸).

در این خانواده‌ها فرزندان یاد می‌گیرند به گفت‌و‌گوهای خانوادگی و دیدگاه‌های والدین احترام بگذارند؛ همچنین می‌آموزند که مستقل و خودمختار باشند. این یادگیری‌ها باعث می‌شود آنها در ارتباطات خود کفایت و کارایی را به دست آورند و نسبت به توانایی تصمیم‌گیری خود اعتماد پیدا کنند (به نقل از: بیطرف و همکاران، ۱۳۸۹). در این خانواده‌ها نوعی از کمال‌گرایی پرورش می‌یابد که فرزندان پاداش‌هایی نظری تأیید موققیت شخصی و عزت نفس بالا به دست می‌آورند و بیشتر از اینکه به داشتن معیارهای دست‌نیافتنی تمایل داشته باشند، به معیارهای واقع‌بینانه تمایل نشان می‌دهند. کمال‌گرایی در این افراد به این صورت است که برای پیشرفت بسیار می‌کوشند و در مواجهه با شکست رفتارهای انطباقی نشان می‌دهند؛ مانند تعییر در معیارهای خود و مجدانه و سخت‌تر کار کردن بیشتر (برگمن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). در چنین خانواده‌هایی فرزندان از یادگیری، خواندن و صحبت در مورد دین و مفاهیم دینی لذت می‌برند و برای رویارویی با پرسش‌های وجودی آمادگی دارند (کراوس و هود، ۲۰۱۳). ازانجایی که الگوی ارتباطی گفت‌و‌شوند ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متهد - غیرتأمل گر) به صورت منفی و بر جهت‌گیری (غیرمتهد - تأمل گر) و (متهد - تأمل گر) به صورت مثبت تأثیر می‌گذارد، می‌توان گفت در خانواده‌هایی که ارتباطات خانواده باز و نامحدود است، داشتن مهارت ارتباطی و عقاید مستقل در فرزندان پرورش پیدا می‌کند (کونر و فیترپاتریک، ۲۰۰۲). در چنین خانواده‌هایی کمال‌گرایی فرزندان به این صورت شکل می‌گیرد که افراد معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به جای اینکه رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برایشان مهم باشد، نفس تلاش برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. در واقع این افراد از کار و تلاش زیاد لذت می‌برند و وقتی در انجام دادن و یا ندادن کاری آزاد هستند، سعی می‌کنند آن را به بهترین نحو ممکن انجام دهند. این نوع کمال‌گرایی نه تنها موجب مشکلی نمی‌شود؛ بلکه باعث می‌شود فرد استعدادهای خویش را شکوفا سازد و به احساس رضایت شخصی بالایی دست یابد. آنها به هنگام پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری بیش از هر چیز تحت تأثیر پیام‌هایی قرار می‌گیرند که مبنای بحث منطقی دارند؛ درنتیجه در این خانواده‌ها فرزندان دچار تردیدها و عدم قطعیت در مورد دین نمی‌شوند و از تعهد مذهبی نسبتاً بالایی برخوردارند. در چنین خانواده‌هایی فرزندان، سلامت روانی نسبتاً بالایی دارند. هرچند نسبت به تجربه کردن گشودگی کمتری دارند؛ اما بهره‌وری بیشتری خواهند داشت. این چنین فرزندان از اطمینان بیشتری نسبت به اعتقادات دینی خویش برخوردارند (کراوس و هود، ۲۰۱۳). منطبق با پژوهش کوروش‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) و قدومی‌زاده و فولاد چنگ (۱۳۹۴) می‌توان گفت اگر فضای خانواده به‌گونه‌ای باشد که فرزندان به گفت‌و‌گو در زمینه‌های مختلف تشویق

شوند و افکار، احساسات و فعالیت‌های خود را با اعضای خانواده در میان بگذارند، و در یک فضای امن بتوانند عقاید خود را هرچند متناقض با خانواده در میان بگذارند (به نقل از: بیطرف و همکاران، ۱۳۸۹)، و نگران سرزنش و طرد شدن از سمت والدین نباشند و مهم‌تر از همه به بررسی عقاید با در نظر گرفتن جوانب مثبت و منفی آنها تشویق شوند، در این صورت است که می‌توانند با آسودگی خاطر افکار خود را در هر زمینه‌ای حتی در خصوص شناخت دین در میان بگذارد و به دنبال کشف حقیقت باشند تا دین اصیل را بشناسند. افراد در چنین خانواده‌هایی رویکردهایان به دین بر اساس کسب سود و یا پرهیز از مجازات نیست (کراوس و هود، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد این نتایج از ادعای تیمپ<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) حمایت می‌کند که دین داری ممکن است با ابعاد مثبت کمال‌گرایی مرتبط باشد. یافتهٔ پژوهشی مبنی بر اینکه افراد با جهت‌گیری دینی سطوح بالاتری از کمال‌گرایی انطباقی دارند (به نقل از: اشبای و هافمن، ۱۹۹۹)، با یافتهٔ مطالعهٔ حاضر همسو می‌باشد. علاوه بر این، نتایج این پژوهش نتایج مین و ریدلی<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) و هایز و استیتز<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) را در مورد نوعی از کمال‌گرایی که ناشی از دین داری ناکارآمد و مخرب است را تأیید نمی‌کند؛ بلکه به نظر می‌رسد یکی از راههایی که به عزت نفس و خودکارآمدی بیشتر کمک می‌کند، کمال‌گرایی از نوع انطباقی است (به نقل از: اشبای و هافمن، ۱۹۹۹).

همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، الگوی همنوایی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی غیرمتعدد - غیرتأمل‌گر (اجتماعی و الزام) و غیرمتعدد - تأمل‌گر (شک، تردید، گفت‌و‌گو) مثبت و بر متعدد - غیرتأمل‌گر (فردیت، مرکزیت، سود و مجازات) منفی و معنادار است. می‌توان گفت در خانواده‌هایی که الگوی ارتباط همنوایی وجود دارد، اعضای خانواده برای روابط درون خانواده در مقایسه با روابط بیرون از خانواده اهمیت بیشتری قائل هستند و اعضای خانواده از یکدیگر انتظار دارند تا نسبت به علایق اعضای اصلی خانواده، علایق خود را در درجهٔ دوم اهمیت قرار دهند. در این خانواده‌ها از والدین انتظار می‌رود که برای کل اعضای خانواده تصمیم بگیرند و از فرزندان انتظار می‌رود که مطابق با خواسته‌های والدین رفتار کنند (کرنز و شرودت، ۲۰۱۴). در چنین خانواده‌هایی بستر مناسب برای رشد کمال‌گرایی فراهم می‌شود، به‌طوری که در خانواده‌ها با الگوی ارتباطی همنوایی قاعدهٔ رعایت بی‌قید و شرط انتظارات و استانداردهای والدین پابرجاست و احساس ارزشمندی در فرزندان غالب وابسته به تأیید والدین است، و اگر عملکرد ناکامل فرزندان با انتقاد والدین رویه‌رو شود، ممکن است آنها از اشتباه کردن بترسند (به نقل از: کاومورا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین در این خانواده‌ها فرزندان برای

1. Timpe

2. Mebaneb & Ridley

3. Heise & Steitz

4. Kawamura

به دست آوردن پذیرش و تأیید والدین خود مجبور به رعایت استانداردهای والدین شده، این استانداردها را درونی کرده و در عمل مطابق با آنها رفتار می‌نمایند. علاوه بر این، انتقادات والدین را درونی کرده و خود اتفاق‌گری را در خود پرورش می‌دهند (به نقل از: کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲). در واقع افراد با سبک ارتباطی گفت‌وشنود از مسیر کمال‌گرایی به منابع و اهداف کامل معنوی و مذهبی می‌پردازد و تلاش‌شان به منظور تحقق کمالات معنوی و مذهبی و تأمین و تقویت آنهاست. ترکیب کمال‌گرایی و سبک ارتباطی گفت‌وشنود می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی را در فرد افزایش دهد. در این راستا می‌توان به پژوهش آقابابائی و همکاران (۲۰۲۳) مبنی بر اینکه جهت‌گیری‌های متعهد به‌طورکلی با بهزیستی ذهنی و روان‌شناختی رابطه مثبت دارند؛ در حالی که جهت‌گیری‌های غیرمتعهد به‌طورکلی با این جنبه‌های بهزیستی رابطه منفی دارند، اشاره کرد. مطابق با یافته‌های پژوهشی بشارت و همکاران (۱۴۰۰) و ریچادسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، الگوی ارتباطی گفت‌وشنود به‌واسطه کمال‌گرایی وارد فرایند معناده‌ی به زندگی و هستی، ارزشمندسازی زندگی و هدفمند کردن زندگی می‌شوند که موجب تقویت بهزیستی روان‌شناختی و عواطف مثبت فرد می‌شود، که این امر در نهایت منجر به جهت‌گیری دینی چرخشی غیرمتعهد – غیرتأمل‌گر (اجتماعی و الزام) و غیرمتعهد – تأمل‌گر (شک، تردید، گفت‌وگو) می‌شود.

این تبیین همسو با نظریه هماچک<sup>۲</sup> (۱۹۷۸)، به نقل از: بشارت، (۱۳۹۰) است که فرض می‌کند کمال‌گرایی سازش‌نایافته در فرزندانی به وجود می‌آید که خانواده آنها انتظارات بالایی دارند و هرگز از کارکرد فرزندان خود راضی نمی‌شوند (به نقل از: انس<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۲) و محیط‌های هیجانی تأیید مثبت مشروط را بستر مناسبی برای رشد کمال‌گرایی نوروتیک می‌دانند (هماچک، ۱۹۷۸، به نقل از: اشی و همکاران، ۲۰۰۵). در محیطی که تأیید مثبت مشروط وجود دارد، تأیید بیرونی فقط وقتی ارائه می‌شود که شرایط معینی وجود داشته باشد. در چنین محیطی به‌جای اینکه به فرد بها داده شود، به عمل او به‌ها داده می‌شود؛ بنابراین فرد در این محیط‌ها به این دلیل که دائمًا با ایجاد استانداردهای بالای غیرواقعی برای پیشرفت و عمل در جستجوی تأیید و پذیرش است، در چرخه بی‌پایانی از سعی، ناکامی و شکست درگیر می‌شود (هماچک، ۱۹۷۸، به نقل از: شالر،<sup>۴</sup> ۱۹۹۹). در چنین خانواده‌هایی اعضای خانواده به همنوایی خشک یا غیرقابل‌اعطاف با هنجارهای خانواده یا کنار آمدن با دیگران تشویق می‌شوند و بهندرت در معرض اطلاعاتی که اختلاف‌برانگیز باشند قرار می‌گیرند. والدین این خانواده‌ها معتقدند که خودشان باید برای خانواده و فرزندانشان تصمیم‌گیری کنند و دلیلی ندارد که برای

1. Richardson

2. Hamachek

3. Enns

4. Schuler

تصمیمات خود به فرزندانشان توضیح بدهند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)؛ درنتیجه فرزندان یاد می‌گیرند که گفت‌وشنود در خانواده کم‌ارزش است و نسبت به توانایی تصمیم‌گیری خود بی‌اعتماد می‌شوند و تصمیمات والدین را اجرا می‌کنند (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴). این سبک ارتباطی خانواده، موجب رشد کمال‌گرایی از نوع خودمحور می‌شود، به صورتی که فرد عادت به خودانتقادگری و تحمل خواسته‌های سخت‌گیرانه بر خود را خواهد داشت و از سوی دیگر نمودهای کمال‌گرایی دیگرمحور به‌گونه‌ای خود را نشان می‌دهد که فرد در آن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران دارد. به عبارت دیگر، در سبک ارتباطی همنوایی که تسهیل‌گر کمال‌گرایی از نوع دیگرمحور است، گرایش به داشتن انتظارات کمال‌گرایانه از اشخاصی که برای فرد اهمیت دارند؛ مثل انتظارات کمال‌گرایانه والدین از فرزندان مشهود است. در این بافتار افراد استانداردهای بالا و گاه غیرواقع‌بینانه‌ای برای دیگران در نظر می‌گیرند. طبق نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت سبک ارتباطی همنوایی از طریق کمال‌گرایی (خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور) موجب به وجود آمدن جهت‌گیری مذهبی خاصی می‌شود. به عبارت دیگر، افراد با سبک ارتباطی همنوایی در خانواده و داشتن ویژگی کمال‌گرایی موجب اتخاذ جهت‌گیری دینی غیرمعهدهد - تأمل‌گر و متعهد - غیرتأمل‌گر می‌شوند (کراوس و هود، ۲۰۱۳). به بیان دیگر الگوی ارتباطی همنوایی خانواده و کمال‌گرایی افراطی و غیرانطباقی می‌تواند با هدایت بیشتر، بحث و تبادل نظرها به سمت همنوایی فرزندان با عقاید و ارزش‌های مذهبی والدین از کارکرد الگوی ارتباطی گفت‌وشنود خانواده را بکاهد (به نقل از: بیطوف و همکاران، ۱۳۸۹). در چنین شرایطی والدین دلایل خود را برای داشتن عقاید و باورهای مذهبی بیان می‌کنند و خواستار پیروی فرزندان خود از این عقاید و ارزش‌ها می‌شوند. در چنین خانواده‌هایی بستر رشد کمال‌گرایی غیرانطباقی بسیار فراهم می‌شود، به طوری که فرزندان عمیقاً به این باور می‌رسند که باید تقاضاهای کمال‌گرایانه را پذیرفته و این تقاضاهای را مناسب و درخور خود دانسته و باید آنها را رعایت کنند. نکته قابل توجه این است که این نوع تقاضاهایی که فرد ادراک می‌کند، از طرف محیط بر او تحمل می‌شوند (به نقل از: بیطوف و همکاران، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، در این الگو محتوای بیشتر گفت‌وشنودها را تحمل عقاید والدین تشکیل می‌دهد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)، و این اتفاق موجب می‌شود فرزندانی که دارای والدین با جهت‌گیری همنوایی هستند، دارای جهت‌گیری دینی غیرمعهدهد - غیرتأمل‌گر و غیرمعهدهد - تأمل‌گر باشند. به طور کلی از آنجایی که رسیدن به جهت‌گیری دینی مبتنی بر علاقه که نیازمند سطحی از فردیت است، به نظر می‌رسد در خانواده‌ها الگوی ارتباطی همنوایی و کمال‌گرایی‌های از نوع غیرانطباقی که مبتنی بر محوریت خود، دیگری و جامعه هستند، اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه در چنین خانواده‌هایی جهت‌گیری‌های دینی به منظور جلب تأیید و همنوایی با خانواده انجام می‌گیرد (کراوس و هود، ۲۰۱۳).

پژوهش حاضر از محدودیت‌های نیز برخوردار بود. از آنجایی که این مطالعه در شهر تهران انجام شده است در تعییم نتایج آن باید احتیاط به عمل آورد؛ همچنین این مطالعه بر روی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام شده است؛ بنابراین تعییم نتایج بر روی سایر گروه‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر، عدم در نظر گرفتن متغیرهای تعدیل‌کننده از قبیل طبقه اقتصادی و اجتماعی و سطح تحصیلات بود. علاوه بر اینها از آنجایی که مدل جهت‌گیری دینی چرخشی یک مدل نوین در این حوزه است؛ لذا پژوهشگر با محدودیت منابع پژوهشی مواجه بود. برای تعییم بیشتر این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در دیگر شهرها و سایر جوامع نیز تکرار شود. در پژوهش‌های آتی، اثر متغیرهای مداخله‌گر (مانند سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی افراد) و متغیرهای میانجی مانند توانمندی‌های منش نیز بررسی شود؛ همچنین بهتر است در پژوهش‌های آتی از مطالعات کیفی برای بررسی عمیق‌تر جهت‌گیری دینی و عوامل مؤثر در آن استفاده شود و یا همین متغیرها بین دو جنس دختران و پسران، و یا بین افراد متدین و غیرمتدین و خدااور و غیرخدااور به صورت مقایسه‌ای انجام شود.

## منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۶). ساخت و اعتباریابی مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران. *پژوهش‌های روان‌شناسی*، ۱۹، ۴۹۶۷.
- بشارت، م. ع.؛ حسینی، س. ا. و نقی‌بور، م. (۱۴۰۰). تأثیر کمال‌گرایی معنوی / مذهبی بر شاخص‌های سلامت روانی و ابعاد کمال‌گرایی غیرمعنوی / غیرمذهبی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱(۲۲)، ۱۵۵-۱۶۷.
- بشارت، م. ع.؛ عزیزی، ک. و پورشریفی، ح. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. *خانواده‌پژوهی*، ۲(۷)، ۱۴۰-۱۴۶.
- بیطراف، ش.؛ شعیری، م. ر. و حکیم جوادی، م. (۱۳۸۹). هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲(۵)، ۸۲-۷۵.
- رضائیان، ح. و توتوچی، ب. (۱۳۹۸). پیش‌بینی هویت دینی فرزندان بر اساس الگوهای تعاملی خانواده، دین داری والدین و تفکر انتقادی نوجوان. *مطالعات زن و خانواده*، ۷(۳)، ۱۰۹-۱۲۸.
- شیرچی، ر.؛ رضاییان بیلنی، ح. و مصلحی، ج. (۱۳۹۸). نقش پیوند والدینی و عزت نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان. *روان‌شناسی و دین*، ۱۶(۴)، ۸۵-۱۰۰.
- فولاد چنگ، م. و قدومی‌زاده، ف. (۱۳۹۴). واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی دانشجویان در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و گرایش به تفکر انتقادی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۱۳۲-۱۰۷.
- کوروش‌نیا، م.؛ مزیدی، م. و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات ادراک شده در خانواده و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان. *دانشجویان انسانیهای نوین تربیتی*، ۳(۴)، ۴۵-۶۶.
- نجبی‌زاده، آ.غ. اسکندری، ح.غ. خلعتبری، ج. و کرمی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). تحول هویت در بافت فرهنگی: کلان روایات ایران. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۳(۴)، ۱-۳۳.
- هاشمی، ل. و لطفیان، م. (۱۳۹۱). پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنخار و نوروتیک دختران توسط ابعاد کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده. *خانواده‌پژوهی*، ۸(۴)، ۴۰۵-۴۲۵.
- Adams, M. D. (2018). Religious perfectionism: Utilizing models of perfectionism in treating religious clients. *Issues in Religion and Psychotherapy*, 39(1), 10.

- Adzovie, R. H. & Adzovie, D. E. (2020). Family communication patterns and adolescent sexual and reproductive health: experiences from coastal communities in Ghana. *Technium Social Sciences Journal*, 9(1), 195–210.
- Aghababaei, N. & Lueke, N. A. (2023). Well-being and the circumplex religious orientation in Iran. *Current Psychology*, 42(18), 15742–15751.
- Aghababaei, N., Krauss, S. W., Aminikhoo, M. & Isaak, S. L. (2019). The Circumplex Religious Orientation Inventory: Validity and reliability of a new approach to religious orientation in a Muslim population. *Psychology of Religion and Spirituality*, 11(4), 350-357.
- Allport, G. W. & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5(4), 432.
- Aloria, L. S. (2020). Parent-child relationship satisfaction: The influence of family communication orientations and relational maintenance behaviors. *The Family Journal*, 28(1), 83-89.
- Ashby, J. S. & Huffman, J. (1999). Religious orientation and multidimensional perfectionism: Relationships and implications. *Counseling and Values*, 43(3), 178-188.
- Bergman, A. J., Nyland, J. E. & Burns, L. R. (2007). Correlates with perfectionism and the utility of a dual process model. *Personality and Individual Differences*, 43(2), 389-399.
- Bostwick, E. N. & Johnson, A. J. (2018). Family secrets: The roles of family communication patterns and conflict styles between parents and young adult children. *Communication Reports*, 31(2), 91-102.
- Bradshaw, M. (2021). Understanding motivations to attend various sized churches: A study using family communication patterns, expectancy violations, and anxiety to predict church attendance. Unpublished Thesis. James Madison University.
- Burris, C. T. & Tarpley, W. R. (1998). Religion as being: Preliminary validation of the Immanence scale. *Journal of Research in Personality*, 32(1), 55-79.
- Carmo, C., Oliveira, D., Brás, M. & Faísca, L. (2021). The influence of parental perfectionism and parenting styles on child perfectionism. *Children*, 8(9), 777.
- Compton, J. & Craig, E. A. (2019). Family communication patterns, inoculation theory, and adolescent substance-abuse prevention: Harnessing post-inoculation talk and family communication environments to spread positive influence. *Journal of Family Theory & Review*, 11(2), 277-288.
- Dollahite, D. C., Marks, L. D. & Dalton, H. (2018). Why religion helps and harms families: A conceptual model of a system of dualities at the nexus of faith and family life. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 219-241.
- Enns, M. W., Cox, B. J. & Clara, I. (2002). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences*, 33(6), 921-935.
- Fife, E. M., Leigh Nelson, C. & Messersmith, A. S. (2014). The influence of family communication patterns on religious orientation among college students. *Journal of Family Communication*, 14(1), 72-84.
- Fisher, J. W. (2010). *Spiritual health: Its nature and place in the school curriculum*. UoM Custom Book Centre.
- Fitzpatrick, M. A. & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20(3), 275-301.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). Family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4(3-4), 167-179.
- Geovani, L. & Aditya, Y. (2021). The influence of religious orientation on maladaptive perfectionism among perfectionist college students. *Jurnal Psikologi Ulayat*, 8(2), 330-342.
- Guadagnoli, E. & Velicer, W. F. (1988). Relation of sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103(2), 265.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology: A Journal of Human Behavior*, 15(1), 27–33.
- Hathaway, W. (2016). Religion as a Potentiator in Human Motivation. Paper presented at the Division 36.
- Heise, R. G., & Steitz, J. A. (1991). Religious perfectionism versus spiritual growth. *Counseling and Values*, 36(1), 11-18.

- Hewitt, P. L., Smith, M. M., Ge, S. Y., Mössler, M. & Flett, G. L. (2022). Perfectionism and its role in depressive disorders. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 54(2), 121.
- Hill, P. C., Smith, E. & Sandage, S. J. (2013). Religious and spiritual motivations in clinical practice. In *The psychology of religion and spirituality for clinicians* (p. 69-99). Routledge.
- Ikhwan, A., Biantoro, O. F. & Rohmad, A. (2019). The Role of the Family in Internalizing Islamic Values. *Dinamika Ilmu*, 19(2), 323-335.
- Isaak, S. L., James, J. R., Radeke, M. K., Krauss, S. W., Schuler, K. L. & Schuler, E. R. (2017). Assessing religious orientations: Replication and validation of the Commitment-Reflectivity Circumplex (CRC) model. *Religions*, 8(10), 208.
- Kawamura, K. Y., Frost, R. O. & Harmatz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32(2), 317-327.
- Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication theory*, 12(1), 70-91.
- Koerner, A. F. & Schrotz, P. (2014). An introduction to the special issue on family communication patterns theory. *Journal of Family Communication*, 14(1), 1-15.
- Koerner, F. A. & Mary Anne, F. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association*, 26(1), 36-65.
- Krauss, S. W. & Hood Jr, R. W. (2013). *A new approach to religious orientation: The commitment-reflectivity circumplex* (Vol. 16). Rodopi.
- Krok, D. (2018). Examining the role of religion in a family setting: religious attitudes and quality of life among parents and their adolescent children. *Journal of Family Studies*, 24(3), 203-218.
- McLeod, J. & Chaffee, S. (1972). The construction of social reality. In, JT Tiedeschi (ed.), *The social influence process* (p. 50-99).
- Mebane, D. L. & Ridley, C. R. (1988). The role-sending of perfectionism: Overcoming counterfeit spirituality. *Journal of Psychology and Theology*, 16(4), 332-339.
- Nachimson, S. L. (2021). *Adaptive and Maladaptive Perfectionism in Jewish Adults: Associations with Religious Practice, Intrinsic Religiosity, and Subjective Well-Being*. Unpublished Doctoral Dissertation. Hofstra University.
- Park, C. L. & Van Tongeren, D. R. (2022). Meaning as a framework for integrating positive psychology and the psychology of religiousness and spirituality. In *Handbook of Positive Psychology, Religion, and Spirituality* (p. 83-96). Cham: Springer International Publishing.
- Petro, M. R., Rich, E. G., Erasmus, C. & Roman, N. V. (2018). The effect of religion on parenting in order to guide parents in the way they parent: a systematic review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 20(2), 114-139.
- Rasmussen, K. E. & Troilo, J. (2016). "It has to be perfect!": The development of perfectionism and the family system. *Journal of Family Theory & Review*, 8(2), 154-172.
- Richardson, P. (2014). Spirituality, religion and palliative care. *Annals Of Palliative Medicine*, 3(3), 150-159.
- Schuler, P. A. (1999). *Voices of perfectionism: perfectionistic gifted adolescents a rural middle school*. (research monograph 99140). Storrs, CT: University of Connecticut, The National Research Center on the Gifted and Talented.
- Timpe, R. L. (1983). Ritualizations and ritualisms in religious development: A psychosocial perspective. *Journal of Psychology and Theology*, 11(4), 311-317.
- Umberson, D. & Thomeer, M. B. (2020). Family matters: Research on family ties and health, 2010 to 2020. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 404-419.
- Vieten, C. & Lukoff, D. (2022). Spiritual and religious competencies in psychology. *American Psychologist*, 77(1), 26.
- Vieth, A. Z. & Trull, T. J. (1999). Family patterns of perfectionism: An examination of college students and their parents. *Journal of personality assessment*, 72(1), 49-67.
- Walton, G. E., Hibbard, D. R., Coughlin, C. & Coyl-Shepherd, D. D. (2020). Parenting, personality, and culture as predictors of perfectionism. *Current Psychology*, 39, 681-693.
- Wang, L., Wong, Y. J. & Chung, Y. B. (2018). Family perfectionism, shame, and mental health among Asian American and Asian international emerging adults: Mediating and moderating relationships. *Asian American Journal of Psychology*, 9(2), 117.



## **Contents**

<b>The Subject Matter of Islamic Psychology, Its Challenges and Its Future Horizons.....</b>	<b>7</b>
Rahim Naroui Nosrati	
<b>Finding a Conceptual Model of Cognitive Errors in the Teachings of the Holy Quran.....</b>	<b>33</b>
Milad Shamakhte / Mohammed Reza Ahmadi Mohammadabadi	
<b>The effectiveness of spiritual transformation education on spiritual attitude.....</b>	<b>53</b>
Mohammad Reza Hatami	
<b>Construction, validation and exploratory and confirmatory factor analysis of positive and negative image questionnaire of God based on Islamic sources .....</b>	<b>65</b>
Ahad Omidi	
<b>Designing Psychological Educational Package for Facilitating Juveniles' Religious Identification and Investigating its Validity .....</b>	<b>85</b>
Mohsen Motallebi Korbekandi / Najibollah Nouri	
<b>Developing a Theoretical Model of Sex Education Based on Islamic Thought.....</b>	<b>111</b>
Navid Khakbazan / Ali Abutorabi / Hami Rafiei Honar	
<b>Development of an educational-psychological package for spiritual self-esteem with an Islamic approach and its Feasibility study in mental well-being .....</b>	<b>143</b>
Mohammad Ghanbari / Mohammad Reza Jahangirzadeh / Mohammad Farhoosh	
<b>The effectiveness of spiritual therapy counseling program on academic excitement and academic self-concept of students Single parent families.....</b>	<b>163</b>
Reza Sheibanifar / Soheil Hashemi / Sajjad Ghasemi / Zeinab Omidvari	
<b>The Indices of the Girls' Pre-marriage Readiness with an Emphasis on Islamic Sources.....</b>	<b>181</b>
Faezeh Sadat Mousavi / Hadi Hosseinkhani / Abdolahad Eslami	
<b>The Prediction of Life-Satisfaction based on Self-Control and Resilience.....</b>	<b>205</b>
Saeed Ebadi / Hassan Taghian / Zahra Qamari Douzandeh	
<b>Predicting Family Efficiency Based on Couples' Differentiation, and Emotional Empathy with the Mediating Role of Marital Boundaries.....</b>	<b>217</b>
Fatemeh Shirchi / Jafar Hoshyari	
<b>Prediction of Commitment -Reflectivity Circumplex (CRC) religious orientation based on Family communications patterns (FCP) on student with the mediating role of perfectionism .....</b>	<b>239</b>
Majid Hezari / Naser Aghababaei / Amir Ali Mazandarani	

## In the Name of Allah

**Islam & Psychological Research**

**Vol.10, No. 22**

**Two Quarterly Journal of Psychology**

**Fall & Winter 2024-25**

**Proprietor:** Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

**Managing director:** Dr. Mohammad Javad Zarean

**Editor in Chief:** Dr. Mohammad Reza Ahmadi

**Executive Secretary:** Amir Erfani Nejad

### **Editorial Board**

**Hujjat ul\_Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** IKI

**Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** Tehran University

**Hujjat ul\_Islam Dr. Mohammad Javad Zarean:** Academic Institute for Ethics And Education

**Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad:** Research Institute of Howza Wa Daneshgah

**Dr. Ali Fathi Ashtiani:** Baqiyatallah University

**Hujjat ul\_Islam Dr. Mohammad Kaviani:** Research Institute of Howza Wa Daneshgah

**Hujjat ul\_Islam Dr. Rahim Narouei:** IKI

**Hujjat ul\_Islam Dr. Mahmood Nozari:** Research Institute of Howza Wa Daneshgah

---

ADDRESS:

### **The High Institute of Ethics and Education**

**No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadoqi Blvd, Qom, Iran**

**Postcode: 3716715545**

**Tel: +982532918444**

**Fax: +982523922239**

**[www.ipr.ueae.ir](http://www.ipr.ueae.ir)**

**pajooohesh.ueae@gmail.com**